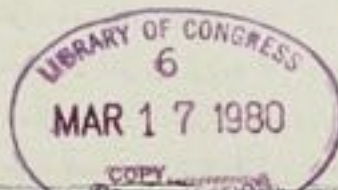


شنبه ۲۰ دلو ۱۳۵۸
۹ فروری ۱۹۸۰

A-P
77-938031

ون



15521/027lyco

پہلچرخہ یادداشتنا کترین شکندہ گاہ قرن

(صفحہ ۶)



Ketabton.com

جمناسٹیک مدرن و با آنچ
را کہ المپیک فاقد آنست
(صفحہ ۴)

رمز سخنگوی حیوانات
(صفحہ ۶)



مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر-
 میدهد بیامی از جانب ببرک کارمل منشی عمومی
 کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
 رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری
 دموکراتیک افغانستان عنوانی رهبر جلیل الذکر
 ملت برادرمان ایران حضرت آیت الله امام
 خمینی به تمنای اعاده صحت جناب شان به
 تهران مخابره گردیده است .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر-
 میدهد ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
 حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای
 انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغا-
 نستان ساعت ۱۰ قبل از ظهر ۱۴ دلو جلالتماپ
 جسکاران سنگه تيجا سفیر کبیر جمهوری هند
 راجهت ملاقات تعارفی در مقر شورای انقلابی
 پذیرفتند .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر-
 میدهد اسد الله سروری معاون شورای انقلابی
 ومعاون صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان
 ساعت یازده و پنجاه و پنج دقیقه قبل از ظهر
 ۱۷ دلو باجلالتماپ جسکاران سنگه تيجا سفیر-
 کبیر جمهوری هند در کابل درمقر صدارت
 ملاقات تعارفی نمود .

طی این ملاقات روی موضوعات مورد علاقه
 بحث و مذاکره صورت گرفت .

انجنیر نظر محمد وزیر فواید عامه ظهر ۱۳
 دلو بایک تعداد از آهرین پروژه هاودوایسر
 مرکزی ریاست آبرسانی وکانالیزاسیون وریاست
 کوپراتیف تهیه مسکن وزارت فواید عامه
 دردفتر تاراش ملاقات ودر اطراف پروگرامهای
 آنوزارت در سکتور آبرسانی و تهیه مسکن
 مذاکره کرد .

قرار داد پنجاه و سه پایه ماشین آلات طباعتی
 کهک بلاعوض اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
 به جمهوری دموکراتیک افغانستان بعداز ظهر
 ۱۶ دلو در وزارت اطلاعات و کلتور امضا گردید .
 قرار داد راز طرف جمهوری دموکراتیک

افغانستان در حالیکه عبدالهجید سر بلند وزیر
 اطلاعات و کلتور نیز حاضر بود محمد عوض نی-
 زاده کارگر رئیس عمومی مطابع دولتی وازجانب
 اتحاد شوروی یوری سر کیویچ سلویا نوف
 نماینده اتحادیه نظامش اکسپورت آن کشور در
 کابل امضاء نموده و اسناد مربوطه را تبادل
 کردند .

جمهوریت مردم هنگری چارده پایه ماشین
 اکسریز به صورت بلاعوض به افغانستان کهک
 نموده است .

استاد مربوط باین مساعدت را جلالتماپ
 دیزوکیش سفیر کبیر جمهوری مردم هنگری
 در کابل بعداز ظهر ۱۷ دلو به پوهاند دکتر
 محمد ابراهیم عظیم وزیر صحت عامه دردفتر
 کارش تفویض نمود که باابراز تشکر قبول
 شد .

محمد خان جلالتماپ وزیر تجارت که درراس
 هیاتی برای انجام مذاکرات تجارتی به تاریخ
 ده دلو به اتحاد شوروی رفته بود بعداز ظهر
 ۱۷ دلو به کابل باز گشت .

یورد عالی اصلاحات ارضی بتاسی از بیانیه
 مورخ ده دلو ۱۳۵۸ ببرک کارمل منشی عمومی کمیته
 مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس
 شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
 افغانستان ساعت ده قبل از ظهر ۱۷ دلو تحت
 ریاست رئیس توزیع واسکان و معین سرپرست
 اداره اصلاحات ارضی تشکیل جلسه داد .

اختتامه وقایع مهمه منته

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر
 میدهد شاه محمد دوست وزیر امور خارجه
 جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت سه بعد
 ازظهر ۱۷ دلو جلالتماپ سلندرا کمار سنگه
 نماینده خاص حکومت جمهوری هند وادیشنل
 سکرتری دروزارت امور خارجه جمهوری هندرا
 درحالیکه جلالتماپ جسکاران سنگه تيجا سفیر
 کبیر جمهوری هند در کابل نیز حاضر بود
 دروزارت امور خارجه ملاقات تعارفی نمود، طی
 این ملاقات پیرامون موضوعات مورد علاقه دو
 جانب واوضاع منطقه تبادل افکار بعمل آمد .

دگرمن محمد رفیع وزیر دفاع ملی ساعت
 ده قبل از ظهر ۱۷ دلو دردفتر کارش باجلالتماپ
 ادوارد راجی سفیر کبیر جمهوری مردمبولند
 در کابل ملاقات نمود .

طی این ملاقات پیرامون موضوعات مورد علاقه
 بحث و مذاکره بعمل آمد .

پوهنمل گلداد وزیر تحصیلات عالی و مسلکی
 ساعت ده قبل از ظهر ۱۷ دلو دردفتر کارش
 باجلالتماپ راول گارسیه پلاز سفیر کبیر
 جمهوری کیوبا در کابل ملاقات تعارفی نمود .

انجنیر محمد اسماعیل دانش وزیر معاین
 و صنایع بعداز اشتراک در جلسه عمومی انکشاف
 صنایع که از طرف ملل متحد در دهلی جدید
 دایر شده بود قبل از ظهر ۱۶ دلو به کابل
 باز گشت .

در میدان هوایی بین المللی کابل معینان
 وزارت معادن و صنایع و نماینده ریاست تشریفات
 وزارت امور خارجه از وی استقبال کردند .

سید محمد گلاب زوی وزیر امور داخله بعداز
 ظهر ۱۷ دلو در ریاست طرح و ساختمان بناورالی
 کابل از ماستر پلان ۲۵ ساله شیر کابسل
 دیدن نمود .

یک هیات جمهوری دموکراتیک آلمان بریاست
 هاینس زکسی معین وزارت تجارت خارجی آن
 کشور قبل از ظهر ۱۷ دلو وارد کابل
 گردید .

قرار است هیات در مدت اقامتش در افغا-
 نستان با مقامات افغانی پیرامون همکاری های
 اقتصادی بین جمهوری دموکراتیک افغانستان
 و جمهوری دموکراتیک آلمان مذاکراتی انجام
 داده ودر زمینه موافقتنامه باعضا برساند .

نماینده اتحاد شوروی روز ۱۶ دلو در جلسه
 کمیته خلق سلاح در زنیو گنت اتحاد شوروی
 جلوگیری از مسابقات تسلیحاتی را عامل عمده
 رسیدن به خلق سلاح و مشکلاتی که بشریت
 به آن مواجه است تلقی می نماید او گفت هیچ
 چیز اتحاد شوروی راز موقوف آتایت اودر مقابل
 دیتانت مانع شده نمی تواند .

شورای صلح جهانی سازمان های ملی
 بیش از یکصدوسی کشور وابسته به آن تکرانی
 عمیق شانرا نسبت به وخامت اوضاع بین المللی
 ابراز داشته اند .

این مطلب را، رامش چندرا رئیس شورای
 صلح جهانی روز ۱۶ دلو طی کنفرانس مطبوعاتی
 در دهلی جدید اظهار کرد .

حکومت امریکا به تیره ساختن اوضاع واز دیاد
 موجودیت نظامی خود درحوزه خلیج ادامه میدهد .
 هارولد براون وزیر دفاع امریکا در مصاحبه
 با مجله یورنیس نیوز اندورلد ریپورت گفته است
 آن کشور یونت های نظامی را بوجود آورده
 است که به زود ترین فرصت آماده خدمت
 شده ودر هر منطقه مطلوب از طریق هوا با تمام
 وسایل و تجهیزات انتقال داده شده می توانند .

کمیسیون اجرایی اتحادیه یک صد و چهل و یک
 کمیته ملی المپیک متفقا علیه تقاضای جیمی
 کارتر رئیس جمهور امریکامبنی بر تحریم بازیهای
 المپیک درمسکو رای داده است .

اتحادیه از کمیته بین المللی المپیک خواسته
 تا از هر گونه اعمال نفوذ خارجی در نهفت
 المپیک جلوگیری نماید .

یوریس پانا ماریوف منشی کمیته مرکزی
 حزب کمونسنت اتحاد شوروی اظهار داشت که آن
 کشور در افغانستان هیچ نوع تمایل غرض
 آلود ندارد پاکستان و ایران را تهدید نمی کند
 نمی خواهد طوریکه امریکالست ها ادعای کنند
 برخلیج فارس دست یابد .

رشید الدین خان عضو پارلمان هند و پروفیسر
 پوهنتون جواهر لال نهرو در دهلی جدید گفته
 است .

دخالت ایالات متحده امریکا درامسور
 افغانستان جز ستراتیژی امریکا برای تسلط
 بر جهان می باشد .

وی طی مصاحبه بی با مجله پانوراما تایید کرد
 که مداخله امریکا در افغانستان به اشتراک چین
 و پاکستان علت اصلی افزایش تشنج در بحیره
 عرب می باشد .

لیونید بریزنف منشی عمومی کمیته مرکزی
 حزب کمونسنت و صدر هیات رئیسه شورای عالی
 اتحاد شوروی ۱۵ دلو در مسکو گفت در حال
 حاضر مردم جهان یک داعیه مشترک دارند و آن
 غلبه بر تشنجاتی است که یکبار دیگر روابط
 بین المللی را تحت الشعاع قرار داده است .

رئیس حزب پیشرو دنمارک هیا هوپی راکه
 به بهانه تحولات افغانستان براه افتاده است
 حبله بی برای تخریب دست آورد های تشنج
 زدایی بمقصد احیای قضای جنگ سرد دانسته
 است .

وی ضمن مصاحبه بانماینده تلویزیون شوروی
 یاد آور شد که تحریکاتی قبل ازین حوادث گناره
 گیری خود را از سیاست دیتانت آغاز نموده و این
 همه ثابت می سازد که هدف از جنجال کنونی
 تنها پرده انداختن بر منشی تجاوز کارانه
 امپریالیزم می باشد .

وی این ادعا عارا که تحولات افغانستان محویا
 صلح را تهدید می نماید مستخرم خواند .

سفر بریزنسکی مشاور امنیت ملی کارتر
 به پاکستان و گفتگو های او با مقامات اسلام
 آباد یکبار دیگر به اثبات رسانید که ایالات
 متحده امریکا می خواهد پاکستان را به عامل
 اجرای نقشه های تجاوز گرانه خود در منطقه
 تبدیل کند .



«اکنون عمده ترین مطلب که در برابر خلق کشور قرار گرفته دفاع از انقلاب در برابر ضدانقلاب داخلی و مداخله گران امپریالیستی است و حزب دموکراتیک خلق افغانستان در پیشاپیش این مبارزه قهرمانانه و شجاع و دلیر قرار دارد»

«بیرک کارمل»

شنبه ۲۰ دلو ۱۳۵۸ . ۹ فبروری ۱۹۸۰

امپریالیزم امریکانقشه های شومش را در پرده انسان دوستی می پوشاند



سیاست همزیستی مسالمت آمیز

• • •

دوباره سودمندی هنر

• • •

خواهر ناسی جو روی اوتاسی نری

• • •

پرورش گاه مار

• • •

رهنمایی برای کسانی که میخواهند

شوهر بگیرند

• • •

خاطراتی از لندن بلجرجی

• • •

اسرار جیبیل طلایی

• • •

به پرمختیایی هیوادو نوکی دفعطی سره

مبارزه

• • •

اوبدنیا آمد تا هنر رقص رابه اوج آن رساند

• • •

تأثیرات نوعیت بازیچه ها بالای انکشاف

روحی اطفال

• • •

شرح روی جلد :

اثر یقایی وطنپرست «بچرم»

سیاهی رنگ پو ستش دریکی

از زندانهای مرگبار زنژاد پر

ستان افریقای جنو بی

• • •

عکس پشتی اخیر :

آهوی زیبای مارکو پولو رابا

میرگنان در پامیر نشان میدهد

که توسط محترم خرمی از ریاست

مگر زندگی تهیه گردیده است

شرح تابلوی متن :

یکی از زنان قهرمان افغانستان را نشان میدهد

— چرا انتقام کشتارها و قتل عامهای

وینامی های بیگناه را از خود امپریالیزم

امریکا نمی جویند ؟

و چرا از جنایات امین فاشیست و دارو دسته

جنایتکار آن حتی نامی نمی برند ؟

پس واضح است که نزد امپریالیزم امریکا

که خود در راس همه جنایات قرار دارد و

مسئول عام و تام آنست موضوع دفاع از حق و عدالت

مطرح نیست و تنها مطلب «دفع کردن تنور

است تا نان شازرا در آن بپزد» مهم نیست

که بجای هیزم در آن انسان بسوزد یا هست

و بود منطقه !

ما چنانکه بارها اعلام نموده ایم که خواهان

همسانی نیک و صلح و ثبات منطقه هستیم

و همانگونه که عدم مداخله را در امور دیگران

محترم می شماریم به هیچ کس اجازه نخواهیم

داد نادر امور داخلی مداخله نماید .

خلق افغانستان امپریالیزم انگلیس را بعین

دشمن دیرین خویش می شناسد و از زفوتند

های امپریالیزم امریکا با امین خوئریز و بانده

فاسد وی بخوبی آگاه شده اند و حاضر نیستند

تا آزموده بیازمایند .

پس بر خلقهای منطقه خصوصا بر خلق

پاکستان است که «پلنگان را در لباس ملنگان»

با خصلت درنده خویشی آنها بخوبی

شناسند و اجازه ندهند تا اجرا کنندگان

نقشه های شوم امپریالیزم ، خاکشان را به

پایگاه نظامی جنایتکاران و محل تلاقی

جنگ طلبان مبدل سازند زیرا عواقب آن

آتش خواهد بود و مصیبت بار !

کرده و میدانند که پشت این دانه ها چه

دامهای وحشتناکی گسترده اند و از خلقهای

منطقه بخصوص خلقهای پاکستان و افغانستان

چه میخواهند ؟

آیا بازدید های مفرضانه معاون وزیر

دفاع امریکا، مشاور امنیت ملی آقای کارتر،

وزیر خارجه انگلستان و وزیر خارجه چین

از پاکستان و کمک چار صد ملیون دلاری

امریکا جهت مسلح ساختن پاکستان برای چه

منظوری صورت گرفته است بجز از تهیه و

تدارک نقشه های جنگی ، تجاوز بر خاک

افغانستان و به آتش کشیدن منطقه و آیا

آنها بیکه از کمپ های تخریب کساران و

زوریستان دیدن می نمایند و به ملیونادالر

در تجهیز و تربیه آنها به مصرف میرسانند

حائم طایبی های عصر خویش اند و یا اغراضی

شوم و مرگباری هم در قبال دارند ؟

اگر این عالیجنابان داد از انسان دوستی

میزند پس چرا امپریالیزم امریکا و

صهیونستان اسرائیل را که سرزمین چار ملیون

فلسطینی را غصب نموده اند و به کشتار های

دسته جمعی آنها مبادرت ورزیدند و ادار به

تخلیه نمی سازند و به داد حقوق حقه مردم

فلسطین گوش نمیدهند ؟

— چرا پنجاله های جنایتکاران و نژاد پرستان

افریقای جنوبی را از گلولی و ظنبرستان

افریقای دور نمی سازند ؟

— چرا خونبهای آلیتده و هزاران انسان

بیگناه چیلی را از رژیم جنایتکار بنوچت

نمی خواهند ؟

یک دیدسطحی و گذرابر ماهیت امپریالیزم

این واقعیت را با ثبات میرساند که امپریالیزم

در تلاش بجز از چپاول و تاراج هستی خلقهای

سراسر جهان به هیچ چیزی دیگری نماندشیده

و نه تنها خود درصدد آن بوده است، که

ثروت های مادی و معنوی مستضعفین جهانی

غارت نماید بلکه با تلافیهای مذبحوحانه

و سرسام آور در پی آنست تا از غاصبان ،

چپاولگران و همه دشمنان بشریت مفرح جاکه

باشند پشتیبانی نموده و ثبقت های مترقی را

خفه نماید، زیرا این سیستم جهانخوار را

اساس بر آنست تا هستی خود را در نیستی

دیگران بجوید و برای بر آورده شدن این

منظور غیر انسانی و ضد بشری اش از هیچ

وسيله ممکن دریغ نوزد و لوبریختن خون

هزاران انسان بی دفاع و بیگناه هم تمام شود .

اما نقطه قابل توجه در اینجاست که

امپریالیزم جنایتکار امریکا که در جهان

کنونی سردمدار این سیستم نارتگر است

و به ماهیت سیستم چپاولگرش موگند خورده

تا از دشمنان انسانیت حمایه و پشتیبانی نماید،

اکنون بشر دوست و نوع پرور شده است

و در غصه با اصطلاح «مهاجرین افغانی» خویش

نمی برد ! و روی همین منظور در دست گذاری

مخالف ارتجاعی پاکستان و نظامیان ملیتاریستی

آن، که بطرف همه مرتجعین و امپریالیستان

بین المللی فراز گردیده تحت نام با اصطلاح

کمک به «پناه گزینان افغانی» به صد ها

ملیون دالر میگذارد .

باید اظهار داشت که همه خلقهای جهان

جهان را بنگریم. با دیده بی ژرف و او بز کتیف رو یداد های آنرا در طول تاریخ و رسی کنیم. خاطرات مردم را در طول تاریخ ارزیابی نمائیم. بسیار دور نمی رویم این نگرش خود را به بر رسی واقعات جنگ جهانی دوم و بعد از آن محدود می سازیم. علت انشائی همه جنگ ها و از جمله جنگ بین المللی دوم همان تضاد منافع مردم و دشمنان مردم و تصادم این منافع می باشد که بحکم تاریخ نتیجه ای از این تصادم بنفع مردم و بضرر دشمنان مردم می انجامد.

پس از آنکه امپریالیزم فرزند ناخلف و خود سری (فاشیسم) رابه جهان نیان تحویل داد و به آن مامور

این جنگ تجا و ز کارا نه ای امپریالیستی تمام شد سیستم یکسوری مما لك صلح جوو مترقی به سیستم جهانی تبدیل شد. نهضت های آزاد بخش ملی اوج گرفت، طو- ماراستعمار کهنه ای امپریالیستی واستعماری در م پیچیدوندای آزادی خواهانها نه از کران تا به کران گیتی اوج گرفت و بیچید.

چون درین جنگ و در اثر نتایج آن ضرر به گیچکننده ای به امپریالیزم وارد آمده بود. برای اینکه خود را از تلاشی کلی و نا بسودی نجات دهد به تکاپو افتاد و این تکاپو جز بکار بردن حیلها و نیرنگ هاو چال بازی ها چیز دیگری نبود. درین نیرنگ امپریالیزم امریکا مامور فعالیت در اروپا و افریقا گردید و امپریالیزم کهنه کار انگلیس

تا ریخ شنا هداست که :

امپریالیزم عمده ترین و مغرض ترین دشمن بشریت و از جمله اسلام است

ریت قلع و قمع و؟ او لین کشور صلح خواه و پشتیبان نهضت های رهایی بخش و آزادی خواه جهانی را داد. زما مداران آنوقت ممالک امپریالیستی از یک واقعیت دیگر نا آگاه بودند و آن اینکه رهایی لجام این وحشی هیچکسی حتی هم مسلمانان را نیز آرام نخواهد گذاشت و درین موضوع خود تضاد میان ممالک امپریالیستی محرك واقعی می باشد.

نتیجه ای وحشت و جنگ افروزی فاشیسم و نازیسم بر خلاف پیش بینی چرچل ها و روزولت ها چیزی دیگری از آب بدر آمد. بعد از آنکه

مامور فعالیت های استعماری در آسیا و افریقا گردیدند. امپریالیزم انگلیس یعنی این گریک انسان در لباس چوپان شتافت و او لین تخم نفاق و استعمار را در متصرفات خود و در قدم اول در بین خلق کبیر نیم قاره (هندو-ستان با بهارت) پاشید. امپریالیزم محیل انگلیس بعد از آنکه در زیر فشار مبارزات خلق کبیر نیم قاره بزانو در آمده و او دار به شکست شده بود نخواست که بدون زهر پاشی بگذارد که مردم آن سرزمین مصروف حیات و تعمیر کشور بلا کشیده ای خود شوند ولی این عمل امپریالیزم دور از انتظار نبود زیرا خاصیت طینت و

نقشه ای این بلای انسانی همین طور است. امپریالیزم انگلیسی برای پیاده کردن نقشه های استعماری خود از احساسات پاک دینی مردم نیم قاره سو استفاده کرد و این سرزمین واحد را بنام هندو و مسلمان دو پارچه نمود و آنهم طوری که زمینه ای بهم اندازی ها و ایجاد نفاق سهل و آسان باشد. آیا ملت های هندو با کستان فراموش خواهند کرد که امپریالیزم به مثابه عمده ترین دشمن بشریت تخم نفاق و جنگ را بین شان کشت نمود و در اثر همین عوامل وطنی چندین جنگ خانمانسوز صدها انسان بیگناه از د و طرف کشته شدند و ملیونها دالری پول بهر دو طرف خساره وارد شد. هم چنان استعمار انگلیس در طی یکتیم صد سال حکمروایی جا برانهد و استعمار گرانهای خود چون زانو خون خلق های هندو، مسلمان و دیگر ملیت ها و اقوام نیم قاره را میکند و صنایع محلی و روستایی آنها را در هم شکست.

در شرق میانه نیز این امر پریالیزم بود که اولاً کشور های این منطقه را تحت سطره استعماری خویش در آورد و طی چندین دهه ممالک عربی مانند مصر، عراق، اردن و غیره را در اشغال استعمار گران خود داشت و بعد از آنکه این خلقها بر ضد استعمار شوریدند و زنجیر اسارت مستقیم آنها را گسستند و بدور انداختند. امپریالیزم محیل و بو قلمون از راه دیگری در آمد و بزرگترین دشمنی تا ریخ را بر حق عرب و بخصوص خلق عرب فلسطین روا داشت و آن آواره نمودن این خلق و از کاشانه را ندن آن بود.

امپریالیزم جهانی به اینهم بسنده نشد و آوارگیه خلق مصر آزادی کمال سو یز ویا آبراه ملکیت خود را ملی اعلام داشت حمله ای مثلثی بر مصر نمود و طی این حمله از بمباردمان و ویران نمودن شفاخانه ها، مکاتب، کودکستانها، مساجد و شهر های پر نفوس در یخ نورزیدند. درین حمله صهیونیسم (که قبلاً از طرف امپریالیزم به مثابه سنگ زنجیری و زاندا ریم تا دندان مسلح در سرزمین عرب فلسطین جا یگزین شده بود) نخستین نمک حلالی!!

خود را در خدمت حامی و با د ار خود انجام داد. عکذا باید متذکر شد که اگر درین حادثه اتحاد شو روی به مثابه دوست واقعی عرب به کمک خلق مصر نمی شتافت و نیروهای تجا و زکر را بجایش نمی نشاند صدمات و عوارض و خیمی دامنگیر ملت مصر می شد.

چون امپریالیزم درین جنگ با دندان شکسته و نا کام برگشته بود بار دوم به تحریک دولت دست نشاند خود پرداخت و در سال ۱۹۶۷ اسرائیل با تجا و زکر سرزمین های عربی (مصر، سوریه، اردن) بخش وسیعی ازین ممالک را در اختیار خود در آورد و هر چه بیشتر به آزار و دریداری خلق عرب خصوصاً خلق سرزمین های اشغالی پرداخت و با وجود فیصله های شورای امنیت م، مبنی بر خروج فوری قوای خارجی از سرزمین های عرب، خیره، سرانه به اشغال مذکور ادامه می دهد و علت تشنج کننده این خیرم سری کمک های بی حد و حصر و پشتیبانی دپلوما تیک امپریالیزم و در راس امپریالیزم امریکا می باشد.

امپریالیزم با تائید، تا کید، تحریک و تسلیح صهیونیسم جنگ تجا و زکارا نه ای دیگری را نیز در سال ۱۹۷۳ بر خلق عرب تحمیل نمود که خسارات و تلفات بیشماری را ببار آورد. باز هم امپریالیزم به این بسنده نشد و دست به یکسلسله اعمال تجا و زگرانه و اها نت آمیز دیگر نیز زد و آن به آتش کشیدن مسجد اقصی یا اولین کعبه مسلمانان جهان میباشد و همین حالا نیز علاوه بر اشغال سرزمین های عرب و ایجاد وحشت و آوارگی ملت بیچاره و صلح خواه لبنان نیز هر روز بخاک و خون کشانیده میشود و زرا-دخانه های امپریالیزم و در قسم اول امپریالیزم امریکا مقادیر بسی پایان اسلحه تحویل این انسان-کشان صهیونیست می نماید تا هر چه بیشتر منطقه شرق میانه رابه کانون جنگ و زدو خورد مبدل سازد.

اعمال و تجاوز گریهای امپریالیزم حقوق بشر شنا س! امریکا در سرزمین ویتنام از هیچکسی

بقیه در صفحه ۵۵

رسانیده و بیدار عدم سپرده بود.

درین میان خبرنگاران ، عکاسان ، فلمبرداران و راپورت‌های داخلی و خارجی آزادانه گشت و گذار میکردند و منتظر باز شدن دروازه زندان بودند.

در میان موجی از خوشی و شادمانی هزاران نفر، دروازه زندان بر وی زندانیان گشوده شد و زندانیانیکه از زیر ساطور امین سفاک جان به سلامت برده بودند هاشدند و از آغاز بر آمدن به ائشاء کردن امین جنایتکار و باند ترور ریست او پرداختند که شنیدن هر کدام از داستان‌های آنها تنها غصه آور بلکه تعجب آور بود زیرا انسان بپر اندازه سفاک و نوعکش هم باشد آخر که انسان است و تا وقتی که انسانی بسوی آسیبی نرساند و یاد رقید او گیر آید دیگر شکنجه و آزار بایان می یابد ولی بنا بگفته چند تن از زندانیان آزاد شده جور ، ظلم و ستم و هتک حرمت از طرف باند فاشیستی امین سفاک آنقدر زیاد بوده که هزاران نفر تحت شکنجه جان سپرده



هزاران نفر از مردم ماکه به پیشواز زندانیان از بند رسته شتافته اند

یکی از زندانیان بلجری هنگام بر آمدن ازین باستیل جنمی به خیر نگار زوندون گفت:

دژ خیمان امین سفاک و باند جنایتکار او آنقدر زندانیان بیگناه را شکنجه میکردند که گویی بمرض سادیسم مبتلا بودند و از رنج و آزار دیگران لذت می بردند

و تعداد کثیری در زیر ساطور جام شهادت را در حالی نوشیده اند که آن صحنه هائنگ بشریت است و برای ابد باعث نفرین خلق کشور بوده و میباشد .
در نزدیک دروازه درونی محبس زن سالخورده ای بزمین افتاده بود دستش را گرفت و لسی نتوانست بیا بایستد توام با فغان و ناله چنین سر داده بود که پسرش را از خانه اش برده اند و دیگر اثری از آن ندیده است . دختر جوان این زن داغ دیده که رویش را با اشک و خون شسته بود پیش حرفش دویده گفت که اوی از غنی خیل ننگر هار است و برادرش صاحب منصب عسکری بود شب هنگام او را از پیش چشمان از حدقه برآمده زن و فرزندانش بآلت و کوب توام بموت رساندند و بردند که از آن وقت تا امروز اثری از آن دیده نشده است .

روز ۱۶ جدی که روز رهایی زندانیان ، از زندان امین جنایتکار بود ، ده ها هزار از مردم کشور از مرکز شهر و اطراف رهسپار زندان بلجری بودند و به امید اینکه مگر گمشده های خود را باز یابند ، توسط موتر ها و حتی از چند کیلومتری این باستیل جنمی بایای پیاده خود را بدهن در آغوش بیرونی زندان رسانیده بودند . در جلو محبس مذکور تا نظر کار میکرد آدم بود که معلوم میشد هر کدام ، هر خانواده و هر فردی از حاضران که شاید صد ها و هزاران آن رسیده نتوانسته بودند ، گمشده ای داشتند که برای دیدار حاضر گردیده بودند ، ولی این تلاش های نزدیک شدن بدروازه محبس و تحمل رنج مسافرت برای این منظور از نقساط دور کشور برای هزاران نفر مایوس کننده معلوم میشد زیرا واضح بود که هزاران نفر را امین سفاک زیر ساطور آدمکشی خود به شهادت

بزدان کشید و دسته دسته آنها را بگلوله بست و هزاران خانواده را برای همیشه در ماتم نشانید . آخرین قربانیان عمال جنایتکارانه امین بدنام تاریخ که خشم خلق او و باندش را مجال نداد تا آنها را نیز عقب شهیدای دیگر بفرستند با پیروزی مرحله نوین انقلاب شکوهمند تر و عفو عام و تمام بیک کار عمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم طی مراسم خاصی دروازه های زندان بروی شان گشوده شد ، با هر کسی هر چه که میگفتند ، از بیدار گریهای امین سفاک و باند جنایتکار او بود و هر قصه ای از آنها قصه ها و غصه هایی از شکنجه ها و آزارهای درمناشه زندان بانان بود که با شنیدن آنها مویرتن انسان راست میشود و هیچ انسانی نمیتواند راه گریه اش را بگیرد و آب دیده اش را نگاه دارد .

زندان بلجری این دژ جنمی که داود جلال برای دربند کشیدن و نظیرستان و تار و مدار کردن آزادی خواهان آنرا اعمار و مملو از هموطنان بیگناه ما ، گردانید ، با پیروزی انقلاب شکوهمند نور برای اولین بار دروازه های مستحکم آن باز گردید ، ولی امین میراث شوم آن به امین جنایتکار و باند ترور ریست و آدمکش آن که با انجام یک جنایت بزرگ و گرفتار شدن قدرت راهش را بسوی انجام دادن جنایات بی حساب و گشتار دسته جمعی هموطنان بیگناه ما باز کرده این اعمال جنایت کارانه او و باند آدمکشش در اذهان فرد فرد کشور عزیز ما برای همیشه بجا مانده و تا که جهان است نسل های امروز و فردا به آن نفرین می فرستند .
امین سفاک و باند جنایتکارش ، اطفال ، زنان مردان و حتی با اصطلاح در جن بست خانواده ها را در باستیل بلجری و دیگر مخفیگاه ها



زندانیان آزاد شده توسط سرویس های ملی بس زندان بلجیخی واترک گفتند



کتاب آنها فقط این بوده که از جنایات امین سفاک حمایت نمیکردند



زندانیان بلجیخی حیات دشواری راسبری می نمودند

امین سفاک و باند جنایتکار او راهی موتری شد شاهد خوشی و سرور آنها و خانواده های شان که تازه میخواست طرف شهر حرکت کند. بودند و همه در هر لحظ ای بر پیروزی های مرحله نوین انقلاب تور دعای کردند و بر باند آری، آنروز زندانیان سیاسی آزاد میشدند و قدم بدنیای آزاد می گذاشتند که هزاران نفر جنایتکار امین نفرین می فرستادند.

زن جوان در حالیکه پیشروی هر زندانی آزاد شده را میگرفت، فریاد میزد که برادرش چه شد او را چه کردید، در کجا شهید شد و ازین قبیل پرسش ها اولی هیچ کدام جوابش را نمیگفت بجز آنکه باوی میگریستند و اظهار تسلیم بوی می نمودند که این منظره دلخراش هر سنگ دلی را سر گریه می آورد و اشکها جاری میشدند.

مرزا محمد حسین خیل با شنیده بغلان هنگام خارج شدن از دروازه درونی مجلس در حالیکه بکس نسبتا سنگینی رادردست داشت در برابر سوالی چنین اظهار کرد: من در سر مزرعه خود مصروف کار بودم که چند نفر آمدند و بمن گفتند که بیایید یکبار بولایت مربوط بروید، من جزء قبول این پیشنهاد دیگر چاره ای نداشتم ناچار با ایشان رفتم آن زمان مسرا در اطاقی حبس کردند و بعد شب هنگام آمدند بوی شکنجه گاه انتقال کم دادند از عمل اب شکنجه چه عرض کنم، شکنجه چه که هنگام حرمت رواداستند و فحش هایی نثارم کردند من بالحاح وزاری گفتم: آخر چه کرده ام! می لت و کوبم می کردند و می گفتند که: دیگر با فلان و بجهان صحبت می کنی! و دیگر بعد ازین هم از پیشروی ما بر اعتنای گذری و ازین قبیل سخنان که انسان را بحیرت می انداخت.

زندانیان آزاد شدند، خوشی و شادمانی و وابستگی شان نمودار این حقیقت بوده که دیگر ظلم و ستم و آدم کشی از کشور ما رخت سفریسته و جایش را به صلح، آسئ و کار و فعالیت دست جمعی برای شکوفان گردیدن افغانستان عزیز رها کرده است.

شکنجه و آزار در بغلان با تمام نرسیده بود، مراجعیم بسته به کابل آوردند و هر شب زیر شکنجه با اصطلاح نیم جانم می کردند و شب دیگر این کارنا جوان مردانه را از سر می گرفتند، وی افزود: چندین جوان در زیر چشمانم در شکنجه گاه جان دادند و عده ای را هر شب از زندان بیرون می کردند و بعد معلوم میشد که آنها را به گشتار گاه امین می برند و زنده بگور میکنند.

وی در حالیکه میخواست خود را بزودی از زیر سوال و جواب بر هاند، دستم را گرفت و گفت: خدا حافظ، دیگر قصه هارا نمیگم که بیش ازین غرق ابهت میشوی.

یک زندانی آرزومند دیگر که با عجله راه بیوستن به خانواده چشم بر اهش رادر پیش گرفته بود، با من روبرو شد وقتی خود را باوی معرفی نمودم و از حال گذشته اش در باستیل جو بانشدم گفت: این همه را که می بینی از لب گور برخاسته اند هر چند روز دیگر اعمال جنایتکارانه امین و امینیان خاتمه نمی یافت، شاید ازین میان یکی که پدر برادرش را از دست داده بود گفت: طی مدتی که عزیزان شانرا از نزدشان ربوه بودند، همیشه کلیم نم وانسوده برخانه های شان هموار بودولی حالا یکبار عزا داری میکنند و همیشه بر امین خونخوار نفرین می فرستند، وی در حالیکه می گفت: نفرین باد بر

قتل عده زیادی از خلق مبارز کمپوچیا بشمول روشنفکران از کار های عادی و معمولی این رژیم خون آشام بود کم از کم سه میلیون نفر از جمله هفت ملیون نفوس کمپوچیا طی این مدت بقتل رسیدند . رژیم پول پوت که با کمک توسعه طلبان منطقه در پنوم پن مستقر شد طی دو ره تاریک زما مداری چهار ساله خویش از هیچ نوع ظلم و بیعدالتی در مورد خلق کمپوچیا دریغ نکرد .

کمپوچیا قبل از آزادی از سلطه پول پوت حیثیت یک کشور در حال مرگ راداشت که خلق آن با انواع مختلف مصایب و آلام مواجه بودند .

هنگام آزاد شدن ، کمپوچیا چهره یک کشور در حال مرگ را بخود گرفته بود که صنعت و زراعت شدیداً از بین رفته و سایر فعالیت های اجتماعی در حال نابودی کامل قرار داشت .

طبق احصائیه های منتشره چهار میلیون نفوس باقیمانده از جمله هفت ملیون قبلی که سه ملیون در کشتار ظالمانه پول پوت جان سپردند در فقر ، جهل و مریضی بسر میبردند و عده زیادی از آن ها بیکار بودند .

در سپتمبر ۱۹۷۹ تعداد معلمان ، نویسندگان آرتیستان ، زورنالیستان و روشنفکران که زنده مانده بودند محض ده فیصد احصا ئیه سال ۱۹۷۰ بود . طور مثال در سال ۱۹۷۰ (۴۰۰۰) داکتر در کمپوچیا موجود بود که اکنون فقط از آن جمله (۵۰) نفر باقی مانده است .

پول پوت و حامیانش قبل از گریز از کمپوچیا همه فابریکه ها و تشبثات را ویران کردند و کارگران از موسسات صنعتی اخراج نمودند و آنها را طور آواره پراکنده ساختند . تحمیل کارهای



آب چاه نسبت دفن اجساد در نزدیکی آن غیر قابل نوشیدن گردیده است . این کشتار هاطی دوره تاریک پول پوت صورت گرفته است .

د . یوسفی

ترجمه و نگارش

شمه یی از جنایات ضد بشری رژیم پول پوت در کمپوچیا

خلق دایر این کشور بعد از آزادی کمپوچیا کار عمر ان مجد در ا به شدت آغاز کرده اند .



عساکر رژیم پول پوت حتی تکلیف دفن نمودن مقتولین و قربانیان را قبول نمی کردند

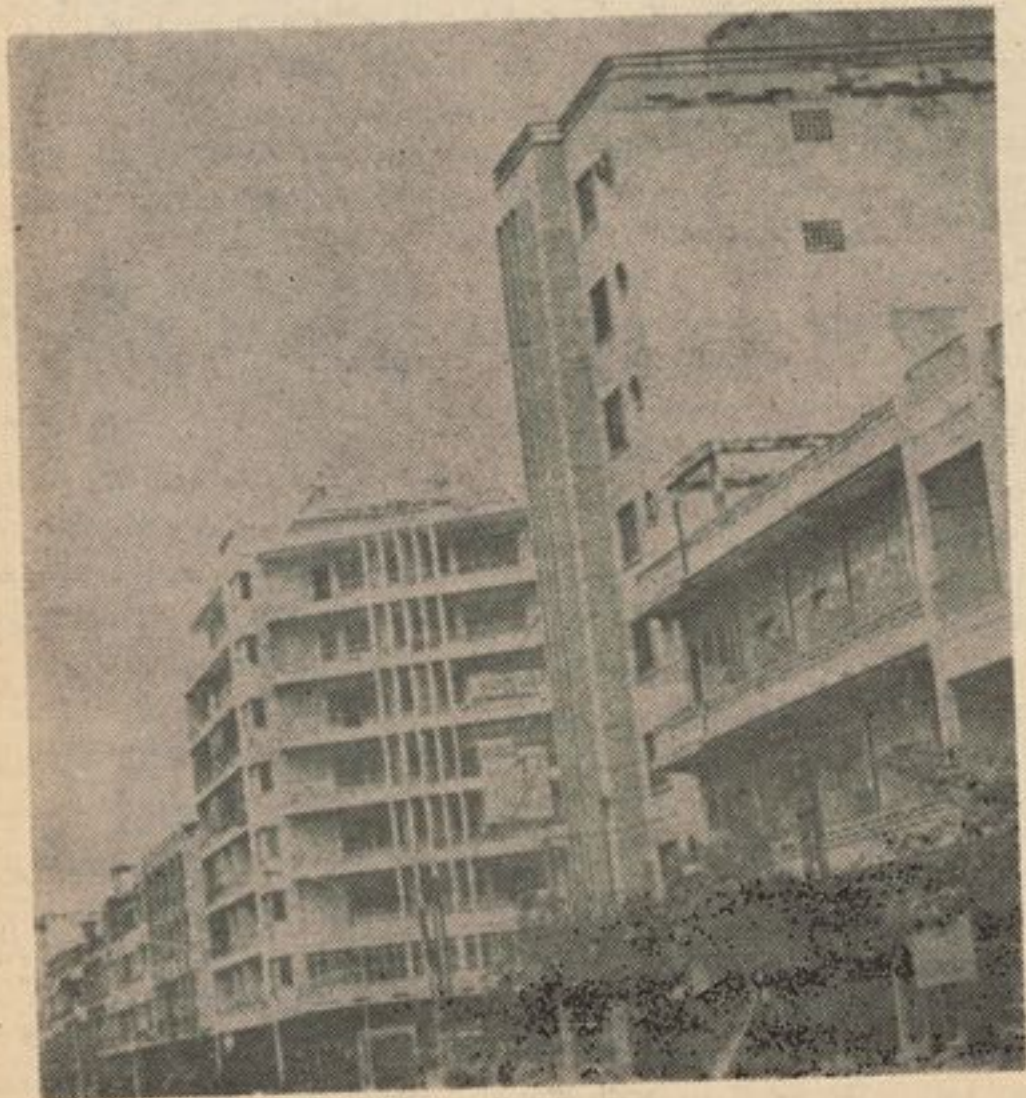
یکی از زیلوهای ناگوار سلطه نظام های استعماری و استبدادی ، میراث های سوم و ویرانی های اقتصادی و کلتوری است که بعد از شکست استعمار و استبداد نصیب خلقهای مختلف جهان می گردد . این امر بخوبی در مورد خلق کمپوچیا که تازه بتاسیس یک رژیم و افقا دموکراتیک توفیق یافته اند ، صدق میکند . برای اینکه یک تصویر روشنی از کمپوچیا تحت تسلط رژیم فاشیستی پول پوت داشته باشیم مختصراً بتذکر بعضی از جنبه های این دوره تاریک چهار ساله می پردازیم . باید گفت که طی استبداد چهار ساله دار و دسته پول پوت ینگ ساری همه شهر ها تقریباً بویرانه ها تبدیل شده بود . قریه ها خالی از سکنه بود خانواده ها از هم بگلی متلاشی بوده ، صرف غذای همه اعضای یک خانواده در یک جای اکیدا منع بود و هر کس جداگانه جیره ناچیز خود را که اکثراً برنج می بود می گرفت و با شکم نیم سیر و روح اسرده زندگی بر رنج خود را بسوی آینده مجهول و متحلامرگ قبل از هنگام ادامه میداد .



يك مکتب حریق شده در انگیانگ



در اندیشه و غصه خا نواده از دست رفته اش



بنوم پن شهری که هنگام سلطه پول پوت به شیخ میماند

تفیل - ۱۲) ساعت در روز و موجودیت کمپ های شکنجه دهنده اکثریت خلق کمپوچیا را از زندگی بیزار ساخته بود در چنین شرایط دشوار و ناخوار اقتصاد و سیاسی بود که خلق مبارز کمپوچیا به حکومت پول پوت خاتمه دادند .

تولد دو باره کمپوچیا :

به تعقیب يك سلسله قیام های خونین سر انجام اردوی انقلابی خلق کمپوچیا در هفتم جنوری ۱۹۷۹ بنوم پن را آزاد ساخت و بتاريخ هشتم جنوری همین سال شورای انقلابی خلق تحت ریاست هنگ سامرین تاسیس شد .

باینوسیله جمهوری خلق کمپوچیا عرض اندام کرد .

یکی از وظایف اولی شورای انقلابی ، عادی گردانیدن حیات در کمپوچیا و تهیه کمک های غذایی و طبی برای خلق آنکشور در مناطق قطعی زده بود . دهها هزار تن شالی و سایر کمک های طبی و غذایی که توسط جمهوری

قریب سه میلیون نفر طی دوره تاریک چهار ساله

پول پوت در کمپوچیا بقتل رسید زد .

سوسیالیستی ویتنام و سایر کشور های برادر سوسیا لیستی در کمپوچیا سر از بر شد بسرعت به خلق آنکشور توزیع شد و سلسله این کمک ها در سطح ملی و بین المللی همچنان جریان دارد .

کارگران کمپوچیا بعد از تارو مار شدن رژیم پول پوت با علاقه فراوان به کار های شان باز گشتند . فابریکه ها مجدداً به تولید آغاز کرد ولی فابریکه ها تقریباً همه متلاشی و پارچه شده بود و برای حکومت انقلابی کمپوچیا مشکل بود تا طور لازم فابریکه ها را فعال گردانند چه از یکطرف کمبودی های زیادی از لحاظ پرزه و ماشین آلات برای فابریکه ها موجود است و از سوی دیگر قلت مواد سوخت محسوس بوده و هم تعداد زیادی از کارگران ماهر طی دوره اختناق آور پول پوت کشته شده اند .

توجه به تعلیم و تربیه مجدد :

شورای انقلابی خلق کمپوچیا گرچه مساعی انظمی خود را در مورد غلبه بر قطعی و احیای مجدد فعالیت های اقتصادی آنکشور متمرکز گردانیده است معیناً حکومت جدید انقلابی توجه زیادی را به تعلیم و تربیه صحیح انقلابی معطوف داشته است . سال های ۱۹۸۰ - ۱۹۷۹ بعینت اولین می نمایند .



منظره‌یی از کاخ موزیم پاولو فسک

از سیو تنیک

ترجمه : احمد

کاخ موزیم پاولو فسک در اتحاد شوروی

میکرد تا در وقت بازگشت آرا بسه
آسانی در یافت کنند. با این نقشه ویلان
یسارک زینووه بتا ریخ (۱۶) سپتمبر
(۱۹۴۱) از موزیم پاولو فسک خارج شد
زیرا درین روز جرمنی‌ها به پاریس رسیدند
شب را به بسیار نا آرامی سپری کرد زیرا
همه جا را آتش فرا گرفته بود و از موزیم
به کلیسای ایسا کوف آمد و در آنجا (۹۰۰)
روزهای محاصره را سپری کرد.
درینجا باز بینووه سه زن دیگر نیز
زندگی میکردند اینها سیر و فیو بالایووه
محافظ کاخ، ایرینا یا نچکو همکار فنی

نوح - موزیم پاولو فسک در نزدیکی شهر
لنینگراد اتحاد شوروی واقع می‌باشد. نواحی
کاخ را طبق اظهار متخصصین یکی از بهترین
پارک‌های جهان احاطه نموده است. در
سالهای جنگ دوم جهانی فاشیست‌های
آلمان کاخ را آتش زدند و اشجار پارک را
قطع کردند. در تاریخ احیای مجدد پاولو-
فسک اناز یلیتووه که فعلا رئیس موزیم
می‌باشد رول مپی را بازی نمود. ایسن
زن در سال (۱۹۴۱) مسئول انتقال عجایب
و مناظر موزیم پاولو فسک مقرر گردید.
چینی‌های ظریف، تصاویر و گلسدان
های مقبول را که از مرمر سبز ساخته
شده بود در قطعی‌های مخصوص جا
میدادند و بسته بندی میکردند. در حال
حاضر لغت بسته بندی بسیار ساده و آسان
به نظر می‌خورد اما در آنوقت ضرور بود تا
از هر جلجراغ صورت حساب دقیق آماده می‌شد
به عین ترتیب آویزه‌های کریمتالی
با بد بازمی‌شد و به اطراف آن کدما چیز
بسیار نرم گذاشته می‌شد تا از شکست آن
در وقت انتقال جلوگیری می‌شد. اما تعداد
آویزه‌ها هزار نیز زیاد بود. همینکه صدوق
ها کفایت نمیکرد از سابل مختلف‌کار
میگرفتند و در اطراف آن علف می‌گذاشتند
در پهلوی این همه مشکلات تعداد کارگران
به چند نفر محدود می‌سید و آن هم‌زمان
بودند زیرا مردان همه به جیبه رفته بودند
چند گروه کارگری را که شو را می‌سپری
غرض انجام کارهای مذکور تخصیص داد
نیز زنان بودند. خط جیبه جنگ در چند کیلو

تری آنها واقع بود.
بعد از اینکه قطار آخری با گنجینه‌های
موزیم پاولو فسک عازم مناطق شرقی
اتحاد شوروی گردید هنوز آثار هنری
قیمت بسیار کاخ باقی مانده بود. اینها باید به
زیرزمینی‌های کلیسای ایسا کوف انتقال
داده می‌شدند اما باز هم مرمر ظریف ممکن
بود در اثر انتقال بشکند. در مقابل گذاشتن
آنها به حال سابق نیز خطرناک بود زیرا
فاشیست‌ها ممکن بود همه را به باد فنا
می‌سپاریدند. زنها مجسمه‌ها را از جاهای
آنها به بسیار احتیاط از طریق زمینه‌ها که
بالای آنها تخته‌های چوب گذاشته شده
بود کتان کتان به زیرزمینی‌های موزیم
می‌کشاندند و به یکی از نقاط خلوت آنها
را قرار میدادند. بعد همه را با خنثی‌ها
مسدود میکردند و برای اینکه کسی به
آنها برنبرد همه را باریک می‌پوشانیدند.
چون در پارک کاخ موزیم یک تعداد زیاد
مجسمه‌های نادر و قیمتی وجود داشت
برای اینکه از تخریبات اشغالگران
فاشیست‌های آلمانی در آلمان باقی
می‌ماندند خندق‌های عمیق حفر میکردند
و آنها را در آنجا دفن میکردند. قبل از
غصب نشینی عساکر شوروی یکی از سربازان
در یکی از مجسمه‌ها که بتا «صلح» یاد
میگردد چنین نوشته بود: «ما دو باره
باز میگردیم و تو را پیدا میکنیم». در
خندق‌های علف، برگ‌ها و غیره اشیای نرم
می‌گذاشتند.

چون اناز بینووه نقشه پارک را با خود
میداشت در نقشه همه خندق‌ها نشان



قسمتی از عجایب پارک موزیم

های سنگین وارد میشود و آنها را از پوست جدا میکرد.

درین وقت حساس انازیووه بسهمه

مقامات مسئول اکتاب میکرد که بدون توقف و تاخیر حفاظت کاخ صورت بگیرد والا از بین می رود. اما خود نمیدانست که این همه کارها را برای چه به هنگام اکتاب میکنند. هنوز جنگ دوام داشت نیروی کار کفایت نمیکرد و سایر نیز موجود نبود، زینووه نزدیکی از امرین ساختمانی

مراجعه کرد تا برایش ضرورت اعمار مجدد کاخ موزیم را تشریح نماید اما در مقابل امری خواست به حرفهای او گوش دهد و چنین ادامه داد: «موزیم شما آخر س را غلط کرده اید. ما افراد نظامی هستیم و مسایل کاخ مربوط ما نیست. آمر هیچ این را تصور هم نمیکرد که چند روز بعد همین زن خواهد آمد و زودش مکتوب را با محتویات ذیل خواهد گذاشت:» به صورت استثنایی به ترمیم کاخ پاولوفسک آغاز کنید.

در کاخ که از ما این تصفیه شد کارهای ساختمانی آغاز شد. همه قسمت های را که تخریب شده بودند توسط محلول های مخصوص استحکام کاری میشودند. به نحو پلخانه انتقال داده میشدند و از خانه های خود همه چیزها را که در ترمیم کاخ بکار میرفت می آوردند تا ترمیم کاخ هر چه خوب تر صورت بگیرد.

برای اینکه هیچ یک از عناصر به جای دیگر نصب نمیکردند از سیستم مخصوص رمز نویسی استفاده نمودند. هر یک از سالون ها دارای رمز مخصوصی و هر دیوار نمبر مخصوصی داشت.

کارکنان «لنوو یکت» در کاخ اندازه گیری ها را آغاز کرد چندی بعد فیو دور-الینیک از جنگ بازگشت. این هنوز قبل از جنگ محصل بود و دیپلوم خود را در موضوع «ساختن کاخ پاولوفسک و نقش و نگار دیواری نما یشگاه گوناگون» دفاع نمود.

بقیه در صفحه ۴۳



گوشه ای از موزیم پاولوفسک



آثار قیمتی موزیم که در وقت جنگ تخریب گردیده بود.

هنوز نمیدانست که بعد از اعمار مجدد چه شکل را بخواد خواهد گرفت.

شماره معروف آنوقت لنینگراد و پسرا اینیر در کتابچه یادداشت خود هر دو در ۱۹۴۴ (۱۹۴۴) چنین نوشته بود: «دیروز با نقاشان و کارکنان موزیم به دو درگوف پاولوفسک و پوشکین رفتیم. به کاخ پاولوفسک رسیده توانستیم زیرا که بل توسط جرمنی های فاشیستی منقحر شده بود ما زینووه بسهمه چنان

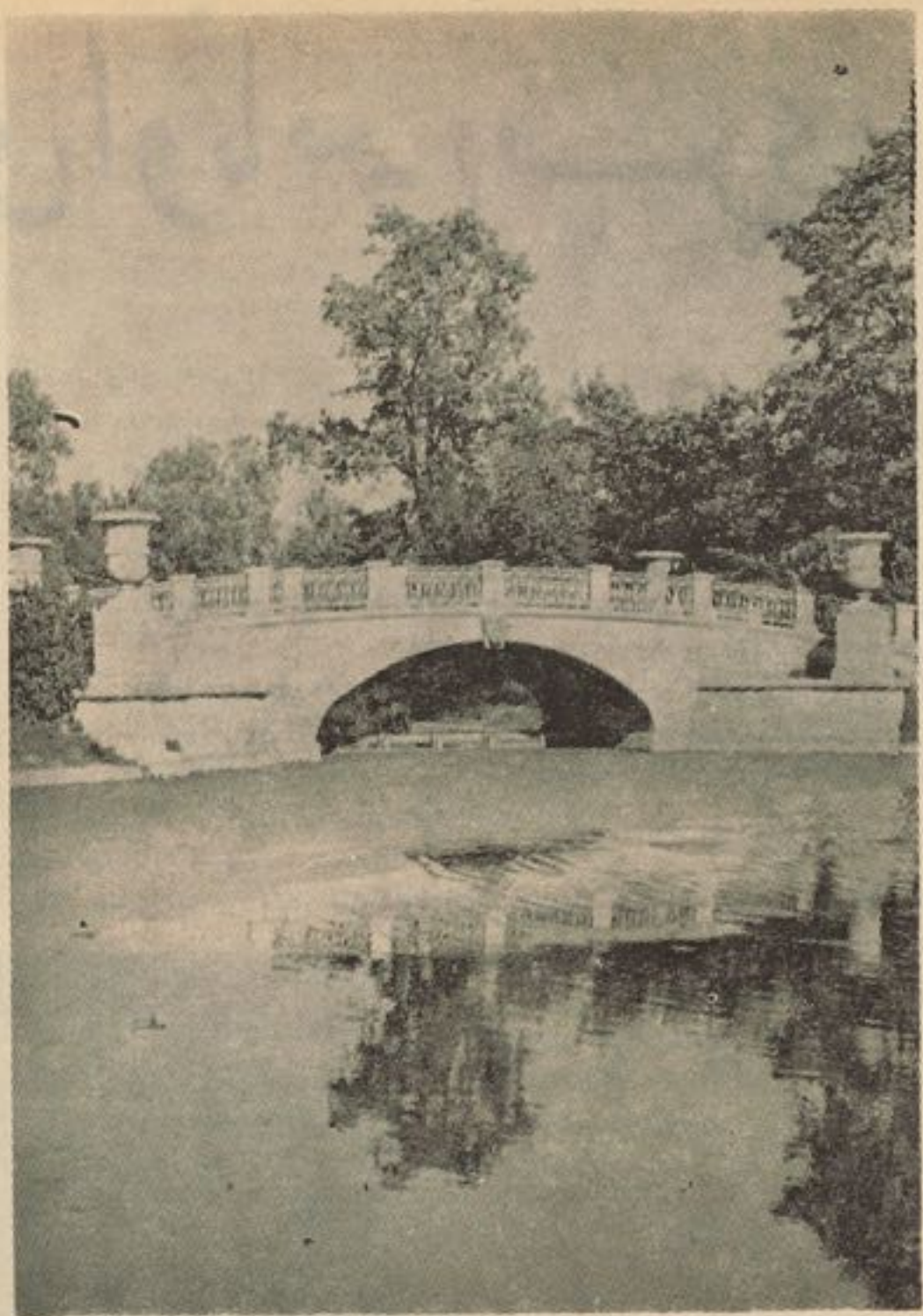
سرعت از راه های دور و دراز و پر مشقت به اطراف ساحل خود را رسانید که مرد ها نمی توانستند بی او برسند و از موزیم به سوی شهر دو باره به بسیار آرا می گام می برداشت قسمیکه معلوم شد تنها شکل خا در چی آن به حالت بسیار وخیم خود باقی مانده بود، در داخل کاخ

همه از بین رفته بود. چندی بعد زینووه به بسیار مشقت پیاده خود را به اطراف واکناف شهر لنینگراد رسانید تا اشیای را که توسط اشغالگران آلمانی به غارت برده شده بود دریافت نماید. در نتیجه تفحصات خود قسمتی از اشیای را دریافت کرد و قسمتی آنرا بعد ها در شهر ریگا و در جرمنی بدست آورد اما غایبغات بسیار زیاد بود.

در کنگرس بین المللی مهندسان لندن که رایج به تعیین خسارات ناشی از جنگ جهانی دوم ترتیب داده شده بود الفنا ذیل چنین انداز بود: «بشریت از مجسمه های قیمتی و آثار پویشکین و پاولوفسک بسیار غمگین میا شد.»

چطور ضایعات جبران می شد! در دیوارهای داخلی کاخ که ده روز پیشوخت هنوز قسمت اعظم دیکور گچ کاری و بقایای نوشته ها باقی مانده بود. در پهلوی این رسامی های حقیقی بعضی از عکاسی ها نیز بحالت خود دست نخورده نیز بحال اولی شان باقی مانده بودند. اعمار مجدد امکان پذیر بود اما رئیس بدون کارگران چه کاری را انجام داده میتواند!

از اینکه گچ از آتش صدمه فراوان دیده بود در مقابل بر ف با ری تحمل نداشت و پارچه پارچه نقش های برجسته بر زمین میریختند. نوشته های که برنگ روغنی صورت گرفته بود از اثر سرمای شدید رنگ خود را می باختند. در پارک باد های شدید می وزید. این بادها مخصوصا برای نقش های دیواری ضرر



قسمتی از منظره پارک موزیم که در اوایل قرن ۱۹ ساخته شده

کدام جا غازم میبودند امکان رسیدن سالم را به اینجا نداشتند زیرا هر لحظه ممکن بود بمباری شهر آغاز شود. سردی هوا روز بروز شدت می یافت و قسمت خول

مانند سابق قیودات وضع نه بود همه با لایوش ها داخل میشدند و به اندازه ضعیف دیده میشدند که قدرت آنها نداشتند تا بر ف را از بالای لایوش دور کنند بعضی ها با اطفال خود بکجا به سوی محل کار روانه میشدند. خواندن کتاب مشکل شده بود زیرا از یک سو شیشه های

بندرها یا پنجره ها یخ بسته می شدند و از سوی دیگر چشمها از اثر گرمسنگی بساز نمیشد.

زینووه در جواب سوالی که در مدت مصروف چه چیزها بود چنین گفت:

«من درین وقت اکتشاف افکار اجتماعی اواخر قرن هجده و اوایل قرن نوزدهم مطالعه میکردم میخواستم رایج به اطراف لنینگراد و موزیم پاولوفسک چیزی بنویسم در همه مکاتیب خود که زینووه با دوستان خود در جا های دیگر مکاتبه میکرد لغت «پاولوفسک» بسیار دیده می شد میخواستم از آنها رایج به اعمار مجدد کاخ مشوره های لازم دریافت کند اما

کاخ و ینگینیا تو رووه محافظ کاخ های شهر پوشکین بودند. انازیووه به بسیار نرمی و علاقت از رو حیه قوی آنها چنین حکایت میکند:

«درین وقت هوا بسیار سرد بود. چندی بعد هوا به اندازه سرد شد و قش میخواستیم کمی احساس گر می کنیم از کاخ بسهمه جاده خارج میشدیم. وقتیکه بهار فرار رسید یخبندی های دیوارها رو به آب شدن شد و از آنجا ما نزد جو بچه ها جاری شد. درین ضمن تنها کمی تخریب شد و آب زیر زمینی ها را فرا گرفت و صدوق ها را به بسیار زحمت از زیر زمینی بیرون می آوردیم و آب را دور میکردیم.»

بعد از اینکه صندوق را بیرون می آوردند همه اشیای را خشک میکردند. به این ترتیب از جمله آنها (۱۳۰۰۰) عدد خشک کاری شدند.

در ساعاتی که بمباری فاشیست ها متوقف میشد همه کارکنان بین دو یا پهریسمان را بسته می کردند و پارچه های گلدوزی ابریشمی و دیگر اشیای قیمتی را خشک میکردند ممکن است اینطور فکر شود که مردم می ایستادند و از آنها دیدن میکردند اما نه. مردم لنینگراد در آنوقت اگر به

خواړه ناسي چوروى اوناسي سپرى

دده وکو په جوړې نېست کې یوه کانی ما ده چې دکلسیم پنا مه یادېږي یو مهم او اساسی عنصر شمیرل کېږي . اما دکلسیم تمپه د هډوکو دجوړې نېست له پاره هغه وخت صورت مو می چې په وجود کې دویټا مین ډی کافی مقدار موجود وي . ځکه دویټا مین ډی مو جو دیت ددی سبب کېږي چې لازمه اندازو دکلسیم دکلمو څخه جذب او وروسته دده وکو په جوړې نېست کې تری کار اخیستل کېږي .

۳- خواړه دتوا لد او تنا سل له پاره :
دبی انډو لی او نامنا سبی غذا خوړل جسمی خستکی ، ستر یا ، کسالت ستو ما نتیا ضعفیت او بی کفا یتي منځته را وړي . جنسی خوا هشات او تما یلات کموی او حتی دشنډ یدو سبب کېږي .
۴- خواړه د بدن دمقاومت له پاره :

دغه وکو په جوړې نېست کې یوه کانی ما ده چې دکلسیم پنا مه یادېږي یو مهم او اساسی عنصر شمیرل کېږي . اما دکلسیم تمپه د هډوکو دجوړې نېست له پاره هغه وخت صورت مو می چې په وجود کې دویټا مین ډی کافی مقدار موجود وي . ځکه دویټا مین ډی مو جو دیت ددی سبب کېږي چې لازمه اندازو دکلسیم دکلمو څخه جذب او وروسته دده وکو په جوړې نېست کې تری کار اخیستل کېږي .

نن دنړی په پر مخ تللو هیوادو

دده وکو په جوړې نېست کې یوه کانی ما ده چې دکلسیم پنا مه یادېږي یو مهم او اساسی عنصر شمیرل کېږي . اما دکلسیم تمپه د هډوکو دجوړې نېست له پاره هغه وخت صورت مو می چې په وجود کې دویټا مین ډی کافی مقدار موجود وي . ځکه دویټا مین ډی مو جو دیت ددی سبب کېږي چې لازمه اندازو دکلسیم دکلمو څخه جذب او وروسته دده وکو په جوړې نېست کې تری کار اخیستل کېږي .

دده وکو په جوړې نېست کې یوه کانی ما ده چې دکلسیم پنا مه یادېږي یو مهم او اساسی عنصر شمیرل کېږي . اما دکلسیم تمپه د هډوکو دجوړې نېست له پاره هغه وخت صورت مو می چې په وجود کې دویټا مین ډی کافی مقدار موجود وي . ځکه دویټا مین ډی مو جو دیت ددی سبب کېږي چې لازمه اندازو دکلسیم دکلمو څخه جذب او وروسته دده وکو په جوړې نېست کې تری کار اخیستل کېږي .

بشر ددی دپاره چه ژوندى پا تر شى زياتى اړتياوى لرى چه ډيره مهمه اړتيا يسى خواړه او بيابونى اوكوروى .
بڼه تغذيه ته يواځى دانسان د جسمى او روانى سلامتې تنظيموى بلكه د ژوند نښه اعظمى گټه اخستلو سره د بشر دكار محصول پور ته بيا يى او پدى ډول د هيواد په اجتماعى او اقتصادى پر مخگت كسى موثر نقش لوبوى .
دانسان روغتيا ، سلامتيا او كفايت دهغه لازمو اوسرووى غذائى مواد و پورى اړه لرى كو م چه د ژوندانه په بيلو بيلو مرحلو

دټولنى دهغو غړو دوجود مقاومت چې داقتصا دى كمزور تيا له كبله كافي او مناسبت خواړه نشى اخیستلاى ډير ټيټ وي لدی كبله دا ډله خلك په مكرو بى ناروغيو زيات اخسته كېږي .
دناروغيو سبب په هغو كسانو كې چې دغذا يى موادو په كمښت اخته وي ډير خطر ناك وي اواكثرا وجود نشى كو لای دهغوى په مقابل كې مقاومت وكړي دزخمو نو جوړېدل پداسى خلكو كې ډير وخت نيسى او دمكرو بو دمدا خلى په اثر دهغو دښوالى او يارو غنيدلو احتمال ډير لږ وي . برعكس هغه كسان چې بڼه او مناسبت خواړه اخلى دنا روغيو په مقابل كسى زيات مقاومت لري . اوډير لږ ناروغيه كېږي .



۵- خواړه دحرارت او انرژي د توليد له پاره :
زموږ دبدن په شپه اور ورځ كې د خوب او يافعا لیت ولاړى اویا ناستى په حالت كې دخپل رغوړو دفعا لیت له پاره حرارت او انرژي ته اړتيا لري او پدى ټولو حالاتو كې دبدن د اړتيا وړ حرارت او انرژي دغذايي موادو پوا سطره تا مينېږي .
څرنگه چې وويل شو سر بيره په حرارت او انرژي چې دوجود اساسى اړتيا ده وجود ټول غړى دخپلى ودې ، جوړې نېست ، تر ميم ، تقويه ، اود خپلو فعا ليتو نو دتنظيم له پاره يو شمير مهم او حياتي موادو ته ضرورت لري چې دا

کې دتغذی دسمون په اثر دکتنى وړجسمى بد لون په ځوان نسل كې منځته را غلى دى . پدى معنى چې د نوزو ځى هلکان او نجو نى دخپلو بلرو نو او ميندو په نسبت دقد او قامت له نظره جگ او جسميا غښتلى او پيا وړى دى او هم دخپلو ميندو په پرتله ژر بلوغ ته رسېږي .
ترهغه ځايه چې ثابته شوى هيڅ بل كوم محيطى عامل بى له خواړو نه پدى برخه كې رول نرى .
۲- خواړه دتر ميم يا جوړولو له پاره :
ديوى ښى او متوا زنى غذا په را نيولو سره پر هارو نه اود بدن ته نور وارده زيا نو ته په ډير لږ

تنا سل دانرژي او حرارت يا تودوخى توليد جسمى او روحى ښوالى ډيرى نږدى او نه بيليدو .
۱- خواړه دوجود دغړو دطبيعى ودې له پاره :
پرو تينو نه ، مالگى ، كانى مواد وجود دجوړې نېست اساسى مواد تشكيلوى . ځينى نور مغذى مواد لكه وينا مينو نه دجوړې نېست دعمليو په چټكوالى ، تنظيم او ترتيب كې مهم رول لري ددى دپاره چې مطلب مو ښه اووا ضح تشر يح كړي .
ترڅو پوه يى آسا نه شى تا سو ته يومثال وړا ندى كوم .

کې د هغه بدن ته رسېږي . هغه څوك چه په سمه تغذيه لوى شوى د روحى او جسمى پلوه روغ وي او اجتماعى له نظره بر يالى او په خپل ژوند مين وي . او له بلې خوا څرنگه چه كافي مقاومت د ناروغيو په مقابل كې لري . په عمومى توگه د يوې كسانى روغتيا او خوشحالى ته پر خور داره وي .
نا مكملة او ناسالمه تغذيه دهر جا او هرې اړونى لپاره گراهه تما مينى اكثره دتنفسى ، هضمى اوعصبى سيستمو ناروغى په غير مستقيم ډول د نا درمستى تغذيه نتيجه ده دا ناروغى د ټولنى د غړو د نا توانو كولو له كبله دنه جبران كيدونكو اقتصادى او اجتماعى زيا نو كو مو جب كېږي .
او دا ادعا چه مخنيوى يا وقا په مو لسه او ارزانه لهدرمل څخه ده ، د پيره په ځاى او معقوله اودمئلووړڅېره

رول لری اوددی ویتا مین دغا صیت پوا سطره ستر گی کو لای شسی چی دزیا تی رها خخه په کمه رها کی خپل تعا دل بر قرار کری . او خپل لید نه وسا تی ددی ویتا مین په کمبنت سره دستر گو دا خاصیت او دید لږ کپیری او بالاخره لمنخه شی . او دیوه نارو غی چی شبکو ری پنا مه یاد پیری منخته را شی . چی په هغه کی ستر گی په لږه رها او نیمه تیا ره کی ښه لید لی نشی . د شبکو ری دوام په کو چنی ماشومانو کی ناوړه عوا قب له خانه سره لری خکه چی کو چنی ما شومان خپل ستونزه ویلی نشی شبکو ری هم په هغوی کی پت سیر کوی . چی متا سفا نه په پای کی په ږند یدو

تما میزی . ددی ویتا مین یو مهم خا صیت د بدن دطبعی مقا و مت زیا توالی او تا مین دی دمکرو بو په مقابل کی . هغه خلک چی د ویتا مین په کمبنت اخته دی دبو لی او تنفسی لارو په نارو غیو زیات اخته کپیری . دا ویتا مین د وجود یو سترکی روغ ساتی دهو وکو غا ښو نو او په اور ید لو کی ښه تا ثیر لری .

ویتا مین آ دتودو خی په مقا بل کی مقاوم دلمر دوړا نکو پوا سطره تخر پیپیری دامید وا ری اودشیدو ور کولو په وخت کی د وجود اړتیا دی ویتا مین ته زیا ت پیری .

دویتا مین آ مهمی منا بسع خکر ، دشیدی کوچ دچر گی دهکی ژیر ، تر کا ری ، با لخصوص کازری کدو خوازه آلو گان ، پالک ، گشنیز میوی لکه زردا لو ، شفتا لو ن و آلو - بخارا دی . د حیوا نا تو پښتور گی هم لږ شا نته ویتا مین آ لری .

ویتا مین پی:

ویتا مین دی چی دلمر د ویتا مین په نامه مشهور دی د بدن په وده او پا تی په ۵۴ مخکی

کپیری ددی له پاره با ید په ورخ کی په منظمه اندا زه وا خیستل شی . مگر په غوړو کی منحل ویتا مینونه په بدن کی ښه ذخیره کپیری . په کلی توگه په نظر کی باید ولرو چی په غوړو کی منحل ویتا مینو نه په عا دی حرا رت چی په پخلیو کی تری کار اخیستل کپیری له منخنه شی او په هغه او بو کی چی دپخو لو له پاره پکار اچول کپیری نشی حلپیری . پدا سی حال کی چی په په او بو کی منحل ویتا مینو نه په آسا نی سره په او بو کی حل کپیری . او خه مقدار یی دپخلی دحرا رت په وا سطره له منخنه شی . لدی کبله دهغو خوړو په پخلیو کی چی دا غذا یی مواد پکښی مو جود دی دهغولارو چا رو خخه چی ورو سته تری یادو نه شوی ده تری کار وا خیستل او سمه ور ته پا ملر نه وشی .

درو لو ستو نکو ستاسو دمعلو - مات له پاره هر ویتا مین جلا جلا تر مطا لعی لاندی نیسو اود هغو دښیکو اود کمبنت دناوړه نتانجو



هضمی او تنفسی دستگا و با ندی ناوړه اغیزی کوی . او ددی په څنگ کی دانسان په روانی حالت بانندی هم نامطلوبه اغیزه کوی .

ویتامینونه په دوه برخو ویشل شویدی :
لمری برخه هغه ویتامینونه چه په غوړو کی منحل دی او دوه برخه یی هغه ډله ویتا مینو نه دی چه په اوبو کی منحل دی .

په غوړو کی منحل ویتامینونه عبارت دی له ویتا مین آ . دی ای اوک په اوبو کی منحل ویتامینونه د بی گروپ ویتا مینونه او ویتا مین سی او نور دی .
په او بو کی منحل ویتا مینو نه په ډیره لږ اندا زه په وجود کی ذخیره



تول مواد په خواړو کی چی باید دسمی تغذی دلپاری په صحی تو گه بدن ته ورسول شی . که نه نو بیل بیل غری او په مجموعی تو گه تول بدن کمزوری کپیری او په نارو غی با ندی اخته کیدو ته چمتو کپیری .

دغذا یی موادو ډو لو نه:

په عمو می توگه غذا یی مواد په دری برخو ویشلای شو .

لمری برخه : هغه خواړه چی سو زی او تودو خی او انر ژی تو - لیدوی دا ډله عبا رت دی له قندونه نشا یسته او وازدی یا غوړو خخه

دوهه برخه - هغه خواړه چی د بدن دانسا جو جوړ ښت او ترمیم له پاره پکار وړل کپیری او هغه پرو تینو نه دی .

دریمه برخه : هغه خواړه چی د وجود دغوړو ددندو په سا تنه تقو یه جوړښت ، تنظیم او تعا دل کی اسا سی نقش لری . هغه عبا رت دی . ویتا مینو نه ، کا نی ما لکی او اوبه دی . دلته موږ یوا خی په یسو شمیر مهم او حیاتی موادو په هکله چی ویتا مینونه دی خبری کو . سر بیره پردی دخاوړو سمی او صحی پخولو په هکله هم څه مطا لب تاسو در نو لوستونکو ته وړاندی کوم .

ویتامینونه :

ویتا مینو نه هغه حیا تی او با ارزښته غذایی مواد دی چی د وجود دبیلو غوړدندو په سلامتیا مقا و مت ساتنی او تنظیم کی ستر نقش لو بو ی زیات



دهمین قرن تولد

دانشمند بزرگ ابن سینا در سال

۱۹۸۰ بر گذار میگرد



دانشمند بزرگ ابن سینا

خاص امیر حاضر نمایند. اما کوشش ها و تحقیقاتی که صورت گرفته هیچ یک ازین تصاویر بدست نیامده بنابراین سوال که طرح میگردد اینست است که ابن سینا چه تصویر و شکل داشته است .

بوعلی سینا در سال ۱۰۳۷ در شهر همدان ایران از جهان رحلت نمود در همانجا به خاک سپرده شد بعد ها جسد او را به محل سعید نفیسی انتقال دادند .

سعید نفیسی دانشمند و نقاش چیره دست شرق دو تصویر از ابن سینا ترسیم نمود او نتوانست زیاد تر این تصاویر را ترسیم کند زیرا در آن زمان ترسیم تصاویر توهین به مقدسات و عنعنات آن زمان شمرده میشد و از طرف علما و مشایخ مذهبی به باد تکفیر متهم میگرددند . این تصویر حصه از مجسمه ابن سینا را نشان میدهد که این تصاویر بعد ها در اتحاد شوروی در دانشگاه تحقیقاتی انتقال یافت .

ترنوفسکی عضو انجمن تحقیقاتی علمی آکادمی اتحاد شوروی از نقطه نظر اناتومی تصویر مذکور را مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده که این تصویر بیش تر و مسن تر از سال حقیقی خود ۵۷ به نظر میرسد . از ظواهر آن چنین به نظر میرسد که دانشمند مذکور از حیات خویش راضی نبوده است اما در آخر دوران حیات او به زندگی علاقمندی و دلچسپی خاص داشته است . اراده و عقیده او به پیروزی غلبه به مشکلات الهام بخش دیگران خصوصا در آینده هادور و جهان امروزی گردیده است .

نظرات و تیوری های طبی او از طرف دانشمندان طب در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در موسسه اندیشه ها مورد تحقیق قرار داشته و از نظرات و اندیشه های ابر مرد بزرگ تاریخ هنوز هم استفاده مزید در ساحه طب بعمل میاید . تحقیقات دانشمندان در مورد تصاویر و مجسمه های این مرد بزرگ نتایج زیرین بدست داده است :

ساختن چینه او که توسط بشر شناس میخایل گراسیموف و ترنوفسکی مورد ارزیابی قرار گرفته نشان میدهد که چشم ها این تراز سطح بل سوراخ بینی در حدود چند میلی متر

پروفیسور یوسف اتابیکوف رئیس دانشگاه دوزی روی میزش تصاویر پوست کارت و عکس های جالب از ابن سینا عالم شمشیر افغانستان را که از گذشته ها تا نشان و رسامان چیره دست کشیده بودند گذاشت که بخوبی و صراحت نمایانگر چهره فیلسوف ما باعالم شمشیر ابوعلی - سینای بلخی است در بعضی جا ها او لنکی بزرگ به سر داشته و در بعضی تصاویر و نقاشی های دیگر او کاملا چهره یک دانشمند را داشته است .

مجسمه ابوعلی سینا که در ایران موجود است این مجسمه از سنگ مرمر سفید ساخته شده چنانچه ابوعلی سینا را نشان داده که گویا تاجری از قسمت های بخارا در حال گشت و گذار در نقاط مختلف جهان است در حالیکه رسام چیره دست فرانسوی به بوعلی شکل پادشاه فرانسه لویز را داده است که در حال عروج و شکوه و دبدبه خاص است .

پروفیسور یوسف میگوید که راویان چنین روایت میکنند که سلطان محمود غزنوی چهل تصویر ابوعلی سینا را کشیده و دستور داده بود که آن ها را به ولایات مختلف ارسال دارند و هم دستور داد که دانشمند برجسته را به دربار

قرار دارد که نمیتواند تمثال حقیقی وی را نشان دهد . کار تحقیقاتی در موسسه تحقیقاتی هنوز هم جریان داشته و به اساس گفته سوکولوو دانشمند زیبایی شناس در هریک از علایم که در تصاویر و مجسمه های این مرد از طرف نقاشان و میناتوران ترسیم گردیده خصوصیات زندگی و آثار فلسفی را در چهره این مرد بزرگ تاریخ نشان میدهد . مجسمه ابوعلی سینای بلخی در وسط دانشگاه های علمی در اتحاد شوروی قرار داشته این مرد بزرگ که برای بهداشت و صحت بشریت مبارزه نموده الهام بخش دگران قرار دارد . به اثر تحقیقات دانشمندان آکادمی طبی اتحاد

شوروی که به مجسمه ابن سینا که از طرف اندیزها تکمیل گردیده صورت گرفته نشان میدهد که این یکی از عمده ترین و بهترین مجسمه های است که به صورت علمی و دقیق چهره مرد بزرگ تاریخ را به آن شکل علمی که باید استوار باشد ترسیم نموده است . نقاشان ، هنرمندان ، و رسامان از گوشه و کنار مختلف جهان رسم ها ، تمثال ها و مجسمه های این مرد بزرگ را بوجود میاورند که در تجلیل دهمین قرن که به یاد بود بزرگداشت ازین مرد بزرگ در سال ۱۹۸۰ برگزار میگردد بفرستند تا بتوان شمه ای از خدمات فرهنگی ، علمی دانشمندان ، فیلسوف و پزشک آسیای مرکزی را ادا نموده باشند .

داحسان زبانه

دخمکی د آب او هواد خرنگوالی در اتلونکی به هکله نوی خیرنی

به یخوایی و ختنو کی خینی پوهانو دا نظر در لود چی دنری آب او هوا په تدریجی سرپری او دغه سرو خه به داز مینه برابره کړی چی بیا دخمکی دکری پر مخ دکنگل دوره پیل شی . خو او س پو ها نو په دی هکله زیاتی خیرنی کړی دی او په دی هکله بیلی بیلی نظر یی یی وړا ندی کړی دی . د سلمی پیری تر نیما بی وختو نو پوری دخمکی اقلیمی حالت په عمومی تو که د بشر د یو لنیز و او اقتصادی فعالیتو نو غځه جلا شمیر ل کیده . خو وروسته دغه جلاوالی تغییر و موند ، دخمکی پر مخ د سون د موادو د سوزیدلو او راز راز لوسو گیسو د پور ته کیدو په نتیجه کی دخمکی په اتمو سفیر کی د کار بن دای ا کسا پداندازه زیا تیری او همدا راز دخمکی دانموسفیر طبیعی حالت له تو پیر سره مخامخ کوی او دخمکی دحرارت په اندازه کی هم زیا توالی مینځ ته را ځی . دنری په ډیرو هادیوادو نوکی پوهانو په یو لړ څیړنو او تحقیقاتو بوخت دی خو داسی حقا یق پیدا کړی چی دکار بن دای ا کسا پد دکتلی دزیاتوا لی اندازه و پآ کی او همدا راز د کار بن دای ا کسا پد زیا تیدو اغیزی دخمکی اتموسفیر دتو دو ځی د درجی په لوړ وا لی کی څرگندی کړی ، نوموړو پوهانو دا نظر په څر گنده کړی ده چی دکار بن دای ا کسا پد دکتلی انداز ه دوه چنده شی دخمکی د کړی د اتموسفیر د لاند نی طبقی د تو دو ځی درجه به د ساتی گراد درجو در جو په اندازه لویه شی .

دیوهانو دا څرگندونی په را تلونکی کی د هوا دتو دو ځی دانندازی او څرنگوالی په باب زیا تی اسانیا وی برابروی . د علمی احصائی په اساس د ا ر کتیک د سمندر کنگلونه د منځنی ا ر کتیک هو ا په دوی

کی دساتی گراد پنځه در جی او په زی کی شل در جی یتوی . دکنگل کیدو علت دلیر په وپانگو او دکال په تودو او سرو موسمونو پوری اړه لری ، که دهوا دتو دو ځی احتما لی انداز ه زیا ته شی ، دامکان شته چی گوندی دمنځنی ا رکتیک کنگل به دژمی دعادی کنگل ته رایتی شی او په پای کی به دغه کنگل بیخی و یلی شی . همدا راز پوهانو عقیده لری که چیری دخمکی شمالی نیم کړی تو دو ځه د ساتی گراد د دوو در جو په اندازه زیا ته شی دار کتیک کنگل به ویلی شی داندی جدول دار کتیک د سمندر کی دکنگلو نو د طبقو ویلی کیدل به په راتلو نکو شلو کلو نو کی احساس شی . او دغه کنگلو نه به په (۲۰۲۵) عیسوی کال کی بیخی و یلی شی .

که دخمکی تو دو ځی زیا ته شی ، دغه تودو ځه به دخمکی دیلو دیلو عرض البلدونو کرښو سمبول یو شان نه وی . د مثال په تو گه که په (۲۰۲۵) عیسوی کال کی ، دخمکی د شمالی نیم کړی منځنی تو دو ځی دساتی گراد له دوو ځخه تر دری اعشاریه پنځو درجو پوری لویه شی د لویو عرض البلد و نو سیمو ددو بی تو دو ځی به ساتی گراد له ۷ نه تر لسو درجو پوری زیاته شی ، اود دتوسیمو د ژمی دتودو ځی اندازه به دساتی گراد له منفی پنځو نه تر لسو درجو پوری یتیه نشی . دهوا د تو دو ځی دغه در اما تیک تغییرات به په عمومی تو که دنری په اقلیمی حالا تو کی بد لو نو نه را مینځ ته کړی او دغه بدله لویه به له لویو او آیتو عرض البلد و نو سیمو کی ښکاره شی . ددی عقیدی لپاره هم پوره د لیلی نه پاتی په ۵۸ مخ کی

نو بسند ه : وادیوم نیکرا سوب

متر جم : سید حسام عل

تضاد های درونی جهان سرمایه داری

تعمیق و تشدید بحرانها در سیستم جهان سرمایه داری و بروز اختلافات در بین جوامع یکی از پدیده های مشخص عصر ما است . ادامه مشکلات و برهم خوردن زندگی اقتصادی به تعقیب بحرانها در دوره نسی سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵ انعکاس سیاست نا استوار داخلی جهان سرمایه داری بوده که باعث ایجاد و ظهور تضاد در سیاست و روش طبقات حاکم و در مناسبات بین الدول جوامع سرمایه داری گردیده است . جریان حوادث موجوده بصورت فشرده توسط رهبر پروتاریا چنین توضیح گردیده است که :

« ترا کم سرمایه ما لی محرك اصلی انكشاف نا هموار دول سرمایه داری بوده ، که این خود موجب ظهور اختلافات شدیدی بین دول جهان سرمایه داری میگردد . در عین وقت با لیسای هر نیروی امپریالیستی امروزی نسبت به گذشته در آن نرفته تا با در نظر داشت عینیت طبقاتی مبارزه شان را به مقابل جهان سوسیالیسم ، جنبش های رهایی بخش انقلابی و جنبش طبقه کارگر شدت بخشند .

دول سرمایه داری برای بایبادهای و تقویت وضع خویش در صدد آن میباشند تا اختلافات درونی خود را بنام نظم مصالحه و انمود سازند .

این دول به نمر رساندن نظم مصالحه را بیشتر در عرصه اقتصادی مرقوا هندی هم در جستجوی آن اند تا نیرو های مولده خویش را در سطح پیشرفت و انكشاف گسیل ، پرو سه انقلاب علمی تکنالوژی را انكشاف ، و بین المللی ساختن اقتصاد سرمایه داری را سرو صورت داده برای تحقق این ممول مبارزه و تلاش بخرج میدهند . ولی پرو سه مناسبات بهم مربوط اقتصاد بین الدول سرمایه داری تا نبرات روشن و مشخص را در سیاست داخلی و خارجی این کشور ها گذاشته که بموجب آن روش های کاهلا تازه و جدیدی را بغرض اعمار انحصارات بین المللی روی دست گرفته و برای تحقق آن سعی فراوان بخرج میدهند . بر علاوه اروپای غربی بصورت مشخص در جدو جبد است تا یک سیستم پولی بین المللی را برای دول سرمایه داری و کشور های دیگر بسو جود آورد تا امر بتواند که وضع نا بسامان موجود را بپسود بخشند و از بحرانها در حال انكشاف جلو گیری بعمل آورند .

بهر حال این پروسه ها و جریانها را ایدئولوگ ها و پالیسی میکسران جهان سرمایه داری یا نمی خوا هند و یسا نمیتوانند بخوا هند ، تا صنحات جدیدی همگون و متحدالشکل را جهت انكشاف سیستم سرمایه داری بوجود آورند .

با تصحیح و اکمال این تو قعات و بسا مخالفتی که به مقابل جهان سوسیالیستی از خود نشان میدهند ، با وجود آن هم نمیتوانند اختلافات درونی خود را بر طرف و مضمحل سازند . در عین وقت امپریالیسم بموجب بروز مبارزه شدید بین سیستم سوسیالیستی و سرمایه

داری مجبور گردیده تا این واقعیت را درک نماید ، که همه این تغییرات حاصله و اختلافات موجوده جهان سرمایه داری ناشی از پرو سه پالیسی بین المللی خود این دول میباشد .

اختلافات درونی مشخص موجوده جهان سرمایه داری در سه مرکز کاهلا بهم مربوط در دهه اول بعد از جنگ جهانی یعنی در ایالات متحده امریکا ، اروپای غربی «بشمول دول شمال بازار مشترک» و جاپان ظهور کرد . که هر کدام از این مراکز تلاش بخرج میدادند تا سیستم مناسبات موجوده را به نفع خود تغییر دهند و سود بیشتر بدست آورند . ولی در نتیجه اندازة اختلافات در مراکز فوق تا امروز به نحو بالنده و رشد یافته خود در حال افزایش و پیشرفت است .

پا نین آمدن سطح تولید ایالات متحده امریکا به مقایسه سطح تولید جهان سرمایه داری و انكشافی تنا سب تولیدات دول اروپای غربی (خصوصا در جمهوری فدرالی آلمان) و جاپان که همزمان به وقوع پیوست اختلافات موجوده جهان سرمایه داری را مبدل به تضاد های کاهلا اقتصادی بین دو مرکز امپریالیستی ایالات متحده

امریکا که مرکز سوم امپریالیستی است گردانید . با یاد بخاطر داشت که این تضاد ها در مراکز اروپای غربی و جاپان نسبت روابط نزدیک و با همی بودن نشان چندانی بصورت تگرفت ولی بهر صورت رقابت بین هم با یک نوع تحرك در حال پیشرفت روز افزون بود . که در نتیجه مناسبات اقتصادی نیز در عرصه سیاسی جامعه عمل پوشید و شامل پالیسی روز گردید . اختلافات در کمپ جهان سرمایه داری بعد از بحرانها سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵

بهر حله حاد و شدید خود قدم گذاشت ، پا نین آمدن ظرفیت صنایع ، از دیاد گروه بیکاران ، و انقلاب سیون روز افزون همه و همه باعث ایجاد رقابت شدیدی بین نیرو های امپریالیستی گردید مبارزه بپیر حمله بغرض احراز با زار ها بخاطر فروش کاهلا بین شان آغاز گردید . کشور های سرمایه داری و گروهی از دول انحصاری شان مانند کشور های شمال بازار مشترک اروپا ، سعی بخرج میدادند تا در اطراف ما رکیت های داخلی خود حصاری بوجود آورند و مانع دخول

امته خارجی گردند تا اگر بتوانند اشتغال خویشتن را تامین و با زار های خود را بدست خود رونق دهند و سود هنگفتی را بدست آورند . بصرین خاری معتقد اند که بین مراکز رهبری کننده سرمایه داری بخاطر تجارت بازاریابی جنگ اقتصادی به شکل روز افزون و شدت خود ادامه دارد .

نتایج حاصله از بحرانها در ساحت اجتماعی و سیاسی چارم حصه از حکمروایان سرمایه داران انحصاری را واداشته که اعتماد به روز مستقبل خود نداشته را همی را سراغ ندارند تا ازین مشکلات و رقابت های خصمانه رهایی یابند . اختلافات موجوده در حال انكشافی طوریکه

گفته آمدیم به توده های وسیع زحمتکشان این فهم و درک را داد ، که حکمروایان بورژوازی قادر نیستند ، تا از بحرانها اقتصادی جلو گیری بعمل آورند ، بناء کلیه زحمتکشان معتقد اند که ایدئولوگ های بورژوازی در واقعیت امر ایمان و عقیده به نظریات و سیستم سرمایه داری که بصورت کور کورانه آنرا تبلیغ و بالای مردم می قوی لاند نداشته و ندارند ، صرف بسرای اقتناع سرمایه داران و منافع آنها غلام حلقه بگوش اندوس . درین او اخر ایالات متحده امریکا در یکی از نشریه های خود موسوم به «اخبار و راه پور جهان» یاد آور میشود که تمام دول بزرگ شامل ایمان « نا توه دارایی وضع نا استوار سیاسی بوده یعنی دارایی وضع سیاسی پایدار و مستحکم نیستند ، این همان واقعیت تلخی است که خود نمایندگان امپریالیسم آنرا برده اظهار میدارند .

در تحت شرایط موجوده مصلاح کشتی سرمایه داری آن چیزی را که خوبتر می بیند و مشاهده میکند « جنگ اقتصادی هرکس علیه همه کس است .

که میراث مهم و خطیر سیستم سرمایه داری بصورت کل محسوب میگردد . پس به همین منظور است که جهان سرمایه داری بغرض حل تمام پرابلم های اقتصادی جهان خود به سیاست محرك ، پیشرفت و آشتی طبقات نزدیک میگردد و مبارزه خود را بمقابل تمام نیرو های صلح ، دموکراسی و پیشرفت های اجتماعی معطوف ساخته و می رزمند ، ولی بهر حال اوضاع موجوده جهان آنرا که «کارتر» رئیس جمهور امریکا ارزیابی کرده چنین توضیح میدهد .

«نظم اقتصاد جهانی در شرایط فعلیه نسبت به هر چیزی دیگر خواهان آن است ، تا تمام دول بصورت متقابل و با همی برای حل پرابلم های موجوده مشترکا مساعدت نمایند .»

چهره مشخص وضع جاری در دنیای سرمایه داری مشتمل است بر مناسبات بین الدولی که خود آنرا ترتیب و تنظیم نموده اند ، و آن عبارت از وجود آوردن پلابک های نظامی و سیاسی بوده که بصورت همیشگی در بسط و استحکام آن دول ذینفع تلاش دوامداری بخرج میدهند . تکنیک و میخانیک را که امپریالیست ها بغرض نیل به هدف بکار میبرند ، آن امکاناتی را بوجود می آورند که علاوه و دلچسپی نامه را در مقابل این یا آن عضو گروه مستور و پوشیده نگاه دارند . و بر بعضی از اختلافاتی که بین ایشان و آنها نیکه عمل جدا گانه و علیحده نشان میدهند پرفه افکنند . و به نحو غیر قابل تصور و عدم درک صحیح فقط و فقط در پی آن میباشند تا یکطرفی منافع هنگفتی از طرف دیگر کسب نمایند ، بدون آنکه دارای تسلط و نفوذ مستحکم در اتخاذ عمل خود باشند .

امپریالیسم ایالات متحده امریکاهمیش و در هر جا چنان نقشی را میخواهد بقیه در صفحه ۴۳

سگریت پلورونکی

د آسمان شینی مخ خر وو ریغو پوښلی
و او دبا وان څاڅکی په ډیر شدت دڅمکی
پر مخ را تو نیدل .

غمچه څمکه یی لاهو بو له او د اوپوښی
لښتی یی هری خوا ته بهول . سر و غو نه
ښار په غیر کی نیولی و او ټول ځانونه یی
رپریدل او ایستل . بر پښتا وخت ناوخته
په خپلی زړینی لښتی د آسمان په توپمخ
گلاو و نه کول او د تالندی هیبتا کی غرا
د یغنی د لاشدت او زور خبرو نه خبرول
سری سبلی دوی لویه به شان کوکی وهلی .
څمکی ، کورو نه ، سمی ، غروته او دښار
په مخ هر هری شی ته یی خپلی د ظلم څپیری
ور جواله کولی . دبا وان شدت وار په
وار ډیر ید ه هوا سره وه ، ښار او ښا ریان
یی ټول له ډیر شدت نه کر ختول .

شپی خپله توره لمن ورو ورو هری خواهه
غو ږو له او دور څی خر مخ یی لاله نور او
رنا څخه یی بر څی کاوه ، کو څی او وایونه
له خلکو څخه تش وه ، ښار ریا ن په ډیره
بیره په وایو نو او کوڅو کی دی خوا هسی
خوا کیدل ، په منډه منډه یی خپل کارونه
سر ته رسول او اصلا ډیر لږ خلک له خپله
کوره دبا ندی تر ستر گو لیدل ، خو ډوډوکی
سگریت پلورونکی لا همغسی دپخو ایسه
شان ، هلته په بازار کی دیوه تر لسی
دگان مخی ته تر منا لاندی ولاړو ، غونډ تر
خپل یوازینی اغوستی نازکه سوری سوری زاړه
کمیسی لاندی رپړید دینه او په رپریدل کی
نری آواز یی همغه ناری وهلی .

سگریت ...! سگریت ...
هغه سهار لمانځه مهال له خپلی زړی
چو نگرې څخه راوتلی و ، لو څی پښی او
لو څ سر په ښار کی دی خوا گرځیده
د سگریتوډرې بلیه یی دخر څلاو په هبله
هری خواهه ترخول . هرڅوک چی یی لیده
په منډه یی خان ورساوه او په ډیره امیدواری
به یی ورته وویل .

سگریت ... سگریت... دغه دی سگریت
او گله چی به یو نیم خر یدار کو مه دانه
سگریت تری وپیرودنوغم خپلی لو یسد لسی
سترگی به یی په مینه و غلیدلی ، په
ډیر شوق به یی روپی له خر یداره ترلاسه
کړه او دخپل زاړه شوو یدلی کمیسی خیر ن
واړه جیب ته به یی ور اچو له له خو څی
ډکه نری څندا به یی په شو نه و وغوړیده ،
په منډه به یی له مخی د بل خر یدار د
مینه لو په امید نری شو او بیر ته به یی
خپلی ناری شروع کړی .

سگریت ... سگریت... دغه دی تا زه
سگریت... ما شوم سگریت پلورونکی
غو نه ورځ په همدی ترکیب منډو او گرځیدلو
دژ می سری هوا او دغه زغملو یغنی ته

جهیل تیلستک را که در مناطق
کوهستانی التای اتحاد شوروی
موقعیت دارد اغلبا از لحاظ زیبایی
باجهیل بایکال مقایسه می کنند .
شفا فیت نقره فام آب ، زیبایی سواحل
ارتفاع زیاد آن نظر به سطح بحر
(چهارصد و سی و شش متر) همه این
صفات دست بهم داده و این جهیل را
از لحاظ زیبایی طبیعی آن در ردیف
جهیل معروف بایکال و امثال آن در
دنیا قرار میدهد .

در جهیل تیلستک مانند جهیل
بایکال یکتعداد زیاد دریا ها که شمار
آنها به هفتاد و یک میرسد سرا -
زیر میشوند اما فقط یک دریا بنام
دریای بیبا از آن سر چشمه میگيرد
عمق و سطحی جهیل به (سی و
بیست پنج) متر میرسد . گر چه
از لحاظ عمق به جهیل بایکال نمیرسد
زیرا عمیق و سطحی جهیل بایکال
به (یکهزار ششصد و بیست) متر
میرسد اما نظر به جهیل های
معروف جهان مانند جهیل های
مشیگان ، انتاریو و تیتیکاک عمیق
تر است .

عربکن مشکرفز مطسته و شرریه

ترجمه احمدشاه

اسرار جهیل طلائی

از زمان های قدیم در سواحل
جهیل تیلستک مردم التای از قبیله
تیلست زندگی داشتند به این لحاظ
در حال حاضر آنرا بنام قبیله مذکور
مسمی کرده اند .

مردم قبیله تیلست این جهیل را
بنام التین کول که جهیل طلائی معنی
مورد افسانه ذیل را حکا یست
میدهد مسمی کرده بودند و در یمن
میکردند . در زمان قدیم خشکسالی
شدید بوقوع پیوست . شخصی بود
که سکه طلا داشت که در آن تصویر
کله ای اسب نقش شده بود اما در
مقابل حتی یک لقمه نان نداشت که
از آن رفع گرسنگی میکرد . مرد
مذکور نزد همسایگان مراجعه میکرد
واز آنها میخواست تا سکه را با
قرص نانی تبادل کنند اما هیچ کس
به این معامله حاضر نه شد . مرد با
مایوسی زیاد سکه بی بهای خود را
به جهیل پرتاب کرد . به این ترتیب

از آنوقت تا این عصر بنام جهیل
طلائی یاد میشود .
دزینکه جهیل تیلستک را دریاها
وابشار های خرو شان ، تنگنا های
عمیق احاطه کرده است در طول
سالهای متمادی از نظر دور مانده
بود . به این لحاظ طبیعت دست
نخورده آن تا حال شکل او لیه خود
را حفظ کرده است .

جهیل مر نضع تیلستک در دنیای
تحقیقات علمی تا چندی قبل چون
(صفحه سفید) دست نخورده باقی
بود و گروه های تحقیقاتی ندرتا
غرض پیشبرد تجارب تحقیقاتی
سفر میکردند اما ضرور بود تا

تحقیقات دقیق درین قسمت صورت
بگیرد . به این لحاظ در سال ۱۹۶۵
در نزد یکی جهیل تیلستک استیشن
تحقیقاتی علمی تشکیل و به فعالیت
آغاز کرد . کارکنان استیشن
تحقیقاتی علمی باید به سوالات متعدد
جواب میدادند بطور مثال چرا فقط
در اواسط زمستان یعنی در ماه
جنوری یخبندی در این جهیل
صورت مینمیرد و آنهم برای مدت

بسیار کم ؟ سا ختمان کف جهیل
چطور است ؟ علمت تغییر شدید
دقلیم درین منطقه چیست که دریک
قسمت نزدیکی سوا حل یخبندی ،
شدید حکمفرما ست و در قسمت

دیگر آن که از قسمت اولی چند
کیلو متر فاصله بیش ندارد هوا ،
مانند منطقه کریمیا ملایم و نرم
ناچیز جهیل را در یافت کردند زیرا
جهیل تیلستک عمیق است و در مقابل
سرما و یخبندی ډیر تر مقاومت ،
میکند . در ماه های تابستان فقط
اقشار فوقانی آب تا اعماق بیست
الی چهل متر حررت خود را بلند
می برند و اقشار دیگر آن در طول
سال حرارت مثبت چهار درجه
سانتی گرید را دارا میباشند .

آب درین جهیل تا حد اعظمی
توسط اکسیجن مشبوع است اما در



ارکادی رایکین در حین نمایش

ار کادی رایکین در بنو ق ت بسیار شگن شد زیرا به او اجازه نما یش بعضی از صحنه های میر هوجیا تی را اجا زه دادند اما چندی بعد به این نکته اعتراف کرد که هم مسلکان انگلیسی او در چو کات منطقی که برای خود انتخاب کرده بودند کاملاً منطقی و معقول بودند . زیرا اگر کسی سعی میوزد تا از بیرو گراسی بیرو کرات هاور شوت خوری دفاع میکند طبعی است که اجرای نما یشنا مه های را که در آن ها بیرو کراسی ، بیرو کرات ها و رشوت خوری به یاد انتقاد گرفته شوند مجاز نسی شما رد . ار کادی رایکین بعد چنین اظهار داشت : « چقدر خوب است که در مملکت ما از رشوت خوری به شکل «تجارت بکلی مجاز» دفاع نمیشود و هیچ کس اینطور فکر نمیکند که بیرو کراسی از عنعنات ملی ما بشمار میرود . »

ار کادی رایکین چون صحنه های انتقادی را اجرا مینماید بنا ء چنین شخصی با ید به زندگی و مسایل میر م حیا تی به چشم عقل و منطق بنگرد و اعمالی مانند بیرو کراسی ، رشوت خوری را بدون عاطفه بیاد انتقاد بگیرد . ار کادی رایکین میگوید : اینکه کدام اعمال غیر مجاز را بیاد انتقاد میگیر م حتمی نیست که از جوانب منفی بطور همیشه سخن گفته شود و به شاخه های دیگر توجه نگردد . بر عکس طنز و انتقاد آنو ق ت مفید و قابل قبول واقع میشود که در خود نکات مثبت را نیز بگنجانند .

ار کادی رایکین میگوید : اغلباً از من سوال میشود : شما به کدام حق درینو یازان موضوع مزاح و از بعضی مسایل انتقاد میکنید ؟ معمولاً جواب میدهم من منحیت یک انسان ، یک هنرمند و یک تبعه مملکت به خود این حق را میدهم نخست از همه خودم اینرا به خود اجازه داده ام زیرا اینها مسایلی اند که مرا به این نوع نما یشنا مه ها میکشاند و با ید حل شوند . خنده و مسخره در مقابل چنین اعمالی مانند بزلی ، بی علاقه گسی به امور محوله ، بی احترامی و پستی منجبت سلاح عمده بشمار میرود و در مقابل باقانون جنایی در یک مقام و مرتبه قرار میگیرد و حتی بیشتر تر از آن تا غیر مثبت وارد مینماید .

البته اگر اینطور فکر شود که موفقترین صحنه های طنز در جهان و مردم تغییر کیفی وارد می کند ساده لوحی شخص را نشان میدهد در مقابل این نیز بی منو م خوا هد بود اگر شخصی شغل طنز را در پیش گیرد و به امکانات آن عقیده نداشته باشد .

ار کادی رایکین تمام زندگی و فعالیت های حیاتی خود را در زمان دو لت شوروا ها یش برد و می برد . او میگوید : من به این افتخار دارم که وظایف محوله و کار های دشواری را مردم ما به بسیار خوبی انجام میدهند و داده اند اما سنگین ترین بقیه دو صفحه ۵۱



ارکادی رایکین در اجرای نمایشنامه مقابل سربازان دیده میشود



ارکادی رایکین در چهره های مختلف، تماشاگران را می خندانند

ارکادی رایکین بدون شك بشیان گداو استاد بزرگ مینا تور طنز در اتحادشوری عیبها شد قبا تر مینا تور یعنی چه ؟ این قبا تر از هنر مندا تی متشکل عیبها شد که نما یشنا مه های کوتاه را اجرا میکنند . در قبا تر طنز لیننگراد این نما یشنا مه ها بسیار شد ید ، میر م و انتقاد میباشند . درین قبا تر نه تنها نما یشنا مه ها اجرا میشود بلکه هنر مندان بعضی از صحنه ها را تمثیل می نما یند که با خود صحبت میکنند و مسایل میر م حیا تی را به شکل انتقادی و خنده آور آن تمثیل مینمایند . ار کادی رایکین در اتحادشوری و در خارج از آن از شهرت زیادی برخوردار است . او میگوید : « در یکی از سفرها یم به لندن مقامات مربوط به من اجا زه دادند تا در تلو یزیون انگلستان بعضی از نما یشنا مه ها را اجرا نما یم این پنج دور نما یش از نما یشنا مه های



هنگامیکه ارکادی رایکین را پسرش و یکتن از ممتلین در باز گشت سفر همراهی میکنند

ترجمه: عبدالله

از سبوتنیک

کمیدین معروف تیا تر طنز ار کادی رایکین

متشکل بود که در مسالهای مختلف در اتحادشوری آنها را اجرا کرده بودم . درین وقت بطور غیر مترقبه هم مسلکان انگلیسی- ۱۱ اظهار داشتند که بعضی از صحنه های کمیدی را از پرو گرام خارج سازم . با خود فکر کردم چه حادثه رخ خواهد داد؟ سخن از چه قرار است ؟

یکی از آنها برایم توضیح داد : آقای رایکین ما به نیر نگهای شما پی برده ایم حال شما میخواهید کردار یک شخص بیرو- کرات را تمثیل کنید اما اسمیکه معلوم است بیرو کرات حقیقی برای او لین مرتبه در انگلستان ظاهر شد . یا بطور مثال شما میخواهید رشوت خوری را مسخره نمائید ما بعضی هارا در انگلستان عقیده دارند

که رشوت خوری یک تجارت بکلی مجاز شمرده میشود . پس به این ترتیب چرا بر نسیب های موازین اخلاقی خود را بر هم زنیم ؟ و این نیر نگ شما را که میخواهید به اشخاص مخاطب تان نام های روسی بگذارید و ما را گول بز نید درک کرده ایم .



ارکادی رایکین در حال ممارست و تمرین

سیاست همزیستی مسالمت آمیز

در جهان امروز روابط بین المللی و سیاست خارجی در حیات ملت ها ، در فعالیت های احزاب ، حکومتها و دولتها نقش مهمی بازی می کند ، این همه به شرایطی مربوط است که جبر خصوصیات عصر و عمل کرد عوامل مختلفه آنرا بوجود آورده . - در آغاز ، باید گفته شود که سر نوشت ملیون ها مردم و حتی تمام مدنیت با اندازه ای که امروز به شرایط بین المللی ، حل مسائل کلیه ی بین المللی و بویژه مساله صلح و جنگ وابسته است در هیچیک عصر گذشته نبود - انقلاب علمی و فنیکی سبب ایجاد سلاح های مخرب کتلوی بی سابقه گردیده .

در جنگی که توسط امپریالیست ها شروع شود اگر از چنین سلاح ها استفاده بعمل آید جهان را با امحای ملیون ها مردم و نا بودی شرایط موجودیت نوع بشر تهدید می کند ، در عین زمان انقلاب علمی و فنیکی باعث رشد سریع نیرو های مولده گردیده نوع بشر را با برابری های جهانی ، مانند استفاده معقول از منابع طبیعی ، تهیه کار و معیشت برای همه مردم ، فایق آمدن بر پسماندی امور اقتصادی کشور های روبانکشاف و غیره مواجه ساخته ، بر علاوه ، انقلاب علمی و فنیکی باعث وسعت تقسیم کار بین المللی و همکاری اقتصادی بین المللی در تمام ساحات بشمول استفاده از فضا و ابحار و حمایت محیط زیست گردیده .

در عصر حاضر که خود یک عصر عمیق انقلابی است ، تأثیر بوده ها بر سیاست تزیاد کسب نموده ، سیاست های داخلی و خارجی باهم ارتباط نزدیک یافته اند ، جریان و نتایج مبارزات طبقاتی در این یا آن کشور به تناسب قوا در کادر جهانی ، بحالت روابط بین المللی بر اندازه وابسته شده بالاخره یک خصوصیت ویژه عصر حاضر عبارت از موجودیت موازی دولت های است با دو سیستم گاهلا مخالف یعنی سیستم سرمایه داری و سیستم سوسیالیستی که دارای دو سیستم اقتصادی اجتماعی بوده و هر کدام آن با قوانین ذاتی خود تکامل می کنند .. طبیعی است که این حادثه در روابط بین المللی محسوس شده و به شکل تصادم و عمل متقابل تمایلات عمومی و تکامل قوانین تجسم می کند ..

اساس همزیستی مسالمت آمیز ، که توسط سرزمین جوان شوروی به پیش کشیده شد و تهداد روابط با کشورهای سرمایه داری را می سازد چنانچه بعضی از سیاست دانان بورژوازی ادعا دارند ، هیچگاه یک مانسور و حیلۀ تاکتیکی نبوده ، فرغیۀ همزیستی مسالمت آمیز جزء لاینفک تئوری انقلاب سوسیالیستی است .

نیروی علمی و انقلابی طبقه کارگر بیان می دارد که از اثر رشد نا متوازن اقتصادی و سیاسی کشور ها و امکان پیروزی سوسیالیزم ، اول دریک با چند کشوریک حالت مخصوص بوجود خواهد آمد که در آن سوسیالیزم و کشورهای سوسیالیستی و کشورهای سرمایه داری موازی وجود خواهند داشت از جریان وقایع جهانی چنین نتیجه گیری به عمل آمد که اعمار سوسیالیزم نا گسبان صورت تلمی گیرد بلکه یک جریان طولانی تاریخ را احتوا می کنند . ازین حقیقت چنین نتیجه گیری می شود که ناگزیر برای مدت مدیدی دو سیستم مخالف موازی پهلوی همدیگر وجود داشته می باشند .

شک نیست که یک مبارزه حاد و شدید بین سیستم اجتماعی کهنه و از نظر تاریخی محکوم بقنا و سیستم جدیدی که با به عرصه وجود نهاده قهرا درمی گیرد و تضاد بین دو سیستم متضاد تعیین کننده توره انتقالی بوده و امپریالیزم با استفاده از تمام امکانات دست داشته ، حتی مداخله نظامی ، برای سرکوب کردن انقلاب سوسیالیستی قیام می کند و از طرف دیگر انقلاب سوسیالیستی پیروزمندانه اکتوبر ، سرمشق و اتکالی بین المللی مبارزات کارگران جهان ، بالخاصه کارگراییکه در مراکز اساسی سرمایه داری متمرکز گردیده اند ، می باشد .. با وجود این تضاد عمده در روابط بین المللی یک نیروی بسیار بزرگتر از خواست ، اراده و تصامیم حکومت ها و یا طبقات متخاصم و مخالف با سوسیالیزم وجود دارد که آنها را مجبور می سازد ، با کشورهای سوسیالیستی تماس داشته باشند ، این نیرو ، نیروی روابط عمومی اقتصادی جهانی بشمار میرود ...

نیروی علمی طبقه کارگر عمیقاً معتقد است که منافع علمی کشورهای سوسیالیستی و کشورهای سرمایه داری و منافع جهانی تمام جامعه بشری حکم می نماید که مبارزه بین کشورهای دارای نظام های اقتصادی و اجتماعی متضاد باید به شیوه مسالمت آمیز صورت گیرد نه باستعمال سلاح و اختلافات حاد بین کشورهای باید با متقابل سیاسی ، اید یولوژیکی و رقابت اقتصادی در تکمیل نمودن شیوه زندگی و حل مسائل جهانی از میان برود ، نه در میدان جنگ ... این است معنسی همزیستی مسالمت آمیز ..

در ختم سال های ۱۹۶۰ و آغاز سال های ۱۹۷۰ ع قضای بین المللی ، تمام جریان تکامل در عرصه بین المللی و سیاست جهانی بصورت عموم به تغییرات بزرگی معروض گردید یعنی تغییرات در سنت آوازش فشار بین المللی و کمی خطر جنگ جدید جهانی ،

حالا باید فهمید که چه عواملی سبب این تغییرات گردید ؟

نخست : تحکیم بیشتر مواضع کشورهای سوسیالیستی و رشد نیروی اقتصاد و تأثیر سیاسی آنها ، همین عامل است که تأثیر قاطع دارد ، زیرا این عامل تلاش مذبوحانه محافل حاکمه امپریالیستی را برای حصول تسوق نظامی بر کشورهای سوسیالیستی بر مسلا ساخت و پیروزی های ممالک صلح دوست ، خلاهایی را در محاسبات غرب بوجود آورد و انحصار آنها را بر مطلق العنانی پایان داد ، حصول تساوی خصوصاً در قسمت سلاح های شتراتی یک موقف قدرت و سیاست جنگ سرد را به نقطه صفر یعنی منفی رسانیده و برای خود غرب نیز خطرناک ساخت .

دوم : تغییر دو پاره نقشه سیاسی جهان در نتیجه پیروزی های مبارزات رهایی بخش ملی و بروز و تکامل چندین هوجبین (نوازه) کشورهای جوان در صحنه جهانی بسیاری ازین مملکت ها دکته های دول امپریالیستی را بدور انداخته در مبارزه ضد اعمال تهاجمی ، مبارزه بخاطر صلح و مصونیت بین المللی در کنار کشورهای سوسیالیستی قرار گرفتند .

تغییرات بزرگی در مسیر قوا در بین خود ممالک امپریالیستی نیز بوقوع پیوسته یعنی بسیاری از کشورهای سرمایه داری که در سال های ۱۹۵۰ با اطاعت کامل از کشورهای بزرگ امپریالیستی جهان پیروی می نمودند و مسیر دیگری را در پیش گرفتند .

سوم : رشد نیروی ضد امپریالیستی در جهان : طغیان جنبش طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری و تحکیم نیرو های دست چپی در بسیاری ازین ممالک مخصوصاً احزاب طراز نوین کارگری ، یک خصوصیت و وضع سیاسی در دهه اخیر عیارت است از رشد وسیع جنبش های دموکراتیک در اکثر کشورهای سرمایه داری از همه اولتسر جنبش ضد جنگ .

چارم : تغییرات در حلقه های حاکم ممالک بزرگ امپریالیستی ، و رشد تمایلات ریالیستیک در این طبقات و در سیاست اکثر کشورهای غربی ، این یک جریان خیلی مغلق و اغلباً متضاد است . تظاهر عمده آن درک تالیج و خطرات ذخیره نامحدود سلاح ها است توسط زمام داران غرب و نیز فهم روز افزون این مطلب که سیاست خارجی باید از دیدگاه جدیدی مورد ارزیابی قرار گیرد ، این باید علاوه شود که شخصیت های بورژوازی ای که بیشتر ریالیستیک فکر می کنند از پشتیبانی بیشتر مردم در حوزۀ های انتخاباتی برخوردار اند ، حقیقتی است که از آن انکار شده نمیتواند . تمام این عوامل در مجموع وانعکاس آن در شعور طبقات ، گروه ها و عده از شخصیت های مؤثر سیاسی و دولتی سبب شده که در اواخر سال های ۱۹۶۰ ع احساسات مردم بخاطر تغییر عقیده جنگ سرد در کشورهای بزرگ سرمایه داری اوج گرفت . این بود که شرایط عینی و ذهنی تکامل نمود و امکان آن رامیسر ساخت تا از جنگ سرد به آرامی فشار بین المللی ، تکامل روابط عادی بین دو سیستم مخالف چرخشی بوقوع به یوندد و همزیستی مسالمت آمیز در عمل و قانون توسط غرب بر رسمیت شناخته شود . عبور از جنگ سرد ، از تقابل انفجار دو جهان مخالف ، به دینات ...

جهانی مرتبط بود اما به تلاش و حرکت زیاد نخست از همه به تغییر تناسب قوا در کادر خلق ها ضرورت احساس می گردید .

مخصوصاً خلق هاییکه مسئول سیاست دولت ها بودند تا تقسیم شود که مسائل مورد نزاع را نه از طریق غرور بلکه از راه همکاری مسالمت آمیز ، بدون تقابل مسلحانه میتوان طور طبیعی حل نمود ..

انتقال از جنگ سرد به دینتانت : درک وسیع اساسات همزیستی مسالمت آمیز در آن واحد صورت نپذیرفت ، مقایستایک جریا ن طولانی بود و در جهان به شیوه های مختلف متظاهر گردید و در روابط کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری اشکال مختلفی را اتخاذ نمود .

این جریان بصورت بسیار قاطع در اروپا به پیش رفت ، در برانظمی که در آنجا دو نظام اقتصادی ، اجتماعی مقابل با سازمان های نظامی و اساسی شان (ناتو) و وارسا مستقیماً در برابر هم قرار داشتند . اولین کشور بزرگ سرمایه داری ای که با اتحاد شوروی مناسبات خود را بهتر ساخت فرانسه بود ، این حادثه هم از لحاظ اینکه فرانسه یک پیش قسراول برای تسهیل عادی شدن روابط کشورهای دیگر سرمایه داری با جهان صلح گردید و نیز از لحاظ نقش فرانسه در تاریخ جهان ، سیاست جهان ، اقتصاد و کلتور اهمیت بسزایی داشت ، اولین قدم جدید مناسبات میان فرانسه و اتحاد شوروی در ۱۹۶۶ ع بعد از مسافرت بریزدنت دسگول گذاشته شد .

این یک نقطه چرخشی بود در روابط هر کشور و برای هر دو کشور و جریان دینتانت در مجموع اهمیت بسزایی داشت ، روابط هر دو کشور در دهه اخیر نمونه عالی است برای تجسم اساسات همزیستی مسالمت آمیز و تعاون بین کشورهای نظام های مخالف و یک عامل مهمی است در عادی ساختن تمام امور مغلق روابط بین المللی و اروپایی ..

یک واقعه عمده و نقطه عطف در تاریخ بعد از جنگ اروپا عبارت از قرار داد ۱۹۷۰ مسکو بود که سنگ تهداد دینتانت را در برانظم اروپا گذاشت و هم این قرار داد بمعنی عادی شدن روابط کشورهای سوسیالیستی با جمهوری فدرالی آلمان بود ، اهمیت این واقعه از موقف خصوصی جمهوری فسدراالی آلمان در مجموع روابط بین المللی بعد از جنگ ، از نقشی که او در جنگ سرد داشت و هم از امکانات زیاد که آلمان غرب در دست دارد کم نیست ... چنانچه در مدت ۲۵ سال پس از جنگ ، مسائل مغلقی که با جمهوری فدرالی آلمان و برلین غربی مرتبط بود ، به نحوی از انحاء بیحیث محراق تقابل دو سیستم باقی مانده بود و جهان را بروی کار آمدن یک جنگ عمومی تهدید می نمود ، این است دلیلی که عادی شدن روابط جمهوری فدرالی آلمان با کشورهای سوسیالیستی برای روابط همزیستی مسالمت آمیز اهمیت بسزایی داشت ...

کشور های صلح دوست همیشه علاقه مند بپیود و تکامل مثبت روابط با بریطانیای کبیر و ایتالیا بوده اند ... زیرا این کشور ها نیز موقف مهمی در اروپا و سیاست جهان اشغال نموده اند ... مناسبات با این کشور ها از نظر تعاون اقتصادی : تماس های سیاسی و غالباً مناسبات حسنه بوده است . با بهتر نمودن بقیه در صفحه ۳۷

رهنما برای کسانی که میخواهند

شوهر بگیرند

مساعدتر آید. اگر شوهر با قد کوتاه داشته باشید هیچ ضرورت نیست که لباس های کهنه تان را بطور اندازید زیرا از یک پیراهن تان يك جوره درشتی بسزای به بسیار آسانی ساخته میتوانید .
 مردها با قد متوسط خاصیت اطفال را دارند اما این اندازه تان میخورند و از مردان قد بلند عقب نمیمانند .
 چشم های مرد ها آبی، سبز، خاکستری و سیاه میباشد ، بدون در نظر داشت رنگ چشم های مرد ها چندان با حیا نمیباشند .
 مرد های که دارای چشم های محجب (برآمده) باشند همیشه در جستجو میباشند تا در هر قسمت معلومات کافی داشته باشند و از شعار



عروس به عقد رفته، هنوز هم دو تعجب است که شوهرم چگونه است؟

بهر است تا اولتر بدانیم که مرد یعنی چه: علم درین قسمت تعریف مکتب آنرا داده است .

مرد زنده جان تو پاست که به بسیار زودی تسخیر میشود و به جلی میرسد که ظروف را میشوید ، کف اطاق را پاک میکند و پول معاش را مکتب به خانم تقدیم میکند . حال به اصل مطلب بر میگرددیم . هر يك از قبیل مقبول ، نامقبول سیاه چهره، سفید چهره و بالاخره همه شوهر میگیرند .

از همه زودتر جاق ها و لاغر ها و کمی نادان ها زودتر شوهر میگیرند . از همه مشکل تر داناها شوهر میگیرند زیرا کدام مرد میخواهد که زن عاقل تر از خودش داشته باشد ؟
 قبل از اینکه شوهر انتخاب کنید به قد و قامت مرد ها متوجه شوید . قد مردها مانند در نمازه های درجه اول ، درجه دوم درجه سوم میباشد . مردها باقد بلند در کار های منزل چندان وارد نمیباشند . مرد های قد کوتاه برعکس غرض استثمار بهتر و



نمایی از شوهران دلخواه

ذیل پیروی میکنند «میخواهم همه چیز را بدانم» .
 حال راجع به رنگ موها صحبت می کنیم .
 مردها دارای مو های روشن ، خرمایی و سیاه میباشند .

مرد های ، با موهای روشن بسیار متواضع خوش باور و ساده میباشند معاش را بدون کم و کاست به خانم تقدیم میکند .

مرد های مو سیاه بسیار حسود و خشن میباشند . همینکه بالای زن خود بد گمان شد به بسیار هیجان وعده میکند او را از بین می برد و خود نیز خودکشی میکند . اما نمی داند که اولتر خود و یا خانم خود را از بین

ببرد بدین ترتیب ساله را نازل گداشته و برای همیشه تا شام از خانه خارج میشود .
 مردهای مو خرمایی بسیار مهربان و خوش خلق میباشند . همه موخرمایی ها میخواهند خود را در جمله مرد ها با موهای روشن قرار دهند . اگر شوهر موخرمایی انتخاب میکنید

پس اگر میخواهید شوهر بگیرد بدون وقفه مرد تاس سر را انتخاب کنید این نوع شوهر قیمتی است ! با او در خانه همیشه خوش و مستریج میباشد .

بقیه صفحه ۱۶

اسرار جهیل طلائی

مهم میباید شد و در حل بعضی مسائل کمک شایانی مینماید .

از جمله عجایب متعدد جهیل

تیلسک از عجیبه میتوان نام برد که توسط دست . های طلائی انسان ایجاد شده است . این عجیبه باغ با درخت

های میوه دار است که در شرایط

ناگوار و در صخره آباد شده است .

شخصی که در قسمت مشاهدات

جهیل معروف است نیکلای سمیر -

نوف بود ، این شخص در آنوقت

اندازه گیری سطح آب را به عهده

داشت . نیکلای در مسکو تحصیل

میکرد اما مریض شد . داکتران به او

مشوره دادند تا در يك قسمت کناره

و خاموش زندگی کند . به این ترتیب

نیکلای به جهیل تیلسک آمد و

ایجاد باغ را کرد . در سواحل صخره

یی میخ های چوبی نصب کرد و خاک

مورد نیاز را از ساحل مقابل در ،

قایق نقل می داد . آب در اثر طغیان

سه مرتبه باغ او را ویران کرد اما

نیکلای باز هم به کار خود ادامه داد .

در حال حاضر باغ نیکلای سمیر -

نوف در ین نواحی یگانه نیست . در

قسمت های زیاد ساحل جهیل طلائی

درخت های میوه دار دیده میشود

مردم از آنها استفاده مینمایند .

مقابل ماهی ها نسبتا کمتر اند . علت این حا دئه چیست ؟ قسمتی که معلوم

شده است این جهیل برای ماهی ها

غذای کافی را دارا نمیباشد زیرا در

جهیل مذکور قسمت های وجود ندارد

که دارای عمق نا چیز باشند تا گیاه

های مورد نیاز ماهی ها در آنجا ،

بروید و منحصیث (چرا گاه) ماهی ها

از آن استفاده نمایند و از سوی دیگر

سواحل جهیل صخره یی بوده و دارای

نسبب زیاد میباشند . به این لحاظ

در جهیل تیلسک فقط سیزده نوع

ماهی موجود میباشد . در ین جهیل

نیز مانند جهیل بایکال ماهی های

موجود اند که در هیچ نقطه دنیا

یافت نمیشود . بطور مثال در سال

۱۹۴۹ در ین جهیل يك نوع ماهی

دیده شده است که طول آن به دهالی

دوازده سانتی متر میرسد .

کارکنان استیشن تحقیقاتی

مشاهدات دقیق را در ین قسمت

انجام میدهند و نظر به نتایج تحقیقات

آنها (گز ارض های سالانه هایندرو -

لو جیکی) ترتیب میگردد . این گز

ارض ها اقلیم و رژیم آب را در ین

جهیل بطور واضح تشریح مینمایند .

این معلومات برای بپو لو جست ها ،

هایندرو لو جست ها ، کارکنان

زراعت و مالدارانی بسیار ارزنده و

ارتقای علمی و تکنولوژی پزشکی امروز

افق جدید در تکنولوژی طبی امروز

در حدود نیم قرن قبل اوسط عمر ۴۵ سال در نظر گرفته شده بود، اما امروز بواسطه انکشافات علوم طبی و وسایل ضروری مبارزه علیه امراض این تخمین را تا حدودی بالا برده است چنانچه در جاپان امروز دوام عمر به ۷۶ سال برای زنان و ۷۱ سال برای مردان تخمین میگردد که این رقم در سوئد و ناروی زیاد تر از سایر کشور های جهان شمرده میشود .

گرچه دلایل و علل مختلف در مورد ادا مه حیات موجود است اما عمده ترین این دلایل همان انکشاف وسایل طبی و علم طب است که بعد از جنگ جهانی دوم به پیمانه وسیعی انکشاف و تحولات عمیق نموده است که این وسایل را عمدتا میتوان عدسیه های برقی ، فزیک هستوی و غیره دانست که در طبابت به پیمانه وسیعی قابل استفاده بوده که نه تنها در تشخیص امراض بلکه در راه علاج و درمان آن نیز قدمی مهم به پیش برداشته شده است .

پروفسر ارتقا در سیستم های اداری شفاخانه و معاینه خانه ها عمده ترین کاری است که امروز در جهان پیشرفته توسط کمپیوتر صورت میگیرد که توسط آن احصایه و کرونولوژی دقیق مریض توسط کمپیوتر ترتیب و بصورت دقیق در اختیار دکتوران موظف قرار میگیرد .

سیستم معاینه دقیق اتوماتیک مریضان در شفاخانه های مدرن امروز به پوسونل کمی ضرورت احساس میکند این دستگاه اتوماتیک الکترونیکی در مرکز یک عمارت واقع و وسایل و ملحقات آن در معاینه خانه های امر نصب می باشد که از همین جا میتواند مریض را به صورت دقیق تشخیص امعاینه نماید .

چنین دست آورد های علمی در پیبوسود شرایط زندگی خلـق ها نهایت موثر و ثبت تمام میشود انکشاف و پیبوسود وسایل فایبروسکوپ دکتوران مربوط را قادر میسازد تا معاینات دقیق قلبی ، جگر و شش ها که در گذشته امکان پذیر نبود امروز به صورت دقیق

معاینه نموده و حتی بتوانند ذرات و سلول های کوچک مغز آدمیزاد را نیز تحت مطالعه و معاینه قرار دهند .

طب (هستوی) یکی از جدید ترین انکشافات طبی است که بشر درباره آن تلاش و مجاهدات نموده اند و استفاده از وسایل مواد رادیولوژی در تشخیص امراض افق جدیدی را در ساحه طب امروز گشوده که میتواند امراض ارگانیک بدن را تدای نماید . استفاده از رادیو آرتروپ هادر وجود امروز یکی از پیشرفته ترین وسیله تدای امراض ارگانیک شمرده میشود که دکتوران موظف میتوانند موقعیت بخصوص امراض سرطان ، تومور ، لخته شدن خون و غیره را در بدن به صورت واضح دریابند .

گرچه وسایل طبی امروز تا حدودی ناراحتی های در وجود حین عملیات بوجود میآورد اما تلاش بعمل میآید تا چنین مشکلی را در آینده بتوان مرفوع سازند استفاده از اشعه رادیو لوزی در تدای امراض سرطانی نتایج درخشانی را تاکنون در جهان امروز نشان داده است در جاپان امروز دانشمندان در صدد پیدا نمودن و کشف وسایل مهمتر و موثر تر جهت مبارزه با امراض سرطانی دیده میشوند چندی پیش با تزریق اشعه اکس و گاما با امراض سرطانی مجادله صورت می گرفت اما امروز بواسطه ذرات هستوی که بواسطه لین های سیکلو ترون ها تولید میگردد علیه ریشه های امراض سرطانی مبارزه و مجادله صورت میگیرد .

ذرات هستوی دارای انرژی فوق العاده زیاد بوده زمانیکه مستقیما به امراض سرطانی متوجه گردد قادر است تا ریشه های مذکور را از کوچک مغز آدمیزاد را نیز تحت مطالعه و معاینه قرار دهند .

بنابراین تدای ذرات هستوی نسبت به امواج پراکنده تدای شعاعی نهایت موثر ثابت گردیده است این طریق جدید تدای در موسسه ملی مرکز رادیو لوزی در شهر شیبیا به فعالیت آغاز نموده است .

بعد از چاره فته تدای از جمله ۲۴ نفر ۱۲ نفر آن کاملا صحت و سلامت بوده که بعد از تزریق اشعه هیچ آثار و علائم سرطانی در وجود شان دیده نمیشد آنها یک ه هنوز علائم سرطانی در وجود شان دیده می شد اما نسبت به گذشته احساس آرامی و رضایت می نمودند .

حین که نتایج درخشان این امتحان موفقانه اعلام گردید موسسات و سازمان های طبی در تلاش آن برآیند تا بگویند راه های علاج موثرتری را جستجو و این سیستم تدای را هر چه بیشتر در خدمت مردم قرار دهند اما عمده تر از همه تشخیص مریض بوده که بعدا بتوان در جای معین اشعه مذکور را تزریق و مجادله را علیه امراض خانمان سوز سرطانی آغاز نمود .

انکشافات پیشرفت های علوم و دانش بشر را قادر خواهد ساخت تا بتوانند نوآوری ها و انکشافات جدید نموده و همه انکشافات و دست آوردهای مثبت شان را در راه خلـق و خدمت به عالم بشریت انجام دهند هر قدر دامنه انکشافات علمی و راه علاج و درمان بیماری های مزمن و مغفی کشف میگردد به همان اندازه بسان خرافات و اندیشه های ایدئالیستی برجیده خواهد شد .



عملیه فایبروسکوپیک (مشاهده ارگان های داخلی وجود) ناراحتی مریض را تخفیف می بخشد .

پرورشگاه مار

شش ماه قبل یک پرورشگاه مار بطرفیت در حدود هزار مار دریکی از شهرهای نژد یکی هانوی (مرکز ویتنام) تاسیس گردید . زهر مار به پیمانه وسیع در فارماکولوژی مورد استفاده قرار گرفته و در مارکیت بین المللی یک گرام آن ۴۰ الی ۵۰ دالر ارزش دارد . پرورشگاه مذکور میتواند بیشتر از ششصد گرام زهر را جمع و تهیه نماید .

زهر مایع مار در طبابت فولکوریك ویتنامی ها به پیمانه وسیع مورد استفاده قرار میگیرد و در نقاط کوهستانی و زمین های پایین شپاهای آن مملکت زهر مار را بجهت بهترین دوا جهت معالجه روماتیسم و پولی آرتریتیز بکار میبرند .

در سال ۱۹۸۰ تعداد ماران پرورشگاه مذکور طبق پلان مرتبه به پنج الی شش هزار ازدیاد خواهد یافت .

چگونه موسیقی جاز در جهان

معرفی گردید



بمناسبت فستیوال موسیقی جاز نمونه‌ی موسیقی جاز را از درخت ساخته و به نمایش گذاشته اند

بعدها گیتار و چنگ را نیز با آن توأم نمود . اتحاد شوروی خوب درک نموده اکنون این اعضای کارگران هنری او علاوه بر موسیقی نوازان شامل درامه نویسان شاعران - هنر مندان دیگر نیز بود موسیقی جاز اتحاد شوروی حتی در فلم هائیز راه پیدا کرد چنانچه در فلم میری فیلیو (رفیق خوش طیب) چارلی چاپلین امریکایی می نویسد که امریکایی ها در آن نقطه جهان به ودیعه سپرده است .

انسان های قدیم در مورد کائنات

چه نظر داشتند؟

مصریان قدیم سه هزار سال قبل در مورد فضا چنین نظر داشتند که آسمان بشل بسک گنبد بر روی زمین قرار دارد و هر شام آفتاب رابه قلب خود فرو می برد و تمام شب در داخل وجودش سفر کرده و فردا جدیداً متولد میگردد .

یونانی های قدیم عقیده داشتند که یک سپر آسمانی الی زمین را از آتش های که بفاصله دور وجود دارد محافظت می کند، و قتیکه ستاره ها می درخشیدند آنها تصور می نمود که شعله های آتش آن طرف سپر از سوراخهای سپر دیده میشود همچنان عقیده داشتند که سیارات بوسیله فرشته ها از یک جای دیگر منتقل می شوند درینوقت زمین مرکز تمام اجرام سماوی تصور می شد . حتی در قرن سوم قبل از میلاد مسیح یکی از علمای یونانی بنام (ارستار جیس) سیستمی

روی همین ملحوظ محیطی که سوتوف در آنجا تولد شده در رشد شخصیت هنری او نقش بس مهم داشته زیرا مقوله معروف است که محیط اجتماعی سازنده افکار اجتماعی است . ولی سوف در عتقوان جوانی یعنی زمانی که پابه بهار بیست و پنجمین خود گذاشته بود روجه موسیقی آورد و اولین نمایش خود را در ستدیوم بزرگ آنجا به نمایش گذاشت .

اوتی سوف که ستاره درخشان موسیقی اتحاد شوروی سوسیالیستی است او بیش از یک هزار پارچه شعر سروده که از جمله ۷۶۰ آن ثبت و بخش گردیده ست او شاعرو کمپوزر خوبی است که همه آهنگ و نغمه هارا خودش کمپوز میکند .

اوتی سوف علاوه بر همه شهرت ها و فعالیت های هنری اش موسس و بانای موسیقی جاز در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دانسته میشود . در مراحل نخستین ستیج های کافی برای نمایش هنر موصوف وجود نداشت در آخر قرن بیستم بود که یک تعداد ستیج های محقر ظاهر شد در آن زمان شعربه جمعیت زیاد از مردم سروده نمی شد بعدها به اثر تلاش و مبارزه خستگی ناپذیر او بود که اشعار کلاسیک ونو نیز در تالارهای بزرگ به مردم سروده می شد و در آخر علاقمندان زیاد از هر سن و سال به شنیدن آن به محافل مختلف رومی آوردند و این امر سبب می شد که روز به روز به شهرت هنرو موسیقی جاز افزوده گردد .

درین زمان بود که مبارزه جدی بین هنرهای نوو کهنه جریان داشته هنر مندان هم در جهت طرد اشکال کهن هنری که فاقد محتوی نوین بوده تلاش و مبارزه می نمودند تا اینکه توانستند با تلاش و فعالیت مباروزی شان هنرا در خدمت خلق قرار دهند .

بروسه رشد و تکامل موسیقی جاز طراز نوین بود زیرا باشکل مروجه موسیقی جاز ایالات متحده امریکا که سر چشمه اصلی آن پنداشته می شد کاملاً متفاوت بود اما موسیقی جاز در اتحاد شوروی تنها آن اشکال را از موسیقی جاز ایالات متحده الگوسازی نموده بود که هنوز هم می توانست با خصوصیات ویژه موسیقی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی توافقه همگونی داشته باشد .

اوتی سوف بالاخره با خلاقیت هنری که داشت توانست اشعار دسته جمعی و عامیانه اتحاد شوروی را بانواختن موسیقی جاز توأم سازد . یک گروه موسیقی جاز او متشکل برده نفر بود که درین جاز پیانو - بنجو - ترومپت و سایر انواع آلات موسیقی نواخته می شد . اما

برای نخستین بار موسیقی جاز در سال ۱۹۱۲ در ماسکو بر گذار شد که برای بار اول موسیقی جاز سیا هیوستان از ایالات متحده امریکا به مردم اتحاد شوروی معرفی گردید این نمایش در ستدیوم بزرگ خلق در ماسکو به نمایش گذاشته شد چنین به نظر می رسد که درپ های ستدیوم بروی علاقمندان باز بوده هیچ گونه ممانعت در مورد دخول وجود نداشت . این نخستین باری بود که درین زمان موسیقی کشور های اروپای غربی و همچنان ایالات متحده امریکا به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی معرفی گردید موسیقی جاز در پروسه رشد و مراحل تکاملی خود راه های پر پیچ و خم و طولانی و تکامل رایکی بعد دیگری عقب گذاشته و در ابتدا بارقص های هیجان آمیز نیز همراه بوده است که در هتل ها و رستوران ها برگزار میگردد ماکسیم گورگی نویسنده ریالیست اتحاد جماهیر شوروی این گونه رقص و نمایش را فقط و فقط هنر ویا موسیقی که برای اندوختن پول بود نام گذاشت .

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ابتدای قرن بیستم موسیقی جاز مورد بحث و گفتگو های زیاد قرار گرفته بود عده زیاد بر آن بودند که نواختن جاز را مانع نموده وعده دیگر در نقطه خلاف آن قرار داشته و اصرار می نمودند . که جاز هر چه بیشتر به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی معرفی گردد د یکی از روز نامه ها در مورد چنین نگاهت بود :

جاز موسیقی خوب است که میتواند در تسکین آلام روحی مددگار باشد . این تا سال های ۱۹۲۹ بود که موسیقی جاز تا حدودی به شهرت افزوده و به حیث آرگستری عمده در اتحاد شوروی سوسیالیستی تلقی گردید .

لیونید اوتوی سوف میگوید که وی در یکی واز نواحی بحیره سیاه چشم به دنیا گشوده این شهر (اودیسه) خیلی عادلجسب و موسیقی آن خیلی گرا بود وی میگوید : این امر با لاخره موجب گردید که عشق و علاقمندی تام که به موسیقی درمن پیدا شده بود جزیی از اجزای بدلم گردد بنا بر همین عشق و علاقمندی بود که توانسم هر ای گروهی آواز خوانان یکجا سرود بغوانم این گروه در ابتدا یک گروه کومیک بود بعدها توانست محبوبیت بین مردم پیدا نموده تعداد زیادی را بدور خود بکشاند .

او میگوید که شهر اودیسه مرکز علوم و فنون مختلف بوده نویسنده گان شاعران موسیقی نواز آن مختلف در آن جاشم به جهان گشوده اند

در باره سودمندی هنر

زمان های باز پسین که بیشترجا نبدار عمل بود ند در یا فتند که هنر با ابزار ذی پایی تاثیر تربیتی و پرورشی بر روان و احساس آدمی دارد .

ارستو فان در شعر (بقه ها) مطالب جالب زیادی در باره شعر بیان میکنند به عقیده او شعر برای بزرگسالان چنان است که تعلیم برای خورد سالان وظیفه هنر است که مردم روی زمین را خوشتر و بهتر میسازد . سترا بون شعر را نخستین فلسفه و یکی از وسایط عقل ساختن مردم می داند .

پلوتارخ در اثر خویش به نام «در باره پرورش جوانان» تقریباً هشتاد نکته را باز می گوید . به نظر او فلسفه ناب چیزی است که بدشواری فهمیده می شود ، گو یا «شرابی است بدون نوشا به دیگر» و از آنرو لازم است که شعر را در آن بریزیم . «طوری که باریختن نوشا به دیگر در شراب با چیزی بدست می آوریم که هم سودمند ی اش را نباخته است و هم زیان آور نیست البته ما نمیخواهیم که شاخه شعر را بشکنیم و بنا بر آن بنا ید به فکر پا سداری آن شده اما با ید در این زمینه اندکی اندیشیدن فلسفی را با ید آموخت و با ید به یافتن دوست داشتن سودمند در مطبوع عادت کرد .»

همچنان نظر هو را س کا ملا معروف است که می گفت : لذت بختی یا آموزش ، هدفی است که شعر ا به سویس میروند و بدیاهم این و هم آن !
عقیده با مطبوع و پلوتارخ نیز اینست نکته را با ز گفته بود : « آنچه مطبوع است مفید است .»

در سده های میانه و در دور ذرنسانس «شعر و دانش نشاط بخش» می نامیدند اما در دوره جدید هیگل و شیللر دو شاگرد بر ازنده کانت هر چند از راه های مختلف مگر به یک عقیده متوسل شدند که هنر ابزار تربیت است . هیگل هنر را یکی از سه مرز معنوی (مذهب ، هنر و فلسفه) دانست که در آن ایده در شکل احساسی آن شناخته می شود .
شیللر بر آن عقیده بود که هنر دارای همان هدفی است که در طبیعت سراغ می شود .

هنر با ید خوشی را عام سازد و خوشو شبختی با د آورد و علاوه میکند که : بدین صورت هنر برای ما را زندگی اخلاقی را با ز میکند . سخن شیللر را ستاست مگر این یگانه را می نیست که هنر در برا بر انسان می کشا ید !



آیا سودی از هنر متصور است ؟ اگر است کدام ؟ در این نمیتوان شك داشت که هنر مفید است . هر گاه مفید نمی بود به وجود نمی آمد .

مگر گاهی که هنر مضر است هم وجود دارد . به سوا لیکه چه وقت هنر مفید است و چه وقت مضر و سود و زیان هنر در چیست ذیلا پاسخ میدهم :

هنر جوامع نخستین تحت عوامل زیادی به وجود آمد که در عین زمان آن عوامل اهداف آن هنر بود . هنر ابتدایی با مذهب ، اقتصاد ، جنگ و غرایز جنسی پیدا شد و در خدمت همه این ابعاد زندگی قرار گرفت .

در زمانهای باستان در میان یونانیان و رومیان قدیم گاهی که هنر به ارزشهای گوناگون تقسیم شده بود بعضی اندیشمندان آنرا ابزار پرورش اخلاق و بعضی وسیله معرفت (سفرات - افلاطون) می شمردند . به سخن دیگر هنر را خدمت گزار نیکو کاری و حقیقت میدانستند . مفاد عملی انواع «نازل» یا (صنعتی) سطح سودمندی تربیتی انواع «عالی» هنر (سرود ، های ، پیگر تراشی و غیره) را با لا برد . هنر حقیقت و نیکو کاری را به نحو احسن می آموزد ، این تئوری تربیتی اثر «عالی» در قدیم ، در سده های میانه و در عصر انسانس رواج داشت .

بدینصورت هنر با ابزار دلپذیر خویش چیزی را می آموزد که بیرون مرز خود است .

آیا این کار از هنر ساخته است ؟ بلی ، مشا به دیگر ارزش های همانند آن از هنر هر چه ساخته است . ارزش های مذکور که خود هدف به نظر می آیند در عین حال و سایر تحقق اهداف دیگر بیرون مرز خود اند . استقلال آنها نسبی است زیرا یک ارزش دارای چندین هدف می باشد . ارزش ها نه تنها از هم جدا می شوند بلکه آنها به یک پا در چگی نیز دارند هر یک به نحوی بر دیگری تاثیر مینماید و یک هدف دیگری را رد نمی کند . این ناهمگونی اهداف بدان معنی است که هر یک ارزشی نسبت بدانچه می با ید

نتایج بیشتری بارمی آورد و نیازمندی های و افری را پاسخ میگوید و تنها تعدد اهداف و تعدد معانی ارزش ها استقلال آنها را نفی نمیکند .

میرویم بر سر نظر قدما در باره عقیده بودن هنر . در با لا گفتیم که عقیده ستراط در باره عقیده بودن هنر به چه (خیر) و عقیده افلاطون به چه چیز (حقیقت) و نظر پلوتارخ به چه (پیوستن به وحدت) می انجامد . اندیشمندان

عمرشاعر بر ازنده که در تمام قرون و اعصار از محبوبیت خاصی برخوردار بوده است .

هنر در جایی آغاز می یابد که سودمندی پایان میپذیرد، و هر چیز مفید همینکه مفید نیست به زیبایی تبدیل می شود. چون قفل ها، قصر های قرون وسطی، مسوول کهنه، ظروف، اسلحه و غیره .

روح انسانی زمانی میتواند به تماشای زیبایی پردازد که تمام تصورات غیر زیبایی شناختی را در باره سودمندی آن به دور بیندازد .

در فرجام فیختر مولف باجرات «زیبایی شناسی تجربی» باری ریزی تیوری زیبایی شناختی خود بر بنای احساسات ساده (که در عین حال هنر هم نهاد «سنتیز» شناخته میشود) دانی در باره زیبایی را چون بخشی از دانش عمومی درباره دلپذیری شناخت . نظریه دیکتر به این که توصیف تازه می از هنر است (هر چند آلتدر تازه نیست!) عبارت است از شناختن هنر چون «بازی»، «تجمل» و «ضرورت به چیز های زاید» .

به وجد می آید از نظر فکری با آن متحد می شود «اتحاد سمبلیک شخص با اثری که ایجاد وجد کرده است» از لیبس . در اعماق هر وجدی نوعی علاقمندی روانی می آید . درست است که تاثیر مستقیم زیبایی هنری عبارت از تابع ساختن غرایز است . مگر برای کسیکه هنوز آماده نشده است شاید تولید اضطراب کند . چنانکه لوکیان (به صورت غیر جدی) درباره عشق دانی با مجسمه افروخت حکایت میکند .

برمی گردیم به نظریات سبنسر . مثلیکه خوب ساخته شده است در روند تکامل جامعه بیکاره می شود بنابر آن بیکارگی یعنی بی فایده گی خود به زیبایی تبدیل نمیشود . شی مذکور از آغاز زیا بود و برای آن ساخته شده بود که زیبا (و به همان اندازه مفید) باشد . و برعکس شی که بد ساخته شده

است با گذشت قرن ها نمیتواند زیبا شود . در موزیمها در کنار اشیاییکه تنها دارای ارزش هنری است (مجسمه ها و تابلو های نقاشی) اشیاییکه هم دارای ارزش هنری و هم دارای ارزش عملی است (اسلحه ، ظروف و غیره) و بالاخره اشیاییکه تنها از نگاه باستانشناسی و تاریخی مهم است مسانند «پنجه دست» انسان ابتدایی، جمدسربازانیکه در جنگ مارافون شرکت داشتند ، جراب بند ناپلیون و غیره نیز گذاشته میشود .

نوادشناسان تاکید میکنند که نیازمندی به آرایش تن در انسانها، بیشتر از تقاضای پوشیدن لباس ظهور یافته است . به پندار آنها انسان از روی ضرورت پیشه ور و از روی غریزه هنرمند می شود . (این عقیده درست نیست زیرا فعالیت زیبایی شناسی انسان پدید اجتماعی است نه بیولوژیک) به سخن دیگر دانشمندان نژاد شناس در مورد تابع

تاریخی سودمندی و زیبایی عکس آنچه را می گویند که سبنسر گفته است . نژاد شناسان تاکید میکنندکه زیبا بیشتر از سودمند به وجود آمد اما این نظر اشتباه آمیز است . زیبایی و سودمندی در جامعه یا استفاده از نخستین ابزار کار توأم به وجود می آید . بحث بر مساله سودمندی هنر از آن رو دشوار است که این اصطلاحات هم به معنای وسیع آن وهم به معنای محدود آن به کار برده می شود . مثلاً گاهی از سودمندی چیزی سخن میرانند سود عملی یا آموزشی آثار را نظر میدارند . میگویند «هنر» گاه «شعر» و گاهی حتی از آن زیبایی طبیعت منظور شده است . بیشتر طرفداران بی فایده گی هنر در میان نقاشان شعرا یافته می شو اند . تا نظر به پردازان منتقدین دوگم «هنر برای هنر» فقر تقریباً تمام قرن نوزده بوده است . طرفداران این دوگم تمام عناصر عقلی و اخلاقی را از قلمرو هنر طرد میکنند . هنر ناب میخواهند ! عاری از هر آمیزشی ! این هنر دست و پا بسته سالونی ، هنر معیای، هنر اشرافی، هنر ذوق های ممتاز و هنر ضد اجتماع است . این قباح در زمان مانه تنها از واقعیت فرامی کند بلکه از عقل نیز می گریزد . هنر فرار، هنر آفتناک، بی مسوولیت و بی هدف است و آن نه تنها «بیسوده بلکه زیانمند است» و آخرین حد تنزیل فورمالیزم (شکل گرایی) محسوب میشود .

هنر آلتدر هدف زیاد دارد و آلتدر با تمام جهات زندگی اجتماعی مربوط است که نمیتوان به مثابه صرف یبوده نیرو بدان نگریست . بر عکس هنر سودمند تر یسن پدیده می است که تمامیت اجتماعی را ضایع میکند و آنرا انکشاف می بخشد . اما برای آنکه هنر به مقاصد غیر زیبایی شناختی نایل گردد تنها حسن نیت بسنده نیست . هنریش از همه باید به اهداف زیبایی شناختی خود برسد یعنی لذت هنری بار آورد و برای این منظور لازم است تا تمام عناصر آن با هم پیامیزد و به اثر هنری تبدیل گردد . اگر هنر نمیتواند به اهداف خویش نایل آید هرگز نخواهد توانست به کدام هدف دیگری نیز دست یابد .

لذت یابی از هنر خود نیازمندی بسزراگ اجتماعیست . جامعه هر گاه تنها مصروف کار های بسیار «عملی» و «مهم» عاری از لطیف، تنها برای تسکین غرایز، بقای نفس و ادامه زندگی است نمیتواند تا دیری یابد . جامعه محتاج نشاط و نیازمند آید یالهاست . واضح است که رفع شدن نیازمندی های واقعی لذتی همراه دارد اما این لذت حسی است ولذتی که هنر می بخشد روانی و هیجالی است . با سروکار داشتن بالخیالان، عقل و دل هر شکل نوعی «بازی» را دارد که تابع نظم و ترتیب معینی است .

هنر زاده هوس ایجاد کاری فردی نیست . هنر ثمر فعالیت اجتماعی است و طوری که گفتیم دارای قاعده های مافوق فردی میباشد . وقتیکه از تبعیت هنراز «نظم و ترتیب» سخن میرود همین قاعده های مافوق فردی در نظر میباشد . نظریه عقیده ک . بوسله هنرمند اختراع نمی نماید بلکه کشف میکند .

ناتام



عریلیس واتنی

هنر درست است که «از احتیاج برخاسته است» . اما نه احتیاج به چیز های زاید بلکه «احتیاج به آنچه ضرور است» . هنرنیز چون حقیقت، حقوق و اخلاق نمیتواند وجود نداشته باشد . درست است که هنر «بازی» است . زیرا حین آفرینش اثر هنری تخیل و شخصیت خود هنرمند سبب می شود منتسب هنرمند و پذیرندگان اثر هنری تخیل و شخصیت خود هنرمند هیچکدام آنرا بازی تلقی نمیکنند در هنر به قول شیلر که طرفدار تیوری «بازی زیبایی شناختی» است : «ما بازی زندگی خویش را اجرا میکنیم» .

(که وی بیشتر هنر دراماتیک را در نظر دارد) . هنر همچنان تجمل است، زیرا لذتی که از هنر دست میدهد خصلت مادی ندارد . این چیز لذت بخش اما از نوع دیگری است . اما چنان نوع دیگری که در واقع وجود دارد و آنرا بنابر «ارزش های ایدئال» تا حد قربانی های مافوق فردی میرساند .

پس هنر از مفید بودن دور است و اصلاً آنجا که سودمندی تمام میشود آغاز نمی یابد هیچیک از پدیده های روانی ما ساده و مستقل نیست . تمام عکس العمل های بیولوژیک و روانی انسان تا مرحله خاص کلیه در هم پیچیده می میباشد .

شخصیت انسان به بخش های مجزا و خاص مانند : حسی، منطقی، اخلاقی، مذهبی و عملی و غیره تقسیم نشده است . شعور انسان واحد و تقسیم ناپذیر است . ناممکن است که علت (خارجی یا داخلی) که انگیزه کدام پدیده روانی شده است پنهان یا آشکارا عناصری از دیگر زمینه های روانی در خود نداشته باشد .

تأثر خالص روانی از روی ناخود آگاه مالکیت آنرا نیز در بردارد . و این آرزو آغازی برای عمل میباشد . آرزوی مذکور با کوشش توأم با درک نمیتواند تحقق یابد زیرا در آن صورت فوری تصور تحقق نیافتن آن به میان می آید . کسی که از هکتور هومر به وجد می آید میخواهد مانند آن باشد . گوته در الگنی خویش می نویسد : «بگذار هر کسی قبر مان خویش را بر گزیند و در حساب اولمب گردد» . آنکه از منظره کلود لورنر



مرچکینا (در نقش وی-وی-وای ستانیسین)

نوشته : جغوف
ترجمه : صدیق رهپو

سال روز کمیدی در یک پرده

با زیگران :

ادری شیپو چین : رئیس بانك فر ضهـن... آد میست نه چندان پیر و همیشه عینك يك چشم میپوشد .
تا تیا نا : زن رئیس بانك كه ۲۵ سال دارد .
گرین : ما مور سابقه دار بانك .
خانم مرچو تکیئا : زن مسن گـه با لپوش مد قدیمی به تن دارد .
سهمداران بانك .
كارمندان بانك .
حادثه در خود بانك فر ضهـن ... رخ میدهد

لعنت خدا به ای کار و با و . (با تقوتوق،
چون را به صدا میاورد) شیطان بیرش
! (مینو یسد .)
يك ... دو ... سه ... هفت ... دو
... يك ... صفر . او وعده کرده كه برا یـم
بخششی بته . اگر وضع همیتو پیش بره
و او بتواند همه ره فریب بته ، میخایه
كه به مه يك ساعت قاب طلا و سه صد
رو بل بخششی بده . خات دیدیم !
(مینو یسد .) ولی اگه كارها نادرست بود
با زانو و خت نه توره گرفت ونه مره داد
ده او صورت عصبی خات شدم وده او وخت
كسی از مه گله نمی نكنه ...
صدای فریاد و چك چكها از پشت صحنه
میشود . صدای شیپو چین شنیده میشود كه
میگوید ، «تشكر اشكر! بسیار ممنون
هستم !» شیپو چین وا ردمیشود . او لباس
فراك به تن دارد و نيكتا یی سپید به گردن
بسته است والپو می را زیر بغل دارد كه به
وی همین چند لحظه پیش هدیه کرده اند .

كرین : بلی فقط پنج صنفه ديكه .
شیپو چین عالی . خیر تا ساعت سه
تیار خواهد شد ؟
كرین اگه کسی مزا حم نشود . فقط چند
لحظه باد تمام میشود .
شیپو چین : بسیار عالی ! كاملا عالی
همینطور یقین دارم مثلیكه تا م شیپوچین
است . جلسه عمومی ساعت ۴ شروع میشود
برای اینکه كار و زودتر انجام شود ، بهتر
است كه نصف آنرا بدی كه بخوانم
تا خوب به محتوی آن وارد شوم . بیا بده
(نصف گزارش را میگیرد .) من تمام امیدم
دابه این گزارش بسته ام .

يك بار دیگر از شما تشكر میكنم !
با سر انگشتانش به سوی آن بان بوسه
می میرستند و به طرف میز گرین .
میرود (دوست عزیز ، نزد یكتر یسن
كسانم !
تمام مدتی كه او روی صحنه است
كاتبی میاید و كاغذها را برای امضا
كردن میاورد .

كرین : (از جایش بر میخیزد .) صایب
اجازه بتین كه پانزده امین سالروز با نكه
به شما تبریک عرض کرده و امید نمایم
كه ...
شیپو چین : (با حرارت دستهایش را

پرده كه با لا میروند ، اتا ق رئیس بانك
پد یدار میشود . درواز طرف چپ ، سه
دفتر عمومی بانك باز میشود .
در اتا ق دو میز تحریر گذاشته شده
است . دفتر كار رئیس طوری با كوچ و
چو کی مغطی آتشی ، گلدان ، عا ،
پیکره ها ، قالین ها و تلفون تزئین یافته
است كه از آن شكوه میبارد . چاشت
است .
گرین به دفتر كارش تنها نشسته است
و كفشهای گشاد به پا دارد .
كرین : (در حالیکه كله اشرا از كلكینچه
پهلوی پیش خا رج مینماید ، فریاد میزند)
كسی ره به دوا خانه روان كنین كه يك
پانزده كوپكه دواى اعصاب آورده وكتی
خود يك پیاله آب هم به اتا ق رئیس
صاحب بیاره ! نمیگم كه چند دفعه برای
تان بگویم ! (به طرف میزش میروند .) از
ای كار زله شدیم ! چار روز میشه كه بشیم و شب و روز آنرا درست كنم



از راست به چپ : شیپوچین (در نقش وی-وی-وای ستانیسین) مرچکینا (در نقش وی-وی-وای)



صحنه پایان فلم «سالروز»

تن و بکسی دستی سفری به شاه دارد،
وارد میشود .
شیبو چین : ها! خرس را یاد کن !
تا تیانا: عزیزم! (به سوی شوهرش
میدود و یک بوسه دراز از وی میگیرد .)
شیبو چین : همین حالا در باره تو گپ
میز دیم . فقط همین دقیقه ! (به ساعتش
نگاه میکند .)
تا تیانا : (در حالیکه نفس نفس میزند .)
پشتم دق شده بودی ؟ خوب هستی ؟ از
ایستگاه بدون توقف به اینجا آمدی . حتی
به خانه نرفتم . بسیار گفتنیها برایت دارم
اینقدر زیاد که طاقتم نیامد زیاد تر صبر
کنم . بالا بوسه را بکش . من فقط یک
دقیقه اینجا هستم و بس . (رویش را به
سوی گرین مینماید .) چاشت تان بخیر
(به طرف شوهرش .) خانه از هر طرف
خیریت است ؟
شیبو چین بلی عزیزم* دویک هفته گوستی
ترو زیبا تر شدی ... از سفر لذت بردی؟
تا تیانا

شیبو چین : گمشو بس است . بیاسمی
کنیم سا لروز مابه خوشی تیر شود . تصادفا
تو بیا دم دادی . (به ساعتش نگاه میکند.)
با بد زخم به همین زود یها برسد . اگر
را ست بگو یم من باید با او در ایستگاه
ملاقات کنم ، ولی السوس که وقت کم است...
واز طرف دیگر ، من به شدت خسته هستم
اگر راست برایت بگو یم از آمدنش چندان
خوش نمیشوم . خوب تا اندازه یی خوش
هستم و لی اگر یک دو روز دیگر هم به
خانه مادر خود میماند ، خوب میشد . او
اصرار دارد که من تمام شب را با او باشم
و ما تصمیم داریم یک شب زنده دار ی
خوش ، پس از آن شب ، داشته باشیم...
(میلرزد) این از تاثیر اعصاب است . نزدیک
است غش کنم . چنان تا رهای اعصابم
کش شده است ، که با کوچکترین تماس
به گریه خواهم آمده! ولی باید خود در
قوی نگه دارم - همینطور قوی مثلیکه تا هم
شیبو چین است .
تا تیانا در حالیکه بالا بوسه با رانی به



گرین (دیتس وی-وی-او-توبورگوف)

خود را شیرین بسازد . تو عجب آدمسی
هستی ! من در خانه ادم معمولی هستم و
تسلیم هوی و هوس خشن . ولی در اینجا
همه چیز باید با نزاکت و ادب اجرا شود. اینجا
با نک است ، بانک ! از همه چیز اینجا باید
شان وشکوه بیارد . (توتو کاغذی را بر سر
میدارد و آن را در بغاری دیواری می اندازد.)
بزرگتر ین خدمت من این است که شهرت
با نک را بالا برده ام ! اوه ، نا مش از همه
چیز مهم هست ! نشنیدی که نام بکش و به
غندی بنشین ! شهرت . همینطور یقین دارم
مثلیکه نام شیبو چین است . (گرین
با لای با بین میگرد .)
پیر مرد ، چند ین بار برایت گفتم که
ممکن همین حالا سر و کله سبهداران پیدا
شودو تو هنوز همان کفشهای کشاد به
یا داری و این دستمال کهنه و فر سوده او
به دور گردنت ! ببین ، رنگ جاکتت به
کلی از بین رفته است . با ید یک
دست لباس فراک یا کم از کم یکدور بشو
سیاه به تن مینمودی .
گرین : جانچوری برای من مهمتر از تمام
سبهداران است . می بینی که تب تمام
جانم بیلواری می لوزانه ...
شیبو چین : ولی اینرا قبول کن گمشو
سرا با یت از دیدن نیست . تو خوشتمای
بانک را که برای آن اینقدر کار شده است
از بین میبری .
گرین : وقتیکه ای سبهداران آمدند ،
من خنده پت میکنم . ای کار جنجال نمسی
خاید ... هفت ... یک ... یک ... هفت
... دو ... یک ... پنج ... صفر ... خوش
ندارم دیگر ای کلمه بد نماره به زبان بیاری
هفت ... دو ... نه ... (باز تروق دانه
های جوت را بلند میکند .) بهتر میبود که ده
میباشد شو ز تبارم نمیکستی .
شیبو چین : جیات نکو .
گرین: همه فام که امشو تو بر سر ای
نشان دادنت حال ره از آنان بر خات
کدی . بهتر بود که ده ای باره فکر میکردی
اوناتمام چیزه خراب خات گدن* ز تها
کاری دیگه نمیکش جزای که مشکلات خلق
نمایند .
شیبو چین: بس کن دیگر* زنان جز حتمسی
محل اند .
گرین : راست میگین ؟ ممکن زن شما
از کدام جنس خوب است ، ولی دو شنبه
گذشته کاری کرده که برای دو روز هوی
بر تنم را س استاد شده بود . یک دفعه
و بدون مقدمه از من و او هم پیش همه
میرسه که راستی اس که شوهرم برای
با نک اسپام جتی و پتی ره که نرخ آنها
در بازار اسپام لحظه به لحظه با ین میاید .
خریده اس ؟ او بسیار پریشان به نظر
میاید . پیش اد مهای بیگانه ای گپ
از زدن اسس ! من نمیفام که شما چرا
اینا باور میکنین . میخایسن که شماره به
زندان بیندازن؟

... ازای ار فام چنان به نظر میاید که
همه چیز گل و گلزار است . سه ... یک
... شش ... چار ... یک ... پنج ... (با
تروق تروق روی جوت کار میکند .)
شیبوچین : خبر بدبرایت دادم امروز صبح
بازنت آمده بود واز توشکایت میکرد . گفت
که تودیشبوی وخیاشنه اتر میخواستی باکارد
نان بری بزنی . گرین ، این چه قسم
رفتار است که تو میکنی ؟ راستی شرم
نیست !
گرین : ساریب اجازه میتن که به خاطر
همی سا لروز از شما خواهی بکنم .
مهر با نی کرده به امور خانوادگی ما
داخلت نکنین . به لحاظ همین کار طاقت فرسایی
که برای شما میکنم شیبوچین (آه) میکشد)
هستی ولی بازنان چنان رفتار میکنی گرین تو آدم
خوبی هستی مثل اینک
... سواد و کهنه فکر باشی . نمی
فهم تو چرا از آنان اینقدر نفرت داری؟
گرین : و من نمیفام که چرا شما ایقه
از او تا پشتیبانی کرده و دوست شان
دارین ؟
شیبو چین : کار مندان دیگر به من به
تا زگی یک البوم یاد کاری هدیه کرده
اند و میدانم که سبهداران میخواهند
برایم خطابه یی ایراد نموده و یک صراحی
نقره یی بخشش بدهند . (در حالیکه با عینک
یک چشمش با زی میکند .) این کار بسیار
عالی است . همینطور یقین دارم مثلیکه نام
شیبو چین است . به یقین کار بدی نخواهد
شد . راستی اگر با نک میخواهد شهرت
پیدا نماید باید کسی خرج ببرد کند
خوب به هر ترتیب ، آنقدر مهم نیست . او
آدمی هستی که میتوان به آن اعتماد کرد و
تو خودت همه چیز را میفهمی .
من این سخنانی را خودم نوشته ام و
صراحی نقره یی را هم بنده خریدم ام و
همچنان پوش چرمی را برای نطق یا دنده
خریده ام . با آنکه اگر پوش چرمی را
برای من سخنرانی نمیکردم ، ۴۵ رو بس
فایده میکردم ، ولی بلا به پیش . خود شان
در اینمورد هیچ فکر نمیکند ، که اینقدر پول
از کجا میشود . (به اطرافش نظر مسی
اندازد .) چه جای خوبی است اینجا ! اوه!
آنان عقیده دارند که من به همه چیز تو چه
و دقت کافی میکنم . در حالیکه تمام تلاش
من اینست که در و دروازه ها خوب جل
وبل بزند ، کار مندان نکنا یی های باریک
به گردن بزنند ، و نگهبان شیک پوش به
دهان دروازه ایستاده شود . ولی ، کسی
آقا ، دروازه های جل و بلی و نگهبان شیک
پوش چیز های پیش پا افتاده و بی اهمیت
نیست . من سعی میکنم اینجا مثل خانه ام
رفتار کنم . مانند یک خوک بخورم ، و تا بینی
نان بخورم و تا لحظه یکم سراز پا نشناسم
شراب بنوشم ...
گرین : لطفا خوده به اصطلاح ده دل ما
شیرین نکو .
شیبو چین : کی بیکار است که در دل تو

رهنر سخنگویی حیوانات و پرنده ها



صحنه از زندگی حیوانات و پرنده ها در جنگل

قسمتیکه دیده میشود در اوقات زمستان در جنگلات سکوت حکم فرما میباشد همینکه برف روبه اتمام میرود در جنگل سکوت برهم زده میشود، صدای قیل و قال پرنده ها بلند شده و تقسیم مناطق بین آنها صورت میگیرد. همینکه کدام پرنده قسمتی را تصاحب کرد به دیگر هم قطار آن خود توسط نغمه ها خبرداری میدهد تا از ورود در ملکیت او بپرهیزند.

باینکه پرنده های نر و ماده دارای اعضای صوتیه مطلق مشابه میباشد طوریکه دیده شده بطور عموم پرنده های نر نغمه سرایی میکنند اگر چه صداهای آن به عین ترتیب یکی پی دیگر طنین انداز میشوند هدف از (تصنیف عسای عاشقانه) او این است: (من مجردم و در اوج نیروی خود میباشم دارای آشیانه هستم) این صداهای را بعضی پرنده ها (۲۳۴۰) مرتبه و بعضی ها تا (۳۳۷۷) مرتبه در یکروز تکرار مینمایند.

باشنیدن این نغمه ها و (تصنیف های عاشقانه) پرنده های ماده که نظر به پرنده های نر کمی پساتر به جنگل رومی آورند نیز به جستجوی جوهره خود آغاز میکنند تا اینکه با کدام یک تشکیل خانواده بدهند.

پرنده های که باهمدیگر عقد (نکاح) بستند دیگر به نغمه سرایی چندان جدو جهد به خرج نمیدهند.

مصونیت سرحدات: ساحاتی را به صورت عموم جانوران در ملکیت خود داخل مینمایند از لحاظ مساحت دارای



پرنده های که باهمدیگر عقد (نکاح) بستند دیگر نغمه سرایی نمیکنند

قیمت مختلف میباشد. بطور مثال پرنده های که بالای بحر و دریا پرواز مینمایند دارای ملکیت نسبتا نا چیز بوده که در وسط آن آشیانه آنها قرار داشته میباشد. ساحه ملکیت پرنده مساحتی را در بر میگیرد که در صورت تجاوز دیگران بانول زدن از خود دفاع میکند. ساحه ملکیت بعضی پرنده ها از (۱۰) الی (۲۵۰) متر مربع را در بر گرفته و اما ساحه ملکیت عندهای تا (۱۲۰۰) الی (۲۰۰۰) متر می رسد.

نه تنها پرنده ها از مصونیت سرحدات ملکیت خود حمایه میکنند بلکه حیوانات دیگر ازین قانون مندی پیروی میکنند. تقریبا یکماه قبل از تخم گذاری حیوانات ماده محل آشیانه ویابود باش خود را انتخاب نموده و با صداهای مخصوص دیگران را هشدار میدهند تا از نفوذ آنها خود داری نمایند.

میمون هائیز با صداهای دلخراش و نا هنجار خود دیگران را باخبر میسازند تا در قلمرو آنها تجاوز نکنند یا بطور مثال جانورانی که در تندرا زندگی میکنند همینکه در فاصله کمی دور کدام جانور دیگر را دیدند یکی پی دیگری می ایستند و اگر جانب مقابل به صف بندی آنها اعتنا نکند از خود صداهای خطرناک بیرون میکنند درحشرات همچنین این قانون مروج بوده و نفوذ در ساحه ملکیت به پروتست شدید روبرو میشود در چرچرک ها این عکس العمل هابه اشکال

بلاگو سکونوف چندین نوع پرنده عارا مورد جنین آزمایش قرار داد. این شخص آشیانه یک پرنده را به ساحه ملکیت پرنده دیگر انتقال میداد همینکه جازو جنگال برپا می شد پیروزی نصیب پرنده میشد که ساحه در ملکیت آن قرار داشت. بعد عملیه معکوس را انجام دادو ملاحظه نمود پرنده که چند ساعت قبل پیروزی را کسب کرد درینجا ناکام بدر می آمد. به این ترتیب چندین صد تجربه را انجام داد و هر بار مالک ساحه پیروزی بدست می آورد.

درین جایک تفاوت جزئی نیز بنظر میرسد که مجاورین به او کمک میسازند. مشاهدات و تجاربی که در مجمع الجزایر یا مال در بحیره کار سک انجام یافته عملیه فوق را به اثبات رسانید.

پرنده های که درین قسمت زندگی میکردند دیده شده که چندین بار به همسایه خود غرض ازین بردن و یادآور راندن دشمن کمک کرده اند. درین ضمن از پرنده های که بنام دم چنباک مسمی میباشد میتوان یاد آوری نمود. دیده شده که سه پرنده نر همیشه به یکدیگر کمک میکردند بدون در نظر داشت اینکه در محوطه

صدای شدید اللحن ظاهر میشود. بدون اینکه تصادمات خواه در آب، درخشد بوقوع بیبوند با اجرای مراسم خاصی محدود میشود. جانوران درین قسمت از تسلسل آواز و صداهای معین کار گرفته و در هر یک از مراحل صداهای عجیب که حالت معین را منعکس مینماید از خود بیرون می آورد. اول صداهای اخطاریه رامیکشند بعد به حمله آمادگی میگیرند. حتی وقتی که حمله حتمی باشد به جانب مقابل موقع داده میشود تا در همین لحظه تصمیم خود را عوض نماید و حالات را متشنج ننماید.

اگر گذشته از اقدامات و تصامیم جنگ و جدال بازم آغاز گردد طبق معمول بسیار کوتاه میباشد و دربر دوام نمیکند. جانوران چه بزرگ و چه کوچک باشند بعد از حمله اولی از فرار پیر عیز میکند و بعد از یکنه فرار حتمی میشود تعقیب آن از طرف حریف شکل نمایی را بخود میگیرد. در اثر تحقیقات متورود قانون مندی جالب کشف گردیده است. به هر اندازه که دعوا و جنگال بین جانوران صورت بگیرد بدون نیروی جسمانی همیشه مالک منطقه پیروز میگردد زیرا حق اولیت تصاحب ساحه به مالک آنجا بر تریب روانی می بخشد. به این ترتیب یکی از پرنده شناسان معروف



صحنه‌های از زندگی در جنگل

که صدای يك پرنده و یا جانور نو سفا جا نوران و پرنده های مجاور به عین معنی تلقی میشود . به این ترتیب بطور مثال اگر حیوانات سم دار افریقایی که در فاصله های مختلف باهم جمع میباشند اگر یکی از حیوانات خود صدای خطر کشنده همه الا وانه از خطر فرار میکنند میمون ها نیز به عین ترتیب عمل میکنند و از نزدیک شدن دشمن مطلع میشوند .

زاع ها همیشه در چند متری خود انسان را دید صدا های «قافا» میکنند . همیشه زاع های دیگر صدا را شنیدند همه پرواز میکنند .

پرنده ها به تنها هم نوغان خود را از نزدیک شدن خطر مطلع میسازند بلکه از شنیدن صدا های آنها جا نوران دیگر نیز احساس خطر میکنند . همیشه صیاد به جنگل داخل شود زاعچه ها صدا میکنند و با شنیدن این صدا ها آهو وغیره جانوران از ورود صیاد به جنگل مطلع میشوند .

پرنده ها دارای يك نوع صدای مخصوص دیگر میباشند که در موقع بسیار حساس از آن استفاده میکنند این صدا های کوتاه و مسلسل به همه پرنده گان از احتیاط خطر بسیار جدی اطلاع میدهد . یکی از پرندگان فیسوران علوم یو لوزی بنام ایلچوف صدا های خطر بازنده نسوع پرنده ها را تحلیل نمود و در نتیجه به اثبات رسانید که «شیمای تلفظ» آنها با هم شباهت تقریباً تا حدی دارد به این ترتیب جا نوران از خود در مقابل خطرات احتمالی دفاع مینمایند .

پشک ، گنجشک های زنبور خور نیز صدا میکنند . در کشیدن این نوع صدا غرض ترسناک دشمنان دارا کوب نیز ماهر میباشد . تلاش های راکه جانوران غرض محافظه تخم ، نوزادان خود به خرج میدهند توجه همه را به خود جلب میکنند بطور مثال زاعچه ها با صدا های بلند در مقابل دشمن از خود دفاع میکنند . اگر نوزاد کوچک دشمن را ببیند به هیا هو می پر دازد و والدین آن به بسیار سرعت خود را به محل حادثه می رسانند درنده را مورد حمله قرار میدهند و صداهای بلند جنگل را فرامی گیرند .

خرگوش ها که بسزدل و ترسو بشمار میروند در حقیقت چندان ترسو نیستند همیشه صدای جوجه خود را شنیدند به کمک آن همیشه بند . وقتی که مردم جو خرگوش را اذیت کنند خرگوش از آنها دور تر فرار را اذیت کنند خرگوش از آنها دور تر فرار نمی کند حتی بعضی اوقات تلاش میورزد تا توجه مردم را به خود جلب کند و آنها را هر چه دور تر از جوجه های خود ببرد . خرگوش با لای پرنده های لاشخور بسیار شجاعانه به حمله می پردازد .

روپاه ها نیز از جوجه های خود بسیار دلیرانه دفاع میکنند مثلاً اگر در نزدیک غار روپاه سگ بخواهد جوجه های او را اذیت کند روپاه دورتر فرار نمی کند و اگر سگ او را دنبال نماید بعد از چند لحظه دوباره خود را در حوالی غار خود می رساند . مشاهدات در قسمت کردار جا نوران آن مخصوصاً در حالات بحرانی نشان میدهد



تلاش های راکه جانوران غرض محافظه تخم و جوجه خود به خرج میدهند توجه همه را به خود جلب می کنند

در سنگ ها ، موش های صحرائی سیستم اطلاع و با خبری از نزدیک شدن دشمن نیز انکشاف یافته است و توسط صداهای غوغا خود همه ساکنین منطقه را با خبر میسازند . با این اطلاعات جانور های دیگر از شکل خطر و رفتار و کردار دشمن بخوبی باخبر میشوند .

وقتی که در ساحه دید پرنده های دم دراز گریک و باروباه واقع شود چندین صدای پی در پی میکشند و اگر درنده هوایی را ببینند صداهای علیحده میکشند . و اگر درنده هوایی به سوی زمین خود را فرو آرد این پرنده صداهای بعد از هشت ثانیه یکی بپدیگر میکشد به این ترتیب بین پرنده در حالات مختلف از خود صداهای مختلف میکشد .

سار نیز توسط صداهای مخصوص همه را از نزدیک شدن دشمن اطلاع میدهد . اگر پشک نزدیک آید یکنوع صدا و اگر انسان بخواهد نزدیک شود صدای دیگر را میکشد .

وقتی که مار صدا میدهد همه میدانند که مساله از چه قرار است . گرچه صداهای مارپی شرراند اما همه رابه این نکته متوجه میسازند (من دارای سلاح خطرناک یعنی دارای غد وات زهری میباشم و اگر ضرورت بیافتد بسد ون تاخیر آنها را بکار می اندازم)

مارهای آبی طبیعتاً دارای چنین سلاح نیستند اما همیشه صدا کشیده رابه ترس می اندازد و به عقب میروند . این نوع صدا ناحدی مروج است که از آن حشرات ، پرنده ها و جانوران نیز استفاده میکنند .

کدام پرنده همچان ناخوانده نفوذ کرده است هر نوبت دشمن رابه شکل مشترک دور می رانند . پرنده ها همیشه به عین ترتیب در مقابل نزدیکان خود متجاوز نمیباشند . همیشه زندگی فامیلی رویه اختتام میشود پرنده نسبتاً مهربان تر را و در مقابل دیگران نسبتاً پرحوصله میشود در اثر تحقیقاتی که بالای پرنده های که بنام کله سر خک یاد میشود اجرا گردیده به اثبات رسیده است که چهل و دو فیصد وقت خود را برای محافظه ملکیت خود به صرف میرسانند تا اینکه آشیانه بسازند بعد از عملیات متجاوز گرانه آنها بمرا ت کاسته میشود . در مناسبات بین پرنده های دیگر نیز از عین قانونمندی پیروی میشود و مناقشات منطقی اغلباً وقتی اتفاق می افتد که هنوز آشیانه ها ساخته نیباشند .

کسب اطلاع از وقوع خطر ات :

اغلباً دیده شده است که مناقشات فامیلی در جانوران بطور غیر مترقبه وقتی قطع میشود که دشمن مشترک در ملکیت آنها رخنه کند . آنها نیکه چند دقیقه قبل باهم جنگ وجدال میکردند مناقشات را یکسو گناشته و دشمن مشترک را عقب می رانند .

قبل از وقوع احتمالی خطر صداهای مخصوص خطرا میکنند . اغلباً این صداها توسط جانوران متعدد کشیده میشود هر کدام طوری آنرا اجرا می کنند که برایش آسانتر باشند این صداها مخصوصاً در حالاتی شدید میباشد که دشمن عزم تخریب آشیانه را داشته باشد .



صحنه از زندگی پرنده های جنگل



خاطراتی از زندان پلچرخی

کردند که چطور مردم هستند بانام قوا از سرف و ناموس سازمان و رفقا دفاع کردم که این خود مایه خشم آنها و شکنجه دادن ما می شد. چه خوش است که دشمن از شکنجه دادن خسته شود و نتواند چیزی بدست آورد و با چهره عبوس و غمناک عرق های خود را پاک کند.

بالاخره نوبت برق دادن رسید، برق رادر یاها و دستهایم بسته کردند، از شدت درد فریادم برآمد بایک روحایی جریک و خون آلود دهانم را بسته کردند و بعد از دو سبب شکنجه روانه زندان پلچرخی کردند.

ناگفته نماند که آنها مرا به بهانه پخش سب نامه دستگیر نموده بودند و البته مادر پخش سب نامه دست داشتیم مگر بکلی از آن منکر شدیم بخاطریکه پخش آن از راز حزب و سازمان بود و ما باید انکار میکردیم.

سالحه روستا در مورد خاطرات پلچرخی چنین اظهار عقیده میکند:

خاطرات در داخل زندان نزد اشخاص فرق میکند، خاطره یک زندانی که به ناحق زندانی شده، خاطره یک زندانی متعبد، خاطره خورد سالن که بی موجب در سلولهای زندان میولیدند، اما اندیشه من همیشه به حزیم رفقایم، فامیلم و مخصوصاً فرزند دنییم ساله ام که در همان روزهای که هنوز بزندان نرفته بودم

خیلی با من انس گرفته بود موجود بود فراق هم یک خاطره بود و همچنان این خاطره که با وجود امکانات محدود می توانستیم به رفقاییکه پایواز نداشتند و یا قوماندان قهار زندان مانع از کمک فامیل هایشان می شد ند مدرسانیم و یا بعضی اطلاعات را که حاصل می کردیم به سمع رفقا می رساندیم و خاطره های را بیاد می آوردیم و از اطفال خود سخن می گفتیم و در چهار دیواری پلچرخی باهم صحبت میکردیم و بالاخره خاطره ای را بیاد می آورم که چگونه دانش های انقلابی خویش را در خدمت یکدیگر می گذاشتیم و همچنان خاطره ایمان و شجاعت و انطباق پذیری دوستان هم اتاق خویش را همیشه بیاد می آورم. س- از آنجائیکه در وطن محبوب ما سابقه نداشت که زنان را تاکنون به این قسم بهانه ها بزندان بیندازند، ممکنست بگویند که عکس العمل فامیل شما هنگام بازگشت چطور بود؟

در جواب گفتم: فامیل خودم و فامیل شوهرم از راه عقیده و اندیشه من و شوهرم اطلاع کافی داشتند و می فهمیدند که راهی را که مادر پیش گرفته ایم انجامش پیروزی است و یا هرگز مادرم چون یک پیروی و دختر و داماد هایش زندانی شده بودند بعد کافی رنجیده و خسته که در همان روزهای که هنوز بزندان نرفته بودم



فامیل خودم و شوهرم از راه عقیده من و شوهرم اطلاع داشتند و قبول کرده بودند راهی را که مادر پیش گرفته ایم انجامش پیروزیست و یا هرگز

دار و دسته و باندا مین در پهلوی سایر جنایات و خیانت های بشمار حتی حقوق و احترام بزمن را نیز لگدمال کردند اعمال ضد انسانی آنها نه تنها خلاف کلتورو عنعنات ملی خلق افغانستان بود بلکه این دوره در جهان در شما دوریاست دوره ظلم تاریخ بحساب می رود.

باند امین به نصف های شب بخانه حاحله می بردند و بهانه های گوناگون دختران و زنان مردم را راهی شکنجه گاه ها و زندان ها می ساختند.

جهت معلومات و آگاهی بیشتر خوانندگان عزیز مجله زوندون مصاحبه ای بایک زن جوان و یک دختر جوان که مدت چندماه در دژخوناک باندامین زندانی بوده اند داریم که اینک از نظر شما میگذرد:

این دو جوان با وجود اینکه سر حال و شاد صحبت می کردند اما آثار خستگی و کسالت از چهره هایشان عویدا بود وقتی از آنها خواستیم تادر مورد خاطرات خویش از زندان پلچرخی برای ما حکایت کنند، ابتدا سالحه روستا شروع به صحبت نموده و در جواب این سوال که روی کدام جرم شما را بزندان انداختند گفت:

علت واضح بود به جرم عشق بوطن، آتش در جان دشمنان ما زبانه می کشید و در صدد بهانه بودند که ما را توقیف کنند و در شرایط بسیار بد مخصوصاً بعد از کودتای فرزند و ما دار (سیا) در داخل حزب تلاش تمام رفقا در این بود که سازمان و به صورت کل حزب را زنده

دو شب مرا به صدارت بردند تا فردا ساعت ۹ شب انتظار کشیدیم و ساعت ۹ بود که هیات تحقیق آمد و گفت شما انسان های بسیار خوب معلوم میشوید هر چیزیکه میدانید بگویند. در جوابش گفتم که چه چیز را بگویم؟ گفت هر چه را که میدانید بگو من گفتم که هیچ چیز نمی دانم بالگدی که بمن زدن سرم گمچ شد و بیاد خودم گفتم که باز هم نمی گویم؟ زود بگو باکی ارتباط دادی، عضو ارتباط تو کیست؟ ظاهراً می گفتم که با کسی ارتباط ندارم اما در دل می گفتم که اگر مرا که هم کنی این جواب را نخواهی گرفت و وقتی که در باره سازمان و رفقای رهبری پرسیان

شده بود از همین سبب زندانی شدن مرا ازوی پنهان کرده بودند و برایش گفته بودند که صالحه مخفی شده است و عکس العمل فامیل شوهرم درست بمثابة يك برخورد بايك عضو فامیلی که متعهد است با حزب و وطنش پیمان بسته است که تا آخرین لحظه حیات درستگر حزب است برخورد میشد با تمام قدرت بغاظر آسایش و آرامی من در داخل زندان میکوشیدند و بخصوص که از ناحیه کودک خود به تشویش بودم، آنها در حالت های گوناگون ازوی عکس می گرفتند در بین قطی ها برایم می فرستادند.

خوب صالحه جان هنگامیکه خبر آزادیتان را شنیدند چه احساسی برایتان دست داد؟ من در لحظه ای که خوشی سراپایم را فرا گرفته بود یکبار ب فکر زندگی حزبی قبل از زندانی شدنم، بعد زندگی داخل زندان و تمام خاطره ها از پیش چشمم مانند پرده سینما می گذشت و اگر شما آقای خبرنگار از کام امین نجات پیدا نمی کردید و مانند هزاران هموطن دیگر زندانی می شدید و در همان وقت احساسی يك زندانی را خوبتر درك می کردید و احساس مراد همان لحظه رهایی میدانیستید.

فعلا چه پیامی برای زنان و دختران کشور دارید؟ پیام من این است که دوشادوش دیگر خواهران و برادران خود مانند يك موجود فعال در تحت رهبری حزب با تمام قوا در آبادی و سر بلندی این کشور بیچاره که سالها رنج زحمت بخوردیده بگویند.

بعد از شنیدن سخنان صالحه روستا که خالی از دلچسپی نبود دختر جوان که سیمین نام دارد و محصل آکادمی تربیت معلم میباشد بنام تخریب کار از آکادمی منگک گور دیده بود و بزندان افتیده بود رشته سخن را بدست می گیرد.

هر روز در زندان باخاطره سپری میشد مگر متأسفانه که قلم و کاغذ بدسترس نداشتیم تا همه را یادداشت می گرفتیم خاطراتیکه شکنجه های روحی آن خواب را از چشمان ما دور کرده بود مثلا یکی از آن خاطره ها در شب وقتیکه تاریکی و سکوت مرگبار فضای زندان را فرا میگرفت ساعت يك یاد و شب صدای دریش نگهبان زندان سکوت را درهم میشکست و موتر داخل زندان می شد بعد چندین جوان و پیر بیگانه در حالیکه دست هایشان به پشت سرشان بسته میبود آنها رابه موتر بالای کردند و موتر دوباره از زندان خارج میشد و فراموش نشود که باید بگویم اتاق مادر بلاک اول یعنی بلاکی که قوماندان زندان در آن بود موقعیت داشت و ما از داخل اتاق با استفاده از يك چوکی آهنی که در اتاق داشتیم حادثات بیرون را تا جائیکه امکان داشت می دیدیم چوکی را زیر پنجره قرار می دادیم و بالای آن ایستادمی شدیم، بلی شبهای بشمار موتر ها را که مردم بیگانه ما را از زندان بیرون می برد تعقیب می کردیم و وقتیکه موتر به سرک کابل میرسید سمت حرکت آن

مخالف به سرک کابل تغییر می کرد و مقابل قوای چهار زره دار که گشتار گاه ساخته بودند بنام پلیگون ایستاده می شد و بارسیدن موتر چراغ یلنگون روشن میشد و بعد از چند دقیقه صدای گلوله شنیده می شد و شعله های سرخ آن به هوای تاریک نمایان می شد و دوباره از چوکی پائین آمده و به بستر خواب به فکر می رفتیم، به فکر کودکانیکه پدران خود را از دست میدادند و مادر اینکه دلیندهای خود را از دست میدادند و مجردیکه صدای پای سه دهلیز می شنیدیم از فکر خود دوباره به بستر می نشستیم که حالا دروازه زده می شود و ما را هم به گشتن

نهایی سمستر دوم ما مانده بود و بعد هر چه به جستجوی کار شدم موفق نشدم و کسی برایم کار نداد تا اینکه در یکی از شب های ماه جوزا در خانه که جرمن و خواهرم کسی دیگر نبوده همه مهمان بودند، و ساعت دوی شب بود که دروازه با بسیار شدت کوبیده شد و وقتیکه دروازه حویلی را باز نمودیم اشخاصی موقوف مانند گرگ های گرسنه و مجرب با ما شنیدار بدون اجازه به حویلی داخل شدند و چهار طرف حویلی را محاصره نمودند و چند تن از آنها داخل خانه شدند بعد از تلاشی نمودن تمام خانه ها و حویلی



سیمین:

متأسفانه قلم و کاغذ نداشتیم تا تمام جریانات را یادداشت می کردم.

می برند، روز ها و شب ها به همین ترتیب در انتظار سپری میشد انتظار مرگ و یا موفقیت تا ماه جدی این صدای نجات دهنده یعنی موفقیت را بگوش خود شنیدیم.

سیمین جان اینکه ترا چطور و در کجا دستگیر کردند برای ما صحبت کن.

باید بگویم که در مرحله اول در سال ۱۳۵۷ محصل صنف ۱۳ آکادمی تربیه معلم بودم که بنام تخریبکار از آکادمی بطور قطع متفک شدم در حالیکه صرف چند روزه شروع امتحانات

از من خواستند تا خانه را ترک گفته با ایشان یکجا بروم چون از همان اول الی وقت دستگیری برای خدمت بوطن از هیچ چیز نمی ترسیدم در بیوقت نیز عراسی بخود راه ندادم، با خواهرم خدا حافظی نمودم مگر او از آنها با گریه می خواست که بگذارند مادرم را ببینم و بعد بروی اتاق افتاد او را بهمان حال و تنها رها کرده همراهی آنها، به طرف موتر رفتم و دیدم سه موتر برای بردن من آمده دست در موتر وسط نشستیم، مو تر حرکت کرد، چون شب تاریک بود نفهمیدم کجا

می رویم بعد از موتر پیاده شدم و بیک اتاق رفتم که در آنجا شخصی پشت میز به چوکی خوابیده بود بمن گفت تو همین هستی؟ گفتم بلی و گفت ما برای خودت کار میدهیم (معلمی) من خنده تمسخر آمیز زدم و گفتم شما بسیار لطف دارید و من از شما تشکر میکنم که درین وقت شب ب فکر بی کاری من شده اید، از آنجا مرا به اتاق دیگر که اتاق شکنجه بود بردند چهار طرف اتاق مردمانسته بودند، مرا گفتند بنشین چشم من بیک جای خالی افتاد و براه افتادم که بنشینم مگر فریادی مرا متوقف کرد که به زمین بنشین بعد شکنجه با تهدید، توهین، مشت و لگدم برای برق شروع شد وقتیکه شکنجه پایان رسید، روشنی صبح تازه همه جا دمیده بود مرا به اتاق دیگر فرستادند و در آنجا با یک تعداد دیگر دختران و نظیرست رو برو شدم که همه خسته و مانده از اتاق شکنجه آمده بودند آنها گفتند که اینجا اسما ست بعد از آن در فکر خانه و خواهر تشایم افتادم چهار شب به همین ترتیب سپری شد بعد به بلخ رخصی فرستاده شدیم البته يك کاروان بسته بودیم که از پنج الی شش موتر تشکیل میشد موتر ها پراز مردان مبارز و وطنپرست بود و تشایم معاون اسما (نواب) با موتر خود ما را همراهی تا تقریباً یکماه فاملیم از من هیچ اطلاعی در دست نداشتند هر چند ایشان روزها تشایم همه روزه به دفاتر دولتی جهت مطلع شدن از چگونگی مجرم بودن و محکومیت ام مراجعه نموده بودند اما تا این مدت هیچ اطلاعی برایشان داده نشده بود.

راستی آنها می خواستند که ما باکی ارتباط داریم و به کجا ارتباط می گیریم و وطنپرستان رابه آنها معرفی بداریم مگر ما یادداشتن اندیشه مردمی و آزادی به این شکنجه ها و رنج های آنها اعتنای نکرد و امیدواری به آینده مستقل و پیروز مند به مقاومت خود علیه هر نوع استبداد آنها ادامه میدادیم.

باشنیدن بیغام آزادی زندانیان سیاسی مسرت زیادی برایم دست داد فکر میکنم در همان لحظه چنان هیجانی بمن دست داده بود که هیچ چنین لحظه را در زندگی ام بیاد آورده نمی توانم و یکبار دیگر حس مسولیت و خدمت به خلق در روحم که به جرم آن زندانی شده بودم و از فعالیت باز نگه داشته شده بودم دیدم، برای يك دختر وطنپرست ازین بیشتر جای خوشی و مسرت نخواهد بود که موقع بیاید تادوش بدوش مردان و وطنپرست در راه اعمار جامعه نوین حصه بگیرد ازوی خواستم تادر مورد صفات يك زن مبارز چیزی بگوید.

بنظر من يك زن یا دختر مبارز همیشه حقیقت بین بوده و در تاریکی مبارزه را پیش نبرد، يك زن مبارز همیشه همراهی اجتماع هم صحبت بوده و از چگونگی زندگی مردم خود با خبر باشد و در راه مبارزه خود علیه يك جامعه ای که از هر حیث عقب مانده از هیچگونه شکنجه و

سرود خشم

آهنگر آن پیر، همه پتک ها بدست
 با چهره های سوخته، در نور آفتاب
 چون اختران سرخ، بتاریکی غروب
 چشمان پراز نویسد فرح بخش انقلاب
 پتک گران بدست و دهانها پراز خروش
 فریاد شان گسته در آفاق شامگاه
 روئیده در دیار اشق، خوشه های خشم
 اسفرده بر لبان شفق، بوسه های ماه
 بنداشتی غریب خدا یان آسمان
 بیچیده در کرانه ی خاموش زندگی
 بگرفته از فروغ شفق، رنگ انتقام
 آن گونه های که سوخته از سرم بند می
 بنداشتی که خشم فرو خورده ی قرون
 جوشیده از خرابی فر توت روزها
 بنداشتی که شیون قربانیان جنگ
 آتش فکنده در دل آتش فروز ها

از سینه ها رسیده بلبها سرود خشم
 افکنده در حریم دل آسودگان هراس
 گفتی بر آستانه ی این شامگاه تلخ
 دردم خزیده سایه ی مردان ناشناس
 در چشمشان طلیعه ی توفانی شفق
 آرد خبر زخنده ی خونین صبحگاه
 فریاد شان گسیخته در آسمان سپهر
 خشم سیا هشان همه جوشیده در نگاه
 دردم شکسته است تو گویی سکوت مرگ
 در دستخیز این شب تاریک و افسین
 برقی دمیده از دل آفاق دور دست
 تاسایه ی گیود شب افتاده بر زمین
 خوانده بیاس روز نظر، باد شامگاه
 سکرانه ی گسستن زنجیر بندگی
 آهنگران پیر، همه پتک ها بدست
 در چشمشان، طلیعه ی خورشید زندگی
 (نادر نادریپور)



گلها

ومن در شام آن هستی سامان سوز
 همی غارتگران باغ را دیدم
 که هر صبحی گلی از شاخه میچیدند
 و بر پر مینمودند، میدیدند
 خنده میکردند و میرفتند
 چه گلها بی ا
 گل سوسن، گل سرخ و گل نسرین
 گلی زیباتری از زهره و پروین
 و کی غافل از آن بودند که روزی
 بجای يك گلی
 صدها گلی در باغ میروید
 هارون یوسفی



سلیان لایق

بهار دروغینه

بیار ساقی گلچهره باده د و منی
 که نقش تازه بریزیم و طرح انجمنی
 ازین بهار دروغینه بوی خون آید
 مرا رسیده ز حافظ اشارت سختی
 ز تند باد حوادث نمیتوان دیدن
 درین چمن که گلی بوده است یاسمنی
 چنان زجرخ فلک سنگریزه می بارد
 که نی بسزیه چمن ماندونی به گل وطنی
 زهر که مرشوم حرف «سوخته» بالاست
 به هر چه مینگرم تیغ و آتش ورمی
 هنوز قطره خون تازه کار خوشتن است
 بدامنیکه نکنجد در آن دگر لجنی
 بپوش باش که این رهزنان بازی زور
 خدای تازه تراشد و هیکل وقتی
 مناع باغ کهن پرورند و سینه زند
 بنام خار بیابان و سبزه ای خشتی
 تو آسمانی و اندیشه ای تو ابر بهار
 تو نوربخش زمینی، تو مغز و جان وقتی
 تو نقشند جهانی، تو خلق کارگری
 تو بسته بند حوادث، تو قدرت شکنی
 بنوش بساده مردی و راه چاره بجوی
 که چاره جوی لجوید فراغت چمنی
 به خار های بیابان اگر نمی نرسد
 بهار چیست که لاله ز باغ نترنی

۱۳۵۷/۶/۱۷

کابل



د بند خونند

خلوبینت کاله آزاد ژوند عسی بوخ نکرم
 لکه بوخ چی گرم یوکال عقر د بند
 و آزاد ژوند به ارزینت بانندی خه بوهوم
 چی بندی شوم مئی بوه یی شوم به خونند
 دوکتور زیار، خر خی زندان ۱۳۵۸/۸/۲۳

روزنه امید

باغزم و امتان
 با شور شعف و شوق
 با قلب پر امید
 در کار زندگی
 هر دم روان گرد .

• • •

خیر است گر ترا
 آن نیروی شب
 در بازو ها و پنجه
 دیگر نمائده است .

• • •

تو خصه راه مده
 گر چرخ روزگار
 هم مال و مکننت
 ز دستت ربوده است .

• • •

هرگز پریش مباش
 گر نخلهای ممتی
 وان گلبنان عشق و صفای شباب
 در بوستان قلبت
 پژمرده گشته است .

• • •

افسردگی مکن
 از گردش ایام
 گر نارو بود هستی ات
 از کین و انتقام
 فسرده است .

ایه های زمینی

خورشید مرده بود
 خورشید مرده بود و فردا
 در ذهن کودکان
 مفهوم گنگ گمشده بی داشت
 آنها غرابت این لفظ کجانه را
 در مشق های خود
 بالکلی درشت سیاهی
 تصویر می نمودند
 مردم
 گروه ساقط مردم
 دلبرده و تکیده و مبهوت
 در زیر بار شوم جسد هاشان
 از غربتی به غربت دیگر میرفتند
 و میل دردناک جنایت
 در دستپايشان متورم می شد

گاهی جرقه ای ، جرقه ای ناچیزی
 این اجتماع ساکت بیجان را
 یکباره از درون متلاشی می کرد
 آنها به هم هجوم می آوردند
 مردان گلوی یکدیگر را
 با کارد می دریدند
 و در میان بستری از خون
 با دختران نا بالغ
 همخوا به می شدند

آنها غریق وحشت خود بودند
 وحس ترسناک گنجهکاری
 ارواح کوروکودشان را
 منلوج کرده بود
 پیوسته در مراسم اعدام
 وقتی طناب دار

چشمان پر تشنج محکومی را
 از کاسه بافتار به بیرون می ریخت
 آنها به خود فرو می رفتند
 و از تصور شپوتناکی
 اعصاب بیرو خسته شان تیر می کشید

اما همیشه در حواشی میدان ها
 این جانان کوچک را میدیدی
 که ایستاده اند
 و خیره گشته اند
 به ریزش مداوم فواره های آب

شاید هنوز هم
 در پشت چشم های له شده، در عمق انجمن
 يك چیز نیم زندهی مغشوش
 بر جای مانده بود
 که در تلاش بی رمزش می خواست
 ایمان بیاورد به پاکی آواز آب ها .
 شاید ، ولی چه خالی بی پایانی
 خورشید مرده بود
 و هیچکس نمی دانست
 که نام آن کیوتر غمگین
 کز قلبها گریخته ، ایمانست .

آه ، ای صدای زندانی
 آیا شکوه یاس تو هرگز
 از هیچ سوی این شب منفور
 تقی به سوی نور نخواهد زد ؟
 آه، ای صدای زندانی
 ای آخرین صدای صدا ها

فروغ فرخزاد

آنگاه خورشید سرد شد
 و برکت از زمین ها رفت
 و سبزه ها به صحرا ها خشکیدند
 و ماهیان به دریا ها خشکیدند
 و خاک مردگان را
 زان پس به خود نپذیرفت

شب در تمام پنجره های پریده رنگ
 مانند يك تصور مشکوک
 پیوسته در تراکم و طغیان بود
 و راه ها ادامه ی خود را
 در تیرگی رها کردند

دیگر کسی به عشق نیندیشید
 دیگر کسی به فتح نیندیشید
 و هیچکس
 دیگر به هیچ چیز نیندیشید

در غار های تنهایی
 بسودگی به دنیا آمد
 خون بوی سنگ وافیون می داد
 زلفهای باردار
 نوزاد های بی سر زایدند
 و گاهواره ها از شرم
 به گور ها پناه آوردند

چه روزگار تلخ و سیاهی
 نان ، نیروی شگفت رسالت را
 مغلوب کرده بود

• • •

در دیدگان آینه ها گویی
 حرکات و رنگها و تصاویر
 وارونه منعکس می گشت
 و بر فراز سر دلتگان بست
 و چهره ی وقیح فواحش
 يك هاله ی مقدس نورانی
 مانند چتر مشتعلی می سوخت
 مرداب های الکل

با آن بخار های گس مسموم
 آنچه بی تحرك روشنکران را
 به زرقنای خویش کشیدند
 و موش های موزی
 اوراق زرتکار کتب را
 در گنجه های کهنه جویدند

در غم مباش
 از نور چشم خویش
 کز درد انتظار
 گردی کشیده است
 امید ز دست مده
 گر چند پیر گشته یی و
 بسان گذشته نیستی
 اما -

آنچه دست داده ای
 با جامه دیگر
 همراه رزم تست
 اکنون تو شاد باش و

با غرور تام
 در کار زار هستی
 چایی به پیش گیر
 امروز -

امروز تو میوای
 با نیروی اراده
 با حب و عشق مردم
 با لذت ایثار
 در نور حق و راستی
 باراد مردی تام
 هر آنچه خواسته باشی
 اتمام آن کنی

شمس الحق - یاسا



ویل کول

ویل کول ساویدن دی انقلاب ته
 بویی بله انقلاب نشی و اوو لای
 له ویل سره کول ملگری بو به
 تش ویل هستی نشی لرلای
 دوکتور زیار ، امینی شکجه خای .

۱۳۵۷/۱۱/۱۷

میتوان در پهلوی بازیچه اشیای خورد دیگررا او یزان کرد همینکه طفل آنها را بدست گرفت چند ی بعد می آموزد که اشیای به حالت سخت ، ملایم ، سرد و داغ موجود میباشند . به هر اندازه که اشیای اضافی تر باشند به همان اندازه تجربه طفل درین قسمت مکمل تر میشود .

طبق عقیده روان شناسان طفل دراین فعالیت نموی بیشتر میکنند . برای این مقصد اشیای متغییر مذکور با بازیچه دیگررا پیشنهاد کرده که همچنین صدا دارمیباشد در تار پارچه های مدور ، استوانه مساند و حلقه ها او یزان هستند اما هر کدام اینها دارای اندازه های مختلفی میباشد و اندازه های پارچه های استوانه ای استوانه ای و مدور نظر به اندازه حلقه خورد تر هستند به این ترتیب میتوانند از حلقه بگذرند . هر بار که طفل با این بازیچه بازی کند معلوما ت جدیدی را می آموزد زیرا این بازیچه امکان میدهد تا طفل راجع به اندازه اشیای و مقیاس آنها معلوما ت پیدا کند . به این ترتیب سعی شود تا طرق جدید درین قسمت برای اطفال پیشنهاد شود تا معرفت اطفال را جمع به محیط پیرامون هر چه زود تر برسد کند اختراع و طفل این کد ام مفهومی را

ارائه میکنند ؟

قسمتی که معلوم است اطفال به محیط پیرامون به بسیار هیجان و علاقه نگاه میکنند و هر چیزی که رنگ شاد داشته باشد توجه آنها را به خود جلب میکند . همینکه والدین به این نکته متوجه شدند دفعتا تعداد زیاد بازیچه ها را میخرند و همه را خود به ترتیب در پهلوی طفل میگذرانند و طفل درین صورت منجبت ناظر به همه نگاه میکند . والدین درین قسمت اشتباه را مرتکب میشوند زیرا آنها خود در طفل روحیه بی علاقه را پرورش میدهند . زیرا طفل وقتی که در حدود ۳ الی ۵ سال داشته میباشد نه تنها شکل ، تناسب و موقعیت اشیای می داند بلکه نکته مهم اینست که طفل خود میتواند که جهان بازیچه های خود را خود قشنگ سازد .



از سیوتنیک

ترجمه س.س

تأثیرات نوعیت بازیچه ها بر بالای انکشاف روحی و فکری اطفال

طرف مقابل بحرکت می آید . این حالت به طفل مشغولیت بهتر را ایجاد میکند به این ترتیب طفل می آموزد تا به چه ترتیب اشیای را در دست بگیرد و آنرا نگاه دارد در نتیجه ما هیچ های انگشتان دستهای طفل خود بر نموی میکنند . همینکه طفل گرفتن اشیای را آموخت

درین وقت رول معین خود را پیش برده میتوانند ؟ قسمتی که تجارب متعدد نشان داده است که در بین سن اشیای مساکن توجه طفل را جلب کرده نمی توانند اما به مجرد اینکه با بازیچه در مقابل طفل حرکت داده شود چشم های طفل از حرکت او دنبال میکنند اگر با بازیچه صدا دار باشد توجه طفل را اضافه تر جلب میکند .

چطور میتوان در طفل از او ایل روزهای زندگی اش روحیه اجرای کارها را به تنهایی پرورش داد ؟ در حال حاضر بالای حل این برابرم تعداد زیادی ادبیات روان شناسان داکتر ها و مختصر عین کار میکنند . چندی قبلی در مسکو به این مقصد کارگر س. لیم شورای بین المللی اختراع صنعتی « دایر گردید » بود و برای اولین بار در آن مسکن اختراع

برای اطفال « جا داده شده بود . قسمتی که اشکارا است اطفال در حال حاضر زود تر رشد و نمو میکنند . درینجا اغلبا این سوال مطرح میشود که غرض نموی هر چه بیشتر اطفال از کدام نوع بازیچه ها با یاد استفاده شود .

با در نظر داشت تفاضلهای عصر لایبرال و استیوت با بازیچه ها در اتحاد شوروی سیستم معین با بازیچه ها را برای اطفال پیشنهاد نموده است . با لای هر یک از این انواع با بازیچه ها که زیلا از آنها تا م برده خواهد شد سه متخصص یعنی ادیب ، روان شناس و طراح کارهای زیادی را انجام دادند .

هنوز از عمر طفل یکماه گذشته نمیشد که مادر مهربان در جیب طفل انواع مختلف بازیچه ها را با رنگ های شاد میگذارد اما طفل تنها درین وقت به طرفی سفت طاق می بیند . آیا با بازیچه ها

عادل جدیدی که توسط استیوت با بازیچه ها در اتحاد شوروی پیشنهاد شده از چوب ساخته شده اما قسمی عیار شده که برای دست بزرگ سالان مساعد است نه برای دست های اطفال . دسته با بازیچه به پارچه چوب مدور خاتمه می یابد و از این سوراخی که درین چوب ساخته شده تار عبور داده شده و در انجام تار دو پارچه خورد چوب بشکل مدور او یزان میباشند که دارای رنگ های مختلف هستند .

در ابتدا با بازیچه به طفل نشان داده میشود بعد از اینکه طفل کمی بزرگتر شود خود سعی میکند تا آنرا بدست گیرد و بالاخره طریق در دست گرفتن آنرا می یابد . این بازیچه دارای صدای بسیار ملایم میباشد همینکه طفل یکی از پارچه های مدور را بدست گرفت دفعتا پارچه



تصویر از کتاب « بازیچه ها »



په وړکتون کې ماشومان خپل ښوونکي ته په ځير سره متوجه دي

د خبرونو څخه

د بریا لې علی زاد ژباړه

د ماشوم د شخصیت پر وده باندې دور کتون اغیزه

کله چې ما شوم لو بیری پخپلو پښو د بیری او پر لاره روا نیری او هم خپله خوله په خبرو پرانیزی مور او پلار یې پدی فکر کیری چی څنگه باید هغه وروزی ترڅو دهغوی څخه د ټولنی یو فعال غړی جوړ شی .

دهمد غی مسئلې په ارتباط له شوروی مفا ما تو څخه دهغو کو چیا نو د روزنی په هکله چی لاسو ونځی ته دتک ټا کلسی عمر ته ندی رسید لی زیات یو بنسنتسی شوی . ددغه شان سوالو نو په خواب کی با ید وویل شی چی وړ کتو نو نه ددغه شان مسئلو په بشپړ او صحیح حل کی دکو رنیو سره په زړه پوری مرستسی کوی .

دشوروی اتحاد په اساسی قانون کی بدغه هکله داسی څر گند ونه شوی (دشوروی اتحاد دولت دهغو کو چیانو دروزنی په برخه کی چی دښوونځی ټاکلی عمر ته نه وی رسید لی دځا نگر و مو سسود پرا خو ښکو په ایجاد کورنیوسره نه ستړی کیدونکی مرستی کوی .)

دشوروی سو سیا لیستی جمهوریتو نو داتحاد حکومت داستقرار د لو مرنیو کلو نو را هیسی د هغه هیواد په عره برخه کی دوو کتو نونو جوړول پیل شوی او ورځ په ورځ مخ په پرا ختیا ده ا وهندا او سرید نه هیواد کی ددولسو ملیونو تنوڅخه زیات ما شو مان شیر خوار گا ووته سبا رل کیری او وړ کتو نونو ته ځی .

په لویو صنعتی ښارو نو کسی زیاتسره کور نیو خپل ما شومان له ددی گلسنی

څخه دښو ونځی نللو تر عمره پوری هغو وړ کتونو نو ته چی دهغوی دکارځای او یا کورته نژدی واقع دی سپاری او په عادی تو گه ما شوم دسپار له اتو بجو څخه دماز دیگر تر پنځو بجو پوری په وړکتونو نو کی وی .

دلته شاید سوال پیدا شی چی و لسی میندی او پلرونه د خپلو ما شو ما نودروزی دپاره دټو لیزو موسسو څخه گټه اخلی؟

دکوستر ومانښار (چی دواکاکمی دسیپند په غاړه پروت او دوه سوه پنځو س زره تنه او سید و نکی لری) ټو لنیو ها نو د هغو تحقیقاتو د تحلیل او تجزی څخه چی ددغه ښار په شیروبیلا بیلو صنعتی واحد ونو کی سر ته رسو لی دغه نتیجه تر لاسه کیری چی وړکتو نونو ته دکوچنیا نو د سپار لوبه برخه کی ما دی گټی په نظر کی نیو لورو سرتی ځای لری . ځکه چی په سلو کسی پنځه تنو میند واو پلرو نو دهمد ن مقصد دپاره خپل کوجنیا وړ کتونو نو ته سپاری .

کو رنیو دغه موضوع چی دما شو ما نو ساته په وړکتون کی دکور په بر تله ارزانه تما میری یو عادی کار بولوی .

په شوروی اتحاد کی په عادی توگه دما شو ما نو د ساتنی څلور پر پنځه برخه څرخ په وړ کتو نو کی ددولت له خوا وړکول کیری او هم دهغو کو رنیو دما شو ما نو ټول څرخ چی زیات کو چیا ن و لری ددولت له خوا وړ کول کیری .

دخینو ټولنیو ها نو په عقیده څرنگه

چی په شوروی اتحاد کی مورا و پلارد وارهله کور څخه دپان دی کار کوی او په کور کی هیڅوک نلری چی د هغو د ماشومانو ساته وکیری نو مجبور دی چی خپل ماشومان وړکتونو ته وسپاری .

مگر دوی تیرو تلی دی ځکه چی په سلو کی یواځی اته څلوېښت کورنیو له عمدی کبله خپل کوجنیا وړکتونو ته سپاری .

پداسی حال کی چی زیاتره کو رنی دټو لیزو روزنی په مقصد دغه کار کوی او دوی عقیده لری چی ټو لیز روزنه تر کورنی روزنی غوره ده نو پدی توگه په زغرده ویلای شو چی دما شومانو په روزنه کی وړکتو نونه ښه دکور نیو باوری مرستند وی دی او په حقیقت کی (در و زنی په برخه کی) او س د ښوونځیو په شان عامه ښه غوره کیری او هم دیو لړ څیرنوپه نتیجه کی دا حقیقت تر لاسه شوی چی دیو نسل رو حی اوجسی روغتیا او اخلاق په وړ کتو نو نو کی دکوچنیا نو دروزنی سره نه شلیدو نکی اړیکه لری .

دشوروی سو سیا لستی جمهوریتو نو داتحاد په اساسی قانون کی دا هم ذکر شوی چی (دشوروی اتحاد دولت خپله دنده گټی چی دانسانی شخصیت دسالمی ودی دپاره هراړ خیز یراځ امکانا ت تا مین کیری) .

اوس وینو چی آیا د فردی شخصیت وده کله پیل کیری .

دایو انکارته منو نکی حقیقت ده چی

دشخصیت وده د معلو مانو د تراسه کولو څخه پیل او د معلو ما تو لاس ته راوړل اوردنه موده غواړی نو پدی توگه یو اوردنیر به کار دی تر څو د معلو ما تو په ټولولو سره د شخصیت ودی ته پرا ختیا ورکیر شی .

دایوه تصادفی مسئله نده چی د شوروی اتحاد دوو کتو نونو په ورځنی مهال وینس کی ښو ونه ، حساب ، لو ستل خبری کواړ او طبیعت بیژندی ته ځای ورکړ شو پدی بلکی دیو لړ تجربو په نتیجه کی ثابت شوی چی دا ټول دما شو مانو د معلو ما تو په زیات توالی او پدی تو گه د هغوی د شخصیت په وده کی څو را اغیز من دی .

په عمدی تو گه په هغه مهال وینس کی چی دشوروی اتحاد دښو ونی او روزنی وزارت له غواتصویب شوی دهرڅه نه ریات تا سر مانو لوبو ته زیاته پاملرنه شوی او ورسره چو خت ماشو مانوته دنغا لسی ، مجسمه جوړولو ، ټول ټول صنایعو ، لغا دشعر اوسندری ویلو زده کیری ته په لکه اشا ره شوی . همدا رنگه په دغه مهال وینس گر داسی شیا نو ته ځای ورکړ شوی چی دما شو ما نو دکفکری ودی سره چو خت د هغوی احساسا ساتونه هم وده ور کوی . دمثال په تو گه که کوم ماشوم داسی مشخصات ولری چی دنورو ماشومانو پام ځان ته واړوی اونورو ته داحترام په ستر گو و کوری ښو ونکی نی مجبور دی چی دغه صفتونه د ښو ونی او روزنی په مرسته په هغه کی و زیروی . نو پدی تو گه باید هر کم جراته او آرام ما شوم باید دا احساس پیدا کیری چی نور ورته احترام لری اود احترام وړدی . او که نه امکان لری دروند تر پایه پوری ځان بیو زلی اومعیوب احساس کیری .

هر ښو ونکی باید خپل شا گر دان په مختلفو لارو داسی تشویق کیری تر څو هر یوی وکولای شی خپل حال او پېڅو صیتو نه په خورا جرات سره څر گند کیری دمثال په توگه د یو ماشوم زیات شمیر کیسی زده دی ، بل ماشوم کولای شی چی خواپه په ښه توگه پر میز با ندی تنظیم کیری او ځینی نور ما شو مان دمویر ونسو مختلف ټو لونه ښه بیژنی ښو ونکی ددی دپاره چی دماشومانو پام یسی دهغو دغو خصوصیتو نو ته په ښه توگه اړ ولی وی باید په وار سره هر ماشوم ته په لوبوکی غوره برخه ور کیری چی پدی تو گه هرما شوم ځان پر دی نه بولی اوپر ځان بی اعتقاده نه وی له دی ټولو سره سره بسیاهم وړکتون د ماشوم په روزنه کی دکور ځای نشی نیولای . مگر بیا هم دمیندو او پلرونه سره دغه ستر او د روند دندی په ترسره کولو کی چی دخپل ما شوم دسالمی روزنی له امله په غاړه لری دلیدو وړ اوبه زړه پوری مرستی کوی .

سپهری در جهان هنر

هنر و نقش آن در انعکاس واقعیت‌های عینی زندگی



این تابلو نمایانگر ازدواج‌های غیر اصولی است که بی‌عدالتی و قلدری طبقات ستمگر جوامع را نشان میدهد

حقیقت آفریننده آن بوده‌اند به خود و درباریان خویش نسبت داده‌اند و کمتر نامی از شاعران هنر مندان و نویسندگان مردمی را تذکر داده‌اند. اکثر چنین نویسندگان، هنرمندان در عالم گمنامی بدینا آمده در عالم گمنامی جهان را بدرود حیات گفته‌اند.

امروز که روند تاریخ در دایره مخالف آن یعنی به نفع توده‌ها و ستمکشان جامعه دور می‌زند و پشاهان جنبش‌های مترقی و پیشرو که از آینده‌لویز طبقه پیشرو انقلابی الهام می‌گیرند درین تلاشند تا آثارشان را مطابق به خواست زمان و ایجابات وقت

مطابق به قانونمندی علمی پدیده‌های اجتماعی که تخطی از آن منجر به نابودی شخص میگردد به جامعه عرضه نمایند هم چنان کلوئس‌ها و تحقیقات در مورد فرهنگ و کلتور پارسی بعمل آورده آثار هنری که هنر مندان گمنام چیهات کلی و نا برابری‌های اجتماعی وقت را ترمیم نموده بودند در پیشگاه هنرمندان علاقمندان و محققین قرار دهد تا با استفاده از آن دانش پژوهان جوان عصر، بتوانند گذشته را دقیقاً مطالعه نموده و با مطالعه گذشته و حال آینده جامعه آدمیزاد را بصورت دقیق‌تر، عمیق‌تر و زودتر پژوهش و بی‌ریزی نمایند همه این هنرهای که در گذشته‌های دور مابله و مبارزه انسانها و طبقات را وانمود می‌نموده است الهام بخش آن اندیشه‌های در دماغ و مغز انسانها و هنر مندان، شاعران و نویسندگان مردمی گردید که همیشه در جهت منافع و مصالح توده‌ها اندیشیده و توده‌ها را آفریننده تاریخ قبول نموده‌اند.

مردمی همیشه نابرابری‌ها، فشار و بی‌عدالتی اجتماعی را در تصاویر گویای شان که چهره منحوس استبداد وقت را بازگو نموده‌اند گنجانیده که همه و همه در خدمت خلق و مردم خویش بوده‌اند و نام شان در اوراق تاریخ با خسا زین درج گردیده و مردم و توده‌های ملیونسی ستمکش همیشه به نیگویی از ایشان یاد نموده و سپاس گذار آنها اند.

اما برعکس بودند هنرمند دلقک‌پیشه و شاعر درباری که افسار دربار را به گردن گذاشته چکنده‌های ادبی، هنری و غیره را به مدح و توصیف اقلیت منت خوار ستمگر جامعه وقف نموده‌اند.

اما از آنجائیکه زندگی اجتماعی در جوامع طبقاتی، مهر طبقاتی داشته و طبقات ستمگر جامعه در هرم جامعه قرار داشته بسا کمک هنرمندان، نویسندگان و مورخین گمناختن خویش همه دست آورد‌های فرهنگی، مدنی و اجتماعی را که خلق و توده‌های مردم به



مستضعفین که دست تکی بسوی رهبران سنگدل دراز کرده‌اند این تابلو صیغه مردم‌داری هنرمند را وانمود می‌سازد.

زندگی اجتماعی بر از فراز و نشیب‌های است که فراز و نشیب‌گاهی نهایت دشواری چانکاه است و مقابله با آن شرط لازم و ضروری زیست و ادامه پراتیک اجتماعی، دانشمندان و هنرمندان جامعه که اندیشه‌های والای مردمی داشته در بدترین شرایط اختناق ترور، وحشت و استبداد همیشه جناح مردم را گرفته واقعیت‌های تلخ زندگی را به اشکال مختلف و ضریق مختلف بیان نموده‌اند.

زمانیکه هنرمند تحت شرایط ویژه استبداد مطلق‌العدالتی درباریان قرار داشته باشد بوسه



فلکان معصوم نیز مورد استعمار بررمانه‌ستگران بوده که نابلو نمایانگر آن است.

آنچه هنر مندان امروز به آن می‌اندیشند این است که هنر نباید فقط در خدمت هنر قرار گیرد زیرا درین صورت آثار هنری از وراء واقعیت‌های عینی نشئت گرفته سبقت گرفته و فقط در دایره هنر هنر برای هنر و یکنوع تکلف و پیچیده گی‌های را میسازد می‌آورد که از زندگی مردم و از واقعیت‌های عینی کاملاً تجرید میگردد اما هنر برای مردم در خدمت مردم جهت ارتقا و تکامل زیر بنا و رو بنای هستی اجتماعی شده واقعیت‌های

عینی جامعه نقطه گره‌ها و مشکل‌ها را بازگو نموده و جهت‌ی را وانمود می‌سازد که مطابق به قانونمندی عینی تکامل پدیده‌های عینی حرکت میکنند هر گاه هنر در خدمت مردم قرار گیرد و بتواند جهان کلی زندگی اجتماعی را وانمود سازد گفته می‌توانیم که پروسه رشد و تکامل حیات اجتماعی نهایت موزون و مطابق به قوانین عینی تکامل بوده نهاد اساسی محکمتری در جهت رجحان و ارتقا و تقای کامل می‌یابد.

ترجمه: س. ا.

اوبدنیا آمد تا هنر رقص را به اوج آن رساند



هر دو خوش و خندان به سوی تیاتر می‌روند

پیشگویی هادر قسمت هنر متاسفانه همیشه تحقق نمی‌یابد. اغلباً اتفاق می‌افتد که یک استعداد جوان مانند ستاره روشن می‌درخشد اما چندی بعد خاموش میشود. به این لحاظ در مورد پیشگویی در قسمت هنر از احتیاط کار گرفته شود. اما نادیا پاولووه این (عجیبه کوچک) هنوز چند سال پیش نداشت که همه را با مهارت خاص درین قسمت تسخیر کرد و به پیشگویی‌های مردم جامعه عمل پوشانید. دو سال بعد از نمایش موفقانه خود در مسابقه سر تاسری شوروی دو باره در سال ۱۹۷۴ در مسابقه بین المللی هنر پیشگان بالت که در مسکو دایر گردیده بود اشتراک ورزید. نادیا درین وقت هفده سال پیش نداشت. درینجا برای اولین جوره نادیا هنر پیشه

جوان ویچسلاو گردیف که چندی قبل در گروه هنر پیشگان تیاتر بزرگ مسکو شامل شده بود انتخاب شد. در نتیجه قرعه معلوم گردید که یکی از آنها نمبر (۹۹) و دومی نمبر (۱۰۰) را انتخاب کرده بودند. در مقابل این دو هنر پیشه جوان ستاره‌های درخشان جهان هنر بالت نمایش‌های متعدد اجرا کردند. اما وقتی یکی از روز نامه نگاران از نادیا پرسید که قبل از اجرای نمایش چه احساس می‌کنند. نادیا جواب داد احساس (سرت) بلی احساس سرت نه پراگندگی این نکته خود پسندی هنر پیشه جوان نبود بلکه از احساس پاک درونی او حکایت میکرد که همیشه هنر پیروز میگردد و نه خود پسندی.

بعد از قسمت اول مسابقات نادیا ۱۱۶۵ (۱۲) نمره ممکنه بدست آورد. سپس دو- قسمت دیگر مسابقات نیز پایان یافت و معلوم شد که گردیف مدال طلایی و نادیا پاولووه همچنین مدال طلا را صاحب شدند. نکته جالب این است که همه اعضای هیات ممیز به اتفاق اراء به این عمل موافق رای دادند. در ترکیب هیات اشخاص ورزیده جهان بالت مانند هنر پیشه درجه اول تیاتر بزرگ یوری گریگو رویچ، بالرین معروف کیوبا الیسیا الونس بالرین فرانسوی کلود بیسی، ستاره‌های معروف بالت شوروی گالینا اولانووه و مایا- پلیستسکایا شامل بودند.

این شناسایی بالرین جوان در بالت حادثه غیر عادی بود، زیرا بالت خود یک جهان مغلوق و متضاد است. کدام نکات و مشخصات نادیا را از هنر پیشگان رقص بالت متفاوت میساخت؟ آیا تخنیک بر مهارت؟ نه خیر زیرا در آن اوقات نادیا هنوز به این نکات چندان وارد نبود. نکته جالب که همه را متوجه او ساخته بود این است که او در رقص به اصطلاح زندگی میکرد و قابلیت آنرا داشت. بخاطر می‌آوردند و قتیکه نادیا کوچک در مکتب مسلکی بالت در شهر پرم مصروف تحصیل بود در یکی از نمایشات امتحانی پروگرام ذیل ترتیب یافته بود. قهرمان او دختر کوچک با پیراهن نازک سفید بود که میخواست به پدر خود طوری نشان دهد که رقص بالت را فرا گرفته و میخواهد درین رشته تحصیل نماید. برای این کار خود قیافه‌ها و ژست‌های متنوع را به او تمثیل و نشان میداد. درین پروگرام بسیار کوتاه نادیا به اندازه حیل و مکارگی طفولیت را تمثیل کرد که صد فیصد به واقعیات زندگی مطابقت داشت. نادیا هنوز چند سال نداشت که در نمایشات بالت در مکتب مسلکی و حتی در تیاتر شهر پرم در مقابل تماشاچیان ظاهر شد. اما نه در مکتب و نه در تیاتر با دختر کوچک محاسبه انجام می‌گرفت همه می‌گفتند: هنوز بسیار کوچک است.

بعد از اجرای نمایشات در مسکو نادیا و گردیف

با گروه هنر پیشگان تیاتر بزرگ عازم امریکا شدند. این پروگرام را کارگردان معروف سول یورگ ترتیب کرده بود. قسمتی را که نادیا و گردیف در آنجا اجرا کردند توسط مطبوعات امریکا بنام (قسمت پرعیجان نمایشات) یاد کردند.

در سال ۱۹۷۴ نادیا مکتب مسلکی بالت شهر- پرم را به پایان رسانید و به حیث رهبر گروه در تیاتر او پرو بالت شهر پرم شناخته شد. چندی بعد به مسکو به تیاتر بزرگ دعوت شد. این دعوت بسیار مهم وارنده و در ضمن بسیار مشکل بود. زیرا اگر چه نادیا درین وقت از باریکی‌های هنر رقص بالت آگاه بود اما ضرور بود تا بسیار کار نماید تا رول‌های جدید را به طور موفقانه آن انجام دهد.

بتاریخ ۶ نوامبر سال ۱۹۷۵ نادیا و گردیف هر دو منحیث قهرمان‌های رول عمده رادر بالت (ژیزل) در ستیز تیاتر بزرگ اجرا کردند و در همین روز عروسی خود را نیز جشن گرفتند.

در حال حاضر یکی از شخصیت‌های برجسته هنر رقص بالت ولادیمیر واسیلیف با این جوره ممتاز نمایشات خود را اجرا میکند. اول کار دسته جمعی اینها تحت عنوان (ایکان) اجرا

گردید که در آن گردیف رول انسانی را که میخواهد به اسمان پرواز نماید و پاولووه بعیث دوست صدیق او درین قسمت کار می‌کردند.

این نما یشر از طرف تماشاچیان به بسیار گرمی استقبال شد. درین اواخر این جوره ممتاز در چنین نمایشنامه‌های معروف مانند قهرمانان (قشنگ خوابیده)، (دون کیشوت)

(سپارتک) رول‌های مهم و ارزنده را و در ضمن به بسیار خوبی اجرا می‌کردند. نکته مهمی در

ضمن مخصوص که این جوره را از دیگران متفاوت میسازد اجرای رول‌ها به شکل عجیب و صداقت در کار آنها میباشد. در یکی از روزها از هنر پیشه عمده تیاتر بزرگ یوری گریگورو

ویچ پرسیدند که این جوره را با که مقایسه میکند؟ او جواب داد: (باهیچ و تکالیف بودا مانادیا

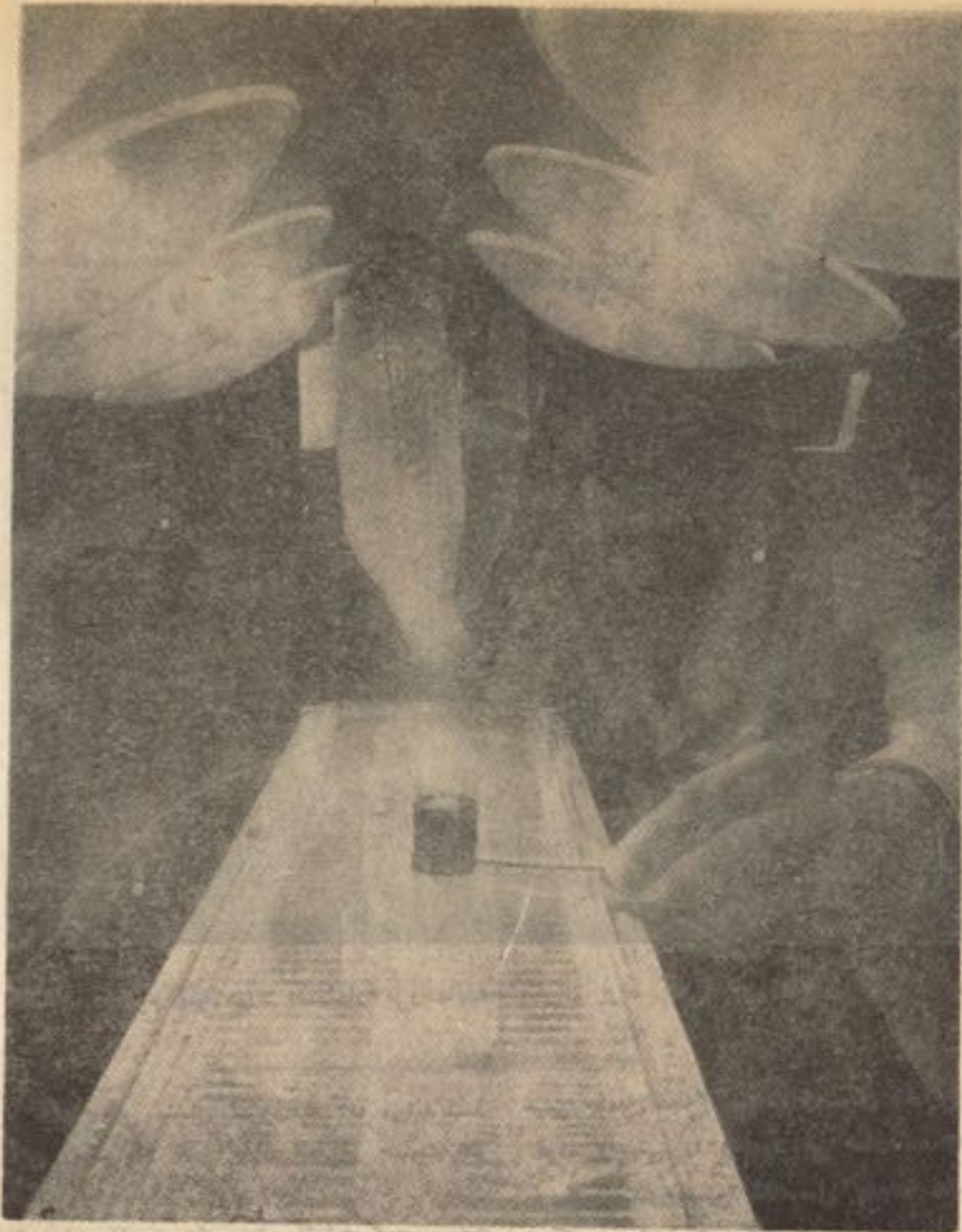
را می‌دانم که این جوره در قسمت هنر پیمووده فکر میشود بدون رنج و تکالیف بودا مانادیا پاولووه و گردیف این را بخوبی درک کرده‌اند که با شخصیت‌های برجسته هنر تیاتر بزرگ

رقابت آنها کار ساده نیست. درین ضمن متخصصین بر جسته هنر هوشدار میدهند که فقط تسخیر تماشاچیان توسط حرکات الاستیکی و سپورتی کفا یت نمیکند. چیزی که برای دختر

پانزده ساله، بالرین معروف عصر حاضر (عجیب) است مراحل سپری شده او در هنرش میباشد. این که تا کدام اندازه این جوره به حال فعلی خود باقی میمانند پراکتیک آینده نشان خواهد داد. زیرا قسمی که گفته شد پیشگویی

در قسمت هنر شکل اتفاقی و ناگهانی را دارا میباشد.

چگونه علاجات امراض را میتوان با مواد آرسنیک انجام داد



در سال ۱۹۱۵ زمانیکه پال ایرلیج دانشمند بزرگ و برجسته آلمان جایزه نوبل را صاحب گردید او به تحقیق راه درمان و نجات آدمیزاد را از مرض تباه کن سفلس کشف نموده بود او بصورت ساده و آسان توانست حق الامتیاز ادویه کشف شده هایدرو کلوریک دای اوکسی مینورسی فوینزول را بدست آورد. اما با وجود کشفیات بزرگش پال مواد را که به دسترس مطبوعات قرار داد خیلی ها ناچیز بود. مواد ی که دانشمند مذکور روی آن تجربه و تحقیق می نمود ۳۲ فیصد مواد آرسنیک (زهر حیوان کش) را که خیلی غایب حیات زنده جان ها مضر و کشنده است تشکیل میداد اما دانشمند دیگری که با او یکجا تجربه و تحقیق

می نمود از نتایج تحقیق و امتحانات خویش خیلی ها مخلوط و خورسند به نظر می رسید زیرا بعضی تزریق های مواد مذکور در بعضی حالات نتایج خوب داده بود که بالاخره توانستند تداوی موثری را برای امراض سفلس کشف نمایند در گذشته ها قبل از تداوی سفلس با مواد آرسنیک توسط فشار و عکس العمل سیما بصورت می گرفت که این عمل منجر به تخریب عده از ارگانیزم وجود و سلول ها میگردد.

مرض سفلس در ابتدای قرن ۱۶ از ایالات امریکایی توسط کشتی های اسپانوی به قاره اروپا وارد گردید که این مرض مانند کولرا

دانشمند کیمیا حین تحقیقات مواد کیمیایی در لابراتوار دیده میشود

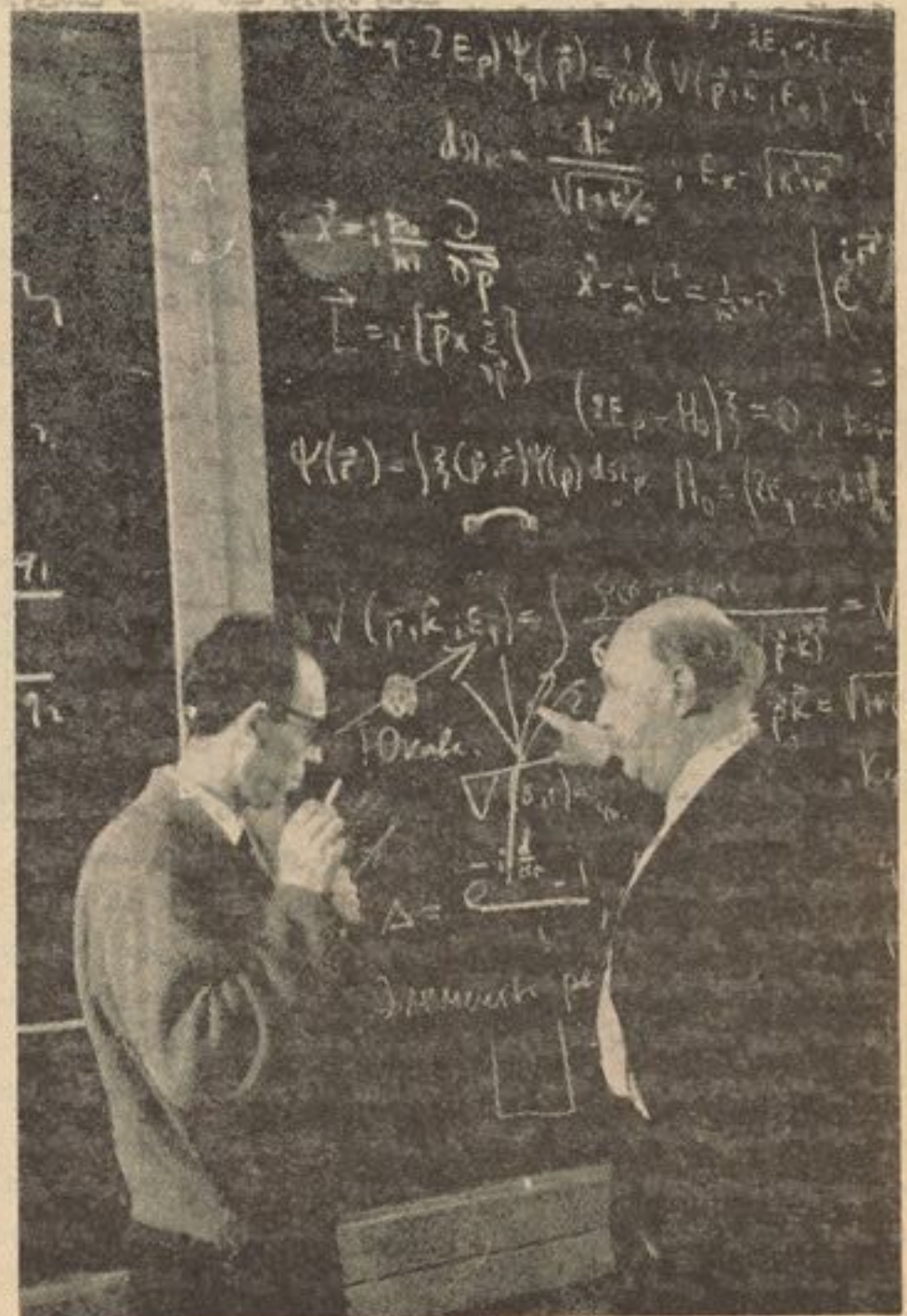
طاعون به زودی اثری از خود بجای می گذاشت اما وجود داشت. تعداد زیاد مردم مبتلا به آن پدروود حیات گنفتند این مرض بعد ها به اثر رشد و تکاملش ستون فقرات را نیز مورد حمله قرار میداد.

ممکن است علت مبتلا شدن به سفلس را اطبا و پزشکان متجرب در یافته بودند مگر نمیدانستند که چگونه میتوانند با این مرض خانمان سوز مجادله نمایند اما دانشمند پال ایرلیج به اثر زحمات و تلاش های پیگیرش توانست درین راه موفقیت نصیب گردیده و در مان موثر را برای مبارزه و مقابله با آن کشف نماید.

پال در سال ۱۸۵۴ در شهر سلیسیا چشم به دنیا کشود او بعد ازین که تحصیلات خود را به پایان رسانید در رشته طبابت قدم گذاشت او از همان زمان در نگهداری و یاکتی حجرات موفقیت بدست آورد این کار و موفقیت او باعث گردید که راه را برای رابرت کوخ دانشمند شپس دیگر در مورد کشف توپر کلوز هموار سازد. که بعد ها رابرت کوخ در موسسه تحقیقاتی و علمی برلین مصروف کشفیات و تحقیقات علمی گردید. پال ایرلیج با کمک ایمیل بهرینگه توانست تاثیرات ناگوار مرض دیفتری را ثبت و اندازه نماید که این مرض تباه کن باعث نابودی و قتل بسیار اطفال در سنین طفولیت میگردد. سیستمی را که پال برای اندازه



دانشمند جاپانی حین مطالعه دیده می شود ژوندون



دانشمندان در حال فورمول های مربوط در لابراتوار مناقشه مینمایند.

په پرمختیایی هیوادونو کی له قحطی سره مبارزه

سیاست همزیستی ..

باید بخاطر داشت که حتی در شرایط امروز، که با تناسب جدید نیرو های جهانی متصف است، سرمایه داری است که تهاجم، ملتانیزم و استثمار خلق های ممالک خود شان و کشورهای دیگر جهان کار برد جبرته تنها در داخل کشور مربوطه بلکه در سایر کشور ها خصوصیت ذاتی آنرا تشکیل میدهد، این حقیقت باید به آن علاوه گردد که عقده ها و امور مغلق نظامی، صنعتی کشورهای بزرگ سرمایه داری به عامل بزرگ اقتصادی، سیاسی تبدیل شده که عمل کرد حکومتها، پارلمان و احزاب بورژوازی همه را تحت تاثیر قرار میدهد. نیرو های ارتجاعی بسیار متعصب، منافع سیاسی خود را بالاتر از منافع ملی کشور های شان قرار داده، از جنگ سرد استفاده کرده بعضی از گروپ ها رادیکالمان های ممالک امپریالیستی زیر نفوذ و اثر خود قرار می دهند، احزاب راست افراطی که از دیر بنام احزاب محافظه کار یاد می شوند یا نیرو های ارتجاعی یکجا قدم برمی دارند، و از پشتیبانی نسبی و غیره آنها در ده های گارگری دست راستی بر خوددار می باشند عامل عمده دیگر ایدیولوژیک های بورژوازی اند که با تعصب بر ضد ایدیولوژی دورانساز طبقه کارگر دارند سد راه دینتات میگردند.

نیروی چپ افراطی عامل دیگری است که با ارتجاعی ترین نیروهای بین المللی همدست شده دینتات یعنی صلح و آرامش را مانع می گرداند و خود را با اصل ترین مدافعین جنگ همتا می سازند.

یکی از راه هاییکه محافل مرجع جهان می خواهند دینتات را رد نمایند این است که آنرا مانند «جاده یکطرفه» جلوه داد، میگویند که تنها کشورهای سوسیالیستی و مملکت های جهان سوم از آن بهره مند میگردند ...

باید نظر داشت این عوامل ودلائل چه میتوان در این مورد گفت؟ آیاتمام کشورهای از خورد تا بزرگ، کشورهای سوسیالیستی و امپریالیستی به صلح علاقه مند نیستند، پس حصول صلح تنها از طریق دینتات می تواند انجام پذیرد وبصراحت می توان گفت که همزیستی مساومت آمیز و دینتات بر ای امنیت جهانی اهمیت حیاتی دارد وهمه کشورهای هاز خورد تا بزرگ - صرف نظر از نظام سیاسی شان باید به آن علاقه مند بوده و در تعیل وتطبیق آن بکوشند ..

روابط با کشورهای بزرگ سرمایه داری جهان سوسیالیستی علاقه مند بهتر ما خشن روابط با کشورهای کوچک سرمایه داری نیز می باشد.

اروپا از نظر سیاسی واقتصادی و ساحات دیگر در میان ممالک گیتی بصورت کل نقش مهم وفعالی دارد اما خود کشورهای قاره اروپا بین خود پرابلم های بزرگی دارند که تنها از طریق داشتن تماس وروابط حسنه با کشورهای قاره دیگر می تواند حل شود. این حقیقت مسلم است که امنیت بین المللی یکی از مسائل حاد اروپا می باشد و به یک ارزیابی چند جانبه نیاز دارد، این مسئله بیچونکه مسئله تازه، لااقل در یک نیم قرن گذشته بوده و به شکلی از اشکال در اوقات مختلف بیان آمده، دو جنگ جهانی که در این قاره بوقوع پیوست تلاش قبلی را در این مورد بر سر جلوه داده یکی از درس های گذشته می آموزاند که مسئله امنیت اروپا تنها می تواند با جد وجهد مشترک، داوطلبانه، برافراشه وهمه جانبه حل گردد که تمام ممالک را از خورد تا بزرگ دربرخواهد گرفت.

کشور های جهان صلح با، عقیده اند که دو نوع صلح درعالم وجود داشته می تواند، یکی صلح یعنی وقفه موقتی بین دو جنگ، که در این وقت هیچ دولت، نامزد جنگ نمی باشد اما هر یک فعالانه برای جنگ و یکبار آمادگی می گیرند، همین نوع صلح بود که در تاریخ گذشته بشریت بیشتر عمومیت داشت مخصوصا در مرحله سرمایه داری چنانچه دو جنگ جهانی شاهد این ادعاست و هر یک به حیات میلیون ها انسان خاتمه داد.

شکل دیگر صلح عبارت از وجود روابط حسنه است بین دولت های دارای سیستم های مختلف اقتصادی واجتماعی که جنگ را بکلی رد نموده وهمکاری همه جانبه را توسعه می بخشند. منظور از «امنیت» و «امنیت اروپا» موجودیت همین نوع روابط است بین دولت های دارای نظام های مختلف اقتصادی واجتماعی ... اما حقایق نشان میدهد که دینتات بین المللی چیزی نیست که یکبار و برای همیشه خود بخود بدست آید. هر قدر هم دینتات ریشه های عمیق داشته باشد بازهم موضوع مبارزه حاد در عرصه بین المللی است. نخست از همه موضوع مبارزه بین نیرو های صلح وامپریالیزم ودر داخل کشورهای سرمایه داری بین محافل حاکم و توده های وسیع دوام دارد.

دلایل آن قرار ذیل اند: نخست از همه

په دی وروستیو وختونو کی دیو کوسلاو یا دزاکریپ په ارغونی بناړکی دنړی د (۵۹) هیوادو دشپرزوه پنځه سوه موسسو اوساژمانونو په گډون داستهلاکی مالونو نړیوال نندارتون پای ته ورسید.

سرکال ددغه نندارتون دگډون کوونکو هیوادو په ویاړ د لومړی ځل دپاره د پرمختیایی هیوادونو یومدور میز جوړشو. په دغه میز کې د پرمختیایی هیوادونو څخه یوزیات شمیر استازونه دگډون کولو چانس پیدا شو. د پرمختیایی هیوادونو مدور میز په څېروکی اصلی موضوع په دغه هیوادونو کی د کرنی دستکوردوی او پراختیا مسله وه. ددغه اصل له مخی په مدور میزکی د برخی اخستونکو هیوادونو استازو د کرنی په برخه کی ددغو هیوادونو ترمنځ د زیاتو همکاريو د تشویق اوراجلبولو دپاره مهمی پریکړی وکړی څرنگه چی ددغه مدور میز اجندا ماهیت او کیفیت له نظره دنورو براعظمو نو په نسبت اسیایسی افریقایسی او دغه راز د لاتین امریکی هیوادونو ته متوجه وه نو ځکه د پرمختیایی هیوادو په مدور میز کی د آسیا، افریقا او لاتین امریکی څخه د برشو نمایندگانو ته بلنه ورکړی شوه چی دنورو نړیوالو ارگانونو تر څنگ د کرنی اومالداری په سکتورونو کی پخپلو مربوطو هیوادونو کی د زیاتو مرستو او خوواړخیزو همکاریو له پاره شرایط او په زړه پوری امکانات ولټوی.

په زاگریپ کسی پرمختیایی هیوادو داستازو په وروستی مدور میزکی په دی څېره بانندی زاته رنا واچوله شوه چی په ځان بانندی دمتکی کیدلو اصل په پرمختیایی هیوادونو کی د لوری اوقحطی سره د بریالی مبارزی کولو یوازی لاره ده.

پرمختیایی هیوادونه په ځانگړی ډول مکلفیت لری چی د ځان دپاره دغذایی موادو یوه ستراتیژی وضع کړی او په خپلو مربوطو سیمو کی د لوری قحطی او دغذایی موادو د لټوالی داوستی بحران دله منځه وړلو دپاره یونوی فارمول طرح اوتسر تطبیق لاندی بی ونیسی.

دمدور میز په څېروکی برخی اخستونکو استازو پریکړه وکړه چی دغذایی موادو دیوی ستراتیژی د طرح کولو دپاره باید ټول پرمختیایی هیوادونه سره یو لاس او یو موټی شی او دیوه نوی نړیوال اقتصادی نظم فارمول ته عملی پته ورکړی. دغه راز دا هم ددغو هیوادونو ستره ونه نده اوو ټیټه ده چی دملگرو ملتو د مسو سسی دکر نی او خو را کی مواد و د سازمان په همکاري دغذایی مواد و

دبحران دمخنیوی له پاره دیوه نړیوال کنفرانس دجوړیدوله پاره زمینه برابره کړی.

لکه چی وروستیو راپور ونو اوستراتیژیکی تحولاتو څرگنده کړیده تر اوسه پوری نړیواله ټولنه (دلویدیځی نسبی سیاسی تشویق د نشتوالی او ناوړو سیاسی روشونو او پالیسوپا) په دی نه ده بریالی شوی چی دغذایی مواد و دکمبود دستو نزو دحل دپاره اقدام وکړی. همدارنگه نړیواله ټولنه په دی هم نه ده بریالی شوی چی دنړی دغذایی چارو د غوره انسجام دپاره «امنیت سیستم» جوړاوپه کاري واچوی.

دنړی د کرنی او خوړاکی موادو د سازمان دیوه وروستی راپور له مخی دروانی پیری په پیل کی ددغو کسانو شمیر چی دلوری، فقر او غذایی مواد و دکمبود له ستونزو سره مخامخ دی (۳۶۰) میلیون ترتره رسیده حال داچی اوس اوس شمیری څه دپاسه نیم بیلون تنوته رسیدی.

له بلی خوا په اقتصادی لحاظ دنړی په وروسته پاتی هیوادونو کی دغذایی موادو د تولید اتو او حاصلاتو اندازه هم په تدریجی توگه مخ په کمیدوده نوځکه په دغو هیوادونو کی دوارداتی حیواناتو نرخونه مخ په لوړیدودی. لکه چی څرگند. سویده یوازی په (۱۹۷۹) کال کی به ددغو هیوادو په تجارتی بازارونو کی دوارداتی حیواناتو اندازه څه دپاسه (۸۰) میلیون ټنو ته ورسیدی. دغه کار داسی معنی ورکوی چی ددغو هیوادو او سینونکی مجبور پری چی خپل ضرورت وړ حیوانات په لوړو نرخونو کی بانندی تر لاسه کړی اوددغه کار په نتیجه کی دانفلاسیون سره مخا مخ گیری.

په اوسنیو وختونو کی یوزیات ار قام او احصاییوی راپور ونه موجوددی چی ښیسی په پرمختیایی هیوادونو کی دغذایی مواد و دکمبود دله منځه وړلو دپاره زیات پروگرامو نه طرح اوتر اجرا لاندی نیول شویدی خو بیاهم دغه اندازه غذایی تولیدات په نوموړو سیموکی دلوری اوغذایی موادو دبحران ته خو اب وویلاشی.

لکه چی د پرمختیایی هیوادونو داستازو دمدر میز وروستیو پراوونو کی ویل شویدی په وروسته پاتی او پرمختیایی هیوادونوکی یوازی دغذایی موادو زیاتوالی په نوه وروسیموکی دلوری بحران نشی له منځه ولاړی بلکه دغه کار سره جوخت داهم ضروری ده چی دکلیو دپراختیا او دځمکو ددموکراتیکو اصلاحاتو دوروستی کنفرانس داعلامی له اهدافو سره سم پاتی په ۵۴ مخ کی

معموی پی ژوندی دی

ژان کافایت

د مثال په توګه کله چې دیوی ورځی ذکر- او نه ډک کار څخه وروسته دمه کولو وخت او دډوډی خوړلو وخت رارسیدلې دغه وچ فرمان موندل ټول لږ زولې :

(اوزوهر) . یعنی باید سره بیل شو- سپیری ولټوو میاشی وشړو دیتوا وږو دوش ونیسو وتلل شوادد اسی نور کارونه . پرعینی حال

کې باید خپلی خولی بطلون کمیس نیکرکاشوغه اولوبسی هم وساتو په تیره بیانه ښایی چې دډوډی کولون یوه شیبه له ځانه لری کړو

یوه ګری په یخه هوا کې لوخ لیردریزو او انتظار باسو او یاداجې په منډه ساړاناستی نه خواو یایو یو دبلوک درنيس په وړاندی تیریرو،

ددغو ټولو کارو نو په ترڅ کې نه ښایی چې دکالیو اوډوډی غوټه له ځانه لری کړو . په اولی کې دوه ځلی او ځنی وختونه دری ځلی سپیری لټوو . دیوکټ پر سر لوخ دریزو او

سلمانی راځی یولاسی څراغ سره زموږ تخرک او د پښو منځ په ډیر څیر سره ګوری

پدی ترڅ کې زموږ کمسیونه او نیکرونه ددښتوبد په ناست له خوا معاینه کیږی بدمرغه به هغه څوک وی چې یوه سپیره

په کالو کې ولیدل شې هرکله چې کومه سپیره پیدا کړو باید هغه ووژ نو او ښه نښانه یی هم له مینځه یوسو . ددی کار لپاره ډیری دری چاری شته چې دلته د مثال په توګه به یی یوه نمونه تاسی ته ووايم .

سپیره په یوه معینه درجه تود وځی کسی له مینځه ځی له همدی امله نازیان سپری د سفر لاندی یخنی کې لوخ لیردوی وروسته له څو شیبو څخه سپری ډاډه کیږی چې نورد

سپین وژدی هم له مینځه تللی دی اوسپری خپله هم که مقاومت ولری ژوند پاتی کیږی

کله چې تفتیش پای ته ورسید ښایی کالی بیرته و او غو ستل شسی او خپل پرستن

په اوږد وواچوی او دخوب دکای دټولو لپاره بیره وکړی او د بریالیتوب په صورت کې

ددنه ځای دخوندی ساتلو لپاره هڅه وکړی چې ددغه کار په ترڅ کې اڅ اوډب هم واقع کیږی . اوس له دغو کارونو څخه کله چې

سپری خپله وچه ډوډی په لاس کې نیسی نور پخوانی اشتها له مینځه تللی وی . زموږ غلیمان ددغه فن متخصصین دی . نوی کولی شې چه ډیر ساده او عادی کارونه په مشکل کارولو بدل کړی .

دشقاوت واقعیت پدی کې نده چې یو واحد درد پرسپری باندی دتل دپاره تحمیل کړی . سپری ورو ورو ددغه درد په زغملوعادت کوی که

دهغه ټپ سر چې لږ ښه شوی وی . بیرته خلاصی کړو درد او کړاوی لا ډیریزی دادی دنازیانو رمز او فن دانسانی حساسو رشتودله

مینځه وپلو په لاره کې . ددغه فن په نتیجه کې او پدی توګه یوه بل پس له مینځه ځی . کله چې دلته راغلو موږ ته یی ویلی :

(تاسی به هیڅکله څه شې ونه لیکی) . خوموږته دغه فرمان حیرانوونکی نه وځکه چې پوهیدو

دغه ډول غلیمانو سره مخامخ یوڅویوه ورځ یی دبند یانو ترمنځ کار تونه وویشل چې څه

پکی ولیکی . موږ ویلی چې پدغه موضوع کې به کومه اشتباه پېښه شوی وی . خودوی زموږ په خواب کې وویل :

- لکه دنوروغوندی تاسی هم حق لری چې پنځه ویشت کلمی ولیکی .

او موږ هم ولیکل ، له بساری شور او زوږ سره چې د لیکلو لپاره ښی کلمی موندل کړو .

یواځی موږ ، هوکی دغه ګران موجود کولای موږه کارتونوکی ولیکل . خو بیره زیار موایسته

شواي چې زموږ دلیکو نو په معنی پوه شې . (شریب) کار تونه ټول کړل . موږ موچ کاوه چې :

کار تونه بی یی لیرلی وی . باید لیرلی وی .

اوس به هرو مرو رسیدلی وی ، داداسی کار تونه ووچې کولای شوای چې فرانسوی کور- نیوکی حتی دیوی ورځی لپاره عشق او خوبنی ژوندی کړی .

ن سبا به خوابونه را ورسپری . اوس پوره دوی میاشتی کیږی چې کار تونه مولیرلی دی .

یوه شپه کله چې دنورو ورځو څخه زیات ستړی وواو باران هم اوریدلی دی (شریب) دحاضری په وخت کې موږ ته زیری راکوی چې دلیکونو خوابونه مور رسیدلی دی . دغه څیر زموږ لپاره بی ساری او خوشحالونکی دی داځکه چې بالاخره موږ ته هم دخپلو غریزانو څیر راو رسید .

زوره یی بډوډی خون پزی هماغه کار تونه چې موښپراونی مخکی لیکلی وو بیرته راکوی دوی اصلا دغه کار تونه ندی لیرلی او یواځی غوښتی

وچې پر موږ باندی ملنوی ووهی . د (موشو) کارگر (لوی بزرګه) پر هغی

تلنکه باندی چې زما تر څنګ اواره ده ناست دی اوهغه کارت چې په هغه کې یی خپل ټولی

هیلی او عشقونه لیکلی وو دخپلو ډنګرو گوټو په منځ کې تاوه وی . زه پوهیږم چې دوه

پنځه اووه کلن ماشومان لری . پر ډنګر هغ باندی یی یوه قطره اوبنکه

لویری . دغه سپری چې له کوم شکایت څخه پرته یی دبند یخانی ټول رنځونه اوکړ اوونه

زغملی و ددغه روحی صدمی څخه به له پښتونه ولویری .

او ، بشرفی نازیانو! سره له دی داسی وخت به راوسی چې تاسو به ونشی کړای چې موږ

رشدند کړی . یعنی هغه شیبی چې تاسی خپله پخپله ورځپانو اووینا وکی اقرار کوی چې ماتی

موکړی ده دغه شیبی چې دتاسی دپوره ماتی ښی نښانی دی زموږ ژوند ډیری ښی شیبی دی

دډاډ اوږه ورتیا شیبی دی . (داستراحت کړی) - بیا هم یوبل بریالیتوب .

دکاراونی پای ته رسیدلی ده کار دشنبی ورځی په مازدیګر پای ته رسپری او بیاد

دوشنبی په سهار پیل کیږی . ښایی پوښتنه وشي چې دکانو کارگرانو ته ولی دومره اوږده

رخستی ورکوی . دلیل یی ساده ده . پداسی شرایطو کې چې موږ کار کوو که همدغه استراحت نهوی یو معمولی سپری نشی کولی

یې بزی سلمانی موږ هر یوه ته یوه ټوټه ساړون راکوی . سره له دی چې لمر شته خوساړه

ډیر سخت دی او موږ ددی لپاره چې خانونه گرم کړو ټوپ ووهو . هغه دروازه چې موږ په

اغزی لرونکی مزی سره داردوگاه دنورو برخو څخه بیلوی خلاصیږی او قیدیان په خفاسته

دحمام خواته درومی . غښتلی کسان کوم چې دنورونه پوښی خانونه حمام ته رسوی نیکمرغه

دی ځکه چې خپل خانوته دټولو نه مخکی له یخنی څخه زغوری . فرانسویان طبیعتا وروستی

کسان دی . موږ په آزاد ه هوا کې دهغه سمتی اهررو په سپوری کې چې داردوگاه او دکالی

مینځلو دخونی ترمنځ واقع شوی دی دخپل نوبت . په انظار ولاړ یوه لیکه مرغه ټولر-

زیر واوکه نه ډیره دخنداوې صحنه وه . په پراستی لاسونه اووازو پښودنه پښدی

له هغی چې زموږ دضد عفونی کولو مسوول دی ، تیریرو . دضد عفونی کولو دستگاره یوه

اوږد ده لوله ده چې دیوی ډبلی سره تړل شوی ده او په ډبلی کې (سولفاتی) مواد اچول شوی

دی . دضد عفونی کولو مسوول سپری زموږ په نس او تخرک باندی مواد شیندی داسی ښکاری

چې دډیر سوږ شاور لاندی ولاړ یو، ساړه موکیږی . څولتر اوسه پوری کار پای ته ندی

رسیدلی کله چې دبند دمخکی برخی ضد عفونی کول پای ته رسپری یوبل زندانی یو لوی

برس د ضد عفونی کولو مواد په ډبلی کې ننه باسی او زموږ په کسو تاتی کسی موښی

دالومیری ځل ندی چې دغه شان ته ازموینی پر موږ عملی کیږی خو ددغو عملیاتو

بدلیل وجریان دتنوع سبب کیږی پدغه هکله دبلوک قیدیان یوه نه هیریدو لکی

خاطره لری . هغه داچې دیوی اولی په اوږدو کې هره شپه یی په یو خاص شکل سره یی موږ آزاد

ولو . ددغه ازار وروستی پراوداو چې پوره پنځه دقیقتی دخوابو تر شاور لاندی ودریږو

واو وروسته بیاد معتد کواو پوپه یو ه حوص کی داسی کښینو چې اوبه موږ سر واوړی

دبلوک رئیس موږ باندی اوبه اچوی . موږ دغه ورځد (حوص دورځی) په نامه یادوله نوځکه

دابه ډیره عادی خبره وی چې موږ دداسی پېښو څخه حیران نه شو .

دضد عفونی کولو نه وروسته ښایی چسی دحمام کولو لپاره زیر زمینی ته ننوځو . دغه

دگرمواو یوحمام موږ ته خورا خوند راکوی دخپل ځان دو چولو لپاره هېڅ شی لرو لنده

خښته دزیر زمینی نه بیرته پورته کیږو زما څوان دوست (تولی) دکالی پری مینځلو

کولی ذکر کې له لاری یوه قدینه در کوی زه وروسته له دی چې خپل ځان وچوم قدینه تورو

ملګرو ته ورکوم . تولی یو ډیر نجیب ځوان دی عمر یی دښار لوډ عمر په اندازه دی . دی

دوه کاله مخکی دکمونیسټ ځوانانو د یسوه سازمان دچوو ولو په تور نیول شوی دی .

دی دفرانسویانو دلومړی کاروان مسره اردوگاه ته راغلی دی اوددی لپاره چې په پری

زو پوهیږی کولای شوچې په یوه ښه کومانډو- کی ځانته مناسب ځای ومومی .

زه په اردوگاه کی دنه ملگرو سره دده په وسیله اړیکې ټینګوم . روبرت له یوکاروان سره داروگاه څخه تللی او هیڅ احوال یې نشته . . . (تونی) دهغو کسانو څخه دی چې (تاناو) په گډون داروگاه دپټ سازمان لارښوونه په لاس کی لری .

هغه په ډیر شور او زوږ سره چې دهغه د مهربان طبیعت زپږ نده دی کارکوی . هغه کله چې قدیغه ماته را کول په غوږکی یې رانه ورو وویل : «کیف» خپلواک شوی خوالمانیانو دغه موضوع رسماً ناپید کسړی نده دغه خبر د اورد چا و نیی په خیر دفرانسویانو ترمنځ خپریری داسی ښکاری چې وژدونه مو خلاصی شوی وی .

کله چې دشبې ډوډی خوړل پای ته ورسید ، دغولی په یوه څنډه کی سره تولیرو . اندره زما څخه پوښتنه کوی : سوگوره چې درواغ ونه وایی ، بابا؟

ته پوهیری چې زه هیڅ وخت درواغ نه وایم .

نوهر کله چې المانیانو څخه دی ویلی ، ناسی له کومه ځایه خبریاستی .

سدادراز ساتلو اصل دی . خبره دلته ده چې دغه موضوع حقیقت لری . نه بنیایی چې آن ډیر و نږدی دوستانوته ووايو چې په اردوگاه کی دمخبرې یوه پټه دستگه شته چې په هغی باندی یواځی څو تنه خبردی اوبس اوکه زه دغه راز ونشم ساتلی څنگه کولای شم ډاډه وواسم چې هغوی زما دغه خبره نورو ته نه وایی .

مورس پوښتنه کوی : نو پدی اساس دوستان پولی نه نږدی کیری اودی خواته راځی ؟

سمیون ځواب ورکوی : (دکی لیف) خپلواکی هغوی دپولند دپولی دوه سوه کیلو متری ته رسوی . اوس ښایی چې د (ژیتومیر) خواته پرمختگو کړی .

اندره په خوشحالی سره وایی : نو داسی ښکاری چې کار پای ته رسیدلی دی ؟

(سربر) ځواب ورکوی : (نه بابا) لاتر اوسه پوری پای ته نه دی رسیدلی . زه نه پوهیرم چې ته دیوسترسیس څخه دیو ستر پوځ دتیرولو په ستونزو باندی پوهیری که نه ؟ پداسی حال کی چې دغه سین (دنی پو) یو کیلو متر پلن والی لری . برسیره پردی ښایی یوه شی چې روسان دخرابواوو- بچاپ وسمو څخه تیریږی . بایدیدغو سیموکی چې داړیکې ټینګولو وسیلی له مینځه تللی دی دپوځ دخوراک موضوع اودجیبی دشاسره اړیکې ټینګی وساتی .

ددوهی جیبی څخه هم خبر نشته ؟

ژوریاڅند به دغه جیبه هم پرانستله شی .

خو ظاهر ا تراوسه پوری لاروسان ډیر وژل شوی نه دی ؟

نو موږ به (نول) اختر همدلته تیر کړو ؟

ډیر امکان لری .

(سربر) بی له دی چی وځاندی پوښتنه کوی : څه فرق کوی؟ دادی نه خوښیری؟

کوی : -یعنی مطلب می دانه چی دنوی کال اختر په بل ځای کی را باندی ښه تیریږی .

(سربر) اعتراف کوی : اوکه ددغه ځای نه زه وژغورل شم پس راتلونکی وخت کی به دازما وپاوی چی دلته می دغه شان ورځی تیری کړی دی .

اندره وایی : زه بر عکس . که موږ ددغه جېنم نه ژوندی ووځو هیڅوک به زموږ په خبرو باورونکې دمثال په توگه موږ ته دلته (مجرمین) وایی زموږ لقب مجرم دی . او موږ ته په همدی نوم ځن کوی ، ته خپله سوچ وکړه کله چی زه وغواړم خپلوملگرو ته دخپل (مجرمیت) ژوند تعریف خپلوملگرو ته دخپل (مجرمیت) ژوند تعریف کړم چی څرنگه مجرم شوم او جرم می څنگه زده کړه زما خبری به ومنی ؟ اوبرسیره پردی دغه ژوند هیڅ تعریف هم نلری .

کله چی دخوب نه باخیری باید ډیر زر خپل سامان په لاس کی واخلي دمتروکو له گدارونو نه تیر شی او خپل ځان په یوکار باندی (هر څه چی وی) بوخت وښیږی تر څو چی له وهلو او ټکولونه خلاص شی . آن مستراح ته (دسارناستی ځای) هم باید خپل سامان او لوبښی له ځانه سره یوسی که نه در څخه غلاکیری .

ددی لپاره چی دحاضری په وخت کی دلغتنو او خپیر و څخه ځان وژغوری ښایی چی دټولو څخه مخکی هلته (دحاضری ځای کی) حاضر شی او هلته هم باید گوشش وکړی چی دپلوك درنيس څخه لیری ځای پیدا کړی که نه شیبه دهغه خیره ددسیری یعنی هر وقت دلک دسر او آخر څخه ځان لیسری وساتی کله چی کارته ځی نه ښایی چی داس ساسد اژادو څنگ کی لاږ شی .

لاسونه ونه ښوړوی . مخصوصا باید خولی وباسی . دژینو څخه دښکته کیدلو په وخت کی باید دلک منځنی برخی کی ځای ونیسی . دحاضری په وخت کی باید خود نمایی ونکړی گومانوکی تر ټولونه مخکی حاضر شی ، دکار دپیل په وخت کی هیڅکله دژبیل ډولسو داوطلب نشی ، په تیره بیا زیار وباسی چی خارجیانو (بهرنیو) سره یواځی پاتی نشی ، دکار په وخت کښی ښکته پورته ښی او کښ ته ځیرو اوسی ، خپل قدمونه او حرکتونه باید ښه وسنجوی تر څو چی قوت دی بیغایه څرخ نشی . پرته له ډیر ضروری وختونو نه خپل انرژي مصرف نکړی ، هیڅکله خپل ځانونه ښیږی اوتل باید زیار وباسی چی گمنام او پټ پاتی شی . داش دوپشلو په وخت کی باید پداسی نوبت کی ودریږی چی ددیگی لاندنی او وروستی برخه دی په نصیب شی . دډوډی خوړل لونه وروسته (دکاپو) دټلو څخه ځان لری وساتی او یواځی

خان هغه وخت ونیسی چه کارونه او مسو- لیتونه ویشل سوی وی خان داسی عیار کړی چی په آفتابی ورځوکی په سیوری او په سپوږځوکی په لمرکی کارو کړی . دا باید زده کړی چی په ژبیل کی دتیرو ټیرو دځای کولو په وخت کی دی لاسونه او گونی ټیږی نشی ډیر نوجبی له مخی دکار په وخت کی دی باید ځان خون نشی . تل باید داس ساس په خت کی ځای ولری او هیڅکله تش لاسونه او بیکاره دهغه په وړاندی ونه دریږی . دکار دپای ته رسید لونه وروسته دسل کسیر وډلو په لمری لری کی ځان نه ځای ونیسی تر څو چی په اسانی سره له زینو څخه پورته شی . دهغولیکونو څخه چی دټیپانو ډوللو لپاره دی لکه طاعون غوندی وتښتی . ددی لپاره چی دمازدریسگر حاضر کی نه وروسته ډوډی درته لږ ونه رسیږی باید دخپل نوبت خیال وساتی .

اویاد خوب په وخت کی باید داسی یوه تلنکه لاس ته راوړی چی نه لندوی نه نازکوی اونه نری ، او هغه وکړی چی ددوو فرانسویانو منځ کی ځمکی اودخپل ځان لپاره ارت ځسای مینده کړی اوداسی هڅوکی چی زر ویده شی .

دادی په پورتنی تعریف سره گوډی چی زموږ دغه (جریمه یی) یعنی دمجرمیت ؟ اژوند چندانی خوند نلری .

شار لووایی : اوکه دغو ټولو کارونو دسرتو رسولوسره بیاهم دخوب په وخت کی دچوراږو نو دنه ایستلو له امله یوه درونده خپیره خوری .

چورت دی مه خرابوه (دده) جانه روسانو ځانونه (کی یف) ته رسولی دی .

هوکی ، دامو نیکمرغی ده .

عمداسی چی غزیدو ، وخت ډیر تیر شوی او دمازدریگر دحاضری وخت را رسیدلی دی . یونیم ساعت په لیک کی او یوساعت دډوډی لپاره دریدل . نن یوه قاشوغه مریا اویوه ټوټه سپین پنیر هم په پروگرام کی شته . موږ خپل وچه ډوډی ښه خیره او خپل پنیر او مریا پر هغه باندی موښو ، چی پدی توگه ښکلی رنگ غوره کوی .

اوشزپین ! آلمانی کلمی یعنی دکوټی په لور ! ...

څه پیښه ده چه ؟ طبی کتنه؟ نه هیڅ یویی هم نشته . دسیر و دتلولو لپاره راغلی دی . او موږ پدی توگه دخپل هیلمستیانه دخوند اخستلو وخت له لاسه ورکړ . په هره توگه چی وو خپلی دډوډی ټوټی موپه بیسره سره له ستونی نه تیری کړی یوځل بیاموگالی وایستلی او لوڅ لیرودریدو . دغه پلټنه هم یوساعت اوږد شو . پس له هغه نه دکوټی مسوولین څو ټوټی کاغذ دتلنکو پرځای پرمخکه باندی غوډوی . دادری میاشتی کیری چی دسیر و دډیر والی له کبله په تلنکو باندی نه ځمکو . یواځی آلمانیان او څوگسه خواص دغه امتیاز لری او هغوی له دی امله دکوټی نیمایی برخه

نیسی اودسلو کسوتند یانو څخه اتیا کسه دکوټی په منځنی برخه کی ځمکی زه لکه نورو نیسو غوندی د(سربر) او (شارلو) به منځ کی یم . سره ځن یږ و . پروډاکتور دستر انقلاب دکالیزی جشن و . تصمیم نیسو ددی ورځی په ویار چی د(کی یف) دخپلواکه کیدلوسره یوسمون خوړلی ده دخبر و اترو یو مجلس جوړ کړو .

شارلو دلوری له زوره خپل نس په سوکوهی او وایی : ډیره عجیبه ده ، کله چی سری وډی وی ، صحیح سوچ هم نشی کولی .

(سربر) ځواب ورکوی : عمداسی ده ، دعادی احتیاج په وړاندی هرکار او هر سوچ له مینځه ځی . یوه هسپانوی ماته ویل چی دخپل دیند په لمری کال کسې دخارویو په خیر یواځی پدی سوچ کی وم چی څرنگه کولی شم دخپل ډوډی ورځنی جیرمزیا ته کړم . اوس اوس هغه دکوټی مسوول دی او کولی شی هرڅومره یی چی زده غواړی آسوخوری اوس نور دپروسپرن فکری په سرکسی نشته .

خولا ه بدمرغه شوی دی ځکه چی تل خپله ښځه اودری کوچنیان چی اوه کاله کیری هغوی یی نه دی لیدلی ، یادوی .

شارلو ځواب ورکوی : دښتیاده ، زه تاسوته اعتراف کوم چی پدغه شیبه کی دهیل مور اوخور په هکله جرت نهوم . دلته انسان دخاروی ښه غوره کوی .

باید ویده شو شارلو! اوداددلوری په هکله هم سوچ ونکړو .

پدی ترڅ کی (پتی لویی) دسارا ناستی څخه بیرته راستنیری اوغواړی چی بخپل ځسای کی دفرانسویانو په منځ کی ځمکی خوله بده مرغه یو او کرایینی دهغه ځای نیولی دی او هیڅ خبره نه اوری ، هر دلیل چی ورته وایی نه یی منی . (پتی لویی) چی ددغی وضعی زغم نشی کولی خپل ځان په یواځی اچوی او کرایینی هغه بیرته دفرانسو یانو خواته ټیل وهی او فرانسویانو هم زور وهی چی مبادا ځایونه یی تنک شی . په آخر کی پتی لویی ځان ځایوی اونور بند یان غور یری .

روغه فرانسو زن (آلمانی کلمی یعنی فرانسو- یانو چپ شی) .

پتی لویی ورو وایی : هر څوک چی ماته لاس نږدی کړی خوله به یی ماته کړم .

(نوریا)

در نمایش های که انجام شده زنان به خوبی نشان دادند که چگونه بصورت خوب میتوانند هنر رقص و ورزش را با هم یکجا بسازند.

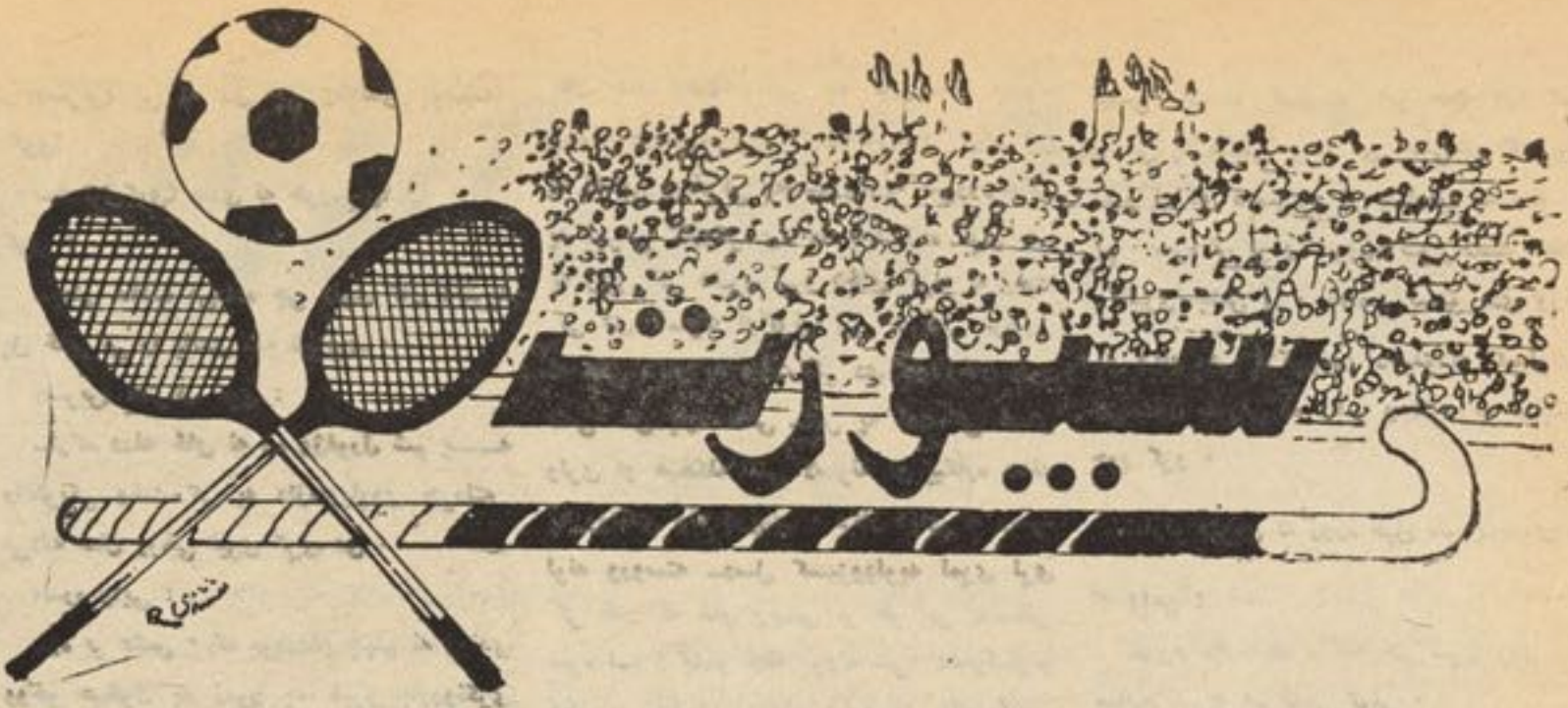
نمایشچیان نشان دهند . بعد ها بعضی از عناصر رقص اکروباتیک جز این ورزش گردید بنابراین گفته میشود که رقص های اکروباتیک نمیتواند باجمناسیتیک و اساسات جمناسیتیک مدرن امروزی در تضاد واقع گردد .

متخصصین این فن عقیده دارند که بازی کتان جمناسیتیک مدرن که به تدریج از رقص فاصله می گیرند این امر باعث میگردد که به تدریج با گذشت زمان جنبه های احساساتی و عشقی خود را از دست بدهند . در عوض مهارت و ظرافت دختران تنها در قسمت تمرینات فزیک تکامل خواهد نمود .

هر قدر ورزشکاران این جمناسیتیک را که دختران تشکیل میدهند در تمرین این ورزش دقت به خرج دهند بصورت خوبی می توانند هنر و ورزش شانرا بهبود و تکامل بخشند چنانچه گالیما یک ورزشکار و زریده این جمناسیتیک است .

او یک ریسمان تازی را با مهارت خاص به پیش انداخته خودش به تعقیب آن حرکت میکند دفعا خیز زده با پا آفرامیزد این عمل او سبب میگردد که ریسمان مذکور شکل بیضوی و حلقه را بخود اختیار نماید با تشکیل این کار او چند این تمرین رقص اکروباتیک را اجرا می نماید .

بازی کنندگان این هنر جمناسیتیک عبارتند از دروکیستار اتحاد شوروی گی گرووا در بلغاریه ریسچر در جمهوری فدرالی آلمانستندو در جاپان که با مهارت توانسته اند با انجام این ورزش شهرت بسزایی در جهان کسب نمایند .



مترجم : ح عمادی

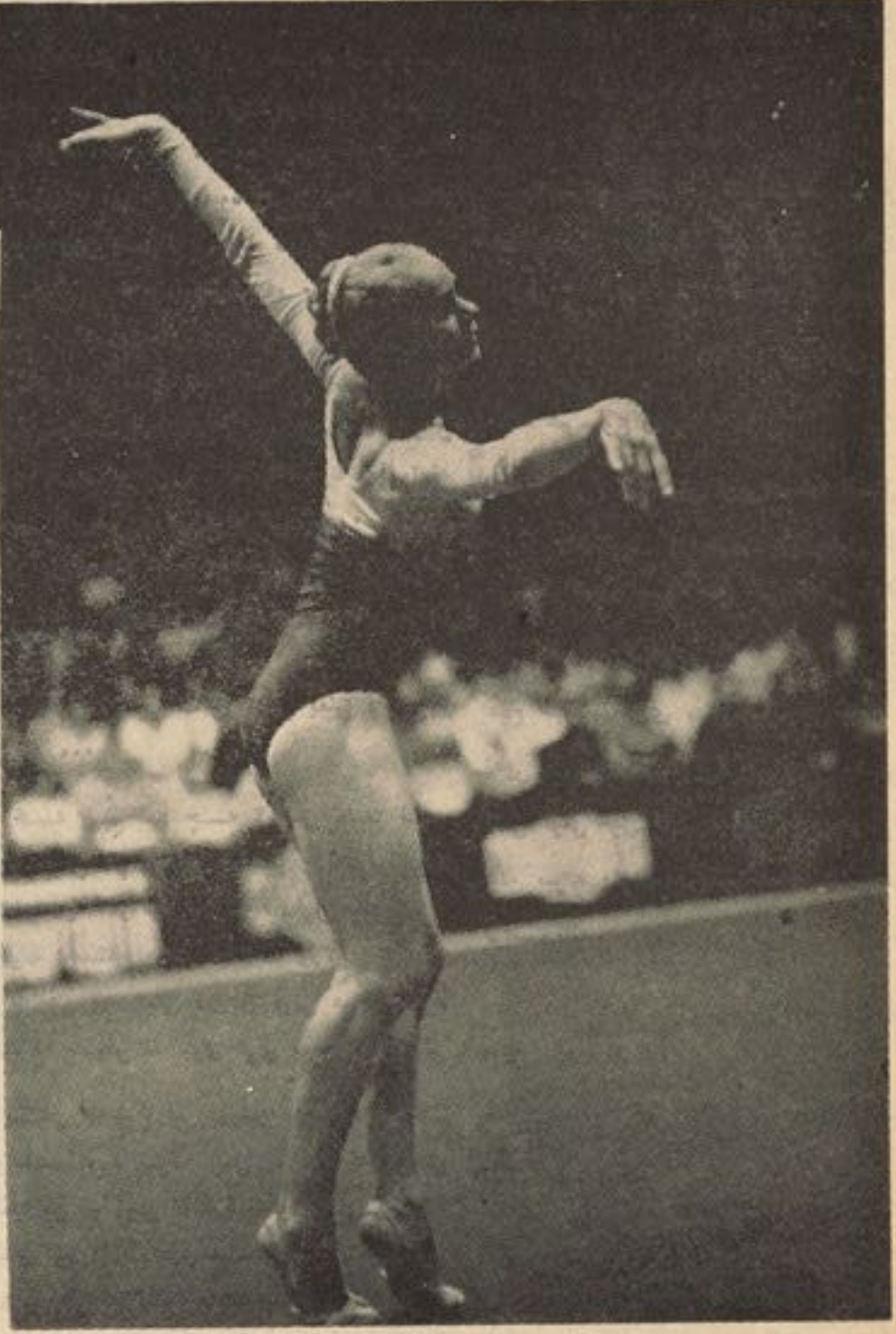
جمناسیتیک مدرن و یا آنچه را که المپیک فاقد آن است

گویند جمناسیتیک مدرن مذکور از مکتب رقص بالت که در سال ۱۹۲۳ تاسیس گردیده الهام و سر چشمه میگیرد این مکتب رقص بالت توسط یک نفر امریکایی نام فونکن در ماسکو افتتاح گردیده بود .

گفته میشود که جمناسیتیک امروزی تا اندازه به رقص شباهت نزدیک پیدا کرده زیرا در این جمناسیتیک زنان با حرکات موزون بدن شان چنان حرکات جمناسیتیکی

است که اشکال ظریف هنری را نیز با خود همراه دارد در مسابقات اولمپیک بین المللی مقام ارجمندی را کسب میکند . نظریات نادرست هم در مورد ریشه و اساس جمناسیتیک مدرن امروزی وجود دارد که می

دومورد جمناسیتیک مدرن امروزی نظریات متعددی وجود دارد اینکه آیا این جمناسیتیک بصورت عمده یک ورزش است یا اینکه نوع از هنر . بنابراین گفته میشود که جمناسیتیک مدرن امروزی یکی از عمده ترین ورزش ها



ورزشکار بازی جمناسیتیک مدرن در حال اجرای این بازی



بازی بانواریکی از خصوصیات عمده این جمناسیتیک را می سازد

را نمایش و اجرا می نمایند که به رقص شباهت تام را می رساند که گویا موسیقی نیز در آن دخیل است . حقیقت درین است که جمناسیتیک مدرن امروزی در مرحله نخست به رقص دانش توجه نداشت و بعضی حرکات رقص اکروباتیک را اجرا می نمود که بعد ها به حیث یک سیورت مستقل تبارز نمود .

گالیما چنان با مهارت توپ را در دست داشته و ورزش را اجرا میکند که بینندگان تصور میکنند که گویا توپ در دستها ، با ز و و اندام او و کاملا جسیده است و تکیه او توپ را بدور می اندازد بصورت معجزه آسان توپ دوباره به او نزدیک میگردد همه این کارها با نوازی ن اشارات مخصوص موسیقی می تواند صورت گیرد .

ورزشکاران ما باید آراسته

به اخلاق سپورتی باشند



دختران حین اجرای نمایش با مهارت حرکات موزون را اجرامی نمایند.

آوردند ، که در حدود دو هزار ورزش کار در جنامستیک مدرن امروزی درجه ماستری بدست دارند .
تلاش های در جریان است که این ورزش جدید را به حیث یک مضمون درسی در مکاتب نیز هدوش سایر ورزش ها به شاگردان بیاموزند . این ورزش جدید مختص زنان و دختران است و گفته میشود تلاش های متمرکز در جریان است که این ورزش در مسابقات بین المللی نیز مقام های ارجمندی را حاصل و به جهانیان معرفی گردد .

همچنان اجرای این تمرینات با ریسمان نوار نیز عین حقیقت بازی دلچسپ را نشان میدهد . دلچسپی و خارق العاده بودن این ورزش تعداد زیاد مردم را بخود کشانیده است و میلیونها تماشاچی از مسابقات مهم و دلچسپ این ورزش دیدن بعمل می آورند . در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هزاران زن و دختر درین جنامستیک مدرن ثبت نام می نمایند که از جمله ثبت نام کنندگان سیزده نفر شان توانسته اند سرآمد همه گردیده و مدال های بدست را

قسمت سوم

نگرشی بر سوابق تربیت بدنی و تحولات ورزشی در اتحاد شوروی

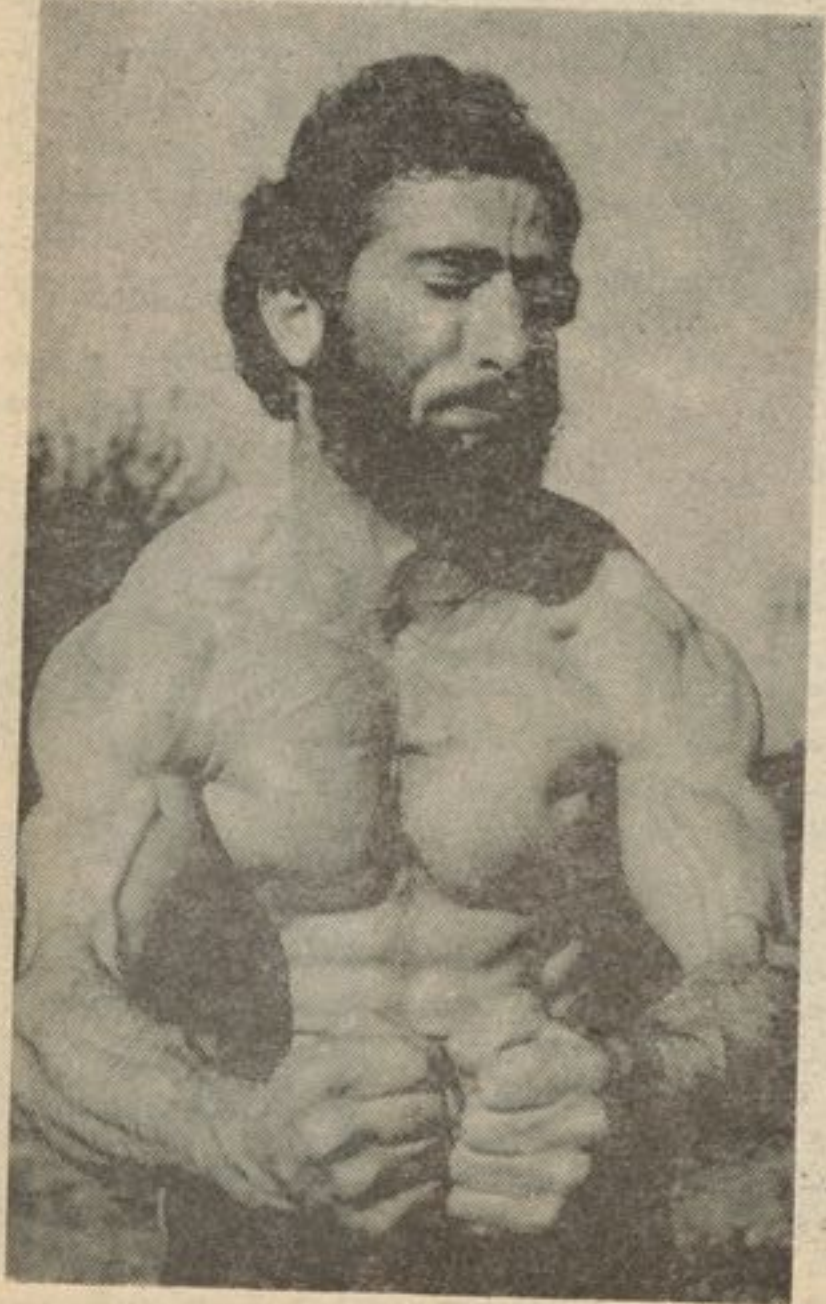
بوریس مایاروف کیتان این تیم به سال ۱۹۵۲ در بازیهای هاکلی قدم گذاشت و با (سپارتنک مسکو) پیوست . تیم یاد شده برای نخستین بار در بازیهای ستاکهولم (سویخت سویدن) مقام قهرمانی دنیا را حاصل کرد و ولادیمیر کوتس یکی از قهرمانان بازیهای المپیک المپورن، شامپون اروپا و قایم کننده ریکارد جدید در روم ریکارد پنجهزار متری را قایم کرد که برای مدت هشت سال ثابت ماند و دیسگر و رشکاری آنرا نتوانست بشکند . وی در اگست سال ۱۹۵۳ طی مسابقه بین المللی بخارست (پایتخت رومانیه) در برابر ایمیل زاتویک دونده تندگام چکوسلواکی و برنده سه مدال طلائی از بازیهای المپیک هلستکی پیشی جست و او را شکست داد . یکسال بعد در مسابقات قهرمانی بون (سوئیس) با زهم ولادیمیر کوتس نسبت به زاتویسک ورزشکار

کاپلونوف بسال ۱۹۶۳ شامپون وزنه برداری شد، و یکتور کوز نتسوف و ولادیمیر گولو وانوف در سال ۱۹۶۴ از جمله قهرمانان وزنه برداری اروپا و از زمره قایم کنندگان ریکاردهای جدید این رشته شناخته شدند ، اینان با شرکتشان در بازیهای توکیو یک مدال طلا و دو مدال نقره را از مفان آوردند . الکسی واخونین معدنچی و آموزگار وی رودلیف پلیوفیلدر کارگر برق قهرمانان المپیک توکیو شدند . ایوگنی گریشین دونده ماهر در بازیهای المپیک ۱۹۵۶ و ۱۹۶۰ که مسابقه دویدن پنجهصد و یکپهزار و پنجهصد متری را برنده شد ، دو مدال طلا و بسال ۱۹۶۴ یک مدال نقره را بدست آورد ، اکثر اعضای خانواده اش در بازی روی بیخ عم مهارت بسزایی دارند . از آن جمله (مارینا) خانمش از چهره های قهرمان اتحاد شوروی شناخته شده است تیم ها کی بیخ شوروی طی سالهای ۱۹۶۳-۱۹۶۴ ، ۱۹۶۵ ، ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ برای مدت پنجهسال مقام قهرمانی را در جهان داشته است

بقیه در صفحه ۴۴

چند سال می شود ورزش می کنید . دو سال قبل به ورزش زیبا پی اندام با نهاده ام . چند مدتی از فعالیت ورزشی ام نگذشته بود که تکلیف مریشی به سراغم آمد ، بعداً به خارج از کشور جهت سیاحت رفتم که در پهلوی آن به تداوی ام نیز توجه کرده و صحت شدم ، و قتی دو باره به وطن بازگشتم به تمرین سپورت مورد علاقه ام اندامم که تا حال جریان دارد . نام برده افزود : در مسابقات تور ننت خزا نسی و بهاری ایکه از طرف امریت ورزشی ولایت بلخ صورت گرفته حصه داشتیم که در هر دو مسابقه در کلاس متوسط قهرمان شناخته شده و کپ های ورزشی را نصیب شدم که در مسابقات تور خزان رئیس ریاست عالی و ورزش هیات همراه شان نیز از مسابقات ما دیدن کردند .

باید بگویم کلب های که قبلاً در آن عضویت داشتیم کلب های آزاد بسو دند که در مسابقات هم حصه نداشتیم بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند شوروی بقیه در صفحه ۴۴



محمد اسمعیل ورزشکار جوان و خوش اندام

قهرمان جهان شطرنج اناتولی کارپوف

داخلی و بین المللی برای کسانیکه به قهرمانی او مشکوک بودند دیگر جای شک و تردید باقی نگذاشت.

یکی از نمونه های بارز موفقیت های او در مسابقات افتخار دریافت پنج مجسمه کوچک نقره ای است که فعلا ترین دهنده خانه او میباشند. این مجسمه ها جوایز «اوسکار» اند که سالانه از طرف اتحادیه زورناتسان مسابقات شطرنج برای بهترین بازیکن شطرنج سال اهدا میگردد. کارپوف بار دوم غرض حفظ لقب قهرمانی خود برای اجرای مسابقات غلظم فلپا بنشد درین وقت شهر باگموتو چه زورناتستان جهان را بخود جلب کرده بودو از همه اطراف واکناف زمین به شهر باگموتو سرازیر شدند. اناتولی کارپوف انسان متواضع و با همه به بسیار نرمی رفتار می کرد. دیری نگذشت که توجه مردم را درین شهر بخود جلب کرد. در مقابل حریم بطور دیگر رفتار می کرد. کور جنوی که در مقابل کارپوف قرار گرفت یکی از بزرگترین استادان شطرنج است اما در پهلوی این صفات خوب خود در وقت مسابقات چارو جنجال های را بر پا می کند که به شطرنج هیچ ارتباطی ندارد و همه خوبی های او را برهم می زند. در سال ۱۹۷۴ وقتیکه کور جنوی در مقابل اناتولی کارپوف مغلوب گردید نمیخواست خود را مغلوب نشان دهد و در مقابل حکم از رفتار های غیر سیورتی کار میگرفت و تاحدی رسید که بالاخره از بازگشت دو باره به وطن خود یعنی اتحاد شوروی ابا ورزید.

روز مسابقه شطرنج غرض کسب لقب قهرمان جهانی که در تاریخ مسابقات شطرنج از نقطه نظر مداومت بی نظیر بود دوام داشت. درین مسابقه هیجان انگیز که بعضی اوقات حالت دراماتیک را بخود میگردانید جوان (۲۷) ساله بنام پیروزی رسیدو لقب قهرمانی را یکبار دیگر حاصل کرد. این جوان اناتولی کارپوف نام دارد.

اولین بازی غرض کسب لقب قهرمان جهانی در سال (۱۸۸۶) صورت گرفت در نتیجه ستینتس لقب قهرمانی را بدست آورد. از آنوقت تا حال تقریباً (۹۴) سال میگذرد. درین مدت (۲۹) بازی غرض کسب لقب قهرمانی مسابقات شطرنج بوفورع پیوست و (۱۲) نفر لقب قهرمانی را حاصل کردند. بعد از ستینتس لاسکر، کاپابلانکی، الیوخین، ایوی، بوکو-تنیک، سمسلوف، پتروسیان، سماسکی، فیشر و کارپوف بالاترین مسابقات قهرمانی را حاصل کرده اند.

بزرگترین شطرنج باز روسی الکساندر الیوخین تا دقایق مرگ خود لقب قهرمانی را حفظ کرد. شطرنج باز امریکایی روبرت فیشر بدون کدام عامل اشتراک در مسابقه ابا ورزید و لقب قهرمانی خود را از دست داد و درین شش سال در هیچ یک از مسابقات شطرنج اشتراک نداشت و در مسابقه است و به عوض او جوان (۲۷) ساله از لیننگراد اتحاد شوروی بر مسند قهرمانی شطرنج تکیه زد.

موفقیت های بی هم کارپوف در مسابقات



کارپوف بعد از پیروزی بالای کریسرفخود

بر استفاده از بیرغ سو پس رد کرد. حکم های بازی که در جمله آن شطرنج بازان معروف جهان قرار داشت به پیشنهاد های مشابه دیگر او جواب منفی داد. بعد از اینکه حکم جواب منفی خود را درین موارد اعلام داشت کور جنوی حکم بازی را منتهی کرد که گو یا آنها از آناتولی کارپوف و طرفداران او پشتیبانی میکنند.

کور جنوی طبق اعلام قبلی خود سعی میکرد تا به هر ترتیبی باشد فضا بازی را خیره کند و درین قسمت از طرق مختلف استفاده میکرد. این نکته به هنگام معلوم است که در جریان پنج ساعت بازی شطرنج بازان جای قهوه و غمییره نوشیدنی ها مینوشند حتی بعضی اوقات تسکین اشتها میکنند. عجیب است وقتی که کارپوف از طرف یکی از حضار از طریق حکم بازی گلاس ماست را دریافت کرد کور جنوی بیروست خود را درین قسمت نیز اعلام داشت. به فکر او ماست نوعی از اشاره ماست تاکارپوف را کمک کند.

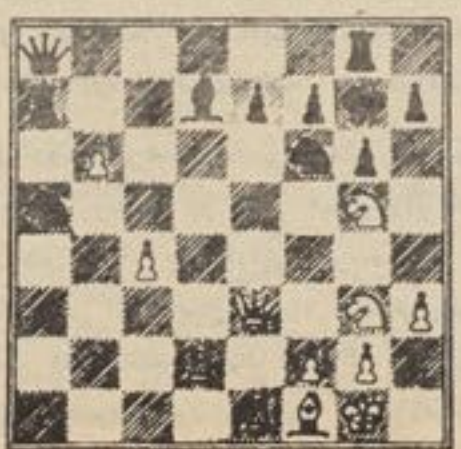
در قسمت دیگر اظهار داشت که یکی از اعضای هیات شوروی او را در اغما میگیرد به این ترتیب هر بازی که بازی را در باخت از رخوت و اغما سخن میگفت



کاخ کنگرس، در این جا مسابقات ادامه داشت

بعد از ختم بازی هند هم وقتیکه ویکتور کور جنوی شکست خورد روایت جدید را پیش کش کرد و اظهار داشت که نه تنها او را در اغما می گیرند بلکه کارپوف را نیز درین حالت قرار میدهند و به او کمک میکنند تا خوبتر بازی کند. به این لحاظ حریم پیشنهاد نمود تا پرده آبتوی نصب شود برای اینکه بازیکنان از ناظرین دور تر قرار بگیرند تا دیگران آنها را نبینند. این تقاضای غیرمنطقی او طبعاً رد گردید.

دیری نگذشت که به اعمال جدی تر دست زد. در وقت یکی از بازی ها در نزد یکی کورجنوی



بازی نهایی کارپوف و کورجنوی



یک باشمعها (سه پیروزی به شمع) از طرف دوم باگمو

.....

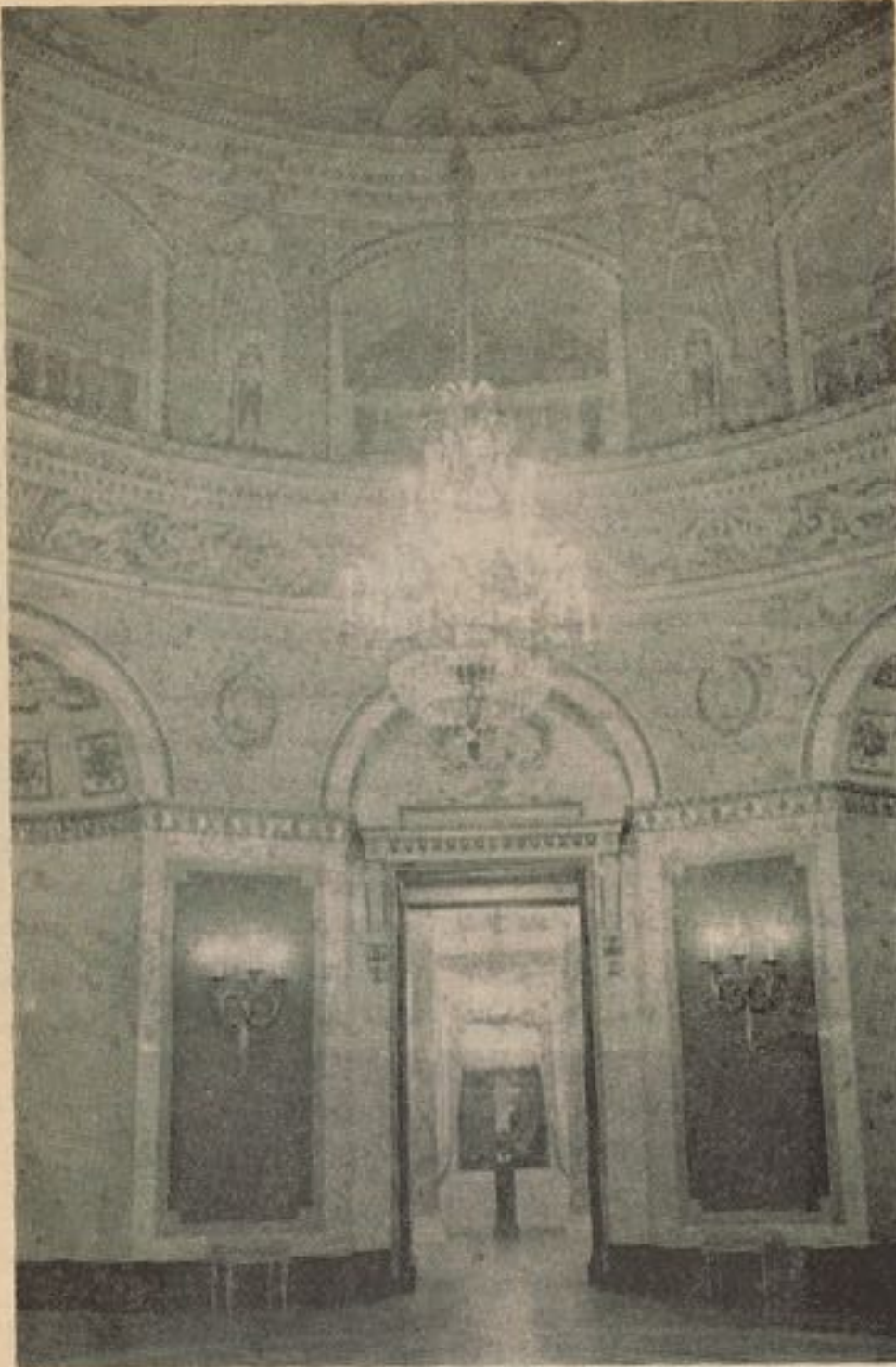
هیات نمایندگی اتحاد شوروی مردوزن جوان بالباس سرخ جا گرفتند. اینها دو تبعه امریکائی از گروه مذهبی «انانده مارگاسیتون دوایر وویکتور بیاتپارد بودند که از امر سو قصد و عملیات ترور یستی با لای دیپلومات های هندی در سال ۱۹۷۸ توسط ارگان های دولتی فلپا بن به هفده سال حبس محکوم شده بودند و تحت ضمانت با المان تا غوراستیناف آزاد گذاشته شده بودند. قسمیکه بعد معلوم شد ستون دو ویکتور یا به شهر باگموتو عوت شده بودند تا منجبت معاوینش کور جنوی فعالیت نمایند و حتی بحیث اعضای رسمی هیات نمایندگی خود کورجنوی آنها را اعلام داشت.

دخول این نوع اشخاص مجرم و ترور رست در فضای بازی های جهانی شطرنج بی سابقه میباشد. هدف از دخوت این دو نفر این بود تا بدین وسیله کور جنوی بتواند با لای حریم خود، اعضای حکم بازی فشار و انسی وارد نماید. هیچ کس این را پیشگوئی کرده نمیتوانست که ترور یستی های که به هفده سال حبس محکوم شده اند چه جانی یا بی را بر تکب خواهند شد. این نکته را سازماندهان بازی خوبتر درک کرده بودند نخست از ورود ترور یست ها به صالون بازی و بعد مانع دخول آنها به اطاق های دیگر شدند. اما در مقابل کور جنوی تا ختم مسابقات با این دو نفر ارتباط خود را قائم کرده بود. چندی نگذشت که گامه عبر اعضای

حکم بازی تبریز شد و این اعمال کور جنوی را که جریمان نورمال و مساعده مسابقات را برهم میزند و به اساساً به فدا سیون جهانی شطرنج مقابرت نام دارد بشدت محکوم کردند و تقاضا کردند تا بدون گفتگو ترور یست ها از شهر باگموتو خارج شوند. کورجنوی از اعمال اعضای حکم انتقاد شدید کرد ارگان های دولتی فلپا بن و سازماندهان بازی را منتهی ساخت که آنها از آناتولی کارپوف جانبداری میکنند.

بقیه در صفحه ۵۳

کاخ موزیم پاولوفسک...



نمایی از داخل کاخ موزیم پاولوفسک

به این ترتیب فیو دور پروژه اشعار مجدد قصر را آغاز کرد .
ایمن شخص در وقت کار به همه دو موضوعات مختلف کمک میکرد و هیچ گاه اشتباه نمیکرد . رسامی های واقعه مطالعه میکرد دید و غرض اشعار مجدد مواد زیاد جمع آوری گردید . بزودی در جلسه اشعار مجدد کاخ های لنینگراد از طریق زینووه سخن گفته شد . هر يك از سالون ها از خود دو سیه مخصوص داشت . همه عکاسی عاجم آوری میشد و مطالعه میکردید تا کمبوی ها و تقایص آن بر طرف شود و با اگر ضرورت باشد سر از نو ایجاد گردد .

پلان پارک توسط خط های مخصوص که علامت درخت های قطع شده را نشان میداد بر شد . ضرور بود تا اسناد قبل از جنگ دیده شود و نسل درختان قطع شده هویدا گردد زیرا پارک با یک شکل سابقه را بخود میگرفت .

برای اجرای این کار عظیم به نیروی کار زیاد ضرور بود . به این ترتیب در روزهای رخصتی همه به کار های داو طلبانه می پرداختند .

بعد از کار های مقدما تی مجسمه سالان ، تقاشان ، تخته فرش کنندگان و متلاکاران به موزیم سر از بر شد و نود ضایعات را جبران کردند .

زینووه چون دو لسان خارجی را میدانست به او پیشنهاد کردند تا در سازمان یونسکو منحیث مشاور هنر شناس در قسمت بعد از کار های مقدما تی مجسمه سالان ، تقاشان ، تخته فرش کنندگان و متلاکاران به موزیم سر از بر شد و نود ضایعات را جبران کردند .

در سال ۱۹۵۷ او لین سالون موزیم غرض نمايش آماده شد و در سال (۱۹۷۰) تماشاچی از تمام سالون های آن دیده کرده میتوانست .

زینووه چنین میگوید : « من از آمدن مردم به موزیم بسیار خوشوقت میشوم زیرا این هم علاقه مردم شوروی و خارج از شوروی را به موزیم نشان میدهد . درین جمله اشخاصی اند که در قسمت هنر مپارت تام داشته میباشند بعضی ها که در قسمت

هنر چند ن مپارت ندارند منحیث روز های جشن روز خود را سپری میکنند . ایمن مهم نیست که کدام اشخاص در نوبت اشیا ی مقبول و دیدنی تماشا کنند .»

تضادهای درونی...

و عرصه مخالفت شان هر روز وسیعتر گردید و میگردد .
علاوفا درین اواخر کشور های اروپای غربی این درك واقعینانه را کسب کرده اند ، که به جز از پروسه دینانت کسدام اثر نا تیف دیگری وجود ندارد تا تنج را درین قاره گاهشی دهد . یک چهارم این دول نسبت به آنا زوئی این مسئله را بارها خوب فهمیده اند که به کار انداختن مبالغ هنگفت بمنظور مسابقات تسلیحاتی عمل بوج و نا معقولی است که این خود نقش منفی را در مناسبات بین ما و دول سوسیالستی که با ما دارای مناسبات مرزی و سرحدی اند میگذارد ، و قاره ما را به عرصه مسابقات تسلیحاتی بیپوده و بوج مبطل ساخته مصونیت و آرامش را برای همه اتباعی این سر زمین از بین خواهد برد .

دینانت در اروپا تا تیرا ت مفید وقایع ملاحظه در تمام عرصه های زندگی اجتماعی خصوصاً در مناسبات بین الدول گذاشته و بر کشورهای اروپای ایست که دینانت را هر چه زیاد تر در قاره خود

بازی کند که برنده و غالب باشد و تا هنوز در زمره کشورهای امیر یا لستی دارای فرصت های متناسب بخاطر کسب ثروت بوده ، علاوفا در دنیای سرمایه داری ، دارای نیروی اقتصادی و نظامی شامخی است . که در واقعیت امر ایمن ایالات متحده امریکا است ، که مرکز عمده ایدولوژی سرمایه داری میباشد . هر چه خش عظیمی که در پیشرفت و اتکشاف او ضاع بین المللی رخ میدهد ، به همان اندازه در بین کشورهای سرمایه داری رقابت فزونی می یابد ، و این نوع خصومت ها و اختلافات زیاد تر آوقت بحر حله حاد و شدید خود میرسد که بحرانها در حال تکوین باشد .

ایالات متحده امریکا سعی فرایند و بخرچ میدهد تا ارزشش دالرش را در مناسبات تجاری و بازار های فروش کالا در مارکیت های رقابتی سرمایه داری اش بلند ببرد ، به همین منظور است

نگرشی بر سوابق تربیت

چکوسلواکی پیروز شد و در مسابقات پراگ مدت دهسال کپتان تیم خود بود و در یکتعداد بمقابل جریس چاناولی ورزشکار انگلیسی و در زیاد ممالک خارجی افتخار شمول رادر مسابقات مسابقات المپیک ۱۹۵۶ هم پیروزیهای رانصیب بزرگ نصیب شد ، از اثر مساعی و توجه او تیم شوروی در مسابقات المپیک ملبورن شامپيون گردیده و بسال ۱۹۶۰ کپ قهرمانی اروپا را بدست آورد . وی در پنجاه مسابقه شرکت کرد و برای مدت هشت سال بهترین لفت آف تیم خود بود . علاوه بر این در بیش از سه صد و شصت بازی تیم (سپارتنک) و بازیهای قهرمانی اتحاد شوروی سهم داشته است .

گریگوری گریس فوتبال باز معروف که در المپیا توکیو از خود مهارتهای پرمایه را نشان داد ، آموزگار و استادش لیفت و استعداد خلاقه سیورتی او را بارها توصیف کرده است ، چنانچه در سال ۱۹۵۸ مقام قهرمانی را بدست آورد

فوتبالبازان اتحاد شوروی در مسابقات المپیا ملبورن نیز با کامیابیهای زیادی مواجه شدند ، مخصوصا شطارت های لیو یاشین گولکبیر تیم (دینامو ماسکو) بنفع ماسکو ، اتحاد شوروی اروپا و جهان افتخاراتی را حاصل کرده یاشین بسال ۱۹۶۳ ضمن مسابقات فوتبالیکه بانیمهای معروف یکتعداد کشور های دنیا صورت گرفت در مطبوعات سیورتی لقب (قهرمان مسابقه) را صاحب شد . در سال ۱۹۶۴ بمقابل تیم یوگوسلاویا ریکارد جدیدی را قایم کرد . در مسابقات قهرمانی جهان به سال ۱۹۵۸ در سویدن بمقابل تیم آستریا و در سال ۱۹۶۳ در روم بمقابل تیم ایتالیا کپ قهرمانی اروپا

سیورت بین المللی اسم او را در ردیف ورزشکاران ممتاز جهان معاصر مالمداد کرده است ، وی در سال ۱۹۶۳ ضمن يك تورنمنت از خود کار رواییهای مپیچ و شور انگیز را تبارز داد و یکسال بعد شامپيون ماسکو شد و سپس افتخار شمول رادر المپیا توکیو نیز صاحب گردیده و در سال ۱۹۶۵ با حصول مقام قهرمانی ملی در عالم ورزش شهرت پیدا کرد و متعاقبا بسال ۱۹۶۶ در بازیهای دور نمودن تمام موقت شایانی گرفت . در سال ۱۹۶۷ میخائیل دروتین و ویکتور لیستسکی در مسابقات شامپيونی دنیا واقع (نامیری) فنلیند نیز پیروزیهای را بدست آوردند . در سال ۱۹۶۶ تیم فوتبال خردسالان اتحاد شوروی در بلگراد موفقیتهای را حاصل کردند و بسیاری از آنان بقتل در مسابقات قهرمانی سال ۱۹۷۰ نیز پیروز بدر آمدند . حصول جایزه بزرگ مسابقه بین المللی اتحادیه فدراسیون فوتبال اروپا از دستاوردهای

مساعی پیروز مندانه شان است تیم مذکور بانیم خردسالان ایتالیا که در یوگوسلاویا مسابقه دادند ، مقام اول را احراز نمودند .

در اتحاد شوروی پیش از شصت رسته ورزشی المپیا معاصر بین المللی اضافه از یکصد رشته ورزشی ملی و بازیهای محیطی بین مردم رواج دارد . مانند : موترانی و کورواسی ، کوهنوردی ، بدنتن ، باسکتبال ، بسوکس ، بایسکل سواری ، قایقرانی ، اسب سواری و سوار کاری ، چمناسٹیک ، فوتبال ، والیبال ، هندبال ، بازی روی یخ ، سکی بازی ، دویدنها ، پهلوانی ، هاکی روی یخ ، هاکی روی چمن ، شناوری ، دوومیدانی ، سرسره بازی ، تینس ، شطرنج ، بلیارد ، پنگ پانگ ، یگی دوانی ، کرکت ، چوگان بازی و انواع رشته های دیگر که ذکر همه آن در اینجا نمیگنجد . از آنجمله در رشته پهلوانی ، پهلوانان شوروی همیشه در مسابقات بین المللی پیروزیهای را بدست آورده اند .

بقیه صفحه ۴۱

ورزشکاران ما باید

از طرف ریاست عالی ورزش در ولایت ما امریت ورزشی تاسیس و تمام کسب های آزاد هر یو با به آن گردید که فعلا تحت رهنماییهای خوب آن امریت به تمرینات خود ادامه میدهم البته در پهلوی رهنمای های تخنیک و تاکنیک ایسکه از آن امریت بر خور دار هستیم مشکلات دیگر ما هم از نا حیه نداشتن جای مناسب تمرین و وسایل ورزشی حل گردیده که این خود سبب تشویق و بلند بردن سطح ورزشی در جامعه ما می باشد .

محمد اسمعیل کارگر به ما سخسوالی سخنان خود را چنین ادامه داده گفت: يك ورزشکار وقتی موفق بوده می تواند که تمرینات مداوم را فراوش نکرده در پهلوی تمرین به خصوص زیبایسی اندام که از جمله سیورت های ثقیله می باشد خوراک درست هم داشته باشد . که به نظر من هر ورزشکار باید از طرف صبح اگر توانا بی داشته باشد يك گیلان شیر و یکدانه تخم بخورد چرا که اگر اثر زی کمال لبا شد توانا بی بلند کردن دمبل را که نسبتا کم وزن می باشد با شد نخواهد داشت و یا اینکه حرکات ورزشی را به صورت هرست و فنی آن انجام داده نخواهد توانست .

نا مبرده افزود : به نظر من هر بازی سیورتی و هر حرکت سیورتی در نگهداری صحت به اندازه يك خرپه دو او تر می باشد چنانچه از روزیکه خود ورزش می کنیم از چارو چنگال با دو کتوران رها بی یافتن م بخصوص دکتور را نیکه نسبت به مرفی و تشخیص مرفی با پول

زیاد تر علاقه داشتند به هر حال در پهلوی صحت کامل ، ورزش تمام افراد جامعه را نیرو مند تر می سازد و همچنان بین افراد جامعه صمیمیت زیاد تر با هم می آورد که نمیتوان او صاف ورزش را در چند کلمه و یا چند سطر خلاصه کرد و همین انگیزه باعث شد تا يك ورزشکار شو م از روزیکه ورزش می کنیم فکر م آرا م و علاقه ام به کار دو چند ان گردیده امیدوارم تمام ورزشکاران جوان ما در کمتر ش هرچه بهتر بازی های سیورتی تا حد امکان بکوشند .

سخن خوب علیکه باعث برد در مسابقه زیبا بی اندام میگردد چه می باشد ؟ در قدم اول ورزش کار زیبا بی اندام باید دارای اندام مناسب به زیبا بی اندام باشد ، عضلات سیورتی داشته تمرین زیاد کند و مهمتر از همه یگانه چیزیکه در برد مسابقه زیبا بی اندام رول عمده و بسرا دارد (فیگور) می باشد اگر يك ورزشکار زیبا بی اندام حرکت فیگور را درست انجام داده نتواند بنظر من موفق نخواهد بود .

خوب اسمعیل جان اگر به ورزشکاران جوان جامعه ما پیمان داشته باشید بگویند!

بیان من به عموم هوطنان و ورزشکاران جوان ما اینست که اولتر از همه از انقلاب نظر آفرین نور تا با یجان دفاع کنند ، و در نگهداری ناموس وطن از هیچ گو نه فداکاری دریغ نه ورزند ، نایبا ورزشکاران ما دا پیمان آراسته به اخلاق سیورتی باشند و هم چنان در بلند بردن هر چه بیشتر سطح ورزش در جامعه ما کوشش خستگی نا پذیر



را برنده شد ، موصوف تاسال ۱۹۶۵ در پنجاه و هشت مسابقه شرکت کرد و عضویت برجسته را در اداره فدراسیون فوتبال اتحاد شوروی حاصل کرد . همچنان (ایگور نیتو) یکی از چهره های درخشان فوتبال در مسابقات المپیک ملبورن از شهرت فراوان برخوردار شد و در بازیهای سکی و اتلتیک نیز مهارتهای را از خود نشان داده و با اشتراکش همراه تیم سپارتنک بسال ۱۹۴۹ در ناروی ، تیم اتحاد شوروی را معروف ساخت و کب بزرگ سیورتی را دستیاب کرد . در سال ۱۹۵۲ عضویت تیم المپیک شوروی را کما بی کرد و تاسانزد هم می ۱۹۶۵ برای

يك مدال برنوزرادر قهرمانی تیم خویش حاصل کرد همچنان دارنده يك مدال طلا بی از المپیا توکیو شد . رویهمرفته ورزشکاران شوروی تنهادر سال ۱۹۶۵ طی سی و سه مسابقه تیم قهرمانی اروپا و جهان شرکت کردند و در عده مسابقه مقام اول را بدست آوردند ، ورزشکاران اتحاد شوروی از جمله یکصد و شصت و پنج مدال طلا مختص مسابقات باخذ یکصد و شانزده مدال نایل گردیدند . بدنبال چهره های معروف ورزشی از میخائیل ورونین برنده چندین مدال طلا و قهرمان سال ۱۹۶۶ چمناسٹیک در (دور- نموند) میتوان یاد آورد که انجمن مطبوعاتی



یوگاتشوفا هنرپیشه، صاحب نام تیاتر، تلویزیون، فیلم و آواز خوان موفق.

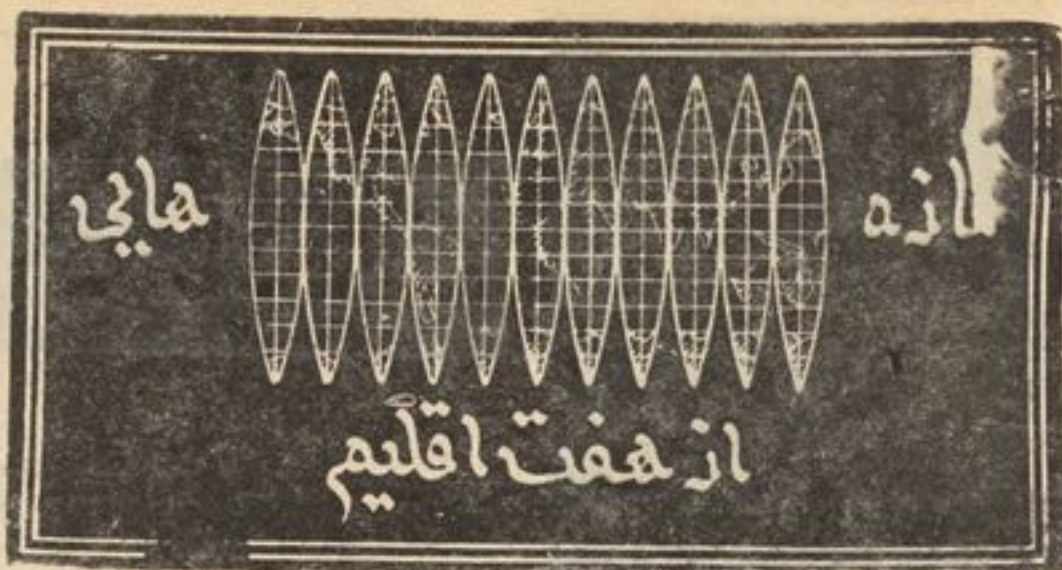
تا زمانی که در فستیوال فیلم در بلغاریا سهم گرفت و دستیارانش بیحد مبهوت ساخت. موفقیتش بحدی بود که جایزه طلایی را که بنام (افسانه طلایی) موسوم بود به وی دادند. متعاقباً وی در (زویوت) یکی از شهرهای پولیند دریک مسابقه آواز خوانی بین المللی سهم گرفت آنجا نیز پیروزی از آن الپوگاتشوفا بود یکی از عواملی که تا اینحد در شهرت (الپوگاتشوفا) یا ری نموده همانا دسترسی او در فهمیدگی و وارد بودن در شعر است. او اشعاری به پختگی اشعار شکسپیر را تحلیل مینماید و میخواند. خاصتا زمانی «الپوگاتشوفا» بر سکوی شهرت تکیه زد که شعر: (من بخود حسرت می خورم، تو هم میخواهی بسا من برایم حسود باشی) شکسپیرا بگویند خواند که شنوند رادیو انگلست حیرت میان لب گذاشت و از دل و جان خردا را استعداد و هنر او گردید.

الپوگاتشوفا را عقیده برینست که هنر باید دو خدمت توده ها و خلق بسا شد باید برای خود شنودی همه مردم در هر کجا بی که اند چه با لای مز رعه چه در کارگاه، باید کوشید.

میخواند بگویند که شنونده را تحریک و تهنیت می بخشید. او خودش نداشت میان آهنگ ها پیش و فقه ایجاد گردد و خودش به تفریح بپر دازد زیرا او یک هدف داشت که باید برآورده میشد و آن عبارت بود از خورسندی جیولو جست ها و رفع خستگی آنها که برای آسوده خالی مردم عریزی میگردند. این آواز خوان و هنرپیشه صاحب نام باری سوار بسو کشتی کوچک، تا نزدیک لبه های بحر و سواحل کشتی اش را می راند تا به کارگزار حفر معادن منطقه (تیومین) که سخت مصروف کار بودند، بسراغشان بشتا بدو چنان آواز بخواند که او شانرا مسحور نموده توانایی کار بیشتر بدهد و با آهنگهای خویش باعث رفع کسالت شان گردد.

این اتفاق یکسال قبل بود آنوقت (الپوگاتشوفا) هجده سال داشت. موصوف هنرپیشه ایست سخت گریو مشکل پسند کمتر به اشعار و کمپوزهای دیگران قناعت میکند و این بدان ملحوظ که خود یک کمپوزیتور موفق است و در انتخاب استعارید طولی ندارد و خودش از موزیک چیزهایی می فهمد. از نگاه او میان لغات و میلودی ها و اشعار یک ارتباط عمیق وجود دارد و همین ارتباط است که در روح و قلب شنونده یا بیننده اثر میگذارد «الپوگاتشوفا» معتقد است که جشک زدن هنر به قلب دستدار هنر کار سادهای نیست بلکه خارق العادگی می خواند با یستی موثرترین و کوتاه ترین راه را برای تسخیر قلبها و خوشنودی علاقه مندان هنر و تسکین روح در مواقع ناراحتی یا لآخره اتغاز کرد. الپوگاتشوفا گامگامی یا رجه های تر از یاد نسیز میخواند و از عهده ایفای نما یشتات تراژیک نیز پیروز مندانه بدر شده میتواند چون او دیگر تنها یک آواز خوان نیست بلکه هنرپیشه تیاتر و هنرپیشه فیلم نیز است. او هنرپیشه ایست صاحب کرکترهای متعدد. گامی قیافه در دآلود بخود میدهد و سریش بچشم میرسد، دستها

بیحد خورسند جلب نظر میکند، بساری شوخی و مزاح را راه انداخته و چه بسی لحظاتیکه شدید به گریستن متوسسل میگردد و بغا طراپنهمه پختگی در کارآواز خوانی و تمثیل است که وی به یستن



یوگاتشوفا هنرپیشه نوعدوست بر سکوی شهرت

دارای سقف سفید تیز بود آواز می خواند در طول راه قبل از آنکه به مهمانخانه «نیگوزین» یا چیزهای جالب و دیدنی بر خوردیم، با قیافه های حسنه و نوله کارگران معادن نفت و گاز، با قیافه های آنانیکه تازه از طیاره فرود آمده بسو دست در کانتین جیولو جست ها گرد آمده بودند تا از لود سیبکرها صدای موزیک دل انگیز و آه آنسو تر کسرت داده میشد بشنوید. در تالار کسرت جاییکه کارگران و سایر جیولو جست ها برای رفع خستگی آمده بودند یک ویلنی بچشم میخورد و در واقع این «الپوگاتشوفا» هنرپیشه مردم بود که با آواز فریبنده اش و با قیافه خوش ترکیبش نگاهها را بخود میکشید و تا اعماق قلب تماشاگر اثر می بخشید او پیهم آواز میخواند، خیلی ها خوب

در هو تل متعلق به جیولو جست ها که در شهر کوچکی بنام (زالیکارد) در نزدیک دایره قطبی قرار دارد. صدای دل انگیز گیتار آدم رابو جدمی آورد. از میان پنجره شلق قطبی بدرون اتاق نور افشانی مینماید. درین محیط شاعرانه که کارگروان معدن وزمین شناسان اقامت گزیده اند صدای ملیح و پر جاذبه دختر جوانی توجه آدمی را بخود می کشد. ملاحظت و گرمی صدا بحدی است که تا اعماق قلب شنونده مستمع نفوذ میکند مگر این زیاد ارزنده و قابل تقدیر نیست که دریک سرزمین متروک محلیکه نهدرخت، نه بنه و نه آثار چرخهای ارابه ها هیچکدام آنجا دیده نمیشود چه آنجا رفته نمیتواند و فقط در فواصل دور جلگه هایی جلب توجه میکند. زیبارویی در وسط سالون که



یوگاتشوفا در حال آواز خوانی دیده میشود



فاروق حریق

دخلكو انقلاب

- دا انقلاب دنوی ژوند انقلاب
- دا انقلاب دنوی خوند انقلاب
- د هیلو دک انقلاب
- دنوی خونده سره
- دنوی ژوند انقلاب
- له ارمغانه سره
- زمونږ هیواد ته راغی
- له عزم اوساله سره
- ښانی همدا انقلاب
- له هر افغانه سره
- دا انقلاب دنوی ژوند انقلاب
- دا انقلاب دنوی خوند انقلاب
- دآبادی انقلاب
- دپرگنو انقلاب
- دادښادی انقلاب
- دهر بزگر انقلاب
- دهر کارگر انقلاب
- دهیواد گوت گوت تمو
- دخوشحالی انقلاب
- دا انقلاب دنوی ژوند انقلاب
- دا انقلاب دنوی خوند انقلاب

احترام

لشکر زحمتکش انسان سلام
 بر همه انسان جهان احترام
 صلح بخلفان جهان آرزو
 کار بانسان زمان آبرو
 مشت شود کار گیتی ما
 پست شود دشمن هستی ما
 لاله سرخ آرزویم چنین
 شاهد پاکم آبرویم همین
 شادتر از این سخنم کی سخن
 سبز تر از این چمنم کی چمن
 شعر از محمد نذیر «زهیر»

وجدان

- همیشه قضایا را قبل از اخذ تصمیم به محکمه وجدان تسلیم نمائید . وجدان رهنمای بی نظیر و قاضی بی طرف است .
 - رضایت وجدان بالاترین مسرت هاست .
 - وجدان یگانه محکمه ایست که احتیاج به قاضی ندارد .
 - کسیکه در هر امری وجدان خود را تابعیت می کند هیچگاه خسته نشده و از زندگی ملول و از روزگار متالم نیست .
 فرستنده : ملک مشرف (باکون)

نامه عاشقانه

عزیزم سلام بر آن چشمانت مانند چراغهای مردس بنز سه صد که فاصله دو صد متری را روشنی مبخشد . هلیکوپتر خیالم در فضای توهر لحظه چون مگس بی پروا باطراف پیاله جای در طبران است و میترو وجودم از فراق آن فیوس میبراند نمی دانم که در سوچوورد قلبم چه دست بازی کرده ای گروب چشمانم کم نور و چراغ خطر رخسارم هر لحظه سرخ میشود . دیشب از غمت رینج فراق را گرفته بدفورد خنده را از دهانم کشیدم و به عوض آن بطری اشک و آه را چارج نمودم تا تو بدانی که از هجرت چطور چاقو دسته میکنم و آن وقتی که تنگیچه نگاهت رابه من نشانه گرفتی و با کارتوس خنده بمن فیر نمودی دیگر یاری سخنرانی بر من حرام شده بود، جز اینکه بسم آه را بر بالینت منفجر سازم . بعد ازین قصد کرده ام که بلك گوشه ای را چارج نمایم تا دیگر هرگز آواز ترا نشنوم .
 ویدیاتور وجودم از سرخی عشق تو لعاب دیزل میخورد، کاربیتر سینه ام از جرت صدای آرکستر جاز را گرفته است . به استیشن سرم چنان صد مه وارد کرده ای که اکنون لودسپیکر دهانم از خبر های مهم وجودم جز نالشی چیزی دیگر را پرود کاست نمیکند . افسوس که اشتراک صبر از دستم رفته است و برك تحصیل فیل گردیده و داینمو هم کار نمیکند و پای غضب هر آن بی ناقتی راسلف میزند و سگر نه کلج رسوایی رازیر با گرفته گیر عشق را تبدیل میگردم .
 خیر بهر صورت از خداوند خواستارم که ویرنگ وجودت شارت گردیده و گیر بکس اشتیاق را بسوزاند و از غم و پشیمانی هر شب هارن بزنی .

میهن

من عاشق دیسار فروزان میهنم
 قلبم بوصف خاک مقدس همی تپد
 تا جان مراست حب وطن دردلم بود
 به فله های شامخ این مرز بوم قسم
 آزاده ام به یمن سعادت درین دیار
 ای مدعی چشم حقارت مبین گهی
 در بادبان رحمت این مرز «باقری»
 در آرزوی عظمتش از جان و دل (نیاز)
 من بلبل بهار گلستان میهنم
 آری همیشه مرغ غزلخوان میهنم
 من زاده شجاعت مردان میهنم
 دلدادۀ شپامست شیران میهنم
 پرورده مجست احسان میهنم
 من جانفدای کوه و بیابان میهنم
 من قطره سحاب خروشان میهنم
 رخشنده باد اختر تابان میهنم
 سروده محمد نیاز و شربت باقری

کارگر

تو ای کارگر !
 تویی سازنده تاریخ
 تویی روشنگر شبهای تاریک
 تویی شگوفه آفتاب زندگی
 تو ای کارگر !
 فخر دارم به تو
 فخر دارم به توای ضامن فردای روشن
 فخر دارم به نامت ای معمار آزادی و خوشبختی
 فخر دارم که زنجیر ها شکستی
 تو ای کارگر !
 بتو میباید امروز خلق های رنجبر
 بتومی باید امروز روح مزدوران و مظلومان
 بتومی باید امروز قلب محنت بار ز جمتکش
 کز چنگال ددمنشان رهاندید انسان را
 غریب نواز

سپیل خروشان

طوفان موج خلق
 خشم بی امان او
 لانه دشمنان ریخت
 بازوی دهقان
 نعره کارگران
 ظلمت شب را شکست
 سپیل خروشان خلق
 نعره شادمانه اش
 صخره خارا شکست
 بازوی توانای خلق
 موج بی امان او
 گردن اندا شکست
 حشمت ربی



بدون شرح



بدون شرح

زن محتاط

در يك روز قشنگ و آفتابي آقا و خانم در خيابان قدم ميزدند. خانم نوزاد قشنگ و مقبول را نيز در بغل گرفته بود. وقتي پيش يك لبنيات فروشي رسيدند خانم به شوهرش گفت:

- برو دوازده دانه تخم مرغ بخر.

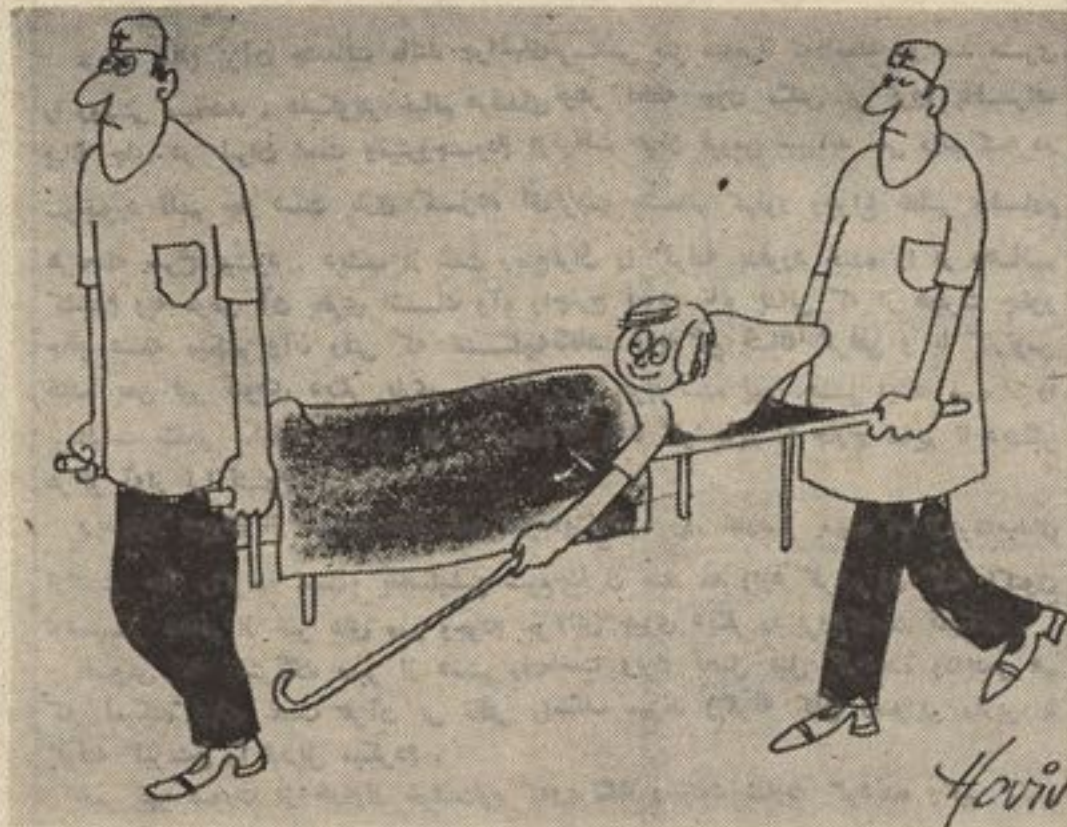
مرد براي اجراء دستور رفت و چند دقيقه بعد با پاكٲ تخم مرغ برگشت.

زن گفت:

- بسيار خوب. حالا تخم مرغ هارا به من بده و تو بچه را بغل بگير.

- چرا؟

- چون من ترا خوب مي شناسم هر وقت كه مردى از كنار من عبور كند و با من تصادم كند، هر چيزيكه به دستت باشد به ز من ميزني!



بدون شرح

تكت ديشب است

تازه نمايش شروع شده بود كه آقا و خانمي نفس زنان از راه رسيدند ولي مامور كنترول سالون نگاهي به تكت هاى آنها انداخت و گفت:

- متاسفانه با اين تكت ها نمي توانيد به سالون برويد.

چرا: عيب و نقصى دارد؟

- عيب و نقصى ندارد. فقط تكت ديشب است.

مرد بطرفي زنش برگشت و گفت:

- هزار دفعه گفتم قدرى عجله كنى تا به موقع برسيم و تو گوش نكردى.

ژوندون

براي پدرم معلوم شود

عاشق دلخسته كه از چنای دلدار به تفتك آمده بود بالاخره تصميم آخر را گرفت و بالحنى چدى به دختر جوان گفت:

- عزيزم! اين آخرين حرف من است. اگر حاضر نشوى با من ازدواج كنى با يك گلوله مغزم را نكه لكه ميكنم.

دختر كه از شنيدن اين حرف بسيار خوشش آمده بود خنده اى قشنگى كرد و گفت:

- بسيار دلم ميخواهد چنين كارى را بكنى. اين كار جواب دندان شكنى به پدرم خواهد بود. چون او فكر ميكند كه اصلا مغز ندارى.

دستى و راستى

در يك مي فروشى شهر لندن بعد از آنكه كله ها تا اندازه اى گرم شد يكى از مشتريان مردى را كنار كتيد و آهسته به او گفت:

- ميخواستم موضوع خصوصى و محرمانه اى را خيلى دوستانه به تو بگويم. يك ساعت پيش كه ميخواستم به اينجا بيايم اتفاقاً از پيش منزل تو گزشتم پنجره اتاق خوابت روشن بود و پرده هاى آنرا هم نكتيده بودند.

- خوب، خوب....

- بلى، آنوقت ديدم كه زنى و مردى مشغول معاشقه اند.

مرد فكري كرد و گفت:

- مردچه شكلى بود؟

قدش کوتاه نبود؟

- چرا؟

عينك نداشت؟

- چرا؟

مرد سرى تكان داد و گفت:

- فهميدم، زوز بوده است.

او با هر زنى كه پيش بيايد عشقبازي ميكند.



برادر شما انتخاب نموده ايم



از بالا به پائين بدون شرح

به من احتياجى نداريد

در وسط سرك ايستگاه راه آهن خانمى منسى بعد از آنكه مدتى سرمايه به اطراف نگاه مى كرد چشمش به يكسى از باربران ايستگاه افتاد. او را صدا زد و گفت:

- آه: آقا، بيزحمت بيايد اينجا. من بكس و بستره را راگم كرده ام.

باربر شانه هارا بالا انداخت و جواب داد: - خوب. بيا اين به من احتياجى نداريد.

از نیوتایمز
ترجمه: خان محمد گوارا *

آی، ال، او: در فضای همکاری

تغییرات مثبتی که طی چند سال گذشته در اروپا رخ داده تا نبر مساعدی بالای فعالیت سازمان های بین المللی این قاره داشته است، بجای اختلافات سیاسی وایدیولوژیک آنها (سا زمانها) حالا به کثرت راه های توسعه تفاهم متقابل واتخاذ تصمیم مشترک را جستجو می کنند.

نیوت تازه این مدعا کنفرانس ناحیوی سازمان بین المللی کار (آی، ال، او) میباشد که اخیرا در جنوا برگزار گردید. درین کنفرانس هیات های نمایندگی بیش از سی کشور اروپایی ونمایندگان شعبات اختصاصی ملل متحد و دیگر سازمان های دولتی و غیر دولتی حضور بهم رسانیده بودند.

بسیاری از هیات های نمایندگی خاطر نشان ساختند که حمایت موثر از منافع کارگران، که یکی از اهداف منشور آی، ال، اوسی باشد، بدون مبارزه موثر بغاطر صلح، منع مسابقات تسلیحاتی، و گذار به خلق سلاح واقعی، غیر قابل تصور می باشد. تاکید گردید که برای اجرای این اهداف، ابتکارات سیاست خار جی اتحاد شوروی که هنگام سخنرانی لیونید برژنف در برلین پیش کشیده شده است دارای اهمیت بسیار می باشد.

گرتسازنده این کنفرانس از روی این حقیقت آشکار است که کنفرانس مذکور با آرای موافق نه فیصله نامه را بر خلاف سه فیصله نامه کنفرانس گذشته) به تصویب رسانید. چیزیکه مهم است، تعداد فیصله نامه ها نیست بلکه ماهیت این فیصله نامه هائست که ساحت و سیع از جر یانات کار را، در حدود صلاحیت سازمان بین المللی کار، دربر می گیرد. در میان این ساحت وسیع، بپیچید

شرایط کار وماحول تولید، همکاری در ساحت تامین اجتماعی، انکشاف تبادل تجارب ناحیوی در سازمان وتنظیم فابریکه، نتایج استفاده تخنیک جدید، حقوق اتحادیه های کارگری روابط کار، مسایل مربوط به مهاجرت کارگران ومقررات وظایف برای نو جوانان، قرار دارد. البته، هر یک از اسناد، به صورت جداگانه مهم و باارزش می باشد.

گر چه، عمو ما احساس می شد که احتمالا مهمترین فیصله نامه، سندی که عهد اسناد دیگر را در بر می گرفت، عبارت می باشد از سندی که توسط کشور های سوسیالیستی تضمین گردیده بود و به سهمگیری سازمان بین المللی کار در همکاری اروپا تعلق می گرفت. این سند به دارالانشاء سازمان بین المللی کار

هدایت می دهد که به زود ترین فرصت ممکن نتایج تحقیقاتی مربوط به جوانب اجتماعی و اقتصادی خلق سلاح، و طرح یلان پیشنهادی را در باره سهمگیری ممکن سازمان بین المللی کار جهت مطالعه نتایج اجتماعی و اقتصادی خلق سلاح و ارتباط بین خلق سلاح و انکشاف برای مطالعه متخصصین دولتی ملل متحد، تقدیم نماید.

این حقیقت که نمایندگی های اختصاصی ملل متحد، خصوصا سازمان بین المللی کار، برای حل مساله خلق سلاح اشتراك مساعی خواهند نمود، دارای اهمیت کمی نمی باشد، اساسا عمو می ملل متحد این سازمان هارا موظف به سهمگیری در این امر مشترک نموده است.

مسابقه تسلیحاتی که از طرف حلقه های معین در غرب براه انداخته شده منابع مادی و قوای بشری عظیمی را می بلعد، می توان آن را برای اهداف تولیدی مورد استعمال قرار داد، که بار سنگینی را بر دوش مردمان کارگر کشور های سرمایه داری می گذارد. نظامی گری روز-الزون اقتصادی رشد سریع بیکاری را تعجیل می بخشد.

گروپ متشکله میسگان درباره تحقیق منافع عامه، بطور مثال، پیشبینی می نماید، که یک میلیون و سه صد و شصت هزار وظیفه (محل کار) امسال در ایالات متحده در نتیجه مصارف فوق العاده نظامی از میان خواهد رفت. عین پروسه در مورد اروپای غربی، جاییکه به استناد سازمان بین المللی کار بیکاری به سطح عظیمی مجموعه هشت عشریه شش میلیون رسیده است، و در یک عده کشور ها به صعود خود ادامه می دهد، در نظر گرفته شده می تواند.

تصمیمی که از جانب کنفرانس به ابتکار کشور های سوسیالیستی اتخاذ گردید به ضرورت توسعه همکاری اروپایی در مورد تهیه وظیفه وریشه کن ساختن بیکاری اشاره می کند. به علاوه، قبول اتخاذ اقدامات قانونیکه حد ف

آن دادن اطمینان از حق انتخاب آزادانه کاربردون تبعیض می باشد) به وظیفه درجه اول ارتقاء داده شده است.

این امر می رساند که کنفرانس در مورد تجارت اقتصاد و همکاری های علمی و تخنیک و تاثیر آن بالای سطح استخدام دلچسپی فراوانی نشان داده است. بخصوص، خاطر نشان گردیده است که سفارشات شوروی برای بیش از یک میلیون نفر در اروپای غربی وظیفه تهیه می نماید. کشور های سوسیالیستی بطور تغییرناپذیری به توسعه همکاری با شرکای غربی خود در عرصه های مختلف آمادگی نشان داده اند. لیونید گوستین رئیس هیات شوروی در کنفرانس تاکید به عمل آورد که (بایان مسابقه تسلیحاتی، انکشاف همکاری اقتصادی با امر متقابل، پیوندهای تجارتی و علمی و تخنیک بین شرق و غرب، بین شورای تعاون اقتصادی متقابل و جامعه اقتصادی اروپا، بین ممالک انکشاف یافته و اروپا به انکشاف) می تواند و باید بتواند به ازدیاد در چه رشد اقتصادی، حل مسایل اجتماعی و کار در تمام کشور ها موفقانه کمک نماید.

نظر هیات شوروی فعالانه از جانب دیگر اشتراك کنندگان کنفرانس حمایت گردید و در عین زمان، نیروهای محافظه کار، آنانیکه هنوز تاثیر قابل ملاحظه بالای سازمان بین المللی کار دارند از سازمان می خواهند که محض با جوانب تخنیک جریانات اجتماعی و کار سروکار داشته و از مسایل حاد امروزی بدور باشد. آنها آرزو دارند به بهانه غیر منطقی (دوری از سیاست) سازمان بین المللی کار را به موقف (صلح طبقاتی) و (همکاری طبقاتی) سوق دهند.

گرچه، تجربه نشان می دهد که بپیچید شرایط زندگی و کار در اروپا نمی تواند از طریق انزوا بلکه از طریق همکاری دو جانبه و چندین جانبه دول و تمام قوای عامه باعث اطمینان بخشیدن از صلح دوامدار و تکمیل دینانت سیاسی بادینانت در عرصه نظامی حل شده می تواند.

انسان‌های قدیم

وستاره‌ها را تحت مطالعه قرار داده یک کتاب بزرگی را که نمایندگی از مفکوره و نظریات او میکرد تالیف کرد. کوپرنیک درین کتابش اظهار عقیده کرده بود که آفتاب اداره کننده فاعیل سیارات بوده و تماما به دور او گردش مینمایند به همین قسم گردش زمین بدور محورش و تغییرات شب و روز را توضیح کرد. عالم دیگری که بعضی زاویه‌های تاریک این پدیده را روشن ساخت و اجسام سماوی را بهتر و روشن تر مشاهده و مطالعه کرد عبارت از گالیله می‌باشد. موصوف بحیث یک فزیک دان ایتالوی اولین کسی بود که توسط تلسکوپ کائنات را نظاره کرد و با خوشی زایدالوصفی کوه‌های سطح میناب ونیس و چهار ستاره نزدیک به جوپیترا را کشف نمود او ستاره‌های بی‌شمار دیگر را که قبلا هیچ دیده و شناخته نشده بود دید او استنباط نمود که آفتاب هم بدور محور خود گردش میکند.

دانشمند دیگری که توانست در مورد سیر و گردش اجسام فضایی نظر به‌تروقتاعت بخش تر بدهد بنام کپلر مسمی بودوی درسال ۱۵۷۱ در جرمنی متولد گردیده است. کپلر شخصا آنقدر به سیارات نظاره نمی‌کرد ولی با ستاره شناس بزرگ دنمارک بنام تیوچو کار میکرد و معلومات و مشاهدات تیوچو را در زمینه سیارات تحت مطالعه و تدقیق قرار میداد. کپلر برای ابدان نظر کوپرنیک را که میگفت سیارات حرکت انتقالی خود را در یک مدار دایروی انجام میدهند از بین برد در عوض او کشف کرد که سیارات برعکس نظر کوپرنیک این حرکت خود را در یک مدار بیضوی انجام میدهند.

شخص معروف دیگر در زمینه اینکه چرا سیارات بشکلی که هستند بدور آفتاب گردش میکنند قانون قوه جاذبیت را که اقصا و سیارات را در یک مدار معین نگاه میدارد، بوجود آورد بنام نیوتن یاد می‌شود. همزمان با او کپلر راز سیر و گردش سیارات را که در چه نوع مدار حرکت خود را انجام میدهند، اشاء نوع مدار حرکت خود را انجام میدهند.

انشتین که در آلمان تولد گردیده بود به عمر ۲۶ سالگی کتاب مخصوص تیوری نسبی خود را در ۱۹۰۵ بطبع رسانید او در ۱۹۱۶ کتاب دوم یا کتاب تیوری عمومی جاذبیت را چاپ رسانید در ۱۹۲۱ نسبت کشفیات او بشمول روشنی و برقی فزیک دان موصوف جایزه نوبل نوع مدار حرکت خود را انجام میدهند، اشاء

همه افراد خود چه زن چه مرد خدمت می‌خواهد من به حیث یک خواهر از همه دختران و زنان افغان توقع دارم که با روحیه انقلابی و خستگی ناپذیر در راه عمران و شگوفائی هر چه بیشتر افغانستان عزیز خدمت نمایند تا وطن عزیز ما از دست دشمنان خلق این دیار بساک گردد.

خوانندگان عزیز مرچه شنیدن صحبت و حکایت خاطرات زندان بلخ‌رخ صالحه جان و سمین جان خیلی دلچسپ و شنیدنیست مگر نگارش همه آنها از حوصله مجله ما بیشتر میباشد که ما به همین اندازه از خاطرات شان اکتفا می‌نماییم.

خاطرات زندانی

قربانی در راه نیک بشریت هراس نداشته باشد یک زن مبارز هنگام مقابل شدن با هر کسی بر خود صمیمانه و دوستانه می‌داشته باشد، بنظر من صفات یک زن مبارز اجتماعی بودن، برده‌بار بودن و خوش خلقی او میباشد و همراه با برادران مبارز خود دست همبستگی و اتحاد داده و در راه ساختن یک افغانستان شگوفان و نجات آن از فقر و فاقگی صادقانه خدمت نماید.

حقیقت مسلم و انکار ناپذیر است که وطن از

جمع آوری تکت‌های پستی



و بد ستروس هم دیگر بگذارند. (۴) کلکسیونر های تکت‌های پستی با جمع آوری تکت‌های مناسب طرف توجه خود میتوانند بطور غیر مستقیم عمل پس انداز را انجام دهند و بدین ترتیب برای مصونیت آینده بخویش یک اندوخته مادی داشته باشند زیرا کسا نیکو تکت‌های پستی را جمع آوری مینماید. تکت‌ها را نظر بقیمت روی آن تهیه اما در صورتیکه بعد از سبیری شدن چند سال دوباره به فروش برسائند بایک قیمت خوبتر و بلند تر امکان دارد آنرا بفروش برسائند.

(۵) ازینکه در تمام ممالک جهان سالانه به هزارها مناسبت تکت‌های پستی طبع و نشر میگردد و جمع کنندگان میتوانند تمام آنها را جمع آوری کنند آنها نظر به ذوق و علاقه خویش تکت‌های همان مناسبت های بین المللی، ملی و هنری را تهیه میکنند که طرف تائید و علاقه شان باشد و این تکت‌ها را در یک یا چند جلد البسم پستی با استفاده از انبور (پنس) مخصوص

ص تکت‌های پستی جابجا نموده کلکسیون خویش را تکمیل مینمایند. (۶) برای رهنمای بهتر علاقمندان متعلمان و جوانان عزیز شعبه رهنمایی موزیم پستی فیلا تیلی وزارت مخابرات حاضر است به سولات و پرسشهای آنها جواب قناعت بخش ارایه نماید علا و تاسا جهت آشنایی و تامین علاقه جمع کننده گان تکت‌های پستی افغانی یک موزیم در منزل اول مقابل دروازه ورودی وزارت مخابرات تا سیسیس و به فعالیت خویش ادامه میدهد.

انسانها در زندگی اجتماعی نظر به تماسهای ما حول خویش جمع آوری اشیای طرف توجه مثلا جمع آوری آثار هنری، تابلو ها، نقاشی ها، کتب، مجلات روزنامه ها نسخ خطی و یا بعضی اشیای زینتی کم قیمت و گل‌های طبیعی پروانه ها و غیره که شما مل هزار هاقلم خواهد گردید میسر دازند. اما نظر به گذشت زمان برای همه ثابت گردیده که بهترین چیز و سرآمد سایر علایق جمع آوری تکت های پستی میباشد که دارای فواید و مزا یای زیاد میباشد که از جمله نکات چندی آنرا ذیلا جهت مزید معلومات علاقمندان توضیح مید هیم.

(۱) جمع آوری تکت های پستی باعث ازدیاد معلومات علمی، هنری، نقاشی، کلتوری تاریخی طبیعی، جمع کنندگان تکت‌های پستی میگردد زیرا تصاویر تکت‌های پستی که آثار هنری نقاشان رسا مان، عکاسان متبحر جامعه بوده معرف کلتور هنر، تاریخ و ثقافت اصیل یک مملکت میباشد.

(۲) باعث انکشاف ذهن جوانان و اطفال میشود زیرا تکت های پستی که اثر نقاشان ورزیده و عکاسان ماهر میباشد ذوق هنری جوانان را که آثار لطیف و زیبا طرف تائید شان است بر می انگیزد همچنان آمیزش رنگها، نفاسات خطوط احساسات اطفال و جوانان را بیدار میسازد.

(۳) باعث معرفی و آشنائی بیشتر علاقمندان تکت‌های پستی میشود به این معنی که انجمن های فیلا تیلی و کلکسیونر های تکت‌های پستی حین تبادله تکت‌های مورد نظر بایکدیگر تماس نزدیک گرفته باهم آشنائی بیشتر پیدا میکنند که این انجمن ها در هر محیط و مملکت متفاوت میباشد علا و تاسا شنا گردان مکتب نیز حین تفریح و در اوقات فراغت میتوانند جهت اكمال کلکسیون های پستی خویش باهم تبادل افکار نموده تکت‌های مورد ضرورت یکدیگر را تهیه

کمیدین معروف تیا تر...

در ضمن خطرناک ترین وظیفه خلق ما جنگ علیه فاشیسم هتلری بود.

ار کادی رایکین نه تنگ در دست گرفته و نه علیه دشمنان جنگیده و نه تسویعاً با شاهان خود از جاسای صعب العور گذشتا ند و نه پل ها را منجر ساخته و نه کدام قهرمانی دیگر درین موارد از خود نشان داده است. اما او از روز

اول تا ختم جنگ (۱۹۴۱-۱۹۴۵) درجه جنگ قرار گرفته بود (به استثنای اوقاتی که تبار به فریه جان و شهرها در مقابل مردم غیر نظامی نما یشتا مه ها اجرا می کرد) از کادی رایکین نیز و ظایف محوله خود را انجام داد در مقابل عساکر خستک و بحری و قوماندان های جنگ نما یشتا مه ها

اجرا کرد و اغلبا نما یشتا مه ها را طوری عیار می ساخت که مسایل حری و نظایف را در بر می گرفت یعنی عساکر را اضافه تر در مقابل فاشیسم های هتلری تحریک می کرد و آنها را به کمک نما یشتا مه خود امید داشت تا اضافه تر به وظایف خود بی برسد و هر چه زود تر فاشیسم ها را نابود کند. هنوز سه روز از آغاز

جنگ نگذشته بود که ار کادی رایکین در پروگرام نما یشتا مه خود قسمت «صحنه شیطان» را جا داد. درین نما یشتا مه صحنه های از عصبانیت هتلر را تمثیل مینمود.

درین چهار سال جنگ ار کادی رایکین فاصله های زیاد را از یک جبهه به جبهه دیگر جنگ طی کرد. عساکر کوشش می کردند تا هر چه خوبتر از ایشان محافظت کنند اما با زهم او قاتی میرسید که از ریسک کار می گرفتند.

اغلبا نما یشتا مه های او در جاهای اجرا میشد که در پهلوی آن گلوله های توپ و طیاره اصابت میکرد راه های طی میکردند که از طرف هتلری ها هر روز تحت گلوله باری قرار میگرفتند

عساکر در اطراف آنها جمع میشدند اضافه تر از همه رقاصان تبار در شرایط خرابتر قرار میگرفتند زیرا او قاتی میبود که طبق درجه حرارت هوا لباس در تن نمیداشتند یا اشیا را که بالای میز بمقدار پیشبرد نما یشتا مه در میدادند توسط باد به دور برده میشد. نما یشتا مه مشکلات آنها دورا میکردند و یکی از عساکر به آنها کمک میکرد همه را دوباره

به ترتیب با لای میز میگذاشتند. بصورت عموم نما یشتا مه در آن وقت که در شرایط بسیار دشوار نما یشتا مه ها صورت میگرفت از آنها به گرمی استقبال میکردند که کدام خط فاصل

بین اجرا کنندگان نما یشتا مه و تماشاچیان نه کدام پرده و نه کدام دیكور خاص موجود بود اما يك نکته مهم این بود که همه به اینها اعتماد تام داشتند.

در روز نهم ماه می سال ۱۹۴۵ روز پیروزی خلق شوروی با لای فاشیسم هتلری تجلیل میگردد. این روز بدون شك روز تولد مجدد بشریت گفته میشود.

درین روز در همه جا خوشی برپا بود و فکر میشد که زجر شکنجه های راکه مردم شوروی و خلقهای بسیاری از کشورها از اثر اشغالگری ارتش اشغالگر فاشیستی المان متحمل شدند در خواب دیده باشند.

در زندگی و فعالیت هنری ار کادی رایکین یکی از هنرمندان معروف و جهان چارلی چاپلین رول مهم را بازی کرد، است. بدین مناسبت ار کادی رایکین چنین میگوید: «چندی قبل شخصی از جهان چشم پوشید که با او شنا مناسی

شخصی نداشتم اما در مقابل منجبت معلم اساسی در قسمت هنر خود فکر میکردم این شخصی چارلی چاپلین بود. این ضایعه بزرگی بود که نه تنها جهان هنر بلکه بشریت از او صدمه دید. مشکل است گفته شود که کدام چیز او را به همه بزرگ نشان میداد اما به فکر ار کادی رایکین چیزی که او را نزد همه محبوب نشان

میداد این بود که چارلی چاپلین به بسیار مهارت چیزهای مضحك و اغراق های هنری را با اسرودگی و غمگینی انسان توأم میساخت.

پدر ار کادی رایکین حافظه جنگلات را بعد از دانشت و معنی میور زید تا را رایکین نیز شغلی را انتخاب کند که پدرش به آن علاقه مند است و همه وقت کوشش میکرد تا ار کادی رایکین از هنر مندی دور نگه داشته شود. پدر رایکین معتقد بود که هنر شغل نیست به فکر او شغل و حرفه او قهر حق و ادانی، داکتری و محافظه جنگل بود.

رایکین با پدرش زبان مشترک پیدا نکردند و به این ترتیب رایکین در لیلیه به زندگی پرداخت و در استیوت تیا تر به تحصیل آغاز کرد. رایکین میگوید «من خود را حق به جانب فکر میکردم و دوستانم از من حمایت کامل میکردند و هر يك از آنها سعی میکردند تا به این و آن ترتیب تمنعات فامیلی را برهم زنند. ما فکر میکردیم که پدران و ما در آن ما افکار عقب مانده را در سر می پرو رانند و به چشم در ست به زندگی نظر نمیکند.

ما میخواهیم بطرز جدید زندگی کنیم. رایکین افکار پدر را وقتی درك کرد که خود پد ر شد و بعد به درجه پدر کلان رسید. او تشویقات پدرش را فهمید زیرا او فکر میکرد که پسرش اشتباه غیر قابل اصلاح را مرتکب شده است. در نتیجه یگان آرزویش که پسرش نظر به او باید بهتر زندگی کند بر آورد شد.

رایکین درین مورد چنین میگوید: «اگر چه این به اثبات رسید که من در قسمت انتخاب شغل خود حق به جانب بودم و آرزو ها یم بر آورده شد اما با زهم همه

را در مقابل پدر نمیکندم زیرا درین وقت گذشته های خود را بخاطر می آوردم زیرا ضرور است تا از همه نتایج زندگی در س عبرت گرفته شود.

رایکین میگوید: «از انشا دانی که از اطفال میکنند خوشم نمی آید اضافه تر تکانی انسان را غمگین میسازد و قتی گفته شود که همه تقایص در اطفال اثرات بد میگذارد»

این همراهی بزرگ است. اگر اطفال مانظر به ما خوبتر و بهتر زندگی نه کنند زحمات و غمها شخصیت انسان را پرورش میدهد. انسان در موجودیت دیت خود شبختی پرورش میشود و این وقتی است که هیچ از ما یشتا مه زندگی به او مشکل تمام نمیشود.

درین قسمت به گفتار بعضی اشخاص پیرامونی را نمی بینم که میگویند که جوانان در سابق عاقل و درخت ها سبز تر بود... جوانانی که من با آنها ملاقات کرده ام بسیار جلب توجه میکنند و قابل ستایش اند. و نه تنها این که آینه از آن آنها ست بلکه آنها

کار و زحمت را دوست دارند در مقابل زحمات ما و هستند و سعی میکنند تا نظریات مترقی خود را در عمل پیاده کنند من به جوانان نظر می اندازم و می دانم که همه به جای خود است. ما دارای نسل آینده بسیار قابل ستایش هستیم. اینطور با یاد با شد!

است که در تمام مسایل جهان مشوره جایان و کشورهای اروپای غربی را خواهان میباشند و خود سرانه مانند

سابق عملی را مرتکب نمیکردند. و هم دول امپریالیستی سعی بخرچ میدهند تا اگر میتوانند تضادها و اختلافات درونی خود را حل و فصل نمایند.

واژ طرف دیگر میاوزه نیروهای صلح و سوسیالیسم و دموکراسی و جنبش طبقه کارگر چنان به فعالیت خستگی ناپذیر خود ادامه میدهند که نیروهای متجاوز و امپریالیستیک را لحظه به لحظه به پرتگاه نیستی و نابودی می کشانند، و لی دول سرمایه داری بنظر آنکه دینا نت را مواجه به

شکست نمایند سعی میدارند تا اختلافات درونی خود را با تشدید اختلافات بین المللی مستور و پوشیده دارند، و لسی بهر حال تغییرات بین المللی به تقمع صلح، دموکراسی و سوسیالیسم بوده و شرایط بهتر و بهتر تری را آماده نیروهای صلح دوست میسازد.

تضادهای درونی

بقیه صفحه ۴۳

همیشگی خود را که در پی سودجوی زیاد بود از دست داده است.

چیزی دیگر یکه بصورت و صنی در تضاد های کشور های امپریالیستی افزوده

میشود همانا مواجه شدن این دول به پرابلم های وسیع جهانی است، که یکی ازین پرابلم ها برای این کشورها همانا جنبش طبقه کارگر و طرفداران این جنبش است. که بورژوازی انحصاری قبلا متوجه این مشکل نبودند، و لسی

حالا که در کشورهای امپریالیستی شکل مالکیت بر و مسایل تولید انحصاری گردیده، جنبش طبقه کارگر در مخالفت با بورژوازی انحصاری عرصه را برای انحصارگر آن تنگتر ساخته است. و این مشکلی است بزرگ که بورژوازی به آن مواجه است.

در کنفرانس برلین احزاب کمونیست و کارگری در سند آخری خویش ایس

فصله را درج و تثبیت کردند که: «در کشورهای سرمایه داری فعالیت طبقه کارگر و دیگر نیروهای سیاسی و اجتماعی آقدر در حال پیشرفت و انکشاف اند که حامی صلح و همکاری بهای متقابل بین مردم بوده و این خود فکتور فوق العاده مهم و با ارزشی است که در مبارزه بخاطر استحکام و تقویت دینا نت قش قاطع و تعیین کننده را دارا است»

در تحت تاثیر تغییرات بین المللی موجوده اصلاحات قابل ملاحظه ای در روابط بین کشورهای سرمایه داری نیز وجود آمده است، بهر حال در میانست خارجی انا زونی نسبت مشکلات و پرابلم های موجوده جهان این چرخش بوجود آمده

سگرت پلورونکی

هو! خوار سگريټ پلورونکی هره ورځ سهار وختی له کوره راووت، بازار ته راته، دهمدی مهربانه او زړه سوانده دکاندار، دکان ته یی چی د دوی یوازینی غمخور و او خپله مرسته یی نه تری سپمو له، خان را رساوه دوه دری ډبلیه سگريټ یی دخر خلاو له پاره په پور تری اخیستل، او وروسته له هغه چی سگريټ به یی له دکانداره تر لاسه کړه، نو هغه وخت به دده اصلی کار پیل شو، په منډه به یی په واټونو اوسر کونو کی گرځیدل شروع کړه، دهر هر چا مخی ته به یی سگريټ نیول که گوندی کومه دانه تری و پیری. ترما بنامه به یی همدا کار و او کله چی به ما بنام ستړی ستومان دسگريټو له خر خو لو را خلاص شو، نو غونډی رو پی به یی دسهارنی دکاندار مخی ته کبښنبود لی، لومړی به یی دهغه دسگريټو بیه ور کړه او په ور پاتی رو پیو به یی چی دده دتو لی ورځی دکار او زحمت گټه وه، دوه دری وچی ډوډی وپیرلی او مخا مخ به دخپل کور په خوارمی شو ...

وړو سگريټ پلورونکی په خپلو چور تو نو و کسی و رک و او دوخت تیریدو ته یی هیڅ پام نه ور او نبت. هغه سپرو غونډ کرخت کړی وو اوسر تر پایه د چناردبانی په شان رپر دیده، خو پدی وخت کی هغه ته تر دی ټولو خبرو دی کار ډیر از زښت در لود چی بیا هم خو شیبی همدی سپرو او یخنی ته طاقت راوړی او خان ور ته کرخت کړی که گوندی چیری یو دوه سگريټه نور هم و پلور لای شی. آخر نشوه کولای چی ژر کور ته لاړشی دا ځکه چی له دری ډبلیه سگريټو څخه داو پوره خوار لس دان سگريټه لا ور ته پاتی وه او تراوسه پوری یی هیله په هیله چی دبیی روپی پوره کړی وی. شپه تیاره وه خو هغه باید چی نور هم معطل شوی وای او سگريټ یی خرڅ کړی وای ترڅو چی اقلادو چی ډوډی رو پی خولاس ته ور شی ...

ماشوم سگريټ پلورونکی همدغسی سپرو او یخنی ته ولاړ و

سر تر پایه رپر دیده، په ډیره امید واری یی غمخپلی سترگی یوی او بلی خوا ته اړ و لی، په مات زړه به یی ساه په ستونی کی سره را غونډه کړه او ناری به یی کړلی: - سگريټ ... سگريټ ... دغه دی سگريټ ... خو څوک پرمخه نه ور ته، او که به چیری کوم لاروی دده له مخی تیر هم شو نو غیر له دی چی کومه دانه سگريټ دی تری و پیری همدغسی به یی خپله لار و نیو له او په خپل کار پسلی به لاړ.

شپه داوه اوس پوره تیاره شوی وه، خوار سگريټ پلورونکی لا په بازار کی دکان مخی ته ترمنه لاندی و لاړ و او دباران په شدت اورید لو ته یی کتل، چی یو وارله لری دیوه موټر دخراغ رها ترسترگو شوه چی دده په خواراخی سگريټ پلورونکی همدغسی په خپل ځای ولاړ و او له سترگو او پزی څخه یی دسپرو له شدت او به بهیدلی، چی موټر دده و حد ته را ورسید او له مخی یی تیر شو ماشوم هلکی په موټر پسې تر شا و کتل او ویسی لیدل چی موټر ودرید، بیر ته په شا راغی او دده مخی ته ودرید. سگريټ پلورونکی لا همدغسی حیران په خپل ځای ولاړ و چی دموټر دکر کی هنداره کښته شوه او په موټر کی ناست ځوان چی غټ غو بنینی مخ اوسری سرې پرسیدلی سترگی یی در لودی، ده ته لاس و بنوراوه او ور څخه و یی غوښتل چی نژدی ور شی. سر واخیستی هلکی و غوښتل چی دموټر خوا ته ورشی، خو د باران اوریدلو ته یی پام شوه او دځان او سگر یتودلند. یدلو و پری بیرته په خپل ځای ودراره، خو لنډی شیبی لا په همدی تر تیبانه و ی تیری شوی چی په موټر کی ناست ځوان په ډیر کبر او غرور ور ناری کړی چی دهغه خوا ته ور شی، سگريټ پلورونکی نوره معطلی ونکړه او په بیره یی دځوان خوا ته ورمڼه کړه، دموټر دکر کی خوا ته ودرید او په رپر دیدلی آواز یی ور ته وویل:

- زه دی په کارو م؟
په موټر کی ناست ځوان
دهلکی د دی پو ښتنی په اورید لو
او پری پور ته ور غور ځولی، بیایی
له خان سره څنگ ته ناستی ښکلی
او ښایسته نجلی ته په معنی داره
نظر وکتل، دواړو په زوره زوره
وخندل او وروسته له هغه په وپینو
جامو کی پټ ځوان په ډیره له تکبر
او ریشخنده ډکه لهجه سگريټ
پلورونکی ته وویل:

- هو «پلاره!» ته می په کاروی
خپه خونه شوی ... هاهاما ... او
بیا دواړو په لوړ آواز په سپرو
اخیستی ماشوم باندی وخندل او
وروسته له خو شیبی خندا په موټر
کی ناست ځوان په داسی حال کی
چی د ډیری خندا له لاسه یی په
سترگو کی او ښکی راټو لی شوی
وی، هغه یی په خپل چاغ ور غوی
پاکولی، هلکی ته مخ ور واړاوه،
وی ویل:

ژر شه، یو ډبلی سگريټ
راکړه!
ماشوم په خورا معصومیت
ځواب ورکړ:

- کاکا جانه یو بشپړ ډ بلی
خو نشته، بس دغه څو دانی پاتی
دی، که یی غواړی چی در یی کړم...
او په موټر کی ناست ځوان په
داسی حال کی چی دهلکی دخو لی
پینښی یی کولی په ډیر قهر ور ته
ووویل:

- خو دانسی سگريټ دی
ستاسروخوری ... زما بشپړ ډ بلی
په کار دی او ته وایی چی «ځودانی
پاتی دی!» ... هی ...

خو لحظی چپ شو، وروسته
له هغه یی زیات کړه:

- ښه څنگه ر ډر ر اته
گوری؟ چی بشپړ ډبلی نشته یوه
دانه خو به وی که یه؟ ژر شه
هله چی شپه می همدی ستامتحوس
په څنگ کی تیره شوه ...

دا یی وویل او تر څنگ ناستی
نجلی ته یی سترگی ور واړولی،
په ډیر شوق یی ور ته وخندل او په
سپینه غاړه کی یی لاس ورواچاوه.
سگريټ پلورونکی، چی
سر تر پایه باران لوند کړی و په
بیره یوه دانه سگريټ له ډبلیه
راویو ست او له اور لگیت سره یی

یو ځای ځوان ته و نیو.
ځوان، سگريټ تری واخیست
وی لکاوه او وروسته له هغه یی
بیر ته په څنگ کی ناسته نجلی په
غیر کی و نیو له.

وړو کی سگريټ پلورونکی
خو لحظی همدغسی چپ په خپل
ځای و درید که گوندی ځوان یی د
سگريټو رو پی ور کړی، خو چی
وی لیدل چی، هغه لا همدا سسی
بی خیا له په موټر کی له نجلی سره
لکيا دی، نو په بیره او رپر دیدو-
نکی آ وازی ور ته وویل چی
دسگريټو رو پی یی نه دی ور کړی.
او چی ځوان بیا هم ځواب ورکړ، نو
خپله خبره یی په لوړ آواز دوه دری
واره ور ته تکراره کړه.

پدی وخت کی ځوان خپلی
سری سترگی مخا مخ د سگريټ
پلورونکی مظلومو سترگو ته
و نیو لی، سر تر پایه یی ور ته
وکتل، لمړی یی خو شیبی ور باندی
وخندل او وروسته له هغه یی پداسی
حال کی چی قهر او غضب یی له
ورایه په سترگو او خیره کی
برینیده په ډیره غضب ناکه او له
سپکاوی څخه ډکه لهجه ور ته
ووویل:

- پیسی غواړی؟ ... دڅه شی
پیسی؟ ... ها؟ ...
بیایی ما شوم د سر لندو -
ویښتانو و نیو د خپل خان خوا ته یی
ور کش کړ او ورته تکرار یی کړه:
- وایه دڅه شی پیسی؟ ...
ها؟ ...

او وړوکی سگريټ پلورونکی
په ډیره ویر جنه او وار خطا لهجه
ځواب ور کړ:

د ... س ... سک

سگريټ پیسی ...
او مغرور ځوان چی دما شوم
له دی خوابه لا په قهر شو، په ډیر
قهر هلکی بیا دځان وخوا ته ورکش
کړ، ورته و ویل:
واخله! ... ها، ها، ها ...
اوله دی خبری سره سم یی
هغه په ډیر شدت پوری واهه، بی
گناه هلك په لندو خټوکی و لوید،
سر تر پایه په خټو ولړل شو،
دزړه سو ځوونکی ژر اړغ یی په
سره هواکی د ځوان له مغروری
خندا سره وپېچل شو او په ډیر
شدت دموټر دخو خید لو بڼه دالری
پرکړه.

فهرمان جهانی شطرنج...

بازی ها در با گویو (۹۳) روز طول کشید. در طول این مدت حریفان باهم (۳۲) بازی شطرنج را ادامه دادند که ازین جمله (۱۱) بازی آن با نتیجه خاتمه یافت حریفان (۱۰۲۷) حرکت انجام دادند و در عقب میز شطرنج (۱۷۵) ساعات راسپری کردند. این دور مسابقات کارپوف و کورچنوی نظیر به سه سال گذشته بسیار حاد و هیجان انگیز بود حتی نظیر به مسابقات سال (۱۹۷۲) بین روبرت فیشر و بوریس اسپاسکی در ریکجا و یک مرکز مملکت ایسلند که نتایج مسابقات در بازی ها دهم الی دوازدهم خاتمه یافت. برآیند جالب تر و دیدنی بود.

هفت بازی او لی بین کارپوف و کورچنوی با موفقیت های متغیرو بی نتیجه پایان یافت در دور بازی هشتم کارپوف با قر بانی یکی از «پیاده» های وسطی توانست (شاه) حریف را تحت حمله شد بد قرار بدهد و بازی را به نفع خود خاتمه دهد.

بعد از سه بازی دیگر حریف توانست توازن را برقرار و در بازی سیزدهم ابتکار را در دست گرفت و در لحظه بازی نا تمام به روز آینده موکول میشد کورچنوی در شرایط مسا عد تر قرار داشت در روزی که بازی نا تمام با بد خاتمه می یافت کورچنوی بطور غیر مترقبه رخصتی گرفت.

در روز های که بازی ها بشکل نا تمام باقی ماند لایرا توار سازندگی کارپوف شب و روز کار میکرد. درین لایرا توار معا و نین کارپوف شامل بودند و عبارت بودند از:

- یوری بالاشوف که در قسمت شطرنج دارای فکر و خاطر بسیار عالی میباشد. - ایگور زایتسف شطرنج با زبانتی عالی که در قسمت حل نا همپانی شطرنج از مهارت زیاد برخوردار بود.

- قهرمان جهانی سابق شطرنج میخائیل تال که به گفته خودش از شعبه کنترول تخنیک (لابراتوار) با زرسی می نمود و تقابلی را زود تر درک میکرد.

تحلیل مسا یل معولا به شکل جوره نی صورت میگرفت و بعد با همدیگر در مورد مذاکره میکردند. درعین تحلیل موضوع کارپوف نکته ضعف را بطور آنی درک میکرد و مباحثات سر از نو آغاز میشد. رفقای کارپوف به بسیار زحمت او را وادار میساختند تا به خواب برود و برای بازی

های آینده نیروی خود را حفظ نماید. ساعات چارو یا پنج شب میبود که کارپوف به بسیار زحمت موافقه میکرد و صبح با نوشته ها و نظریات جدید نزد رفقا می آمد. این نظریات رادر وقتی طرح میکرد که همه معتقد بودند او خواب است. روز آینده بازی چار دهم آغاز گردید. در یک روز با بد دو بازی نا تمام خاتمه می یافت در حالیکه حریف در هر دو بازی شانس خوبی داشت اما مسابقات را شانس خوب نه بلکه بازی کیفی انا تولی کارپوف به نفع خود کتاشد.

کورچنوی و معا و نین فتر او که از شطرنج بازان انگلیسی کین، ستین، شطرنج با زار جنتاین پا نو و شطرنج با زاسرائیلی موری تشکیل یافته بودند نتوانستند به نکات بازی سیزدهم پی ببرند. در لحظات اول حرکات دلیرانه کارپوف برای حریف غیر مترقبه بود. در نتیجه حریف رشته را از دست داد و بازی سیزدهم را باخت. به عین ترتیب در بازی چاردهم نیز مغلوب گردید. انا تولی کارپوف با سه پیروزی و یک باخت ابتکار را در دست گرفت.

در بازی هفدهم از ویکتور کورچنوی حوا دت بسیار نا گوار استقبال کردند درین بازی کورچنوی با زهم نتوانست به عملیات کارپوف پی ببرد و مغلوب شد.

پیروزی کارپوف بطور نهای بسیار نزدیک شده بود. درین وقت کورچنوی رخصتی میگرفت و عازم مانیلا شد. در مقامات رسمی پیشنهاد کرد تا برده

آینوی گذشته شود و تما شاجیان نتوانند از جریان مسابقات دیدن نمایند بعد از شش روز تفریح مسابقات دو باره آغاز شد و نتایج چار مقابل یک در کارپوف احساسات منفی را بوجود آورد زیرا فکر میکرد که پیروزی در چند قدمی او قرار دارد به این لحاظ بود که در بازی های هژدهم، بیستم، بیست و دوم و بیست و پنجم کارپوف به بسیار مهارت بازی ها را آغاز کرد اما در لحظه نهای اشتباهاتی رخ میداد که به نفع او صدمه وارد میکردند بعد از اینکه کورچنوی بازی بیست و یکم را به نفع خود خاتمه داد فاصله بین هر دو نزدیکتر شد.

بعد از بازی مو فقا نه در دور بیست و هشتم کارپوف توانست دو باره با لای حریف پیروزی حاصل نماید و نتایج را

تا سه نمره اضافه تر به نفع خود بکشاند و ضرور بود تا یک پیروزی دیگر حاصل نماید و مسابقات را بطور نهای به نفع خود برساند. اما تا وقتی که این پیروزی نهای را حاصل کرد روز های دشوار رو در اما نیک را تحمل نمود.

چون کارپوف درین وقت روحی و جسمی بسیار خسته شده بود در بازی های او اشتباهات دیده میشد. قبل از اینکه کارپوف عازم مانیلا شود پنج ماه مسلسل از تخته شطرنج دور نمی شد و روز و شب بطرف دانه های آن میدید و مسابیل مغلوق آنرا با خود حل میکرد در نتیجه بسیار خسته شده بود. رخصتی های که در خلال مسابقات کارپوف می گرفت اصلا رخصتی گفته نمیشد زیرا درین روز هم کارپوف به شدت ادامه می داشت و با رفقای خود در مورد مسابیل مغلوق شطرنج مذاکره میکرد.

دو نتیجه پیروزی نزدیک با لای کارپوف تاثیر روانی را وارد نمود. زیرا وقتی که فکر شود کار تقریبا به اتمام رسیده با نیروی مکمل انجام آن بسیار مشکل میباشد و انسان نمیتواند در لحظات اخیر فعالیت مکمل خود را بکار اندازد کارپوف به عین ترتیب این نکات را یاد آوری میکرد و به بسیار تر می اعتراف می کرد. من انتظار تسلیمی را داشتیم به این ترتیب انا تولی کارپوف در طول سه سال که قهرمان شطرنج جهانی بود از (۱۸۶) بازی فقط (۶) آنرا باخت بود در با گویو نیز فقط دوبار مغلوب شد در عین حال از چار بازی سه بازی آنرا (که دو بازی در نتیجه اشتباهات صریح

تاریخچه پیروزی نزدیک با لای کارپوف تاثیر روانی را وارد نمود. زیرا وقتی که فکر شود کار تقریبا به اتمام رسیده با نیروی مکمل انجام آن بسیار مشکل میباشد و انسان نمیتواند در لحظات اخیر فعالیت مکمل خود را بکار اندازد کارپوف به عین ترتیب این نکات را یاد آوری میکرد و به بسیار تر می اعتراف می کرد. من انتظار تسلیمی را داشتیم به این ترتیب انا تولی کارپوف در طول سه سال که قهرمان شطرنج جهانی بود از (۱۸۶) بازی فقط (۶) آنرا باخت بود در با گویو نیز فقط دوبار مغلوب شد در عین حال از چار بازی سه بازی آنرا (که دو بازی در نتیجه اشتباهات صریح

شبهه یی از جنایات ضد بشری...

وزارت خارجه کمپوچیا طی ابلاغیه ای که در جولای ۱۹۷۹ بارتباط به کمک عساکر ویتنام به عساکر کمپوچیا انتشار داد گفت بموجب معاهده دوستی و همکاری بین جمهوری خلق کمپوچیا و جمهوری سوسیالیستی ویتنام، اردوی خلق ویتنام به اقامت خود در کمپوچیا بمنظور کمک بانبروهای مسلح کمپوچیا برای از بین بردن عناصر باقیمانده طرفدار رژیم فاشیستی پو پوت، یتگساری و سایر عناصر مرتجع ادامه خواهند داد. موجودیت اردوی خلق ویتنام در کمپوچیا کاملاً مربوط به روابط برادرانه دو کشور است و کدام کشور دیگر را تهدید نمی کند، مادامیکه توسعه کلیان منطقه و امپریالیستان طرح های مداخلوی خود را راجع به کمپوچیا ترک داده، استقلال و حاکمیت ملی

جمهوری خلق کمپوچیا را بر سمیت بشناسد آنگاه اردوی خلق ویتنام بلافاصله از کمپوچیا خارج خواهد شد.

جمهوری خلق کمپوچیا بایروزی از سیاست زیست با همی مسالمت آمیز و دوستی با همه ملل بدون هرگونه تبعیض و براساس احترام متقابله وعدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، طور روز افزون حمایت ملل جهان را جلب میکند خلق کمپوچیا با پشتیبانی بین المللی جمع نیروهای طرفدار صلح و موکراسی و ترقی اجتماعی مخصوصا با حمایت دول مترقی و سوسیالیستی بر جمیع طرح های امپریالیستی علیه کشورشان غالب خواهند شد و کار عمران مجدد ملی و اعمار یک جامعه پیشرفته و عاری از هر گونه ظلم و استثمار را طور مطمئن به پیش خواهد برد.

خواره تاسی جو روی...

رشد کی زیات موثر دی دژوندا نه دیپیل نه د بلو غی (خوانی) ترپایه پوری د بدن په وده او نه تکامل کی تعیین کوو نکي نقش لو پوی او دامید واری اوشیدو ور کو لو په وخت کی دوجودا پتیا دی ویتسا مین ته زیاته وی .

داویتا مین دکلسیم او فا سفور جذب دکلمو څخه ممکنوی ددی ویتا مین کموا لی دهیو کی دپا سته کیدواو کپیدو سبب کپیری . ددی ویتامین دکموا لی له کبله دکلسیم او فا سفور دزیات اخیستلو سره سره دهغوی جذب دکو لمو پوا سطره سو رت نه نیسی څرنگه چی دهیو کی پاسته کیدل او کوروا لی به ماشو مانو کی زیات لیدل کپیری لدی کبله دگرانی میندو یا ملر نه دی ټکو نه اړوم .

ویتا مین لازم مقدار دلمر دوپا نکو دمرو ضیدو لیاری وا خلی . باید وویم چی زمون دگران هیواد افغانستان شین اوخلیدونکی آسمان په نړی کی بی سا ری دی مون ته لازمه ده چی دهغه نه دکسی اخیستلو لیا ری زده کړو اودطبیعت ددی ارزا نی نه چی زمون هیواد په حق کی لری زیاته اندا ره استفا ده وکړو .

ویتا مین ای :

څرنگه چی وو یل شو چی دا ویتا مین په غوړو کی دمنخلو ویتسا مینو له ډلی څخه دی او دتو دوخی په مقابله کی مقاوم دهغه کموا لی دعضلو یو ډول التهام منخته راوړی چی د بدن دعضلا تو دکمزور تیاو



مین دی په کموا لی اخته نشی باید دهغوی دلمر وپا نکو ته وا چول شی که په ورځ کی ۵-۳۰ دقیقو له پاره ما شوم لوخ لمر ته وا چول شی کافی اندازه ویتا مین دی د هغوی د بدن په بو ستنکی کی جوړ پیری ور یخ دوپری ، کالی شیشه ددی ویتا مین دجوړیدو ما نع د بدن په بو ستنکی کی کپیری . ددی ویتامین مقدار په هغو غذا گا نو کی لکه د چرکی هکی ، کوچ ، شیدی ، څکر نظرو بیلو بیلو مو سمو او خای توپیر لری . چی دمحا سبی له نظره د ډاډ وړندی . لدی کبله که دخان اوخیل ما شو ما نوروغتیا سلامتی او ښکلا غوا پی نوددی مین دی په کموا لی اخته نشی باید دهغوی دلمر وپا نکو ته وا چول شی که په ورځ کی ۵-۳۰ دقیقو له پاره ما شوم لوخ لمر ته وا چول شی کافی اندازه ویتا مین دی د هغوی د بدن په بو ستنکی کی جوړ پیری ور یخ دوپری ، کالی شیشه ددی ویتا مین دجوړیدو ما نع د بدن په بو ستنکی کی کپیری . ددی ویتامین مقدار په هغو غذا گا نو کی لکه د چرکی هکی ، کوچ ، شیدی ، څکر نظرو بیلو بیلو مو سمو او خای توپیر لری . چی دمحا سبی له نظره د ډاډ وړندی . لدی کبله که دخان اوخیل ما شو ما نوروغتیا سلامتی او ښکلا غوا پی نوددی

نوریا

چگونه علاج امراض

از طبیعت بوجود آمده باشد میتواند موثر ثابت شود . امروز به انتر زحمات دانشمندان مواد کیمیاوی زیاد کشف گردیده که میتواند با علل دایسه امراض مبارزه نموده آنها را از ازدیاد و تکثیر حدیش تر میتواند جلو گیری نماید . این که چگونه میتوان با مواد کیمیاوی علل امراض مانند سفلس ودفتری را از میان برداشت زحمات زیادی را لازم و ضروری دانست . کشفیات پاک ابریح در مورد مبارزه و محدودیسه های امراض سفلس مانند گلوله بود که فقط ریشه و اساس مرض را مورد حمله قرار داده بود .

پال آدم عجیب بود او از طعن و اتهامات که به اومی بستند هیچگاه دل افسرده و پژمرده نمی شد او با دقت و احتیاط کارش را دنبال میکرد او عقیده راسخ داشت که بر اتهامات ناجوانمردانه آینده پایزم میتواند بابر هان عملی وقوانین عینی تکامل غلبه حاصل کند که کارو فرجام کارش نیز به همینگونه که او عقیده داشت منجر گردید .

دانشمند بزرگ جاپانی سبوچی رو هانا نیز با پال در تحقیق و کشفیات علمی کمک های لازم بعمل آورد دوش به دوش با او با همکاران و شاگردان که در موسسه به آنها کار می نمود در آموزش

بیدایش علل امراض موفقیت های بس دست میامدند . بودجود آوردند در ابتدای نام ابریح - هانا ۶۰۶ ادویه را که آنها برای تدای مرض سفلس یاد می شد بعدها این نام به اسم سلفرن مسمی گردید و در سال ۱۹۰۸ موفق به دریافت جایزه نوبل گردید کمپنی هوست برای اولین مرتبه به مقدار ۶۵۰۰۰ این ادویه را تولید نموده طور مجانی به اطب در سراسر جهان تقدیم داشت .

پال در روز ۱۶ ساعت کار میکرد در آن روز کار رهبران متعصب مذهبی او را به یاد تکفیر بستند و جزای برای او تعیین نمودند .

پال در سال ۱۹۱۵ به عمر ۱۶ سالگی چشم از جهان بست . او در زندگی کم نان میخورد کمتر سگرت می کشید اما ۲۴ دانه سیگار را در یک روز کار ترجیح میداد . پال کمتر علاقه به تفریح و خوشگذرانی داشت .

در سال های ۱۹۲۳ و ۱۹۴۵ تلاش های صورت گرفت که مستبدین طرفداری هتلر کلیه دست آورد هاو کشفیات او را نابود سازند . اما با وجود تلاش های مذبحخانه آنها نتوانستند جلو رشد و تکامل علوم را سد سازند بعدها موسسات تحقیقاتی دگری بنام پال در سراسر اروپا باز گردید که در هر جا نام او به افتخار که در موسسه به آنها کار می نمود در آموزش

په پر مختیایمی

په بیلابیلو پرمختیایمی هیژادو نوکی دکار او عمل پروگرام طرح او په کور نیو زیر مو او بشری خواو باندي زیاته قوه واچوله شی .

دزاکریپ په ښارکی دپرمختیایمی هیوادو په ملور میز کی درایوبه قاطع اکثریت موافقه وشوه چی په خان باندي دانکا داصل دیواو تیا او دیوه نوی نړیوال اقتصادی نظم دجوړولو دپاره دپرمختیایمی هیوادو په مینځ کی دصمیمانه همکاریو موضوع دپره مهمه او یو ضروری کار گنل کیږی . همدارنگه دغذایی موادو د تولیداتو دسطحی دلورولو او په اقتصادی او تخنیکسی چاروکی دیوه کلفی بدلون درامنځ ته کولو دپاره دپرمختیایمی هیوادو نو ترمنځ په زړه پوری همکاری یو مهم کار بلل کیدای شی . پرمختیایمی هیوادونه که جبری وغواپی چی دیوه نوی نړیوال اقتصادی نظم دجوړیدو دپاره کار وکړی باید تر یو میخو کی سره یو متی شی او هر ډول کپتالیستی اقتصادی مانور وسره مبارزه وکړی .

په زاگریپ کی دپرمختیایمی هیوادونو استاز وپه دی خبره باندي ټینگار کړیدی چی دا اجتماعی اصلاحاتو ستر ایزی په پرمختیایمی هیوادو نوکی دلوری دله مینځه وړلو سره لویه مرسته کولای شی .

دمدور میز په خبر وکی موافقه وشوه چی دځمکو ددموکراتیک اصلاحاتو داصل دپه نظر کی نیولو سره باید گروند گرو او باغ لرونکو دکرنی ضرورت وړ ماشین الات برابر کړل شی او په ضمن کی ورته دکرنی دترویجی او اصلاحی چارو په باب ټولی نوی طریقې او عصری میتودونه و ښودل شی .

امپریالیزم عمده ترین ...

پوشیده نیست. این به اصطلاح مدافع حقوق بشر طی بیست سال تجاوز و جنگ افروزی در ویتنام صد هزار انسان بیگناه و وطن پرست را مقتول و یا معدوم نمود و پست ترین اعمال غیر انسانی و خلاف کرامت انسانی و حقوق بشر را درین سر زمین مرتکب شد. از نا پالم گرفته تا بمب های مکرر بی و کیمیا وی بر خلق ویتنام قهر مان استعمال نمود مزارغ ربه آتش کشید و حتی با استعمال مواد کیمیاوی زمین ها را غیر قابل زرع ساخت.

آری، این است شمه ای از خدمت گذاری های بشر دوستانه و آزادی طلبانه ای؟! امپریالیزم که امروز با بر خ کشیدن پرده ی حقوق بشر؟! و آزادی؟! جار و جنجال بزرگی را براه انداخته است. و هر قدر انسان ها آگاه تر می شوند امپریالیزم نیز جامه بدل می کند و تازه ترین شکل تعمیر امپریالیست استعماری خود را علاوه از طریق مستقیم و مدار خله مستقیم سرور صورت می دهد بلکه با دست نشانده ساختن و مفاد ساختن و تطبیع ممالک مختلف در مناطق مختلف جهان بمر سو دست اندازی می کند.

امپریالیزم و در راس امپریالیزم امریکاییان براه انداختن توطئه ها و دسیسه ها در مناطق مختلف جهان فکر می کند که در هر جا که بخواهد مانند چلی پنو چت هارا بر سر قدرت آورد و آنرا محافظه نماید تا خلق را به خاک و خون بکشد ولی این امر در عمل ثابت شده است که ناممکن می باشد چنانچه پنو چت و وطن ما (حفیظ امین جاسوس) را با وجود بکار بردن هر نوع حیله و نیرنگ نتوانست از طوفان خشم خلق برهانند.

جای بسیار تا سف است که در مناطق مختلف جهان مرتجعین بر سر اقتدار کشور های آله ای - دست و پیا ده کننده ای نقشه های

معیلا نه امپریالیزم می گردد که خلقهای خود آنکشور ها در طول تاریخ مورد دستبرد امپریالیزم قرار گرفته اند. امروز دولت مصر در شرق میانه و پاکستان در منطقه ی جنوب آسیا، پیاده کنندگان نقشه های دسیسه کارا نه ای امپریالیزم امریکایی می باشد چنانچه:

دولت فعلی مصر در سر دمداری سادات این معامله گر نامدار تاریخ همه اعمال و دسیسه و نقشه و دشمنی های امپریالیزم را که در حق خلق عرب و بخصوص مصر نموده بباد فراموشی سپرد و علاوه از آنکه با سازش ننگین کمپ دیوید نام سیاه خود را در تاریخ ثبت نمود اینک بحکم امپریالیزم امریکایی دسیسه آن دولت و آقای کارتر رادر حاشیه ای سرحدات ماعملی می نماید و از داری خلق تاراج شده ای مصر کمک های حاشیه ای مابا نه ای با به اصطلاح مهاجرین افغانی انجام می دهد.

هكذا جنرال ضياء الحق که زمام امور کشور بسرا در مسلمان و همسایه ای ما را بدست دارد با اعمال عاقبت نه اندیشا نهی خود با صلح و آرا می منطقه بازی میکند. دولت پاکستان تحت قو ما نده جنرال ضیاء کچکول خود را از کمک های ؟ اما لک

مختلف مملو ساخته است و بسا اصرار زیاد به ولی نعمت خود وسعت این کمک هارا طلب است.

چندی قبل هنگامیکه برژینسکی (چون ارواح خبیثه وسرگردان) نغاره به اصطلاح موضوع افغان - نستان را بگردن داشت و ووا زد پاکستان شد. جنرال صا حسب مصرانه از در بار امپریالیزم خود.

اما ن کمک های وسیع تر شد. آیا جنرال صا حسب اعمال دوستانه و غمخوارانه ای امپریالیزم انگلیس (سلف امپریالیزم امریکایی) رادر مورد نیم قاره فراموش کرده است که حالا کشور اسلامی و براه در ما را بهزرد خا نه ای امپریالیزم تبدیل می نماید. به همه مرتجعین به صراحت اعلام می گردد که هر نوع تبلیغات و اعمال تحریک آمیز تنها به سود امپریالیزم و استعمار است و منطقه رانا آرام ساختن است. امپریالیزم امریکایی که با این فعالیت های خود می خواهد ژاندرم دیگری در منطقه ایجاد نماید (قبلا امپریالیزم امریکایی را در ایران با پلان های وسیع پنتاگون بمشابه ژاندرم استعمال می کرد و طوریکه تا ریش شامه است خشم خلق ایران براه انداختن انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی این توطئه ها و نقشه هارا نقش بر آب ساخت که این موضوع برای همه کسانیکه آله ای دست امپریالیزم قرار می گیرند از جمله جنرال صا حسب سخت آمو زنده است) و توسط آن

مختلف مملو ساخته است و بسا اصرار زیاد به ولی نعمت خود وسعت این کمک هارا طلب است. چندی قبل هنگامیکه برژینسکی (چون ارواح خبیثه وسرگردان) نغاره به اصطلاح موضوع افغان - نستان را بگردن داشت و ووا زد پاکستان شد. جنرال صا حسب مصرانه از در بار امپریالیزم خود. اما ن کمک های وسیع تر شد. آیا جنرال صا حسب اعمال دوستانه و غمخوارانه ای امپریالیزم انگلیس (سلف امپریالیزم امریکایی) رادر مورد نیم قاره فراموش کرده است که حالا کشور اسلامی و براه در ما را بهزرد خا نه ای امپریالیزم تبدیل می نماید. به همه مرتجعین به صراحت اعلام می گردد که هر نوع تبلیغات و اعمال تحریک آمیز تنها به سود امپریالیزم و استعمار است و منطقه رانا آرام ساختن است. امپریالیزم امریکایی که با این فعالیت های خود می خواهد ژاندرم دیگری در منطقه ایجاد نماید (قبلا امپریالیزم امریکایی را در ایران با پلان های وسیع پنتاگون بمشابه ژاندرم استعمال می کرد و طوریکه تا ریش شامه است خشم خلق ایران براه انداختن انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی این توطئه ها و نقشه هارا نقش بر آب ساخت که این موضوع برای همه کسانیکه آله ای دست امپریالیزم قرار می گیرند از جمله جنرال صا حسب سخت آمو زنده است) و توسط آن

دیوار های جدید

بدون نقاشی فرق میکند، و شاید نقاش هم در این امر مسوولیتی نداشته و او بیشتر ذوق و نظر فرما یشی دهند مرامرات نموده باشد. بهر صورت این نقاشی های دیواری نظر به دید اشخاص فرق میکند. یکده آنرا ستوده اند و عده دیگر هم از آن انتقاد نموده اند و آنرا فاقد زیبا یی و هنر دانسته اند، تا نظر شما چه باشد.

نقشه های تجار و زکا رانه و مغرضانه خود را عملی سازد، امپریالیزم امریکایی که سخت در جهان تجرید است و همه به ما هیت اصلی آن پی برده است اکنون می گوید که به زعم خود با براه انداختن موضوع نام نهاد افغان نستان ذهنیت جهان نیان را از اعمال شوم خود منحرف سازد. مگر همین حالا خلق آزاد - ده یی ایران برای کشیدن انتقام ازین دشمن بشریت و جهت اعتراف ض علیه دفاع و پناه دادن شاه فراری ایران لانه ی جاسوسی امپریالیزم امریکایی را از صد روز به اینطرف در اشغال خود ندادند؟

امپریالیزم امریکایی که با از دست دادن اجنت خود در افغانستان نستان (حفیظ الله امین) سخت دستپاچه شده است و صریحا مغرضانه علیه افغان نستان اقدام و تبلیغ می نماید جز رسوایی و ندامت چیزی دیگر بدست نخواهد آورد. چنانچه در مورد موضوع مغرضانه ای امپریالیزم امریکایی بعد از پیروزی مرحله دوم و تکاملی انقلاب ثور در مصاحبه ای تا ریخی هجده دلو ۱۳۵۸ نطق وزارت امور خارجه افغان نستان چنین گفته شده است:

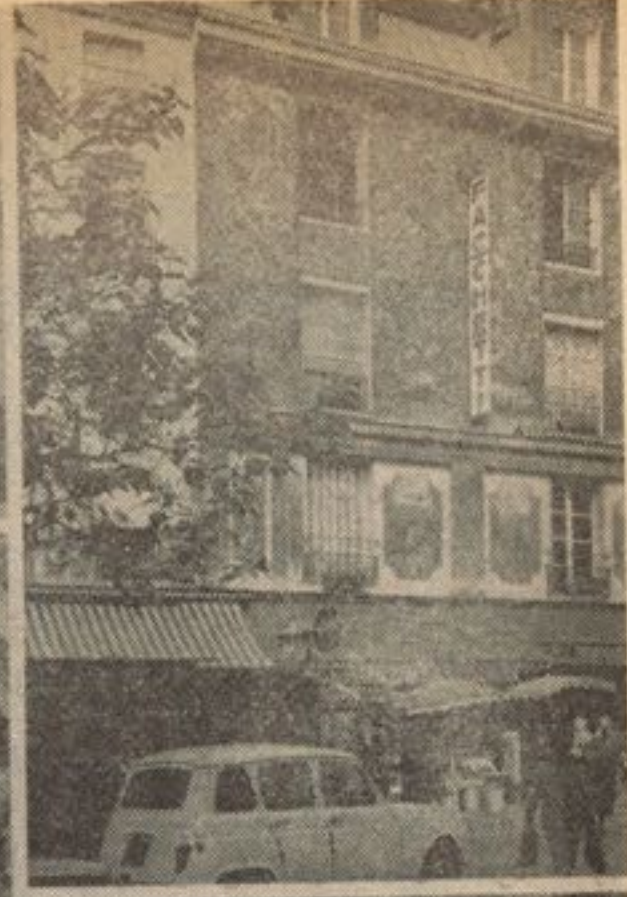
«مسافرت برژینسکی به پاکستان و بعضی کشور های شرق میانه و بطور خاص دیدار وی از آنچمننا بع امپریالیزم کمپ پنا - هگزینان می نماید، ادا مه مو قف مغرضانه ای است که امپریالیزم امریکایی در مورد افغان نستان بعد از مرحله ی جدید انقلاب افغان نستان

اتخاذ کرده است... خلق های مسلمان سرا سر جهان از افغان نستان و پاکستان و مصر و غیره هیچگاه فراموش نمی کنند که این امپریالیزم و در راس امپریالیزم امریکایی است که باعث سرگردانی آوارگی بیچارگی و فقر آنها شده است و به مقدم تر یمن مقدسات مذهبی آنها خیره سرانه بازی می نماید و اسرا نیل صبیو - نیست را بمشابه او باش تجاوزگر تطبیع و مسلح می سازد.

زنده باد خلق های آزاده جهان روی امپریالیزم مانند همیشه سیاه باد



چند نمونه از دیوارهای رنگت شده



نقاشی های که در بعضی از دیوارها دیده میشود فاقد این تازه گی است زیرا نه با معیارهای قبول شده نقاشی برآوردند و نه توجهی بیننده را جلب میکند .

بعضی از این نقاشی ها علاوه از اینکه فاقد زیبایی اند آزاردهنده نیز است مانند دیوارهای منعکس کننده که از رنگهای تند و درخشان بیشتر کار گرفته شده است .

این نقاشی های دیوارها بیشتر در ساختمان های بکار رفته که فاقد زیبایی منظره بیرونی اند و صرف بخاطر پوشاندن عیوب این دیوارها است . رهگذران بلد و سیاح که این نقاشی ها را مشاهده میکنند باید بدانند آن متاثر میگردد زیرا تصور می نماید که هنر نقاشی چقدر رو به زوال نهاده است . و این هنر زیبا و کهن صرف به همین نقاشی های دیواری محدود مانده است و بسی .

یکعده کسانیکه این نقاشی ها را دیده اند در مورد چنین ابراز نظر میکنند بعضی آن نقاشی ها مانند سراب است و فریب

مسافریکه از دور این نقاشی های دیواری را می بیند بتصور اینگونه هر چه است در همین جا است بسوی باغ و بوستان می شتابد ولی هر قدر نزدیک میگردد بیشتر به حقیقت آگاه میگردد و بالاخره جز دیوار رنگ شده چیزی نمی یابد .

باید گفت که این نقاشی های دیواری چیز تازه و بکری نیست . این شیوه هزاران سال قبل از امروز رواج داشته است . با این تفاوت که در آن روز کاری نقاشی های دیواری از وسایل

محدودتری نسبت به امروز برخوردار بودند . و نقاشی تازه راه خود را در قطار ساینده ها باز کرده بود .

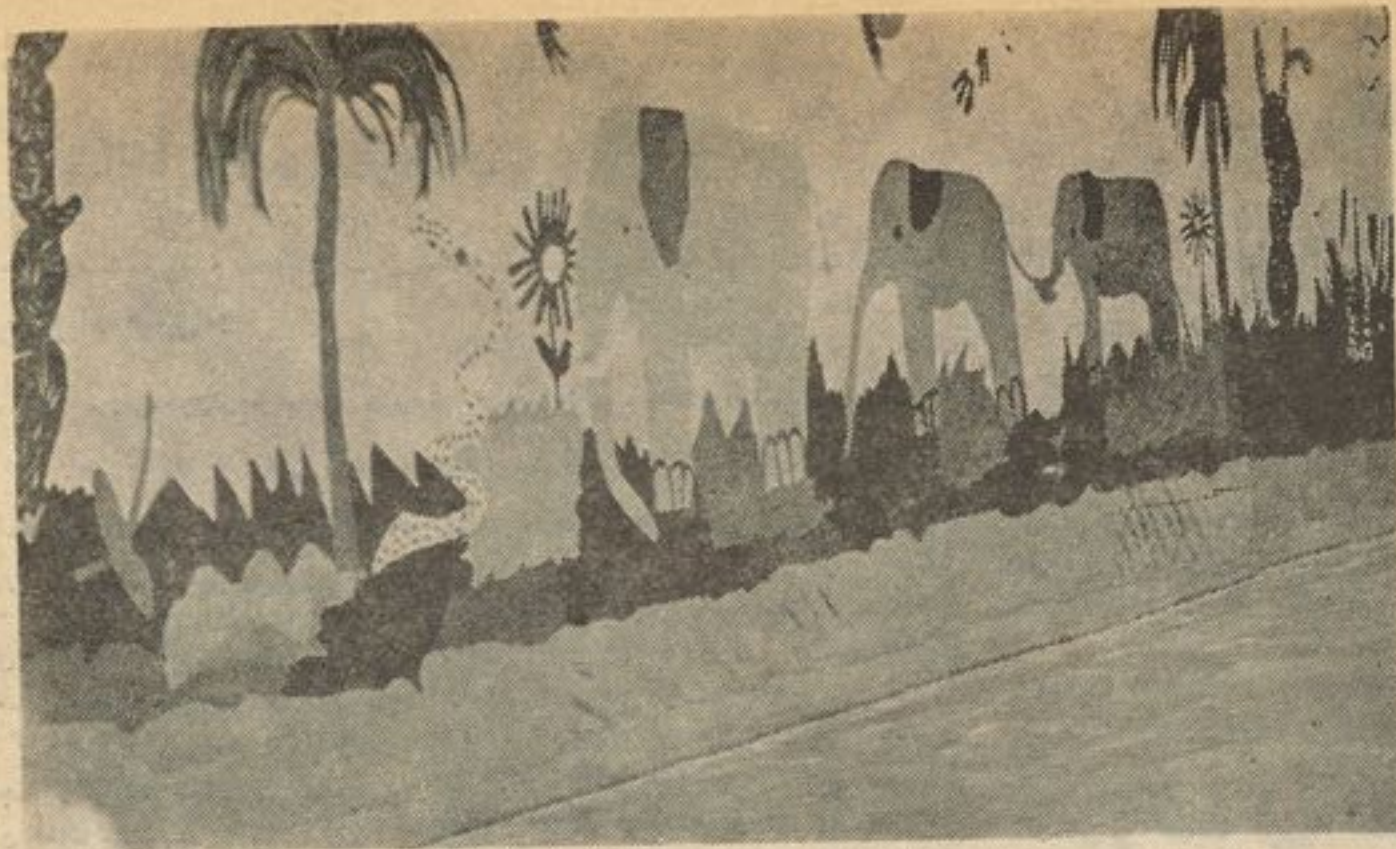


چند نمونه از نقاشی های دیواری که بعضی از آنها فاقد زیبایی اند و برخی دیگر آن ... ترجمه : ر. ا

دیوارهای جدید برای شهر

نقاشی روی دیوار یا پدیده یی تازه که راه خود را باز کرده است

از چندی بدین طرف موج نقاشی های روی دیوار در ارومیه رواج فراوان یافته است . بعضی از این نقاشی ها طوری است که بیننده و تماشاگر را متاثر میسازد ، زیرا این نقاشی ها جز رنگ آمیزی روی دیوارهای کج و معوج چیزی دیگری نیست ، اما برخی دیگر آن تا اندازه بسیار از هنرهای دیده میشود لکن دارای زیبایی اند که میتوان به آن نقاشی گفت . نوآوری و تازه آفرینی امروز در بسیاری از هنرهای دیده میشود لکن



گاهی این نقاشی‌ها فریبنده است

برای زیبا ساختن دیوارها و ساسا-
ختمانها این چنین نقاشی‌ها امر
لازمی و حتمی نبوده بلکه میتوان از
راه‌های دیگر نیز بر زیبا بی‌آن‌افز-
ود مانند پاک‌نکهدا شدن این ساسا-
ختمانها از دود و بعضی کثافات
دیگر

یک‌کده دیگر با تما شای این-
نقاشی‌های دیوار می‌گویند :
وقتی انسان به این رسمها مینگرد
فاصله و تفاهت که میان آثار نقاشی
شان حر فوی و پرو فیشنل و آما تور
وجود دارد بخوبی مشاهد می‌نماید
یابد هر قدر انسان به این رسمها
دقیق گردد بیشتر این فاصله و تفاهت
وت‌ها را می‌بیند لکن با تمام اینها
این شیوه‌ها اشکال در ذات خود بی‌نتیجه
و خالی از فایده نیست . مهمترین
اصل که در این نقاشی‌ها مشاهده
میشود کار جمعی را نشان میدهد
و این خود وسیله ارتباط است بین
نقاشان و هنرمندان . بهر صورت این
نقاشی‌های دیوارها را می‌توان تزئین
بقیه در ص ۵۵



بعضی از این نقاشی‌ها به شیوه
خاص ترسیم شده

جوان در برابر سودجویی‌ها بی
شخصی و منفردانه بعضی میلو نر
ها و صا حبان ثروت این نقاشی‌هایی
دیواری باعث شده که یک‌کده زیادی
از نقاشان و هنرمندان جوان مصر-
وف کار کردند و کار مشترکی برای
آنان ایجاد گردد . یک‌کده هم چنین
عقیده دارند که تغییر دادن دیوارها
و ساسا ختمانها توسط نقاشی یک
مساله مهم و یک پرو بلم عمده نبوده
اگر از جنبه بی‌سبب و لیک این
نقاشی‌ها بگذریم، باید گفته
شود که این کارها فرود و نزول هنر
نقاشی را نشان میدهد . و تمام
این کارها جز تظاهر چیزی دیگری
نیست .

اما بعضی از این نقاشی‌های
دیواری واقعا زیبا و جالب است
یکی از بینندگان در مورد این نقاشی
ها چنین ابراز نظر میکند: منزل
من نزد یک این ساسا ختمان‌های نقاشی-
شده است . من هر روز مشاهده
میکندم که عده زیادی از این نقاشی
ها دیدن میکنند و این امر باعث
شده که بازار یک عده از دو کاس-
نداران رونق داشته باشد .

آر تیستا نیکه این نقاشی‌ها را
بوجود آورده اند یک عمل مثبت
را برای اجتماع شان انجام داده
اند... وقتیکه برای نقاشان و هنر-
مندان کاری در آتیله‌ها و کارگاه
های شان وجود نداشته باشد
این مصروفیت‌ها تا اندازه می‌تواند
آنان را راضی نگه‌دارد و این عمل
شان نوعی ارتباط معنوی است
با اجتماع شان .

عده دیگر هم چنین عقیده دارند:

ها جنبه هنری دارد .
مثلا در فرانسه در بعضی ساسا-
ختمانها مخصوصا روی دیوارهای
بیرونی نقاشی‌های وجود دارد که
واقعا از زیبایی زیادی برخوردار
است .

در نقاشی‌های دیواری هدف
عمده دیگری نیز مطرح است و آن
عکس العمل شدیدی که عده نقاشان



نمونه‌هایی از نقاشی‌های دیوار که بیشتر برای زیبا ساختن منظره
بیرونی بکار رفته است .

در نقاشی دیواری که امروزه در
اروپا رواج پیدا نموده است علاوه
بر پوشش دیوارها توسط رنگ
و روغن، احیای هنر قدیم بیشتر
مد نظر است . وقتیکه به ساختمان
ها و معا بعد قدیمی نظر می‌اندازیم
بعضی روی دیوارهای این معا بعد
و ساسا ختمانها نقاشی‌های
های را مشاهده میکنیم که ترسیم
کننده زندگی آن عصر بوده و نشان
دهنده هنر نقاشی آن زمان میباشد
از این رو ترسیم روی دیوارها
و ساختمانها یکی هم حفظ هنر قدیم است
این سخنان را یکی از نقاشان بیان
داشت .

یک موضوع دیگر هم در امر
نقاشی روی دیوارها وجود دارد
آن زیبا ساختن پس منظر این-
دیوارها و پنهان نگه‌داشتن ناز-
یبایی‌های دیوار از چشم‌هاست .
اکثر این نقاشی‌های دیوارهای
فابریکه‌ها و ساسا ختمانها یک-
از طرف بیرون منظره زیبا یسی
ندارند صورت گرفته است .
اما بطور کلی این نقاشی‌ها
صرف برای پوشاندن عیوب دیوار
ها نیست ، بلکه بیشتر این نقاشی‌

درباره سودمندی ...

تصحیح و یاد آوری :

باپوزش و علم خواص فراوان از خواننده گان ارجمند، متذکر میشویم که در مضمون «درباره سودمندی هنر» این شماره کیبختگی رو نامگر دیده است که در واپسین دقایق چاپ مجله ملتفت گردیدیم. بنا به مذاق سطر «برابر انسان می کشاید» صفحه ۲۲. مطلب ذیل همین جوکات مطالعه شود، و آنگاه به آغاز صفحه (۲۳) مراجعه گردد.

تولستوی که طرفدار جستجوی عاقلانه حقیقت بود سالها بر این سوال مسمی اندیشید که «چرا می نویسم؟» و بالاخر بدان نتیجه رسید که هدف هنر مشابه هدف زبان است. و آن وسیله متحد ساختن مردم میباشد در زیر سایه خداوند و کلمه از تباط نسیز از آن منشاء گرفته است. از این رو هر هنری که این یکپارچگی تیولوژیک مردم را بر هم بزند معیوب است.

بدینصورت به وضاحت دیدیم می شود که تیوری های گوناگون زیبایی شناسی به سودمندی هنری و بدانکه هنر در خدمت اهداف غیر زیبایی شناسی قرار می گیرد باور دارند. و این مطلب صادق است بدون نظر داشت آنکه اهداف مذکور تکامل تاریخی را ممانند یا مغل.

در واقع هنر هم لذت می بخشد و هم می آموزد. هم تنویر میکند و هم بر انگیزند. فعالیت و پیشرفت است در اینجا سخن بر سر هنر پیشرو است هنر ارتجاعی بانکای نغزای بیش از همه لذت می بخشد و مردم را به پستی مسمی کشاند. به بیراهه می برد و تسخیر می نماید. هنر ارتجاعی مانع پیشرفت و تحقق ضرورت تاریخی است چنان هنری منفی، معیوب و دروغین است و اما در دوران معیوب و بلهوس تنها همین هنر ارتجاعی را هنر می شناسند و تنها

توقع سودی از آن ها خوش آیند میباشند یعنی کاملاً بی غرضانه. این گونه تشخیص زیبایی شناسی انکشاف عقیده دیگر فیلسوف مذکور میا شد که عبارت است از «هدف بودن بی هدفی» بدان معنی که «هدف زیبایی خود آن است» یعنی خود غایب خویش است.

پستر سپنر با پژوهش در قوا نیسن تکامل فرهنگ (تغییر ساز ما نهایی مختلف و اهداف و وسایل نیل به اهداف) تأیید کرده: دنیا که آنرا در صفحه ۲۳ بخوانید

۱۴۵ مخ پاتی

دخمکی دآب او هوا ...

شته که چیزی دار کتیک دسمند رگی دانمی کنگلو نه ویلی شی ددغی سیمی پوزیاترو سیمو کی به بیا دژ می دموسم کنگلو نه تشکیل نشی.

دخمکی د تو دوخی زیا توالی دسمندرونو دسطحی خخه د بغار ونو پورته کیدل هم زیا توی او احصا نیو دا هم جو ته گیری دتوخی به صورت کسی وگوب و عر ضی زیا توالی داوبو د تبخیر اندازه به پوره انداز زیا توی لکه چی پورته ذکر شسوی دتو دوخی به صورت کی د لوپ و عر ضی

البلد ونو دسیمو تودوخی د تیپو عر ضی - البلد ونو دسیمو به پرتله لوپ پری د تو دوخی دسمند رگی دانمی کنگلو نه ویلی شی ددغی سیمی پوزیاترو سیمو کی به بیا دژ می دموسم کنگلو نه تشکیل نشی.

دو پوره هم شته چی دمنخنیو عر ضی البلدونو سیمی یعنی د آسیا، ارو پاو شعالی امریکا به سیمو کی داو بو نشتو الی احساس شی. دغه شان حالات به (۱۹۳۰) کال او (۱۹۶۷) او (۱۹۷۲) کلونو کی هم به نو موپو سیمو کی خه نا خه ولیدل شول خو به

خو خه تو که دا سخته بر بیسی چی دراتلونکی جغه دوران دآب او هوا به باب چی کنگل یکی نه وی خه وویل شی. خو به عر صورت ددغه دوران آب او هوا به بیخی دنتی آب او هوا به نسبت بیخی تو بیر ولری. دار کتیک ددایمی کنگلو نو دو ویلی کید و به نتیجه کی به زموون او سنی تری آب او هوا د پلبو سینی دوری نه سباعت پیدا گیری. د خمکی دپا سه د پلبو سین دوره له دوو خخه تر دربو میلیونو کلونو خخه یخو او ده. ددغی دوری اقلیمی حالت د خمکی داتمو سفیر داو سنی حالت سر ه

از مجله ساینس ورلد ترجمه بریالی علی زاد

در صرف نمودن گوشت باید

محتاط بود

ممکن سوالات گوناگون راجع به طرز تغذی انسانها در ادوار مختلف تاریخ نزد هر کس خلق شود و شاید یکی از این سوالات این باشد که آیا مردمان مغاره نشین چه میخوردند؟

اکثر مردم جهان به این عقیده اند که مغاره نشینان ابتدایی ترین واو لین گوشت خواران روی زمین بودند. مگر در اثر کاوشهای خستگی ناپذیر دانشمندان این حقیقت به اثبات رسیده که اجداد ما درازمه های قبل تاریخ گیاه خوار بودند.

دکتر الان واکر آنترولوژیست پوهنتون جانس هویکنس بمنظور اینکه فقط دریابد که اجداد ما در ادوار مختلف تاریخ چه میخوردند دندانهای فوسیلی انسانهای را که در زمانهای ماقبل تاریخ در روی زمین زیست داشتند تحت مطالعه قرار داد. (دندان فوسیلی دندانی را گویند که نظریه گذشت زمان به سنگ تحول نموده باشد.)

دکتر واکر در نتیجه تحقیقات بگیریش در یافت نمود که انواع ذرات سیلیکا (ریگ) موجود در غذا خراشیده گی های میکروسکوپی را بردند آنها تولید مینماید. اینرا هم باید خاطر نشان نمود که واکر میتواند با مشاهده دندان فوسیلی در تحت میکروسکوپ مخصوص معلوم نماید که آیا صاحب اصلی دندان گوشتخوار بوده یا گیاه خوار و یا اینکه از گوشت و گیاه بطور مختلف تغذی مینمود.

باید گفت که دکتر واکر دلدانهای آن انسانهای ماقبل تاریخ را تحت مطالعه قرار داد که در سالیان خیلی قدیم از هوموارکتس (اسلاف قرین مردمان مودرن) میزیستند. و در نتیجه در یافت که اوشان میوه خوار بودند.



سلام به همکاران عزیز!

بعد از دعای سلامتی، تجدید مطلع میکنیم و میگوییم که در شماره گذشته میبایست بجواب نامه های شما میبپرداختیم اما توفیقی نیافتیم و اقبالش را از کف مادر رودند و از سوی چه باید کرد؟ من مامورم و معذورم، و شما هم همینگونه... بهر صورت:

دوست عزیز محمد نذیر (زهیر) مامورنی برق دستگاه پروان!
خوب کار میکنید و هیچ اندیشه بی خود راه ندهید! آفدرهم، این هر دو (شعر و سخن) از هم دور نیست که باهم جوش نخورند، گرچه دریادی امر این کجا و آن کجاست و شعر کجا و نخبک کجا... اگر از جز بیات شعر گفتن و کاد فنی کردن بگذریم، برای پاس داشتن علاقه و سلیقه شما، توجه شمارا به این قسمه جلب میکنیم:

میگویند، و قبعکه فضا نوردان شوروی در آن سفینه تنگ فضایی خویش، در آن فضای بی انتها و لایتنای درخ آسمان ره میزدند، با ترم ترانه هوسرود هادلتنگی خود را زمزمه مینمودند و شادمانه به انجام کارهای خود مشغول می شدند...

و گویی اگر شعر و ترانه نمی بود، دل فضا نوردان در آن سفینه بی تنگ و دل آزار از دلنگی به فرکیدن می آمد و آفتاب را از کارشان باز میداشت! بهر تقدیر اینهم گره خوردگی صنعت و سخنک باشعروادب...

دوست عزیز، اشعار شما را از نظر گذرانیدیم و بنا به خواست شما توصیه می نمایم که شعر بسیار بخوانید. اگر نوبه شعر گفتن دست یازیده اید، حرفی نیست و بقول حافظ: هتم بدرقه راه کن ای طایر قدس که در ازست ره مقصد و من نوسفرم

در غیر آن در اشعار شما استحکام و بلندی کلام، دید شاعرانه، نحوه بیان، وسعت و قور وازه ها جای ندارد و فقط کلمات در قالب موزون کلام ریخته شده است و دیگر در فکر نبوده اید که کدام کلمات در قالب شعر ریخته شود که شعر پخته شود... عجلالتا یک یادو پارچه شعر شما را به رعایت نوبت، در صفحه دوستان به نشر میسپاریم و حرف بقیه را میگذاریم به بعد که چه میفرستید. آناک مورد اینکه گفته اید (این پارچه شعر بعد از چاپ

در مجله ژوندون، بایست توسط رسیده زاله... از طریق تلویزیون نیز قرائت گردد... ما را متعجب ساختید و فکر ما را به قصه بی انداختید که خود هم می فهمید برای برهن از پرگویی، قصه را مختصر میگویم. میگوید: اسب سواری را به ده زام نمیدادند ولی او تقاضا داشت که اسپش را در خانه ملک ببندند به انتظار همکاری تان.

دوست گرامی، س. ج متعلم صنف دوازدهم
تکاهی ارسالی تان رسیده، و در یکی از شماره های آینده بجواب میرسد و انتظار کجایات پر خنده یی دیگر شما را داریم و راستی نقشه را نمی بینید اگر نه پدر محترمش هم همین چنین کلان کلان نمی گفت. به امان خدا و انصرا لرین...

دوست مهربان عبدالقدیر بران متعلم صنف یازدهم لسه رحمن بابا!
سلام علیکم پارچه شعریکه به استقبالات صفحه زنان و دختران فرستاده اید، رسید. تشکر از لطف و نظر تان، اینهم گزیده یی از آن:

بساط نام تو در جهان به دختر افغان
بانام نامی رابعه ات کافی است همین
که از تودر گوشه دنیا سخن آید معجب خواند
اندر صفت تو ((غرق آزادی)) باخون رنگین
ای دخت سرنوشت خود را خود کن تعیین
بدست قلم به دست دیگر تفنگک زین
به گیتی سر بلند باشی ای دختر افغان
جاوید زی باشی به همین رهین

دوست ارجمند میر حبیب الله شفق عضو مهندسی ریاست تعمیرات وزارت دفاع
مامم سلام هایکه گرمی را از خورشید و شیرینی را از غسل وام گرفته باشد، تقدیم شما دوست عزیز می نمایم و سلامتی آرزوی کنیم

از لطف و نظر نیک تان تشکر پارچه شعر (بیتوی) شمارا که خدانگهدی اوشوید، در یکی از شماره های آینده بدون در نظر داشت قربت بجای میسپاریم و علتش اینکه نوبت را از ماه هایش گرفته اید و یارد دیگر انصاف نشاند که باز هم بر رعایت نوبت بایستید. خدا حافظ

دوست عزیز محمد همایون عزیز عضو انجمن تجارتنی در کویت
سلام میفرستیم و سلامتی شما همکاران بان را آرزو میبریم. خرسندیم که در یاد ما اید و همکاری خویش را پیوسته دنبال میکنید

مضمونی بایک قطعه عکس و شعر از شما دریافتیم که مضمون تان به صفحه جوانان بچاپ میرسد و پارچه شعر شما در صفحه دوستان، به انتظار همکاری تان، خدا حافظ.

دوست عزیز احمد فواد داعع!
یادداشتهای سودمندتان که حاوی گریختاندن موش ها از خانه ها، و حفاظت کاهو ها از حشره ها و تشکیک تخم خوب از بد بود به ما رسید و سپردیش به مصدیان صفحه خنده و دوستان که در صورت لزوم به چاپ بسپارند. موفق باشید..

هنکار مهربان فاطمه حمیدی متعلم لسه آمنه فدوی!
بپذیر سلام مرا نیز، مطلب شما را به تصدی صفحه مسابقات و سر گرمیا تحویل ددیم که در امر نشرش اقدام نماید، خدا حافظ تان.

رفیق ارجمند محمد یاسین محصل پوهنخی انجنیری!
سلام علیکم دوست عزیز، داستان شما رسید و اگر با اسلوب داستان نویسی هماهنگ بود، همزمان باطلبعه بهار داستان شما نیز از صفحات مجله ژوندون ملووع خواهد کرد. ولی در غیر آن چیز های دیگری بفرستید...

برادر بزرگوار محمد شریف پیغام!
پارچه شعر، چکیده از ذهن جستجوگر تان به ما رسید، سپردیش به تصدی صفحه دوستان که با در نظر داشت رعایت نوبت به به نشرش میادرت و زرد، کامروا باشید...

دوست عزیز فضل هادی وزین متعلم مدرسه عالی دارا لعلوم غربی کابل!
«نگاه گرم» شمارا از بسته رسان گرفتیم کمی هوای سرد اسمال آن نگاه ها را سرد ساخته است. اگر از شوخی بگذریم این پارچه شعر شما از پختگی کلام عاریست که حتما در آینده، با همکاری های دیگر تان جبرانتش را میکنند و واقعا «نگاه های گرم» میفرستید موفق باشید.

رفیق مهربان غ. ج. چولی نای!
دو پارچه شعر از شما دوست عزیز در یافتیم و عنقریب یکی آن که با مرامنامه نشراتی مجله وفق دارد به حلیه طبع آراسته میگردد. مطالب بیشتری بفرستید و همکاری خویش را پیوسته ادامه دهید.

دوست مهربان ام. س. جنبش!
سلام میگویم و خوشوقتیم که همکاری خویش را با مجله ژوندون آغاز یده اید. مطلب بنام «زن در اجتماع» و جواب به پرسش صفحه مسابقات و سر گرمیا را خواندیم. هر دو مطلب رایبه تصد یان «دوستان» و «سر گرمیا» سپردیم که در نشرش توجه بدارند، موفق باشید.

برادر عزیز غلام سخی!
متقابلا سلام میگویم. ملی حتما میبفرستید هر چه دل تشنگ تان میخواهد بگو یید و ما بفرستید: و باز هم عرض کنیم که حتما بجایش اقدام میوزیم مشروط بر اینکه مسا موازین و اصول نشراتی مجله وفق داشته باشد مطمئن باشید، خدا حافظ تان.

رفیق مهربان شیر محمد هوتکیار محصل اکادمی تربیه معلم!
جواب جدول شماره (۳۷) مجله ژوندون را دریافتیم و یادداشت که در ذیل نام خویش نکاشته اید درست و صحیح است. مطلب تانرا به تصدی صفحه سر گرمیا و مسابقات سپردیم که قناعت تانرا فراهم سازد و اسم شمارا در زمره حل کنندگان جدول مسابقات بگردد. موفق باشید.

مطالب دیگری نیز به مجله رسیده است که موفق به ارایه پاسخ نشدیم و در آینده کوشش می نماییم که به جواب پردازیم عجلالتا از آنهاییکه به مانامه فرستاده اند و جواب نگرفته اند، فقط اسم شانرا ذکر می کنیم که نامه های شان بما رسیده است:

- دوست عزیز، فینون وری عین
- دوست عزیز، عبدالقهار امان
- دوست عزیز، سید رحیم متعلم لسه شبرغان
- دوست عزیز، ا. س. جنبش
- دوست عزیز، عزیزه رسولی
- دوست عزیز، نادر
- دوست عزیز، میرمن ماری
- دوست عزیز، بشیر احمد
- دوست عزیز، نعمت الله «نیکین»
- دوست عزیز، عبدالرحی «غروب»
- دوست عزیز، یار پور
- دوست عزیز، ناصر آرین
- دوست عزیز، بسم الله «حریف»
- دوست عزیز، محمد یاسین محصل انجنیری
- دوست عزیز، محمد عاطف عثمانی
- دوست عزیز، سید حسن
- دوست عزیز، احمد الله رهین
- دوست عزیز، سوریان
- دوست عزیز، شیر محمد هوتکیار



مدیرمسؤل: شیر محمد کاوه
سعاون: محمد زمان نیکرای
امر چاپ: علی محمد عثمان زاده
مبتمم: نوریه
ادرس: انصاریات

تقابل ریاست مطبع دولتی
تیشون دفتر: ۲۶۸۴۹

مطبعة دولتی

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**